



## محسن پسر ایران

- تشییع پیکر شهید محسن حججی با حضور رهبر انقلاب و انبوه مردم برگزار شد
- چگونه محسن حججی به قهرمان ایرانیان تبدیل شد؟

### لاریجانی می‌خواهد تصویر شبه روحانی از خودش بسازد

صادق زیباکلام، محمد سعید احدیان و عبدالله ناصری در گفت‌وگو با مثلث همنشینی لاریجانی - خاتمی را بررسی کردند

### دولت‌سازی کاذب

اعتراض‌ها به همه پرسى اقلیم ادامه دارد

### سقف ارشاد

گفت‌وگوی سعید ابوطالب و امیرپور با درباره توقیف در سینمای ایران



# با کوثر کارت

## از تیم محبوبتون حمایت کنید



• امکان افتتاح حساب در هر یک از ۳۵۱ شعبه موسسه اعتباری کوثر در سراسر کشور  
• حمایت از تیم بدون پرداخت هزینه و تنها با افزایش تراکنش های مالی با کوثر کارت





تولید و پخش زبرا و کرکره در طرحها و رنگ های مختلف

تولید و پخش دکورهای پرده ای مثبت کار دست

آماده عقد قرار داد و اجرای کار با منازل،

سازمان ها و نهادهای دولتی و خصوصی

با مدیریت رضا رضی خط مستقیم مدیریت: ۰۹۱۲۶۱۵۲۰۵۸





هواه اول

www.mci.ir

هر هفته هزینه یک موتور ۱۰۰۰  
به ارزش هزار میلیون ریال!

\* ۱۰۰ \* ۲ #

ویژه کاربران بسته‌های اینترنت همراه اول





## بیژن و منیرّه

نام مؤلف: سوسن طاقدیس، تصویرگر: محرم اسلام‌نژاد

ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

تعداد صفحات: ۳۲

کتاب «بیژن و منیرّه» نوشته سوسن طاقدیس و با تصویرگری محرم اسلام‌نژاد، یکی از مجموعه کتاب‌های مصور «نامه نامور» است. این کتاب، اقتباسی از داستان بیژن و منیرّه در شاهنامه ابوالقاسم فردوسی است. بیژن و منیرّه داستانی است که بازنویسی آن بر عهده سوسن طاقدیس بوده است. سوسن طاقدیس، نویسنده کتاب‌های کودک و نوجوان است که کار خود را با نوشتن داستان «بابای من دزد بود» در کیهان بچه‌ها شروع کرد و جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی برای کتاب «قدم یازدهم» در سال ۱۳۸۶، از جمله افتخارات مهمی هستند که سوسن طاقدیس آن‌ها را کسب کرده است.

داستان بیژن و منیرّه روایت علاقه پاک میان «بیژن»، پسر گیو که از پهلوانان و دلوران دربار کیخسرو، پادشاه ایران بود و «منیرّه»، دختر افراسیاب شاه سرزمین توران است. مجموعه «نامه نامور»، برای گروه سنی «د» یعنی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول طراحی شده و مجموعه ارزشمندی برای آشنایی نسل جدید با داستان‌ها و حکایت‌های شاهنامه است.

این مجموعه ۱۲ جلدی در سال ۱۳۹۲ برای بار نخست در ۵۰۰۰ نسخه منتشر شد و در سال ۱۳۹۳ با همین شمارگان به انتشار مجدد رسید. اختصار، جذابیت بصری و روایتگری هنری، از ویژگی‌های برجسته این مجموعه دوازده‌گانه به‌شمار می‌رود.





## «محسن» پسر ایران

چگونه محسن حججی به قهرمان ایرانیان تبدیل شد؟





## بدرقه با شکوه

تشییع پیکر شهید محسن حججی با حضور رهبر انقلاب و انبوه مردم برگزار شد

وقتی که ما امثال شهید حججی‌ها را داریم نه تنها امنیت در این کشور برقرار است، بلکه ناپودی استیکار را هم جشن می‌گیریم، «وی با بیان اینکه ملتی که امثال شهید حججی‌ها را دارد، هرگز شکست نخواهد خورد، افزود: «شما مردم فکر شهید حججی را در منطقه صادر کردید و امروز فکر شهدای دفاع مقدس به برکت شهید حججی منطقه را فرا گرفته است.» پناهیان با اشاره به اینکه روزگاری برخی روزنامه‌های داخل کشور می‌نوشتند که مردم از اسم شهید، جانباز و رزمنده خسته شده‌اند، خاطرنشان کرد: «کجا هستند این افراد که ببینند ملت هنوز به شهدایشان افتخار می‌کند و برای تشییع شهدایشان بیش از گذشته مایه می‌گذارند.» وی در ادامه گفت: «ملتی که چنین شهدایی دارد به این شرط پیروز خواهد شد که برای شهدای خودش احترام قائل شود.» در این آیین که با حضور ده‌ها هزار تن از مردم شهیدپرور و ولایت‌مدار تهران از میدان امام حسین (ع) آغاز شد و تا میدان شهدا ادامه یافت شماری از مسئولان و مقامات عالی‌رتبه کشوری و لشکری حضور داشتند.

### عاشقانه‌های مردم قهرمان پرور

ساعت حدود ده و نیم بود که ماشین حامل پیکر مطهر شهید حججی به سمت خیابان ۱۷ شهریور حرکت کرد و تشییع پیکر به سمت میدان شهدا آغاز شد. بخشی از مردم پس از اتمام مراسم سخنرانی و مداحی روانه خانه‌هایشان شدند اما بخشی دیگر با آغاز تشییع پیکر مطهر تازه به جمع باشکوه تهرانی‌های مشایعت‌کننده اضافه شدند. ازدحام زیاد و هجوم موج جمعیت مشتاق برای تشییع این شهید مدافع حرم، همه را ناخودآگاه به یاد خاطره تشییع سخت اما باشکوه غواصان شهید دست‌بسته دفاع مقدس می‌انداخت که دو سال پیش در میدان بهارستان آغاز شد

برگردیم» که از سوی حاضران این مراسم سرداده می‌شد شور و حال عاشورایی به میدان امام حسین (ع) تهران بخشیده بود. در آغاز این آیین، که با تلاوت قرآن کریم آغاز شد، مداحان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) به مداحی و نوحه سرایی پرداختند.

نوحه خوانی، سینه‌زنی، برپایی ایستگاه صلواتی، دود کردن اسپند، پاشیدن گل و گلاب روی پیکر پاک و نورانی این شهید و تشییع کنندگان آن از سوی مردم شهیدپرور تهران از دیگر زیبایی‌های این مراسم معنوی بود که ساعت‌ها ادامه داشت.

حمل پرچم مقدس جمهوری اسلامی ایران و بیرق‌های، سبز، سرخ و مشکی‌رنگ با عبارت‌های السلام علیک یا علی بن ابیطالب (ع)، السلام علیک یا فاطمه الزهرا (س)، یا امام حسن مجتبی (ع) و یا اباعبدالله الحسین (ع)، یادآور ارادت شرکت‌کنندگان حاضر در آیین تشییع به آرمان‌های نظام اسلامی و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بود.

طنین نوای آسمانی «یا زهرا (س)» به همراه تلاوت زیارت عاشورا از سوی شرکت‌کنندگان در این مراسم هنگام تشییع این شهید، فضای میدان امام حسین (ع) تهران را آسمانی و عطراگین کرده بود. حجت‌الاسلام علیرضا پناهیان طی سخنرانی در این مراسم با اشاره به اینکه شهید حججی افتخاری برای همه شهدای مدافع حرم بود، افزود: «شهید حججی الگویی برای همه جوانان حزب‌اللهی بود. وی برای فعالیت در مناطق محروم، امور فرهنگی و انقلاب، شب و روز نمی‌شناخت.» وی توضیح داد: «ما اگر هرجایی یک عنصر حزب‌اللهی مانند شهید حججی داشتیم که آنقدر باصفا، مردانه و از خود گذشته به میدان برود، مورد علاقه همگان قرار خواهد گرفت. این استاد حوزه و دانشگاه در این مراسم اظهار کرد: «تا

پیکر پاک پاسدار مدافع حرم شهید محسن حججی از رزمندگان سلحشور و دلاور لشکر هشت نجف اشرف نیروی زمینی سپاه که در دفاع از حرم حضرت زینب (س) به دست اشقیای تکفیری و تروریست‌های داعش، مظلومانه و غریبانه به شهادت رسید، صبح چهارشنبه با حضور گسترده مردم و مسئولان در تهران تشییع شد. ده‌ها هزار تن از مردم سیاهپوش نیز از اقشار گوناگون جامعه در این مراسم که از صبح تا ظهر در میدان امام حسین (ع) تهران و خیابان‌های اطراف برگزار شد، شرکت داشتند. خانواده معظم شهید، مسئولان بلندپایه کشوری و لشکری و اقشار مختلف مردم تهران و شهرهای اطراف در این مراسم حضور داشتند. آیت‌الله املی لاریجانی رئیس قوه قضائیه، علی لاریجانی رئیس مجلس، محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، سردار پاکپور فرمانده نیروی زمینی سپاه، علی اکبر ناطق‌نوری، محسنی‌اژه‌ای سخنگوی قوه قضائیه، محمدحسن ابوترابی فرد، شهیدی محلاتی رئیس بنیاد شهید، سردار جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل، سردار فدوی فرمانده نیروی دریایی سپاه، محمدرضا باهنر، علی سعیدی نماینده ولی فقیه در سپاه و جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از جمله مسئولان و شخصیت‌های حاضر در این مراسم بودند. این مراسم به صورت زنده از شبکه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی پخش شد و خبرنگاران، عکاسان و تصویربرداران زیادی از رسانه‌های مختلف به پوشش برنامه پرداختند.

یک بالگرد و چند دستگاه کوادکوپتر فیلمبرداری نیز تصاویر هوایی یکی از بزرگترین تجمعات سال‌های اخیر در تهران را ثبت کردند.

نچوای همگانی «این گل را به رسم هدیه تقدیم نگاهت کردیم»، «حاشا اینکه از راه تو حتی لحظه‌ای



## حضور رهبر انقلاب در کنار پیکر مطهر شهید حججی

دقایقی پس از سحرگاه چهارشنبه، حضرت آیت الله خامنه‌ای به مسجد امام حسین (ع) واقع در میدان امام حسین علیه السلام تهران رفتند و برای لحظاتی در کنار پیکر مطهر شهید محسن حججی حضور یافته و ضمن قرائت فاتحه، برای این مدافع حرم اهل بیت علیهم السلام آرزوی علو درجات کردند. همچنین، مقام معظم رهبری دقایقی با خانواده این شهید عزیز به دیدار و گفت‌وگو پرداخته و از مجاهدت آنان تقدیر و تشکر کرده و برایشان صبر و اجر از درگاه الهی آرزو کردند.



و پنج ساعت به طول انجامید. گاهی آن قدر تشنگی، گرما و فشار جمعیت آزار دهنده می‌شد که مردم با صدای بلند یاد شهدای کربلا را زنده می‌کردند جمعیت یکصدادر خیابان ۱۷ شهریور همراه با مداح شعار می‌داد و «لیک یا حسین (ع)» و «لیک یا زینب (س)» سر می‌داد. وقتی جمعیت جلوتر رفت، ازدحام باعث شد صدای بلندگوها و صدای شعار راهنمای جمع از جمعیت دور شود. اما مردم منتظر او ماندند و خودشان خودجوش جمعیت را رهبری کرده و شعار می‌دادند. شعارهای خودجوش مردم هم‌رنگ و بوی شعارهای انقلابی را داشت. آنها شعارهایی از قبیل «این همه لشکر آمده، به عشق رهبر آماده»، «ما اهل کوفه نیستیم، علی تنها بماند»، «مرگ بر آمریکا، مرگ بر سعودی»، «مرگ بر فتنه‌گر» و «حسین حسین شعار ماست، شهادت افتخار ماست».

برخی از مردم روی پشت بام‌های خانه‌شان ایستاده و همراه با جمعیت خیابان ۱۷ شهریور شعار می‌دادند و سینه می‌زدند. حضور عکاسان و فیلمبرداران نیز روی این پشت بام‌ها و تیرهای چراغ برق نشان از تلاش مضاعف‌شان برای ثبت این لحظه‌ها می‌داد. مردم زیادی دوربین و موبایل به دست از سیل جمعیت فیلم می‌گرفتند، از صدای تکبیرها و پرچم‌ها. همه یک تصویرساز خودجوش شده بودند تا برای آلبوم شخصی‌شان هم که شده چند فریم از این حماسه بی‌نظیر را ثبت کنند. رزمندگان و خانواده شهدای افغانستانی لشکر فاطمیون با لباس رزمندگان این لشکر و پرچم‌های زردرنگ فاطمیون که برخی از آنها منقش به شعار «لیک یا زینب (س)» شده بود در یک سوی خیابان و رزمندگان پاکستانی تیپ زینبیون با پرچم‌های منقش به نام زینبیون نیز در سوی دیگر کنار سایر مردم در مراسم تشییع پیکر مطهر این شهید مدافع حرم حضور داشتند.

برخی از این برادران افغانستانی و پاکستانی تصاویر شهدای خود را نیز در دست گرفته و یادشان را در کنار هم‌رزمش زنده کردند. آفتاب تند روی صورت مردم می‌تابید و تیزی این آفتاب خیلی‌ها را بی‌طاقت کرده بود. هرچند ایستگاه‌های صلواتی بین راه به توزیع آب مشغول بودند، اما تعداد مردم بیشتر از آن بود که رسیدگی‌ها جوابگوی همه باشد. در این میان مردم ساکن خیابان ۱۷ شهریور و کارمندان اداراتی که در این خیابان قرار داشتند، سعی می‌کردند به هر وسیله به مردم کمک کنند تا سختی تحمل گرما برایشان کمتر شود. تعداد زنانی که روی پشت بام‌ها شلنگ آب باز کرده و روی مردم آب می‌پاشیدند تا از حرارت بدن آنها بکاهند، کم نبود. پیرمردی هم شیشه‌های کوچک نوشابه را پر از آب خنگ کرده و میان مردم توزیع می‌کرد. یکی از کسبه نیز کلمن آب مغازه‌اش را میان جمعیت آورد تا چند نفری را سیراب کند. گروه سرود «سلام مدافع حرم» با اجرای این سرود در مسیر تشییع پیکر مطهر شهید محسن حججی در انتهای خیابان ۱۷ شهریور منتهی به میدان شهدا، به فضای حماسی این مراسم افزوده بود. نوای این سرود برای همه آشنا بود. آنقدر که جمعیت یکصدای زمزمه می‌کرد: «سلام عزیز پرپر، سلام بیل دلاورم، سلام مدافع حرم...»

ساعت ۱۲ بود که ماشین حامل پیکر مطهر شهید به میدان شهدا رسید. اما بیش از نیم ساعت طول کشید تا سیل عظیم جمعیت تشییع‌کننده به این میدان برسند. کم‌کم مردم پراکنده شدند و پیکر شهید محسن حججی برای انتقال به اصفهان آماده شد. پیکر مطهر شهید جهت انجام مراسم وداع، تشییع و تدفین در شهرستان نجف‌آباد استان اصفهان که زادگاه شهید و محل سکونت خانواده اوست با هواپیما به اصفهان منتقل شد.



## جلوه وحدت

شهید حججی ثمره دسته‌های عزاداری است

حسینعلی حاجی دلپگانی

عضو فراکسیون نمایندگان ولایی

محسن حججی امروز نماد شهدای مدافع حرم است. اخلاص و ممارست او در مسائل دینی و مذهبی چنین جایگاهی را برایش رقم زد. وقتی کسی حسابش را با خدای خود صاف می‌کند، قطعاً خداوند محبت او را در دل انسان‌ها قرار می‌دهد و به همان میزان کارش در مرعا و منظر مردم خوب جلوه می‌کند، به طوری که این مساله برای مردم با اهمیت می‌شود. شهید حججی ثمره دسته‌های عزاداری است، شهید حججی و این خط مقاومت ثمره دسته‌های

بلندشده برای سینه‌زدن و زنجیرزنی‌ها و علم و کتل‌های دسته‌های عزای ابا عبد الله الحسین (ع) است. ۱۴۰۰ سال این عزاداری‌های باشکوه این خط مقاومت را برای ما به ارمغان آورده است و دسته‌های عزاء، دسته‌های نصرت سیدشهاد هستند و دسته‌هایی هستند که می‌خواهند امام حسین (ع) را یاری کنند و فقط برای سوگواری نیستند.

وقتی مراسم تشییع پیکر شهید حججی را مشاهده کردم، آن را جلوه‌ای از وحدت یافتیم. آن جمعیت کثیری که در این مراسم حضور پیدا کردند، فارغ از گرایش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آمدند. خوشبختانه در مسائل انقلابی‌گری، دفاعی، انسجام ملی، استقلال و وحدت ملی کشور با وجود اختلاف سلیقه‌های می‌بینیم همه دور هم جمع می‌شوند و منافع ملی را مورد توجه قرار می‌دهند. یکی از این مسائل هم دفاع از حرم و کار بسیار ارزشمند منطقه‌ای

است که انجام می‌شود و جایگاه ایران به دست رزمندگان سپاه و بسیج در قالب کمک‌های مستشاری به ملت‌های مظلوم سوریه و عراق ارتقا پیدا می‌کند. بسیج جهان اسلام امروز محقق شده و همه اینها به برکت امام است. وقتی این اقتدار از جمهوری اسلامی نشان داده می‌شود، هر ایرانی به خودش می‌بالد که چنین رزمندگانی در صحنه مبارزه با تروریست‌های تکفیری حضور دارند.

اگر یک سری مردم به شهدای مدافع حرم نگاه دیگری داشتند اما بعد از شهادت محسن حججی و مشاهده نحوه شهادتش، خیلی از آن نگاه‌ها تغییر کرد. به هر حال خدا ذخایری دارد که از ابتدای انقلاب شاهدش بودیم. وقتی انقلاب در مقاطعی نیاز به حرکتی داشت، از آن راهی که کسی باورش نمی‌شد، خدا آن هدیه و خفیه خودش را به انقلاب اسلامی داد. ما در مقاطع مختلفی شاهد اینگونه عنایت‌های غیبی از طرف خدا بودیم. یکی از آن عنایت‌ها نیز معرفی شهید حججی به دل‌های صاف همه کسانی است که عاشق انقلاب و ایران اسلامی هستند. مردم به شهدای شان افتخار می‌کنند و برای تشییع شهدای شان بیش از گذشته مایه می‌گذارند، در دوران دفاع مقدس شهدا عزیز بودند و هم اکنون بیشتر جایگاه‌شان برای ملت ایران مشخص و مورد احترام است. این رشد مردم ما را نشان می‌دهد. زمینه انقلابی در مردم به خوبی وجود دارد و در ذات مردم اعتقادات الهی است. تجلی و بروز شهدای مدافع حرم نشان می‌دهد انقلاب اسلامی فعالیت سازنده دارد و ادامه خواهد داشت.

نگاه جوانان به شهدای مدافع حرم نیز الگوبردارانه است. جوانان نسل سوم انقلاب با بصیرت‌ها و رشادت‌هایی که در مدافعان حرم می‌بینند، هر جایی کار و فعالیت‌شان به سختی بخورد، مدافعان حرم را الگو قرار می‌دهند. شهید حججی از جمله این الگوهاست که با آگاهی و اخلاص این طور توانست اسوه برای بقیه جوانان شود.

برای آنکه راه و یاد شهدای مدافع حرم زنده بماند، ادای مسئولیت افراد برای تبیین مسائل و جرات داشتن برای بیان واقعیت‌ها مهم است و کمک می‌کند تا بتوانیم آنچه مربوط به افتخاراتمان است به نسل‌های بعدی منتقل کنیم.

ملتی که شهدایی مثل شهدای مدافع حرم دارد و برای شهدای خود احترام قائل است، پیروز خواهد شد و خداوند نور شهید حججی را به همه تشییع کنندگان عنایت می‌کند؛ همان طور که برای گریه‌کنان ابا عبد الله الحسین (ع) از نور امام حسین (ع) عنایت می‌کند و مردم در ماه محرم حال خوش معنوی را حس می‌کنند.

بشارت پایان عمر داعش و گروه‌های تکفیری ظرف ۳ ماه آینده اعلام می‌شود، یعنی نام و عنوانی از داعش دیگر نمی‌ماند اما هیچ‌گاه دست پنهان آمریکا را در ایجاد و تقویت این گروه تکفیری فراموش نمی‌کنیم. گرچه امروز نیز انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها در ظاهر با موضوع استقلال اقلیم کردستان عراق مخالفت می‌کنند اما در پشت صحنه و خفا حامی این مساله هستند، بنابراین باید با روش‌های بسیار مدبرانه تخاصمی که جداسدن اقلیم کردستان عراق برای مردم منطقه به وجود می‌آورد، اطلاع‌رسانی درست شود تا توطئه شوم این تروریست‌پروران، جنتیکاران و استعمارگران جهانی نقش بر آب شود.

نکته دیگری که می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که امروز دشمن در جبهه جنگ نرم کانون خانواده‌های ایرانی را با فضای مجازی و تولیدات فرهنگی خود هدف قرار داده تا اجازه ندهد «حججی‌ها» و هزاران شهید مدافع حرم تربیت شود. امروز ما در بسیاری از زمینه‌ها به فضل الهی و لطف پروردگار عالم در شرایط بهتری از دشمن به سر می‌بریم تا جایی که کسی قدرت رویارویی با ما را ندارد. ►

# سرمایه اجتماعی

## محسن حجی چگونه به قهرمان ایرانیان تبدیل شد؟



احمد بخشایش اردستانی

استاد دانشگاه

۲ مراسم تشییع و خاکسپاری پیکر شهید محسن حجی با حضور مسئولان عالی رتبه نظام و گسترده مردم برگزار شد. امروز او نزد ملت ایران نماد شهدای مدافع حرم است. حجی انسانی صاف و صادق بود به خاطر خدا، اسلام و مبارزه با تروریست‌های تکفیری به سوریه رفت و در خط مقدم با داعشی‌ها به نبرد پرداخت. حرکات و رفتار خدایی داشت، بنابراین در دیار باقی نزد پروردگار عالم اجر و جایگاهی والا دارد. قطعا منزل آخرت شهدا در بهشت است. البته امثال حجی‌ها که برای کشور و دین‌شان ایثار و از خودگذشتگی کردند و به درج رفیع شهادت نائل آمدند، بسیارند.

داعش در نحوه به شهادت رساندن محسن حجی بدترین روش را انتخاب کرد و هر کس تصویر زمان شهادت شهید حجی را می‌دید منقلب می‌شد و از کارهای داعش اعلام نفرت می‌کرد. به هر صورت شقاوت بیش از اندازه داعش و حرکت خدایی شهید حجی عواملی بودند که مراسم وداع با پیکر مطهر این شهید پرجمعیت و مثال‌زدنی شود.

البته مردم ایران همیشه شهدا را احترام می‌گذارند، چون شهدا جان خود را در کف دست گرفتند و به خاطر برقراری امنیت و آسایش در کشور به نبرد با جبهه باطل تکفیری شتافتند و در این راه جان خود را از دست دادند. من فکر نمی‌کنم حتی کسانی که نسبت به دولت دیدگاه‌های

مختلفی دارند امروز روی حقانیت راه شهدا بحث داشته باشند. همواره در کلاس‌های درس می‌گفتم که جنگ هشت سال دفاع مقدس قطعه‌ای از بهشت است که تمام گروه‌ها فارغ از خط سیاسی‌شان روی آن بحثی ندارند. شهدا رفتند و با کاری خدایی از جایگاه، شأن، امنیت و عزت ملت، کشور و نظام خود دفاع کردند. هر کس از کشور دفاع کند در ذهن و دل مردم ایران جا دارد.

در مراسم تشییع جنازه شهید حجی شاهد بودیم از همه گروه‌ها، سلیقه و تشکل‌های سیاسی فارغ از اختلاف دیدگاه‌ها حضور داشتند. این اهمیت و والایی جایگاه شهدا را نشان می‌دهد. نگاه مردم و سیاسیون کشور به شهدا با نگاه آنها به انتخابات فرق می‌کند. گرچه امروز سرمایه اجتماعی جناح‌های سیاسی کاهش پیدا کرده است و افکار عمومی احساس می‌کند جناح‌های سیاسی فقط برای تأمین منافع خود رسیدن به قدرت را هدف قرار دادند و حقوق‌های نجومی، پارتی‌بازی، تبعیض و بی‌عدالتی‌ها از اینجها نشأت می‌گیرد اما وقتی صحبت از شهید می‌شود مردم از زاویه دیگری به موضوع نگاه می‌کنند چون شهدا بزرگترین سرمایه خود یعنی جان‌شان را در طبق اخلاص گذاشتند.

ما در مراسم وداع با پیکر شهید حجی نمادهایی از وحدت را شاهد بودیم. به همین علت معتقدم جناح‌های سیاسی شهدا را مصادره به مطلوب نمی‌کنند و نباید هم این کار را انجام دهند. در صورتی که یکی از گروه‌ها اعم از راست یا چپ، اصولگرا یا اصلاح‌طلب بخواهد جمعیت حاضر در مراسم تشییع پیکر شهید حجی را به خود منتسب کند، اشتباه است چرا که مردم تایید را در پای صندوق رای انجام می‌دهند نه

در مراسم تشییع پیکر شهدا. حجی‌ها سرمایه‌های معنوی این ملت هستند و باید به الگویی برای جوانان این مرز و بوم تبدیل شوند. به عنوان کسی که با جامعه جوان دانشجویی کشور در ارتباط هستم می‌گویم رسیدن به چنین هدفی الزاماتی می‌خواهد و آن اینکه روحیه از خودگذشتگی و آثار مثبتش در صحنه واقعی زندگی برای آنها روشن شود. مثل این می‌ماند که در ایام سوگواری اباعبدالله حسین (ع) خیلی‌ها در هیئات مذهبی حضور پیدا می‌کنند اما حسینی واقعی کسی است که به شعار کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا اعتقاد قلبی داشته باشد و همواره خود را در مسیر امام حسین (ع) و یارانش ببیند. شاید تا دیروز اهمیت و بزرگی کار مدافعان حرم برای مردم ما روشن نبود اما امروز متوجه شدند کسی که در جهت دفاع از کشور جان می‌دهد محترم است. مدافعان حرم در سوریه با داعش می‌جنگند به همین دلیل با وجود اینکه جنگ و ناامنی، اطراف کشور را احاطه کرده است اما ما در امنیت قرار داریم که وجود این امنیت را مدیون خون شهدای مدافع حرم هستیم و باید قدر دان این امنیت و ایثار و فداکاری شهدای مدافع حرم باشیم. دولت آمریکا داعش را درست کرد تا طرح خاورمیانه بزرگ را به اجرا درآورد. یعنی سوریه و عراق را زیر بال بگیرد تا بعد به ایران حمله کند. بوش پسر بعد از ۱۱ سپتامبر گفت مردم آمریکا ما در عراق و افغانستان می‌جنگیم تا مجبور نشویم در واشنگتن با تروریست‌ها مبارزه کنیم. مردم ایران نیز امروز متوجه شدند نیروهای نظامی کشورمان در سوریه و عراق خدمات مستشاری می‌دهند تا مبادا روزی پای تروریست‌ها به داخل کشورمان باز شود تا بخواهند امنیت ما را دچار خدشه کنند. ▶



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَكَلَّمَكَ جَعَلَنَّاكَ أُمَّةً وَسَطًا لِنُكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ  
وَيُكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مصطفی آجورلو

سردبیر: سعید آجورلو

## تأثیر نهضت سیدالشهدا «ع»

سخنرانی در جمع روحانیون قم،

تهران و آذربایجان

من از علمای محترم آذربایجان و اهل علم آنجا و علمای تهران و برادران علمای اهل سنت تشکر می‌کنم و سلامت و سعادت همه را از خداوند تعالی مسئلت می‌کنم. در آستانه شهر محرم، مصیبتی بر همه ما وارد شد و آن شهادت این پیر هشتادساله [است] که عمر شریف خودش را در راه اسلام و در راه خدمت به مردم و راه تهذیب جامعه صرف فرمود. ملت ما از طفل شش ماهه تا پیرمرد هشتادساله را در راه خدا فدا کرد و این اقتدا به

بزرگمرد تاریخ، حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - است. حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائز چه باید کرد. با اینکه از اول می‌دانست که در این راه که می‌رود، راهی است که باید همه اصحاب خودش و خانواده خودش را فدا کند و این عزیزان اسلام را برای اسلام قربانی کند، لکن عاقبتش را هم می‌دانست. اگر نبود این نهضت؛ نهضت حسین - علیه السلام - یزید و اتباع یزید اسلام را وارونه به مردم نشان می‌دادند. و از اول، اینها اعتقاد به اسلام نداشتند و نسبت به اولیای اسلام حقد و حسد داشتند.

سیدالشهدا با این فداکاری که کرد، علاوه بر اینکه آنها را به شکست رساند و اندکی که گذشت، مردم متوجه شدند که چه غائله‌ای و چه مصیبتی وارد شد. و همین مصیبت

## خبرنامه

تغییر چهره یا اصلاحات ساختاری؟  
چرا این پول‌ها را به فقر نمی‌دهید؟  
از ژن خوب تا پسر نوح  
راه انقلابیون از میان مردم می‌گذرد...

۱۲-۱۷

## گفتارها

دشواری‌های حبیب‌شدن  
عصر فرزندان هیتلر  
پیروزی تلخ  
پازل پیچیده

۱۸-۲۵

## سیاست

تحلیل زیبا کلام از همنشینی لاریجانی - خاتمی  
لاریجانی یا پیش‌گذاشته تا تعامل صورت گیرد  
لاریجانی می‌خواهد تصویر شبه روحانی از خودش بسازد

۲۶-۳۰



تحریریه:

دبیر تحریریه: مصطفی صادقی

سیاست: مصطفی صادقی (دبیر) - امید کرمانی‌ها حنیف غفاری

بین‌الملل: سعیده سادات فهری (دبیر)

اقتصاد: محمد مهدی صدرزاده (دبیر)

دیدار: افشین خماند (دبیر)

ورزش: مهدی روبوشه (دبیر)

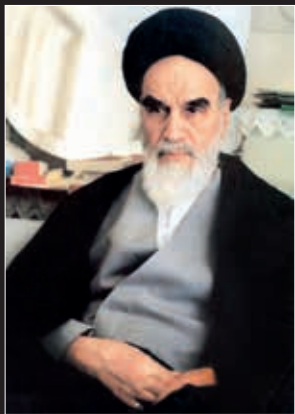
فکرنو: علی حاجی‌ناصری (دبیر)

فرهنگ: امیر خوش‌صحبان (دبیر)

بازار: محمد شکرالطی (دبیر)

مشاور هنری: نیما ملک‌نیزی

مثلاً: هفته‌نامه‌ای خبری، تحلیلی است که سعی دارد روایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت‌ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشاره‌ای است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مرامش تقویت گفتمان انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام‌خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت، مرزش رواداری و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابلان گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب‌مان نجابت قلم و روزنامه‌نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت‌وگو میان فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت‌مان صادق، بر مرام‌مان مستمر و دائم، بر چارچوب‌مان مستقر، بر آرمان‌مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق‌مان استوار بمانیم.



و برادران شیعی مذهب، تحقق پیدا کرده است و این اخوت اسلامی فراموش نخواهد شد و این انقلاب به خواست خدای تبارک و تعالی شکست نخواهد خورد. گو اینکه همه قدرتهای بزرگ دنیا و آنهایی که در بلوک شرق و غرب هستند، با انقلاب ما دشمن باشند، گو اینکه همه رسانه های گروهی دنیا بر ضد این نهضت قلمفرسایی کنند و دروغپردازی؛ آنچه حقیقت است، روشن خواهد بود و روشن خواهد شد. آن روزی هم که حضرت سیدالشهدا را مظلوم شهید کردند، بعضی از اشخاصی که بودند، او را به اسم خارجی و اینکه در حکومت حق وقت، قیام کرده است، اینطور معرفی کردند. لکن نور خدای درخشد و خواهد درخشید و عالم را خواهد از نور پر کرد.

موجب به هم خوردن اوضاع بنی امیه شد، علاوه بر این، در طول تاریخ آموخت به همه که راه همین است. از قلت عددترسید، عدد، کار پیش نمی برد، کیفیت اعداد، کیفیت جهاد، اعدای مقابل اعدا، آن است که کار را پیش می برد. افراد ممکن است خیلی زیاد باشند، لکن در کیفیت ناقص باشند یا پوچ. و افراد ممکن است کم باشند، لکن در کیفیت توانا باشند و سرفراز.

#### ◀◀ شکست ناپذیری انقلاب در پرتو عنایات الهی

تاریخ، این نهضت ایران را و این انقلاب را فراموش نخواهد کرد، و این فداکاری ای که در همه قشرهای ملت اسلامی است در ایران، فراموش نخواهد کرد. و این وحدتی که بین اقشار ملت از هر طبقه هستند، بین برادران اهل سنت

## بین‌الملل

آمریکا از برجام خارج نمی‌شود  
مسیر متفاوت  
دیپلماسی تهاجمی  
روزهای سرنوشت‌ساز



## فرهنگ

سقف ارشاد  
بازگشت به پرده نقره‌ای  
برباد رفته‌ها  
چالش ممیزی



## ورزش

فاتح تریم به ایران نمی‌آید  
کمیته فنی دانش فنی بالایی ندارد  
وضعیت قرمز در باشگاه پرسپولیس  
پرسپولیس پس از رسوایی



طراح جلد: مصطفی مرادی



با تشکر از: دکتر دارابی - دکتر آیت‌الله ابراهیمی - دکتر عیسی رضایی  
مهندس صدوقی حسین محمد پورزندی - محمدابراهیم محمد پورزندی  
حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - علیرضا حسن‌زاده - هادی انباردار

سازمان آگهی‌ها: تلفن: ۸۵۰۵۸۴۸-۰۹۱۲  
چاپ: هنر سرزمین سبز - پردازش تصویر رایان  
توزیع: نشر گستر امروز  
نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (توانیر)، خیابان نظامی گنجوی، کوچه پناه،  
پلاک ۱۹  
تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷

گرافیک و صفحه‌آرایی: فاطمه قناتی - علی آجورلو  
افشین جم و محمد محمودی  
پردازش تصاویر: هومن سلیمیان  
عکس: امیر طلایی‌کیوان - عدنان جعفری و محمد برنو  
ویرایش: ژیل شاکری - امیر عزیزی و نرگس حاجیلو  
مدیر مالی: محمدرضا پالیزدار  
سازمان آگهی‌ها: محمد شکراللهی  
بازرگانی و بازاریابی: محمدعلی آجورلو  
امور اداری: علیرضا اسداللهی - علی اکبر پیمانی  
انفروماتیک: شهرام زحمتی  
ناظر چاپ: بابک اسکندرنیا

## انتخابات غیرقانونی

برخی از صاحب نظران امر انتخابات، سلامت و فراندوم برگزار شده در اقلیم کردستان را با توجه به اینکه برگزار کننده، شمارش کننده آراء و اعلام کننده نتایج، همگی توسط یک گروه انجام می شود را مخدوش دانسته اند. انتخاباتی که البته اصل برگزاری آن غیرقانونی است.

تیتریک

## دولت سازی کاذب

اعتراض ها به همه پرسی اقلیم ادامه دارد



### چرا همه پرسی غیرقانونی است؟

صدام در سال ۲۰۰۳ نیز با مداخله آمریکا و توافق حکومت مرکزی این اقلیم مستقل باقی ماند و سالانه ۱۷ درصد کل بودجه عراق را به خود اختصاص می دهد. در کنار این حکومت اقلیم کردستان کنترل استخراج و فروش منابع نفتی شمال عراق را هم در اختیار دارد. در چنین وضعی با داشتن کنترل سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی اقلیم، دریافت بودجه، کنترل منابع نفتی، آزادی حزبی، داشتن نماینده در پارلمان مرکزی و تعیین کنندگی در معادلات سیاسی عراق و منطقه، برگزاری این همه پرسی را از هر زاویه که بررسی کنیم، به نظر می رسد بیش از آنکه احقاق حقوق یک «ملت» باشد، در بهترین حالت فریب افکار عمومی است.

### مصبوبه نهایی پارلمان عراق درباره همه پرسی

در ادامه تحولات در مورد برگزاری این همه پرسی نخست وزیر عراق با تاکید بر اجرای قانون اساسی در اقلیم کردستان عراق گفت: «ما از حقوق شهروندان کرد همانند سایر شهروندان دفاع خواهیم کرد». حیدر العبادی، نخست وزیر عراق در اظهارات خود در پارلمان این کشور با هشدار نسبت به پیامدهای بحران بغداد و اربیل، تاکید کرد: «هرگز اجازه نخواهیم داد قانون اساسی عراق زیر پا گذاشته شود». العبادی در ادامه دوباره تاکید کرد: «قوانین کشور را در تمامی مناطق اقلیم کردستان اجرا خواهیم کرد». نخست وزیر عراق گفت: «همه پرسی باید لغو شده و وارد گفت و گو در چارچوب قانون اساسی شویم». وی افزود: «ما از شهروندان کرد همانند شهروندان مسیحی، ترکمان و عرب دفاع خواهیم کرد». العبادی ادامه داد: «هیچ پروازی از فروگاه های اربیل و سلیمانیه از روز جمعه انجام نخواهد شد». وی در اشاره به کرکوک گفت: «از پیشمرگ ها می خواهیم از مناطق مورد مناقشه خارج شوند. انتخابات پارلمانی در موعد مقرر خود برگزار خواهد شد و خواهان برگزاری آن در کرکوک نیز هستیم». العبادی خاطر نشان کرد: «وضع امروز عراق قوی تر است زیرا ما بر برقراری امنیت موفق عمل کردیم و سخنرانی نژاد پرستانه جنایت در حق شهروندان است». وی افزود: «ما به رهبران اقلیم ابلاغ کرده بودیم که تدابیری را در صورت برگزاری همه پرسی اتخاذ می کنیم». نخست وزیر عراق خاطر نشان کرد، هیچ درگیری بین مردم یک

بازرانی از سال ۲۰۰۵ ریاست اقلیم کردستان را بر عهده دارد و بیش از دو سال است که مدت قانونی ریاست او به پایان رسیده و باید در یک انتخابات آزاد فرد دیگری جایگزین او می شد اما در حالی که پارلمان اقلیم کردستان به دلیل اختلافات داخلی قریب به دو سال تعطیل بوده، برای کمیسیون قضایی وزارت دادگستری دولت خودش، مجدداً به کرسی ریاست این اقلیم تکیه زده است. گرچه ریاست او بر اقلیم کردستان با شائبه غیرقانونی بودن همراه بوده و مخالفان بسیاری هم بین احزاب رقیب داشت، اما با حمایت حزب «اتحادیه میهنی کردستان» - خاندان طالبانی ها، قدرت دوم اقلیم کردستان - بار دیگر به قدرت رسید و حالا قصد دارد همه پرسی ای برگزار کند که به دلیل عدم رضایت دولت مرکزی عراق، نقض آشکار قانون اساسی این کشور است. گذشته از اینکه برگزاری یک همه پرسی قانونی، نیازمند وجود پارلمان و حکومتی قانونی است که قوانین مربوطه، شیوه اجرا و نظارت بر انجام آن را بر عهده بگیرند. تنها توجیه بازرانی برای برگزاری همه پرسی این است که «مردم ما می گویند که می خواهیم استقلال یابیم». اما بازرانی درباره مغایرت برگزاری همه پرسی با قانون اساسی نیز استدلال می کند که ابتدا دولت مرکزی بوده که با نادیده گرفتن اصل ۱۴۰ قانون اساسی عراق (حل مساله مناطق مورد اختلاف بین منطقه کردستان عراق و دولت مرکزی) قانون را نقض کرده و حالا دیگر چیزی برای پایبندی وجود ندارد. این در حالی است که نیروهای پیشمرگه سه سال قبل وارد کرکوک شدند؛ این شهر از مهمترین مناطق مورد مناقشه است که بخش زیادی از جمعیت آن را اقوام غیرکرد تشکیل می دهند و بازرانی آن را به عنوان «سمبل همزیستی اقوام» می خواهد. بازرانی همان زمان گفت مجاری حل مسائل مورد اختلاف از نظر حکومت اقلیم - تمام شده است.

او معتقد است «همه پرسی آخر دنیا نیست و مذاکرات جدی پس از همه پرسی آغاز خواهد شد، آنها به ما می گویند همه پرسی را برگزار نکنید و وارد گفت و گو شوید، سوال این است که در مورد چه چیزی گفت و گو کنیم؟». این در حالی است که اقلیم کردستان عراق از سال ۱۹۹۱ با قیام علیه رژیم صدام به صورت خودمختار اداره می شود و پس از سرنگونی

خوشبینی ها و امیدها برای منصرف کردن مسعود بازرانی از برگزاری همه پرسی در منطقه کردستان عراق بی فایده ماند و تلاش ها در دقیقه ۹۰ از سوی دولت مرکزی عراق با دادن پیشنهادهایی به وی که از تصمیم خود برای برگزاری همه پرسی منصرف شود بی نتیجه ماند. با وجود مخالفت احزاب کرد از جمله «گوران» و «گروه اسلامی کردستان» و «اتحادیه میهنی کردستان» و توصیه آنها بر تعویق برگزاری همه پرسی، این فراندوم در استان های اربیل، سلیمانیه، دهوک و مناطق مورد مناقشه بین اربیل و بغداد یعنی استان کرکوک، شهرستان سنجار، شهرک بعشیق در استان نینوا، شهرستان طوز خورماتو در استان صلاح الدین به اضافه شهرستان خانقین، شهرک های مندلی، جلولاء و قره تپه در استان دیالی برگزار شد. چهارشنبه شب کمیسیون عالی برگزاری همه پرسی در اقلیم کردستان عراق نتایج همه پرسی «استقلال» این اقلیم را اعلام کرد. طبق اعلام این کمیسیون، تعداد شرکت کنندگان در این همه پرسی به حدود بیش از سه میلیون رسیده که از تعداد آرای صحیح اخذ شده، ۹۲/۷۳ درصد به استقلال اقلیم کردستان رای «آری» و ۷/۲۷ درصد رای «نه» داده اند. پایگاه خبری کردستان ۲۴ گزارش داد: «در این همه پرسی ۴ میلیون و ۵۸۱ هزار و ۲۵۵ تن واجد شرایط مشارکت بودند که از این تعداد ۳ میلیون و ۳۰۵ هزار و ۹۲۵ تن پای صندوق های رای رفتند.» به گزارش ایسنا، میزان مشارکت در این همه پرسی ۷۲/۱۶ درصد اعلام شده است. همچنین ۹۸ هزار و ۹۴۵ تن در خارج از منطقه اقلیم در این همه پرسی شرکت کرده اند. کمیسیون عالی برگزاری این همه پرسی اعلام کرده است: «این همه پرسی بدون هیچ مشکل یا تخلفی برگزار شده و بدین ترتیب همه پرسی با موفقیت کامل پایان یافت.»

در این میان برخی از صاحب نظران امر انتخابات، سلامت فراندوم برگزار شده را با توجه به اینکه برگزار کننده، شمارش کننده آراء و اعلام کننده نتایج، همگی توسط یک گروه انجام می شود را مخدوش دانسته اند و تاکید دارند که باید فرایند برگزاری این فراندوم زیر نظر ناظران بین المللی از جمله سازمان ملل انجام می شد.

## تغییر چهره یا اصلاحات ساختاری؟



## واکنش رئیس کمیسیون اصل نود به ادعای احمدی نژاد



## راه انقلابیون از میان مردم می گذرد...

کشور نیست اما قانون را اجرا خواهیم کرد... «العبادی گفت: «براساس رای پارلمان خواستار بازگرداندن تمامی مناطقی هستیم که اقلیم آن را در اختیار گرفته است.» در این راستا پارلمان عراق مصوبه نهایی خود درباره همه پرسی استقلال کردستان عراق را اعلام کرد. پارلمان به العبادی اجازه داد که در کرکوک نیرو مستقر کند. پارلمان عراق برگزاری همه پرسی استقلال کردستان عراق را غیرقانونی و باطل دانست و افزود العبادی به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح عراق ملزم است هر اقدامی برای حفظ وحدت عراق بکند. پارلمان عراق خواستار اتخاذ تدابیر قانونی علیه مسئولان برگزاری همه پرسی و در اس آن مسعود بارزانی شد. پارلمان عراق همچنین بستن تمامی گذرگاه های مرزی که خارج از کنترل دولت مرکزی عراق است را خواستار شد و افزود: «دولت باید چاه های نفت شمال در کرکوک و مناطق مورد مناقشه را تحت نظارت وزارت نفت درآورد.» همچنین پارلمان عراق افزود: «دولت باید تمام تدابیر لازم درباره تصمیمات اقلیم از جمله برکناری استاندار کرکوک را اتخاذ کند. پارلمان در این مصوبه افزود: «دولت تنها زمانی مذاکره مشروط را بپذیرد که نتایج همه پرسی لغو شود.»

### تاکید جهان بر غیرقانونی بودن همه پرسی

کشورهای مختلف جهان در واکنش به همه پرسی استقلال کردستان عراق بر وحدت این کشور تاکید کردند. بوریس جانسون، وزیر امور خارجه انگلیس در بیانیه ای که در سایت وزارت خارجه این کشور منتشر شده، تاکید کرد انگلیس این همه پرسی را تایید نمی کند و به حمایت های خود از حفظ حاکمیت ملی و تمامیت ارضی عراق ادامه می دهد. جانسون تاکید کرد: «ما بر این باوریم که هر همه پرسی باید با موافقت دولت عراق برگزار شود.» وزیر امور خارجه انگلیس در ادامه گفت: «ما پیش از این به هم پیمانان بین المللی خود نیز طرح جایگزینی مبنی بر مذاکره میان دولت عراق و مسئولان اقلیم کردستان را برای حل تمامی موضوعات مورد اختلاف پیشنهاد کردیم و گفتیم که این طرح جایگزین می تواند شرایط لازم برای تحقق خواسته های مردم این اقلیم را فراهم کند.» وی در ادامه ضمن ابراز تأسف از مخالفت برخی از رهبران کرد با این پیشنهاد تاکید کرد امنیت عراق و شکوفایی آن در بلندمدت تنها با گفت و گو و همکاری قابل تحقق است. رئیس دستگاه دیپلماسی انگلیس در ادامه از همه طرف ها خواست از بیان اظهار نظرهای در پیش گرفتن اقدامات تحریک آمیز پس از همه پرسی خودداری کنند. وی تاکید کرد: «موضع گیری کشور من آن است که اولویت شکست و نابودی داعش و بازگرداندن ثبات به مناطق آزاد شده باقی بماند.» وزارت خارجه آمریکا نیز در بیانیه ای به همه پرسی اقلیم کردستان عراق واکنش نشان داد و ضمن ابراز ناامیدی عمیق نسبت به تصمیم اربیل برای برگزاری این همه پرسی یک جانبه که شامل مناطقی خارج از اقلیم نیز بود، اعلام کرد: «روابط تاریخی آمریکا با کردها در سایه این همه پرسی غیر الزام آور هرگز تغییر نخواهد کرد اما بر این باوریم که این اقدام باعث افزایش و گسترش ناامنی ها و مشکلاتی برای اقلیم کردستان و ساکنانش خواهد شد.» در ادامه این بیانیه تاکید شده که همه پرسی تا حد زیادی روابط میان اربیل و بغداد و نیز کشورهای همسایه را پیچیده خواهد کرد.

در بیانیه مذکور ضمن اشاره به اینکه مبارزه با داعش و گروه های افراطی که از ناامنی ها و اختلافات سوء استفاده می کنند، هنوز تمام نشده است، تاکید شد همه طرف ها باید به شکلی سازنده وارد گفت و گویی جهت بهبود آینده تمامی

شهروندان عراقی شوند و آمریکا از عراقی یکپارچه، فدرال، دموکرات و رو به پیشرفت حمایت می کند. کاخ سفید نیز ابراز امیدواری کرد که عراق یکپارچه داعش را شکست می دهد. همچنین کاخ سفید نسبت به پیامدهای این همه پرسی برای کل منطقه هشدار داد. خالد جلاله، معاون وزیر امور خارجه کویت نیز در جمع خبرنگاران گفت: «موضع گیری همیشگی دولت کویت حمایت از عراق یکپارچه، مستقل، امن، ثبات و برخوردار از حاکمیت ملی است و دوست دارم که همه پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق در چارچوب قانون اساسی و وحدت عراق و با توافق دو طرف بغداد و اربیل برگزار شود.» کمال حسن علی، معاون دبیرکل اتحادیه عرب نیز تاکید کرد، همه پرسی اقلیم کردستان عراق دشواری و دردسر برای کل منطقه است و آنچه اکنون در اقلیم کردستان عراق در حال رخ دادن است، نمونه ای از تقسیم شدن منطقه است. «آنتونیو گوتش، دبیرکل سازمان ملل نیز در بیانیه ای ضمن ابراز نگرانی از خطرات احتمالی همه پرسی برای برهم خوردن ثبات منطقه، بر اهمیت حل تمامی مشکلات موجود میان بغداد و اربیل از راه گفت و گوهای برنامه ریزی شده و حصول راه حل های سازنده تاکید کرد.

### واکنش ها در ایران

مقامات جمهوری اسلامی ایران بارها در جریان موضع گیری در ارتباط با بحث همه پرسی در اقلیم کردستان ضمن مخالفت با این موضوع و تاکید بر حفظ تمامیت ارضی عراق خواستار این شده اند که مسائل و اختلافات موجود بین اربیل و بغداد از طریق رایزنی و گفت و گو حل شود و هر دو طرف را به گفت و گو و اجرای قانون اساسی عراق در راستای تامین منافع کردها و دیگر قومیت ها در این کشور تشویق کرده اند. یک روز بعد از برگزاری فرماندوم در منطقه اقلیم کردستان، برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از جمله علی لاریجانی در اظهار نظرهایی تاکید کردند که نتیجه فرماندوم در منطقه اقلیم کردستان به مصلحت مردم این منطقه نخواهد بود. رئیس مجلس شورای اسلامی در جریان بازدید از نمایشگاه کتاب و عکس دفاع مقدس در لابی مجلس شورای اسلامی با تاکید بر اینکه مایه تأسف است که هنوز با وجود آنکه ما اجرای داعش در عراق تمام نشده، مساله استقلال کردستان عراق مطرح شده است، تصریح کرد: «زمانی که گروه های مختلف از اقلیم کردستان به ایران آمدند به آنها صراحتاً گفتیم: این کار تشنج جدید در درون عراق به وجود می آورد چرا که هنوز ماجرای تروریستی حل نشده و شام بهران جدیدی را ایجاد می کنید، هر چند آنها توضیحاتی داشتند که گفتیم این موضوعات باید در گفت و گوهای سیاسی حل شود و نباید برای این مسائل و نکات بحرانی ایجاد کرد.» لاریجانی با یادآوری صحبت های صورت گرفته با دولت مرکزی عراق و اقلیم کردستان در این رابطه گفت: «به نظر می رسد دسایس دیگری تحریراتی در اینجا انجام داده اند، هر چند سیاست خارجی ایران روشن است به همین دلیل از تجزیه عراق و سایر کشورهای منطقه به هیچ وجه حمایت نمی کنیم و آن را به مصلحت نمی دانیم؛ شعبه شعبه کردن منطقه سیاست صهیونیستی است، بنابراین این کار را برای عراق، نه کردها و نه دیگر اقوام و گروه ها مصلحت نمی دانیم.» وی ادامه داد: «زمانی که مجلس و دولت عراق و سازمان ملل نیز در این خصوص اعلام نظر کردند؛ ما هم به صراحت اعلام کردیم در کنار دولت مرکزی هستیم، بنابراین به هیچ وجه رفتار اقلیم کردستان را به مصلحت خودشان و منطقه نمی دانیم و

تجزیه طلبی در منطقه را نمی پذیریم، به همین دلیل موضع مجلس شورای اسلامی ایران نیز در مقابل این تجزیه طلبی همین خواهد بود و هر گونه کمکی برای اینکه دولت مرکزی عراق دولت مستقر شود را به صلاح ملت عراق می دانیم.» در اظهار نظر دیگری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح هم تصریح کرد که پشت سرمساله کردستان عراق رژیم صهیونیستی و استکبار جهانی قرار دارد.

از دیگر موضع گیری های مهم سه شنبه در ارتباط با برگزاری فرماندوم در منطقه اقلیم کردستان صحبت های علی اکبر ولایتی، مشاور مقام معظم رهبری در امور بین الملل بود. او همچون برخی دیگر از مسئولان عالی رتبه جمهوری اسلامی ایران معتقد است: «امریکایی ها و انگلیسی ها پشت صحنه و اسرائیلی ها روی صحنه قضیه برگزاری فرماندوم در منطقه اقلیم هستند، زیرا آنها از داعش نتیجه نگرفتند و به تفرقه افکنی میان مسلمانان و کشورهای اسلامی روی آورده اند و این حرکت نمایشی نیز از قبل شکست خورده است.» ولایتی همچنین افزود: «کردستان عراق بخشی از عراق است و مردم عراق ساکت نمی نشینند. همچنین کشورهای منطقه مانند ایران و ترکیه و یاد دیگر کشورها نیز ساکت نمی نشینند و در مقابل چنین انحراف بسیار بد و نفرت آوری که آقای بارزانی در پیش گرفته است، می ایستند.» این عضو مجمع تشخیص مصلحت خاطر نشان کرد: «بارزانی یا باید عقب نشینی کند یا با وی مقابله خواهد کرد، بدون تردید منطقه کردستان عراق، جزئی از عراق است و جمهوری اسلامی ایران مصمم است که تمامیت ارضی کشورهای منطقه به ویژه کشورهای دوست و هم پیمان مانند عراق و سوریه حفظ شود.» وی با تاکید بر اینکه ایران در شش سال گذشته در سوریه از تجزیه این کشور جلوگیری کرده است، افزود: «بارزانی دلال صهیونیست ها برای تجزیه کشورهای اسلامی است و با عنایت به تجربه ای که ملت های مسلمان از تجزیه تلخ فلسطین دارند، اجازه نخواهند داد اسرائیل دوم تشکیل شود.» ولایتی در مورد سرنوشت بارزانی نیز گفت: «بارزانی در سرانجامی سقوط قرار دارد، مطمئناً مردم کرد قبل از دولت عراق وی را سرنگون خواهند کرد و این لکه ننگ را از دامن جهان اسلام پاک می کنند.»

امیر سرتیپ حاتمی، وزیر دفاع هم با ابراز نگرانی از پیامدهای امنیتی ناشی از برگزاری فرماندوم در اقلیم کردستان عراق گفت: «جمهوری اسلامی ایران با هر اقدامی که منجر به تغییر مرزهای جغرافیایی و تجزیه کشورهای منطقه شود، مخالف است و امیدوارم مسئولان اقلیم پیام لازم را از انسداد مرزهای هوایی جمهوری اسلامی ایران با منطقه کردستان که به درخواست دولت مرکزی بغداد انجام شده، به خوبی دریافت کرده باشند.» وزیر دفاع با یادآوری سیاست اصولی کشورمان مبنی بر احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورهای منطقه افزود: «اقدام اقلیم کردستان عراق در برگزاری فرماندوم در حالی که دولت و ملت رشید عراق در حال مبارزه با بقایای داعش هستند به مثابه بازی در زمین تروریست های داعشی و حامیان منطقه ای و بین المللی آنان بوده و این مساله موجب ایجاد مشکلات برای منطقه، مردم عراق و به ویژه کردستان عراق خواهد شد.»

در تحویلی دیگر ۲۱۰ نماینده مجلس شورای اسلامی با امضای بیانیه ای برگزاری همه پرسی اقلیم کردستان عراق توسط مسعود بارزانی که خطر تجزیه این کشور جنگ زده را تقویت خواهد کرد، محکوم کردند. ▶

# تغییرات اجتماعی در عربستان

اصلاحات آمرانه ملک سلمان آغاز شده است

عبدالله بن عبدالعزيز پادشاه عربستان سعودی، سوم مهر ماه در تحولی مهم اعلام کرد که زنان در این کشور از این پس حق رای، حق عضویت در مجلس شورا و حق کاندیداتوری در انتخابات شوراهای شهر را دارند. پادشاه عربستان که این سخنان را در مراسم گشایش دوره جدید مجلس شورای این کشور ایراد کرد، در تشریح چنین تصمیمی گفت: «چون ما حاضر نیستیم طبق شریعت، زنان را در تمامی نقش های جامعه به حاشیه برانیم. بعد از مشورت با علمای ارشد و دیگران، تصمیم گرفته ایم که از دوره بعدی زنان را به عنوان عضو در مجلس شورا درگیر موضوعات کنیم.» ملک عبدالله افزود: «زنان

قادر خواهند بود که به عنوان نامزد در انتخابات شوراهای شهری شرکت کنند و حتی از حق رای در این انتخابات برخوردارند.» زنان در عربستان که از دیرباز زیر قوانین و شرایط محدود کننده بسیاری بوده اند از نظر برخورداری از حقوق اجتماعی در وضعیت بسیار دشواری قرار دارند، به طوری که آنها در عمل شهروند درجه ۲ در کشورشان محسوب می شوند. زنان در این کشور از حق مسافرت، رانندگی، کارکردن و... بدون اجازه یکی از خویشاوندان مرد خود محروم هستند. حدود چهار ماه پیش بود که عده ای از زنان عربستان در اعتراض به ممنوعیت رانندگی توسط آنها، سوار بر

خودروهایشان شدند و در سطح خیابان های شهرهای این کشور به رانندگی پرداختند. اما حالا ملک سلمان به آنها اجازه داده که بتوانند گواهینامه داشته باشند و رانندگی کنند. اگرچه این تصمیم از سوی برخی از بدنه اجتماعی عربستان که در توتیتر فعالیت می کنند ناخوشایند بود و در توتیتر به ترند تبدیل شد اما ملک سلمان قصد دارد به هر ترتیب که شده تغییراتی در ساختار اجتماعی عربستان ایجاد کند. در همین راستا عربستان یک زن را در سفارت خود در واشنگتن به عنوان سخنگوی این سفارتخانه انتخاب کرد. انتخابی که برای بسیاری از رسانه های جهان عجیب و قابل توجه بود. تنها انتخابات عمومی در عربستان، انتخابات شوراهای شهر و روستا است. نیمی از کرسی های این شوراها از طریق انتخابات تعیین می شود و نیمی دیگر از سوی دولت، منصوب می شوند. مجلس شورای سعودی نیز که نهادی مشورتی است، ۱۵۰ عضو دارد که همه آنها از سوی پادشاه و هر چهار سال یک بار انتخاب می شوند. ▶

## تغییر چهره یا اصلاحات ساختاری؟

پادشاه عربستان به دنبال چیست؟

صابر کرامت

خبرنگار

روزی که ترامپ به عربستان سفر کرد و از آنجا بازگشت توتیتر مهمی را منتشر کرد و بعدها نیز همان حرف را تکرار کرد. او آن روز به قرارداد صدمیلیارد دلاری فروش سلاح به عربستان اشاره کرد و گفت که این قرارداد برای آمریکا یعنی کار و تولید. ترامپ در مقابل منتقدان هم پاسخ داد که «آمریکا قرار نیست به سبک زندگی دیگر کشورها کار داشته باشد». معنای حرف ترامپ این بود که به ما مربوط نیست در عربستان زنان شهروند درجه دوم محسوب می شوند یا اقلیت های مذهبی و شیعیان در این کشور مورد ظلم و اعدام قرار می گیرند. برای آمریکا تنها دلارهای نفتی عربستان اهمیت داشت. با انتخاب محمد بن سلمان به عنوان ولیعهد عربستان شرایط در این کشور تغییرات مهمی کرده است. عربستان حالا فهمیده که برای آنکه از تیررس تندبادهایی که حاکمان عرب (مانند بن علی، مبارک و قذافی) را با خود برده است، در امان بماند، باید تغییراتی در کشورش



کشور بوده است. صاحب نظران معتقدند در صورتی که نظام سیاسی حاکم بر عربستان نتواند همپای تحولات اجتماعی حرکت کند و تغییری در عملکرد و ساختار سیاسی سنتی ایجاد کند، ممکن است این کشور در آینده ای نه چندان دور شاهد نوعی شکاف میان دولت و ملت شود که در جای خود می تواند عامل تغییرات ریشه ای و مهمی در ساختار سیاسی شود. باید دید آیا حاکمان عربستان سعودی می توانند با اقداماتی از جمله اعطای حق رای و کاندیداتوری به زنان، تحولات اجتماعی را به گونه ای مدیریت کنند که نگذارند این تحولات، خطری امنیتی را متوجه نظام سیاسی حاکم بر این کشور کند، یا اینکه غول خفته خیزش های مردمی سرانجام در عربستان بیدار می شود و تغییرات ریشه ای تر و گسترده تری را در این کشور رقم می زند؟ ▶

ایجاد کند. اما برای این تغییرات به جای پرداختن به مسائل حقوق بشری و دوری از ظلم و ستم به ناچار دست به تغییرات ظاهری زده است. بسیاری از تحلیلگران معتقدند تصمیم اخیر پادشاه عربستان در بستر تغییرات به وجود آمده در بسیاری از ساختارها و صورت بندی های اجتماعی در این کشور، اتخاذ شده است. به عبارت دیگر تغییرات به وجود آمده در بطن جامعه عربستان، شرایطی را ایجاد کرده که حاکمان این کشور ناگزیر از اصلاحات شده اند. عربستان همانند دیگر کشورهای عربی طی سال های اخیر شاهد تغییراتی جدی در سطح اجتماعی بوده است. رشد طبقه متوسط شهرنشین، افزایش شمار افراد تحصیل کرده و سیر صعودی استفاده از وسایل ارتباطی جدید همچون اینترنت از مظاهر اصلی تحولات اجتماعی اخیر در این

## ادعایی درباره اقدام اصلاح طلبان تندرو علیه شمعانی

سایت خبری پارس نیز در خبری مدعی شد با وجود اینکه حسن روحانی در دولت جدید خود بر تثبیت وضعیت امنیت کشور و اباقی در بیان علی شمعانی تاکید دارد اما همچنان فشار اصلاح طلبان تندرو بر برکناری وی جریان دارد.

در جلسه ای که اخیراً در منزل یکی از اصلاح طلبان برگزار شده است طراحی برای رابزی جهت برکناری شمعانی از دبیری شورای عالی امنیت ملی انجام شده است. یکی از نقاط اختلاف اصلاح طلبان با شمعانی بر سر روند مساله رفع حصر است که از وی در این باره رضایت ندارند.



## انتقاد از فیلم نامزد اسکار امسال



آیت الله سیداحمد علم الهدی با انتقاد از سریال «شکوه یک زندگی» که از شبکه دو سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می شود، اظهار کرد: «متأسفانه امسال نیز شاهد بدتر شدن وضعیت برنامه های صدا و سیما در هفته دفاع مقدس هستیم.» او جایزه «اسکار» را یک جایزه نابکارانه از طرف دستگاه های جاسوسی غرب دانست و افزود: «امسال فیلم «نفس» از طرف سینمای ایران برای دریافت این جایزه نامزد شده است اما با کمی تفکر درمی یابیم که این فیلم به دلیل آنکه انعکاس دهنده ویرانی ها و مصائب جنگ است و برگزار کنندگان این جشنواره نیز به دنبال نشان دادن ویرانی های جنگ هستند، فیلم «نفس» را انتخاب کرده اند.»

## قالیباف کاندیدای نهایی جنمایی شد

پایداری حمایت نمی کرد

باهنر در ارتباط با کاندیدای نهایی جنما گفت: «اگر کاندیدای نهایی جنما مثلاً آقای قالیباف و یا فرد دیگری می شد ممکن بود جبهه پایداری دیگر حمایت نکند.» او با اشاره به شرایط سیاسی کشور اظهار داشت: «جریان های سیاسی در کشور ما هنوز ساختارهای لازم را در جهت یک برنامه درازمدت پیدا نکرده اند و این شامل همه جریان های سیاسی است.»

باهر در باره دولت در سایه سعید جلیلی هم معتقد است: «اگر آقای جلیلی بتواند ۴۰ درصد اصولگرایی را مدیریت کند دولت در سایه معنا می دهد اما اگر قرار باشد مثلاً ۳ درصد جامعه اصولگرایی را مدیریت کند.»



## برخی به دنبال برجام جدیدی با آمریکا هستند



محمدحسین صفار  
هرندی با بیان اینکه امروز  
پیشرفت در بخش‌های  
مختلف کشور را مدیون دوران  
دفاع مقدس هستیم، گفت:  
«امروز با تلاش مهندسی  
سپاه پاسداران ۳۰ درصد برق  
کشور به وسیله توربین‌های  
ساخت داخل کشور تولید می‌شود و در بسیاری  
از مناقصه‌های بین‌المللی سازندگان توربین‌های داخلی  
برنده می‌شوند.» وی با اشاره به اعتمادهای مدیران سیاست  
خارج به مذاکرات ۵+۱ بیان کرد: «براساس فرمایشات مقام  
معظم رهبری به وعده‌های آمریکایی هیچ عنوان نیاید اعتماد کرد  
و در حال حاضر برخی با وجود تجربه تلخ برجام، به دنبال برجام  
جدیدی با آمریکا هستند.» وی در پایان یادآور شد: «مدیران  
حامی ایجاد برجام باید از تاریخ دفاع مقدس و وصیت‌نامه شهدا  
آگاهی یابند.»

## واکنش رئیس کمیسیون اصل نود به ادعای احمدی نژاد

رئیس کمیسیون اصل ۹۰  
به ادعای احمدی نژاد مبنی بر اینکه  
شکایت مجلس از سوی شخص  
لاریجانی انجام شده است،  
واکنش نشان داد.



محمدی در پاسخ به  
پرسشی مبنی بر اینکه احمدی نژاد  
ادعا کرده شکایت مجلس از وی  
شخصی بوده و از سوی لاریجانی انجام شده است، گفت: «خیر  
چنین چیزی نیست.»

رئیس کمیسیون اصل نود مجلس بیان کرد: «دولت  
احمدی نژاد ۲۰۰ مورد عدم اجرای قانون، عدم ابلاغ به موقع یا  
عدم تدوین آیین‌نامه داشته است که شکایت مجلس متشکل  
از شکایت‌های مردمی و دستگاه‌های مختلف از احمدی نژاد  
را به قوه قضاییه ارسال کرده ایم که هنوز پاسخ آن به دست ما  
نرسیده است.»

## جاده یک طرفه به سمت غرب باید برگشت پیدا کند



حجت‌الاسلام محمدی  
گلیپایگانی در مراسم افتتاح ۱۳۰  
مدرسه برکت گفت: «ان شاء الله با  
همین روند ریشه‌ی سواد در این  
کشور کنده شود.»  
وی با اشاره به  
رونمایی از موشک خرمشهر  
تصریح کرد: «این رونمایی  
سرور صدای زیادی در  
دنیا به پا کرد و آنهایی که در خانه‌های شیشه‌ای نشستند  
باید بدانند که اگر زیاد سرور صدای کنند خانه‌هایشان  
ویران می‌شود.»

رئیس دفتر مقام معظم رهبری تاکید کرد:  
«جاده یک طرفه به سمت غرب باید برگشت پیدا کند  
و ان شاء الله روزی می‌رسد که همه به جای انگلیسی،  
فارسی یاد بگیرند.»

## روایت یک پرونده

### معمای درآمدهای نفتی دوران احمدی نژاد

هزینه کرده باشند! اسحاق جهانگیری نه یک بار بلکه  
چندین بار به تخلفات دولت احمدی نژاد اشاره کرده است.  
او قبل از این هم به این رقم ۷۰۰ میلیارد دلار اشاره کرده بود.  
در اردیبهشت ماه سال ۹۴ بود که معاون اول رئیس جمهور  
در مراسم افتتاح نمایشگاه بین‌المللی تجهیزات و مواد  
آزمایشگاهی ساخت داخل در نمایشگاه بین‌المللی تهران  
سخن می‌گفت اظهار داشت: «در سال‌های گذشته  
۷۰۰ میلیارد دلار پول مملکت خرج شد و کسی نمی‌گوید  
روزی که این پول وارد کشور شد چند نفر در کشور شاغل  
و وجود داشت و روزی که تمام شد چند نفر شاغل داشتیم،  
آمار می‌گوید در هر دو دوره تعداد شاغلان مساوی بود  
یعنی خرج این پول سبب اشتغال جوان چینی و کشورهای  
دیگر شد.» سوالات این چنینی بود که باعث شد نمایندگان  
مردم در مجلس برای پاسخ آن به تکاپو بيفتند. بهمن سال  
۹۵ مسعود پزشکیان نایب رئیس مجلس دهم خبر داد که  
بناست کارگروهی ویژه گزارشی مستند از درآمدهای نفتی  
دولت محمود احمدی نژاد تهیه کند تا برای افکار عمومی  
مشخص شود آیا حیف و میلی در هزینه کرد رقم‌های  
نجومی درآمد نفتی کشور در آن سال‌ها انجام شده یا خیر.  
به گفته مسعود پزشکیان، «کشور در دولت گذشته به‌ویژه  
در سال‌های ۸۷ تا ۹۱، سالانه حدود صد تا ۱۲۰ میلیارد  
دلار درآمد داشت.» در همین رابطه غلامرضا تاجگردون،  
رئیس کمیسیون تلفیق بودجه به خبرگزاری خانه ملت گفته  
که «دولت در این سال‌ها تخلفات غیرقانونی انجام داده و  
در حساب و کتاب نفت بین بانک مرکزی و دولت اختلاف  
حساب‌هایی مانده است، دیوان محاسبات این موارد را  
بررسی کرده و تخلفات مسئولان وقت محرز است.» به  
گفته تاجگردون رقم تخلفات در این دوره هم «رقم بزرگی»  
است که باید تعیین تکلیف شود. بر اساس گفته‌های رئیس  
کمیسیون تلفیق «شرکت ملی نفت ایران به بانک مرکزی  
بدهکار است و این بدهی سبب می‌شود که نتواند در جایی  
حساب و کتابی داشته باشد و از تسهیلات استفاده کند،  
بنابراین دولت درخواست کرده که تسویه حساب صورت  
گیرد و سیستم قضایی اقدامات خود را انجام دهد.» او رقم  
یکی از این بدهی‌ها را که مربوط به تأمین بنزین و نفت و گاز  
بوده نزدیک به بیست و سه هزار میلیارد تومان خوانده است.  
به گفته تاجگردون این نوع فعالیت‌ها «بدون مجوز قانونی»  
انجام شده است. ▶

در جریان جلسه علنی هفته گذشته مجلس شورای  
اسلامی بهرام پارسایی عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس  
سوال مهمی را مطرح کرد. سوالی که چهار سال است  
دولتمردان می‌پرسند ولی تا کنون جواب مشخصی به آن  
داده نشده است. این نماینده مجلس از دیوان محاسبات  
درخواست کرد که در صحن علنی مجلس درباره هزینه کرد  
۸۶۰ میلیارد دلاری دولت‌های نهم و دهم توضیح دهد.  
پارسایی این پرسش را به بهانه وضعیت نامساعد جاده‌های  
کشور مطرح کرد که چرا درآمد نفت در آن دوره صرف بهبود  
این وضع نشده است. پیش از این هم مسئولان دیگری  
در مورد چگونگی هزینه کرد درآمدهای نفتی در دولت  
قبل و عدم توجه به زیرساخت‌ها سوال کرده بودند. این  
سوال مهم را پیش از این افراد دیگری هم مطرح کرده‌اند.  
سیزدهم دی ماه سال ۹۵ بود که هاشمی رفسنجانی در دیدار  
گروهی از نخبگان علمی و دانشگاهی گفت: «آدم تعجب  
می‌کند، چگونه ۷۰۰ تا ۸۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی را به  
باد دادند!»، وی اضافه کرد: «کسانی که امروز این همه  
دروغ‌های سیاسی و بد اخلاقی‌ها، تهمت‌ها، توهین‌ها را در  
رسانه ملی و دیگر تریبون‌های رسمی می‌گویند، در محکمه  
جامعه به افکار عمومی پاسخ دهند که درآمدهای بی نظیر  
آن سال‌ها را چه کار کردند؟!»، وی با اشاره به ادعاهای  
اشتغال آفرینی دولت سابق، تصریح کرد: «برای دروغ‌های  
سالانه دو میلیون شغل، اکثر طرح‌های زیربنایی را نیمه‌کاره  
رها کردند و با دستورات کتبی و شفاهی به وزرا، استانداران  
و فرمانداران، افراد بسیاری را بدون کارشناسی‌های لازم  
استخدام و بر سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌ها تحمیل کردند.»  
اسحاق جهانگیری نیز از جمله افرادی است که بارها به  
درآمد دولت احمدی نژاد و سرنوشت نامعلوم آن اشاره  
کرده است. خرداد ماه ۹۴ معاون اول رئیس جمهور که در  
مراسم آغاز عملیات اجرایی پالایشگاه‌های میعانات گازی  
سیراف سخن می‌گفت به این مساله اشاره کرد و درباره نحوه  
اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در دولت  
احمدی نژاد گفت: «در سال‌های قبل واگذاری‌هایی انجام  
شد. پولش را هم گرفتند که نامی دانیم این پول‌ها چه شد؟  
هیچ کس هم هیچ وقت رسیدگی نخواهد کرد. بیش از صد  
میلیارد دلار از کارخانه‌های مهم در بخش‌های مختلف از  
جمله مخابرات، فولاد، پالایشگاه، نیروگاه و معادن مس  
را فروختند و ان شاء الله که پولش را در راه پیشرفت کشور

## مدیران ارشد؛ متهمان اصلی زمین‌خواری

عزت‌الله یوسفیان ملا، با اشاره به اینکه زمین‌های جدیدی  
در طی چندماه گذشته تصرف نشده است، گفت: «این موضوع  
به آن معناست که خوشبختانه ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی  
اقدامات قابل قبولی را در این بخش انجام داد، بنابراین پرونده  
جدیدی در بحث زمین‌خواری نداریم؛ اما در بسیاری نقاط تخلفات  
عدیده‌ای انجام شده که بدون پیگیری و اقدام باقی مانده است.»  
نماینده مردم آمل در مجلس شورای اسلامی، افزود: «تعداد  
خانه‌های مسکونی در گردنه  
حیران از ۳۸ به بیش از ۵۰۰ خانه  
افزایش پیدا کرده است، متأسفانه  
ساخت و سازهای بسیاری از  
سوی مسئولان و مدیران ارشد  
کشوری در این منطقه انجام  
شده است.»



## سیلی یکی از نمایندگان به سرکنسول ایران در چین



جواد کریمی قدوسی با  
اشاره به افزایش سفرهای خارجی

نمایندگان در مجلس دهم گفت: «در یکی از این سفرها که به  
کشور چین صورت گرفت، یکی از نمایندگان اصلاح طلب با  
سر کنسول ایران در یکی از استان‌های این کشور درگیر می‌شود  
در حضور مقامات چینی سیلی به صورت این مقام ایرانی می‌زند.»  
کریمی قدوسی تصریح کرد: «متأسفانه این درگیری بازتاب منفی  
داشته است.» وی افزود: «بارها در خصوص سفرهای خارجی  
نمایندگان هشدارها و تذکراتی داده شده و ما از علی لاریجانی  
رئیس مجلس می‌خواهیم که این سفرها را کنترل کند.»

## به اینستاگرام مثلث ببینید

اینستاگرام هفته نامه مثلث فعال شده است. کاربران این شبکه اجتماعی می توانند با پیوستن به اینستاگرام مثلث تصاویر مربوط به هفته نامه را مشاهده کنند.

mosalas\_magazine

## پاسخ به یک شبهه

کسرت را ندارند زیرا که توان مالی شرط ورود به کسرت است. چرا این هزینه را به فقر نمی دهید؟ سالانه ۱۰ تریلیون و ۲۰۰ میلیارد تومان لوازم آرایشی خریداری می شود و ایران هفدهمین کشور مصرف کننده لوازم آرایشی در جهان است چرا این پول را خرج فقر نمی کنید؟ ۱۰ تریلیون پول کمی نیست! ایرانیان در سال ۲۲۵۰ میلیارد صرف خرید سیگار می کنند و تنها درمان به خاطر مصرف سیگار ۷۲۰۰ میلیارد تومان هزینه برای بیماران سیگاری به همراه داشته است، چرا این هزینه را صرف فقر نمی کنید؟ ۲ میلیون ایرانی در سال به ترکیه می روند و ۸۰۰۰ هزار میلیارد تومان هزینه می کنند آیا بهتر نیست این هزینه را به فقر بدهند؟ بیش از ۲۸۰ هزار ایرانی در سال به امارات می روند و بیش از ۵۰۰ میلیارد هزینه سفر ایرانیان می شود بهتر نیست این هزینه را به فقر بدهید... بیش از ۸۰ هزار ایرانی در سال به تایلند می روند و بیش از ۴۰۰ میلیارد هزینه سفر به تایلند ایرانیان است، بهتر نیست این هزینه را به فقر داد؟ سوال: چرا فقط نزدیک محرم فقر و نیازمندان برای عده ای دین ستیز مهم می شوند؟ چرا در هنگام سفر به تایلند و آنتالیا فقر و نیازمندان مهم نیستند؟ ▶

سالانه با نزدیک شدن به ایام محرم بار دیگر صفحات مجازی و برخی گروه ها بار دیگر افراد مذهبی را زیر سوال می برند و به آیین های محرم انتقاد می کنند. در پاسخ به این اظهارات یکی از کاربران فضای مجازی متنی را به عنوان «جوابی به بعضی کانال های شبهه پراکن» نوشته و یادآور می شود: محرم آمد... قشری در ایران که خود را روشنفکر و دیگران را نادان می داند در ماه رمضان و ماه محرم دلسوز نیازمندان کشور می شوند و بهانه ای برای توجیه دین ستیزی می سازند، روشنفکران معتقد هستند چرا به جای مراسمات مذهبی که البته نیازمندان در آن شرکت فعالی دارند، هزینه انجام مراسمات به فقر داده نمی شود؟ این در حالی است که در این مراسم مذهبی طبقه بندی وجود ندارد و فقیر و غنی در کنار یکدیگر هستند و از همه بدون منت پذیرایی می شود. قشر مدعی روشنفکری دروغ می گوید آنان دلسوز فقر نیستند، بلکه فقرا وسیله ای برای انتقام جویی و دین ستیزی آنان است، اگر دلسوز نیازمندان هستند چرا به جای این هزینه ها به فقر کمک نمی کنند. سالانه بیش از ۷۰۰ میلیارد تومان خرج هزینه کسرت ها می شود که فقر اجازه ورود به

## به ما پیامک بزنید:

۳۰۰۴۱۱۷۱۱

✓ دلیل درج نشدن قیمت روی کالاها چیست؟ کسانی که چنین تصمیماتی می گیرند نه سود درستی دارند و نه تجربه ای.

✓ مشروعیت یا عدم مشروعیت سود بانکی نباید بر اساس بازدهی اقتصادی تعریف شود. در واقع خداوند در قرآن به این دلیل رباخواری را حرام دانسته که مردم بیکار بار نیابند.

✓ بهترین پاسخ مردم نخریدن اقلام بدون برچسب قیمت است.

✓ آیا حق فاجعه در دناک مردم مسلمان و مظلوم میانمار در بیان و نطق آقای روحانی در مجمع سازمان ملل فقط ذکر یک کلمه «میانمار» بود؟!

✓ از همه کسانی که جواب رئیس جمهور لات آمریکا را دادند تشکر می کنیم. مشکل امروز آمریکایی ها این است که دیگر مورد اعتماد هیچ کس نیستند، یعنی ترامپ چهره واقعی آمریکا را آشکار ساخته است.

✓ وقتی یک دیوانه رئیس جمهور آمریکا شود از این بهتر نمی شود. او در سازمان ملل همه را به جنگ دعوت کرد.

✓ ما از جناب روحانی به خاطر سخنرانی قاطعی که داشتند و نمایی کامل از اعتدال و سخنان با معانی سخت و دیپلماسی به نفع کل ملت و کشور ایران بود و به دور از هر گونه افراط و تفریط بود، متشکریم.

✓ قبل از سال تحصیلی جدید اعلام کردند که مدرسه ها حق گرفتن پول ندارند ولی الان که بچه ها رفتند مدرسه به همه اولیا گفته اند ۳۰۰ هزار تومان بیاورید. می شه آموزش و پرورش این را توضیح بده که برای چه می گیرند؟

✓ آقای روحانی و ظریف، حالا فهمیدند مذاکره با آمریکا اشتباه بود؟

✓ چرا آقای روحانی برخلاف شعارش که گفته بود با کلید تدبیر و امید تمام قفل های مشکلات را باز می کند برعکس نه تنها موفق به این کار نشده بلکه باعث افزوده شدن قفل های بیشتر به مشکلات مردم شده اند؟

✓ کار مدرسه ها شده هر روز یک بدبختی برای مردم درست کردن! گفته اند برای تخته هوشمند هر نفر ۱۲۰ هزار تومان بیاورد. من که ندارم باید چه کار کنم؟

## از زن خوب تاپسر نوح

نماینده مجلس در وزارت نفت، بازی کردن حسین فریدون در نقش دستیار ویژه رئیس جمهور، دفاع مهرداد لاهوتی نماینده مردم لنگرود از احتمال شهرداری پسرش در چمخاله و ده ها مورد #زن خوب دیگر فراموش نکنیم که نیروی کشور باید هم متعهد باشد و هم متخصص، میزان بیکاری جوانان تحصیل کرده کشور که در دانشگاه های دولتی درس خوانده و فارغ التحصیل شده اند کم نیست، تنها مشکلمان زن خوب به حساب نیامدن است چرا که دستان پدرانمان پینه بسته و صورت هایشان سیاه و آفتاب سوخته است. امتحان فرزند امتحان بسیار سختی است. کشور نیازمند مسئولانی است که از چنین امتحانی سر بلند بیرون بیایند. به نظر می رسد این تنها راه چاره معضل آقا زاده ها و تحقق شایسته سالاری در کشور باشد. ▶

این روزها فضای مجازی پر است از حرف و خبر درباره زن های خوب... آقا زاده هایی که با استفاده از #رانت پدر به شهرت و مسئولیتی می رسند که معمولاً در آن زمینه، هیچ تحصیلات و تجربه ای ندارند. محسن سعیدی در این باره نوشت: در چند روز اخیر اما شاهد حرکتی متفاوت از یک پدر بودیم. حاج صادق اهنگران برخلاف برخی دیگر از مسئولان به جای تعریف از شاگرد اول بودن پسرش، در خبر ۲۰:۳۰ از مواضع سیاسی پسرش اعلام برائت کرد. وی پیش تر و در شعری که مقابل مقام معظم رهبری خواند نیز فرزند خود را به پسر نوح تشبیه کرده بود که حاضر است به خاطر انقلاب از او بگذرد... پیش از این نیز مرحوم آیت الله خلی که در روزهای سالگرد رحلت ایشان به سر می بریم راه پسرش مهدی را از خود جدا دانسته و از نقش او در فتنه ۸۸ اعلام انزجار کرده بود. این موضع گیری ها را مقایسه کنید با ماجرای دختر وزیر پیشین آموزش و پرورش، استخدام اطرافیان

## پست اینستاگرامی ظریف برای شهید حججی



نذکر محمود صادقی به وزیر کشور در مورد برخورد انتظامی با کارگران

## راه انقلابیون از میان مردم می گذرد...



از مهم ترین موضوعات هفته گذشته در فضای مجازی که از هر دو سو دولت را به نقد کشید بحث حمله به کارگران در اراک بود.

علیرضا فقیر در همین رابطه با توجه به جریان انقلابی می نویسد: «کارگران معدن آق دره شلاق می خورند. خودسوزی کارگر شهرداری شادگان ۱۱ میلیون نفر حاشیه نشین. ۵/۳ میلیون نفر بیکار. ۵/۱ میلیون نفر ۱۲ میلیون نفر زیر خط فقر. اعتراضات کارگران هپکو و آذرب اراک و بازنشستگان و معلمان و... به عدم دریافت حقوق های خود. مالباختگان کاسپین، ثامن و... کولبری ادامه دارد...»

خدا را خدا را؛ درباره طبقه پایین اجتماع؛ یعنی بینوایان و نیازمندان و تیره روزان و زمین گیر شدگانی که هیچ چاره ای ندارند...

همین که صاحبان زر و زور و تزویر و نوکسیگان فشار چکمه های خود را بر گلوئی مستضعفین کمتر کنند جای بسی شرف است...

اما حقیقتا ما را چه شده است؟ این اخبار و وقایع دهشتناک را روزانه می شنویم و می بینیم اما کک مان هم نمی گزد! یا شاید خودمان را به کری و کوری زده ایم تا نبینیم و نشنویم تا نخواهیم عملی هم انجام دهیم.

و هزار گاهی هم که رگ غیرتمان باد می کند، ناسازی به خاطر تغییر مکان جشن یک طنز به دولت می دهیم یا از فلان کنسرت ناله می کنیم و مساله حضور بانوان به ورزشگاه را تبدیل به اولویت اول می کنیم و در نهایت درگیر بازی های روزانه چپ و راست می شویم. اینجاست که گویا رسالت انقلابی خود را به سرحد کمال رسانده ایم اما غافل از آنکه در یک دور باطلی گرفتار شده ایم که حتی دستاورد سیاسی هم نخواهیم داشت.

قدم اول آن است که نسبت به مسائل واقعی مردم بی رگ و بی تفاوت نباشیم. مسائل اجتماعی و اولویت مسائل اجتماعی را درک کنیم تا در اولویت هایمان جای خود را پیدا کند.

بعد از آن انقلابیون باید رجعت مجددی به میان مردم کنند، آنها را ببینند، مشکلات آنها را لمس کنند، دردهای آنها را بفهمند. باید دوباره مانند دهه ۶۰ و روزمندگان جهاد سازندگی بین مردم رفت، مشکلاتشان را حل کرد تا به ما اعتماد کنند، و آن زمان است که کار فرهنگی ما برای تغییر باورها و کار سیاسی ما برای تغییر نگرش های مردم هم به صورت خودکار نتیجه بخش خواهد شد. و گرنه هرچه سخنرانی کنیم، کفن بیوشیم و سند علیه غرب گرایان افشا کنیم کار پیش نخواهد رفت.

حتی اگر فریادی هم لازم شد برای مردم بزینم، برای کارگران شلاق خورده از ستم بزینم نه اینکه فریاد خود را خرج آمدن و رفتن یک قبیله سیاسی یا اشیاء رجال سیاسی مدعی کنیم. راه انقلابیون از میان مردم و برای مردم می گذرد...»

## بررسی رسانه ای هفته

### کلان نگر خبرگان



روزنامه صبح نو در یکی از سرمقاله های خود به مأموریت جدید خبرگان رهبری پرداخته و می نویسد: «مأموریت واگذار شده به مجلس خبرگان از سوی رهبر انقلاب برای رصد سیاست ها و راهبردهای کلان انقلاب اسلامی، جدای از تازگی و حساسیت آن، نیاز دارد تا همه مراکز و اشخاص صاحب فکر و اندیشه را پای کار بیاورد. هیات های اندیشه ورزی که رهبری معظم برای نظارت و ارزیابی حرکت انقلاب از ابتدا تا کنون به آن اشاره کردند، باید به مثابه دیده بان مجلس خبرگان عمل کنند و از این جهت همه کسانی که در خود چنین

استعدادی می بینند و دل در گرو انقلاب و آرمان های آن دارند، باید به کمک مجلس خبرگان بیایند. افزون بر این، مجلس خبرگان و اعضای محترم آن بر اساس این مأموریت، می بایست از انجام کارهای خرد و کوچکی که احیانا به دستگاه های اجرایی بازمی گردد یا در حد حوزه انتخابیه نمایندگان محترم است، فاصله بگیرند و خود را برای این مأموریت حساس و مهم تجهیز کنند. این نکته را هم باید یادآوری کرد که با این مأموریت، جایگاه مجلس خبرگان ارتقایی ویژه یافته و علاوه بر وظایف خطیر پیشین، وظیفه نظارت و سیاست گذاری کلان انقلاب اسلامی را هم عهده دار شده است و با تعیین چنین رویکردی، می طلبد تا این مجلس، برنامه ای مشخص برای اجرای وظایف و اگذار شده تدوین و ضمن اشراک مراکز فکری و برنامه ریز کشور، افکار عمومی را از نتایج اقدامات خود مطلع کند. مأموریت واگذار شده به مجلس خبرگان از سوی رهبر انقلاب ها و راهبردهای کلان انقلاب اسلامی، جدای از تازگی و حساسیت آن، نیاز دارد تا همه مراکز و اشخاص صاحب فکر و اندیشه را پای کار بیاورد.» سرمقاله روزنامه صبح نو می افزاید: «این نکته را هم باید یادآوری کرد که با این مأموریت، جایگاه مجلس خبرگان ارتقایی ویژه یافته و علاوه بر وظایف خطیر پیشین، وظیفه نظارت و سیاست گذاری کلان انقلاب اسلامی را هم عهده دار شده است و با تعیین چنین رویکردی، می طلبد تا این مجلس، برنامه ای مشخص برای اجرای وظایف و اگذار شده تدوین و ضمن اشراک مراکز فکری و برنامه ریز کشور، افکار عمومی را از نتایج اقدامات خود مطلع کند.»

### اهداف لاریجانی از حضور در جماران



عبدالله گنجی، مدیرمسئول روزنامه جوان در مقاله ای که به دنبال انتشار تصاویر علی لاریجانی و رئیس دولت اصلاحات منتشر شد، نوشت: «دکتر لاریجانی به جهت فردی هم باهوش است و هم محافظه کار. از نگاه بنده اصلاح طلبان ناب هیچ موقع پشت سر او قرار نخواهند گرفت هر چند او برای چانه زنی در درون نظام از روحانی موثرتر می دانند. انتشار تصاویر وی در کنار خاتمی در حسینه جماران - که خیلی ها را متعجب کرد - رانمی توان با گزینه در دام (با قاطعیت) یا طراحی افتاد تفسیر کرد. زیرا او می داند به کجادعوت شده است و ترکیب جلسه در جماران چگونه است. حتی اگر اطلاعات میدانی هم نداشت اصل موضوع برایش روشن بود اما چرا چنین کرد؟ -۱- ممکن است نتوانسته دعوت سیدحسن را رد کند اما براین باور بوده که در مکانی متفاوت می نشینم ولی در عمل نشده است. -۲- ممکن است سناریو سازان، خاتمی را دیر تر وارد جلسه کرده باشند و کنار وی قرار داده باشند و در حضور حاضران جابه جایی بعدی به صلاح نبوده است. -۳- ممکن و محتمل است این هم قایب شدن با اطلاع از قصد جریان خاتمی و تعدیل حصر رسانه ای وی باشد و لاریجانی با آگاهی از این خبر درصدد پیشتازی و بهره برداری برای خود باشد. -۴- محتمل است که لاریجانی برای ۱۴۰۰ دنبال جابه جایی سیدرای باشد زیرا تجربه ۱۳۸۴ نشان داد سید مد نظر خالی است بنابراین در صدد است شعاع جامعه مدنظرش را گسترش دهد و احساس می کند بوکس خوردن از حزب الهی ها در این مسیر نه تنها ضرری ندارد که سودآور هم هست. اما آنچه حتمی و قطعی است لاریجانی از بعد فکری و معرفتی اصلاح طلب نخواهد شد اما برای مهندسی ذهنی و ادراک سازی با هدف حرکت به سمت یک سید بزرگ تلاش می کند.»

### لابی عارف؟



سردبیر آفتاب یزد در سرمقاله امروز این روزنامه به تحلیل اظهارات اخیر اصلاح طلبان پیرامون مواضع انتخاباتی عارف پرداخت و نوشت: «۱- شرایط به گونه ای است که سکوت و غیر سکوت عارف موجب اعتراض است! او چه سخن بگوید و چه نگوید عده ای علم مخالفت با وی را بلند کرده اند. یعنی بیشتر مخالفت ها به نظر شخصی است تا فنی. -۲- عارف اخیرا اظهار داشته است که در سال ۱۳۹۸ و در موعد انتخابات مجلس شورای اسلامی، بسان انتخابات سال ۱۳۹۴ با اصولگرایان ائتلافی صورت نخواهد گرفت. به هر حال از دو حال

خارج نیست. حالت نخست، ممکن است که رئیس فراکسیون امید از بغض برخی رفتارهای اعضای فراکسیون و لیست امید که بی معرفتی کردند چنین اظهاراتی را مطرح کرده باشد. عارف از سوی این جماعت «دو چهره» کم متضرر نشد. فقط یک قلم آن، انتخابات ریاست مجلس بود. بر همین اساس او صرفنظر از اینکه عقل جمعی اصلاح طلبان چه می گوید و چه ایده ای دارد چنین نظری را رسانه ای کرده تا از هم اکنون بگوید دیگر زیر بار ائتلاف با اصولگرایان نخواهد رفت و همانند مدل انتخابات شورای شهر لیستی کامل اصلاح طلبی بسته خواهد شد. لیکن در حالت بعدی، ممکن است اظهار نظر عارف که به مذاق گروه «ضد عارف» خوش نیامده خروجی یک جلسه مهم در یکی از خیابان های معروف و مشهور محله نیاوران تهران باشد! در واقع در این شرایط، رئیس فراکسیون امید مجلس مأموریتی دشوار دارد چرا که بایستی بدنه اصلاح طلبی را متقاعد سازد که این جریان دیگر نیازی به ائتلاف با اصولگرایان ندارد و ناچار نیست به ساز دولت باشد و گزینه ها و مهره های آنان را داخل لیست های انتخاباتی بگنجانند تا از نان اصلاح طلبی میل نمایند و در بزنگاه های حساس به آن پشت کنند. در مجلس فعلی «کم» چنین نشده است. اگر این گمانه صحیح باشد هجده ها و فشار ها بر عارف شدید تر و سنگین تر می شود. اعتدال و توسعه ای ها و کارگزارانی ها خواب های آشفته ای برای سال ۱۴۰۰ دارند که لازمه تحقق آن تثبیت رویکرد سال ۹۴ در سال ۹۸ است.»

## باز این چه شورش است

شهر حالت متفاوتی به خود گرفته است. همه عاشورایی شده‌اند. هر سال همین‌طور است؛ حدود ۱۴۰۰ سال. باز تکیه‌ها برپا شده‌اند و دسته‌های عزاداری راهی شده‌اند. کربلا و عاشورا در همیشه تاریخ زنده خواهد ماند.

## دشواری‌های حبیب‌شدن

مردی که در سه مقطع متفاوت ولایی باقی ماند



سعيد صدراییان

روزنامه نگار



اما حبیب بن مظاهر از جمله افرادی بود که در پیدا کردن صراط مستقیم و خط ولایت درست عمل کرد و به یکی از یاران خاص امیرالمومنین تبدیل شد. او در جنگ‌های سه گانه یکی از سرداران و دلاوران سپاه امام علی (ع) بود و نامش در کنار بزرگانی چون مالک اشتر و میثم تمار آورده شده است. او آن قدر نسبت به امام علی (ع) ارادت داشت که بعد از جنگ جمل در شهر کوفه اقامت کرد تا در کنار آن حضرت باشد. وی در زمره گروه ویژه از اصحاب امیرالمومنین با عنوان «شرطة الخمیس» بود و از اینجا می‌توان به میزان عشق، اخلاص، فداکاری و اطاعت محض او از مولایش پی برد؛ چرا که این گروه ویژه، یاران همیشگی آماده و گوش به فرمانی بودند که در پی مأموریت‌های خاص اعزام می‌شدند و با مولای خود پیمان شهادت و اطاعت بسته بودند.

صبر، سکوت و روشننگری

با شهادت امیرالمومنین (ع) در سال چهل هجری، امام حسن مجتبی (ع) رهبر مسلمانان شد. اما با اتفاقاتی که پیش آمد و به امضای قرارداد صلح میان آن حضرت و معاویه انجامید، رفته‌رفته شرایط بر دوستداران اهل بیت (ع) سخت‌تر گردید. او تبعیت از ولایت را نه تنها در جهاد بلکه در مذاکره و پیمان صلح نیز متبلور ساخت.

از جای برخاست و گفت: «ای سید و مولای ما! آیا ما شما را تنها بگذاریم؟ اگر چنین کنیم فردای قیامت در محضر عدالت جواب جدت، پیامبر را چه بگوییم و چه عذری بیاوریم؟ به خدا سوگند از شما جدا نخواهم شد تا نیزه‌ام را در سینه این کافران بشکنم و تا قبضه شمشیر در دست من است با این گروه جهاد خواهم کرد؛ و اگر برای من اسلحه‌ای نماند که به جهاد ادامه دهم با سنگ می‌جنگم. به خدا سوگند دست از یاری تو برندارم تا معلوم شود که تا زنده بودم ذریه پیامبر را حفظ کردم. به خدا سوگند اگر بدانم کشته می‌شوم و دوباره زنده می‌گردم، سپس مرا می‌کشند و به آتش می‌سوزانند و تا هفتاد مرتبه با من این گونه رفتار می‌شود هرگز از تو جدا نشوم! حبیب و مسلم دو یار جدانشدنی و دو مرد از قبیله بنی‌اسد همراه هم شده بودند.»

جهاد، شجاعت و پیروزی

پیرومرد حالا سالیان گذشته عمر خویش را مرور می‌کرد. او در سه مقطع متفاوت در محضر سه امام کاری جز اطاعت نکرده بود. سردار جمل و صفین و نهروان در روزهای اکثریت و پیروزی یا در رکاب علی علیه‌السلام با دشمنان ولایت جنگیده بود. دوره‌ای خاص که بسیاری از صحابه خاص نبی مکرم اسلام (ع) ولایت را رها کردند

پیرومرد روز هفتم محرم سال ۶۱ هجری خود را به صحرای نینوا رساند. او به حسین (ع) نامه نوشته بود و حسین علیه‌السلام پاسخ او را داده بود. او حسین را دعوت کرده بود و اکنون گفتارهای پیمان شکن راه را بر فرزند رسول خدا بسته بودند. خسته بود. شب‌های متمادی برای فرار از دست مأموران حکومت تاخته بود و روزها پناه گرفته بود. هر گاه نامه حسین (ع) را به یاد می‌آورد قلبش آتش می‌گرفت و بنایش بر حرکت دوچندان می‌شد. من الغریب الی الحبیب...

حال پارسایی او به رتبه‌ای رسیده بود و آن چنان دنیادیده شده بود که حسین (ع) در نامه‌اش او را فقیه کوفه خطاب کند. فقیه کوفه بنا ندارد که حسین (ع) را تنها بگذارد. راستی یک پیرومرد دیگر هم همراه او شده است؛ مسلم بن عوسجه. همان که در شب عاشورا هنگامی که حسین علیه‌السلام اجازه انصراف اصحاب را داد و گفت: «من بیعت خود را از همه شما برداشتم، راه پیاپی را پیش گیرید و به خانه و دیار خود بازگردید. مسلم بن عوسجه



و ما را بهتر از هر کس می‌شناسی. تو که صاحب اخلاق نیکو و غیرت می‌باشی، در فدا کردن جان در راه ما دریغ مکن تا جدم رسول خدا (ص) پاداش آن را در قیامت به تو عطا کند.»

#### ❖ فانز لنا بکربلاء غریبا

حبيب با آن سن زیاد همچون یک قهرمان شمشیر می‌زد، آورده‌اند که ۶۲ نفر از افراد دشمن را کشت. در این هنگام بدیل بن مریم عقیانی به او حمله کرد و با شمشیری بر فرق او زد، دیگری با نیزه به او حمله کرد، تا اینکه حبيب از اسب بر زمین افتاد، محاسن او با خون سرش خضاب شد. امام حسین (ع) خود را به بالین او رساند و فرمود: «أَحْتَسِبُ نَفْسِي وَ حِمَاةَ أَصْحَابِي» پاداش خود و یاران حامی خود را، از خدای تعالی انتظار می‌برم. در بعضی مقاتل است که حضرت فرمود: «ای حبيب، مردی با فضیلت بودی که در یک شب قرآن را ختم می‌کردی.» قبيله بنی اسد هنگام دفن شهیدان کربلا حبيب را، که از بزرگان و مورد احترام آنان بود، در ده متری قبر امام حسین (ع) به طور مستقل و جداگانه به خاک سپردند. بعدها این مرقدر در داخل روضه امام حسین (ع) و در رواق جنوبی قرار گرفت... السلام علی حبيب بن مظاهر الاسدی. ▶

تصميم گرفتند از حسين بن علی (ع) دعوت کنند تا به کوفه بیايد و با حمایت شیعیان آنجا، ضد امویان قیام کند. نخستین دعوت‌نامه‌ای که از کوفه به مکه ارسال شد، به امضای چهار نفر رسیده بود که یکی از آنها حبيب بن مظاهر بود. این نامه نشان داد که حبيب در آن سن و سال نیز دست از یاری حق و حقیقت برنداشته است و آمادگی خویش را برای مبارزه اعلام می‌دارد.

این دو دوست و برادر یعنی حبيب و مسلم که حالا عابس نیز به آنها اضافه شده بود، از فعال‌ترین چهره‌های این حرکت انقلابی بودند که مخفیانه و دور از چشم مأموران حکومت، به نفع مسلم بن عقیل از مردم بیعت می‌گرفتند. با عوض شدن والی کوفه و آمدن ابن زیاد که سیاست سرکوب و دست‌گیری را پیش گرفت، افراد قبيله حبيب و مسلم بن عوسجه، آن دو را مخفی کردند تا از گزند عبيدالله بن زیاد در امان بمانند و در هنگام لازم به جانبداری از حق و ولایت برخیزند. وقتی امام حسین (ع) می‌خواست از مکه به سمت کوفه حرکت کند، نامه‌ای به حبيب بن مظاهر نوشت و از او خواست که خود را به کاروان وی ملحق سازد.

در آن نامه آمده بود: «از حسين بن علی بن ابی‌طالب به دانشمندان فقیه، حبيب بن مظاهر؛ اما بعد، ای حبيب! تو خویشاوندی و قرابت ما را به رسول خدا (ص) می‌دانی

در عین حال مهم‌ترین مشغله آن روزهای حبيب روشنگری و بیان حقانیت علی (ع) و اولاد علی (ع) بود. حبيب بن مظاهر در این دوره، از چهره‌های بارز شیعه در کوفه بود. در دورانی که تبلیغات امویان ضد آل علی گسترده می‌شد و شیعیان در وضع خفقان‌باری به سر می‌بردند، وی از وفاداران خط‌امامت و در اطاعت امام حسن مجتبی (ع) بود. پس از شهادت آن حضرت و امامت سیدالشهدا (ع)، سیاست سرکوب و اعمال فشار از سوی معاویه همچنان ادامه داشت و شیعیان به پیروی از امام‌شان، آن شرایط سنگین سیاسی و اختناق و سرکوب را صبورانه پشت سر می‌گذاشتند. حبيب بن مظاهر، برای هرگونه فداکاری در راه مبارزه با ظلم و حمایت از حق، آمادگی داشت. وی حتی از سرانجام حیات خویش نیز آگاه بود و مولایش علی (ع) او و میثم تمار را از پیشامدهای آینده مطلع کرده بود.

#### ❖ قیام، شرافت، شهادت

با مرگ معاویه، یزید بر تخت خلافت نشست. حسين عليه‌السلام بنابر تکلیف الهی خویش، از بیعت با یزید امتناع کرد و از مدینه به مکه هجرت کرد. در کوفه، شیعیان در خانه سلیمان بن صرد جمع شدند و درباره اوضاع جدید به گفت‌وگو پرداختند و باتوجه به اعتراض سیدالشهدا (ع) به روی کار آمدن یزید و امتناع وی از بیعت و رفتن به مکه،

# عصر فرزندان هیتلر

## پیام انتخابات آلمان چه بود؟

حنیف غفاری

روزنامه‌نگار



راهیابی حزب «جایگزینی برای آلمان» به پارلمان این کشور و کسب بیش از ۱۲ درصد آرا توسط آن، زنگ خطر را برای برلین و اتحادیه اروپا به صدا درآورده است. طی ۵۰ سال اخیر جریان راست افراطی اساساً جایی در معادلات سیاسی آلمان نداشت. این حزب هیچ‌گاه قادر به کسب ۵ درصد لازم برای حضور در پارلمان نمی‌شد. با این

در اروپا موضوعی نیست که بتوان از کنار آن به سادگی گذشت. طی سال‌های اخیر و تحت تأثیر بحران‌های مختلف امنیتی، سیاسی و اقتصادی در اروپای واحد، گروه‌های افراطی و ملی‌گرا توانسته‌اند در نظرسنجی‌ها رشد داشته باشند. پیروزی بیش از یکصد نماینده پارلمان اروپا از احزاب راست افراطی در انتخابات پارلمانی اروپا در سال ۲۰۱۴ میلادی موید همین نکته است. در چنین شرایطی مقامات اروپایی بیش از پیش نسبت به استمرار فعالیت گروه‌های ملی‌گرا و افراطی در قاره سبز هشدار می‌دهند.

راهیابی جریان راست افراطی آلمان به پارلمان این کشور، دیگر مسائل موجود در خصوص انتخابات سراسری آلمان را تحت تأثیر خود قرار داده است. در چنین شرایطی اساساً اهمیتی ندارد که در آینده‌ای نزدیک چه اتفاقی رخ می‌دهد و مرکل با کدام یک از احزاب سبز، لیبرال دموکرات یا حتی سوسیال دموکرات تشکیل دولت ائتلافی می‌دهد! آنچه اهمیت دارد، حضور جریانی ضد یورو و ضد اروپا و ضد اسلام در پارلمان آلمان است. این جریان، به عنوان اصلی‌ترین اپوزیسیون دولت مرکل، سعی دارد موقعیت سیاسی و اجتماعی خود را برای انتخابات سراسری بعدی در آلمان تقویت کند.

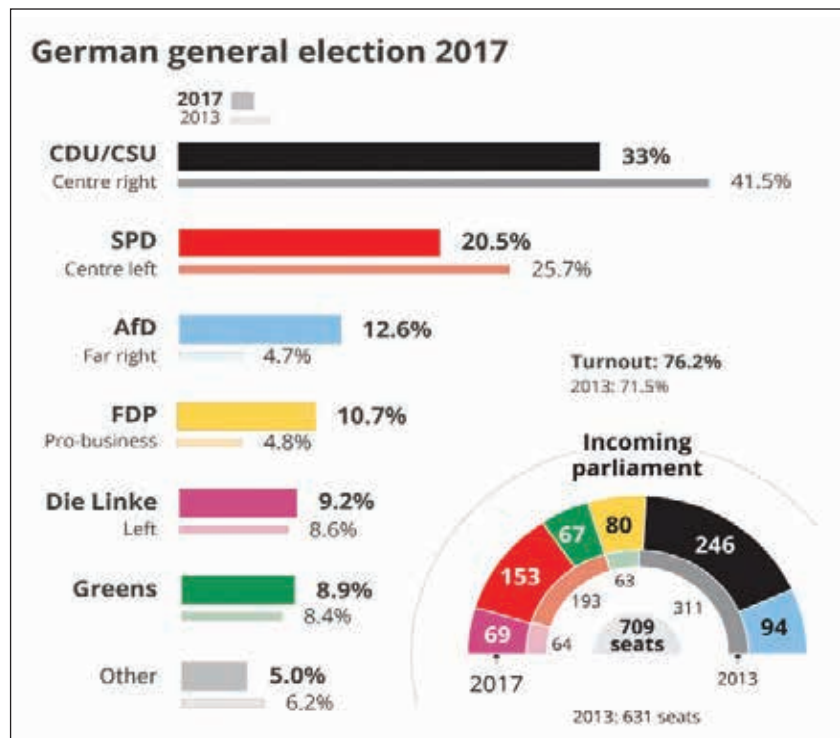
دقیقاً مانند اقدامی که جریان راست افراطی در فرانسه صورت داد. جریان راست افراطی فرانسه نیز در ابتدا از آرای عمومی لازم برای مانور در قدرت برخوردار نبود، اما در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۷ شاهد راهیابی مارین لوپن به دور نهایی رقابت‌های انتخاباتی و رقابت وی با امانوئل ماکرون بودیم.

سوال اصلی اینجاست که دستگاه‌های امنیتی اروپا جهت جلوگیری از نفوذ جریان راست افراطی به پارلمان و دیگر گلوگاه‌های اروپایی چه اقداماتی را صورت داده‌اند؟ به عنوان مثال هم‌اکنون پارلمان اروپا با نمایندگانی مواجه است که اساساً موجودیت اتحادیه اروپا را قبول ندارند. این خود نشان‌دهنده ابتز بودن ساختار انتخاباتی اروپاست. در جریان رقابت‌های انتخابات پارلمانی اروپا در سال ۲۰۱۴ میلادی، بیش از یکصد تن از نمایندگان جریان راست افراطی توانستند وارد این مجموعه شوند. پیش‌بینی می‌شود که این تعداد در انتخابات پارلمانی اروپا در سال ۲۰۱۸ میلادی افزایش یابد.

در هر حال، راهیابی حزب «جایگزینی برای آلمان» به پارلمان این کشور، زنگ خطر را برای اتحادیه اروپا و منطقه یورو به صدا درآورده است. بدون شک، در آینده‌ای نزدیک شاهد مانور تبلیغاتی، رسانه‌ای و اجتماعی گسترده حزب جایگزینی برای آلمان در راستای افزایش سید آرای آن خواهیم بود. حزب جایگزینی برای آلمان در وهله اول سعی می‌کند آرای خاموش و سفید را به سوی خود جلب کند. به عبارت بهتر، این حزب در صدد است افرادی را که تاکنون نسبت به شرایط سیاسی در کشورشان بی‌تفاوت بوده‌اند به طرفدار خود تبدیل کند. در مرحله بعدی، این حزب افراطی در صدد است از میزان و تعداد طرفداران احزاب سنتی در آلمان، به خصوص دو حزب سوسیال دموکرات و دموکرات مسیحی کاسته و آرای آنها را به سود خود به گردش درآورد. از این رو در آینده شاهد همکاری‌های آشکار و پنهانی میان دو حزب سنتی آلمان بر سر مهار جریان راست افراطی و حزب جایگزینی برای آلمان خواهیم بود. ▶

نشان می‌دهد که در آینده‌ای نزدیک شاهد هم افراطی بیشتر احزاب راست افراطی در اروپا خواهیم بود. همین مساله آینده سیاسی اتحادیه اروپا و منطقه یورو را با خطر مواجه خواهد کرد.

اگر رشد آرای جریان راست افراطی (که طی سال‌های اخیر به صورت تصاعدی صورت گرفته است) به همین شکل ادامه یابد، در آینده‌ای نزدیک شاهد وقوع دردهای بیشتری برای اتحادیه اروپا و منطقه یورو خواهیم بود؛ موضوعی که بسیاری از تحلیلگران و کارشناسان مسائل اروپا نسبت به آن هشدار داده‌اند. در هر حال، جریان راست افراطی که قبلاً در قالب خطری بالقوه



برای اتحادیه اروپا عرض اندام کرده بود، هم‌اکنون به خطری بالفعل و ملموس تبدیل شده است. بدیهی است که هر اندازه زمان سپری شود، بر میزان یارگیری احزاب راست افراطی در کشورهای مختلف اروپایی افزوده می‌شود. از این رو احزاب سنتی و میانه‌رو در اروپا کار بسیار سختی را در مقابل احزاب ملی‌گرا پیش‌رو خواهند داشت. نکته مهم‌تر اینکه دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا و همراهانش از افول قدرت احزاب سنتی در اروپا استقبال کرده و در صدد نه‌باید حمایت لازم را از گروه‌ها و احزاب راست افراطی در اروپا صورت دهند. همین مساله بر شدت تقابل اروپای واحد و کاخ سفید خواهد افزود. در حال حاضر، ترامپ به یکی از اصلی‌ترین حامیان جریان‌های ملی‌گرا در اروپا تبدیل شده است. ترامپ صراحتاً خواستار فروپاشی اتحادیه اروپا و تکرار ماجرای برگزیت در دیگر کشورهای اروپایی است. همین مساله سبب شده است تا سراسر احزاب سنتی در اروپا برای مقابله با رئیس‌جمهور ایالات متحده با یکدیگر متحد شوند.

خطر وجود و فعالیت جریان‌های راست افراطی

حال، حزب «جایگزینی برای آلمان» هم‌اکنون به سومین حزب قدرتمند در آلمان، پس از دو حزب دموکرات مسیحی و سوسیال دموکرات تبدیل شده است. این حزب افراطی با شعارهای ضد مهاجرتی، ضد اسلامی و ضد اروپایی توانسته است بالاتر از احزابی مانند لیبرال دموکرات، حزب سبز و حزب چپ و حزب سوسیال مسیحی در قدرت قرار گیرد. مطابق آخرین نتایج موجود، این حزب توانسته است ۱۲/۶ درصد آرای انتخابات اخیر در آلمان را به خود اختصاص دهد. این به معنای کسب حدود ۹۰ کرسی پارلمان از سوی حزب جایگزینی برای آلمان خواهد بود.

بدون شک اصلی‌ترین و تلخ‌ترین پیام انتخابات سراسری اخیر آلمان، راهیابی جریان راست افراطی به پارلمان این کشور بود. اگرچه جریان راست افراطی طی سال‌های اخیر در بسیاری از کشورهای اروپایی قدرت گرفته است، اما رشد تصاعدی آرای آن در آلمان، برای بسیاری از تحلیلگران قابل‌پیش‌بینی نبود.

استقبال مارین لوپن، رهبر جبهه ملی فرانسه از راهیابی راست‌گرایان افراطی آلمان به پارلمان این کشور،

# پیروزی تلخ

مرکل مجبور است دولت ائتلافی تشکیل دهد

سعید سبحانی

خبرنگار

۲

سرانجام انتخابات پارلمانی آلمان برگزار شد و ائتلاف احزاب مسیحی (متشکل از دو حزب دموکرات مسیحی و سوسیال مسیحی) توانستند با کسب ۳۳ درصد آرا، به قدرتمندترین ائتلاف سیاسی در این کشور تبدیل شوند. اما این میزان از آرا برای تشکیل دولت مستقل و غیر ائتلافی کافی نیست. در چنین شرایطی آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان باید دست به ائتلاف با احزاب مخالف خود بزند. او به زودی با سه حزب سوسیال دموکرات، لیبرال دموکرات و حزب سبز جهت تشکیل دولت وارد مذاکره خواهد شد. حضور هر یک از این احزاب در کنار ائتلاف احزاب مسیحی، منجر به تضعیف دولت ائتلافی بعدی آلمان خواهد شد.

مارتین شولتز نامزد حزب سوسیال دموکرات (برای احراز پست صدر اعظمی)، پس از شکست در انتخابات سراسری آلمان و کسب نتایج ناامید کننده، اعلام کرد که حزب متبوعش با ائتلاف احزاب مسیحی جهت تشکیل دوباره دولت ائتلافی وارد مذاکره نخواهد شد. با این حال مرکل اعلام کرده است که مذاکرات خود را با حزب سوسیال دموکرات جهت تشکیل دولت آغاز خواهد کرد. بسیاری از تحلیلگران مسائل سیاسی و اقتصادی در آلمان، از ابتدا نسبت به شکل گیری ائتلاف دموکرات مسیحی ها و سوسیال دموکرات ها دید بدبینانه ای داشتند. گذشت زمان نشان داد که این دید منفی بی دلیل نبوده است! حتی برخی از تحلیلگران آلمانی معتقد بودند که ائتلاف سوسیال دموکرات ها و دموکرات مسیحی ها به زودی از بین خواهد رفت و دولت ائتلافی مرکل فرو می پاشد. با این حال صدر اعظم آلمان در نهایت دولت ائتلافی را با همه اختلافات موجود حفظ کرد. اما نباید فراموش کرد که کلیت حفظ دولت ائتلافی، به معنای موفقیت آمیز بودن عملکرد آن نبوده است.

دولت ائتلافی آلمان در مواجهه با بسیاری از بحران های این کشور که مستلزم ورود قاطعانه دولت به

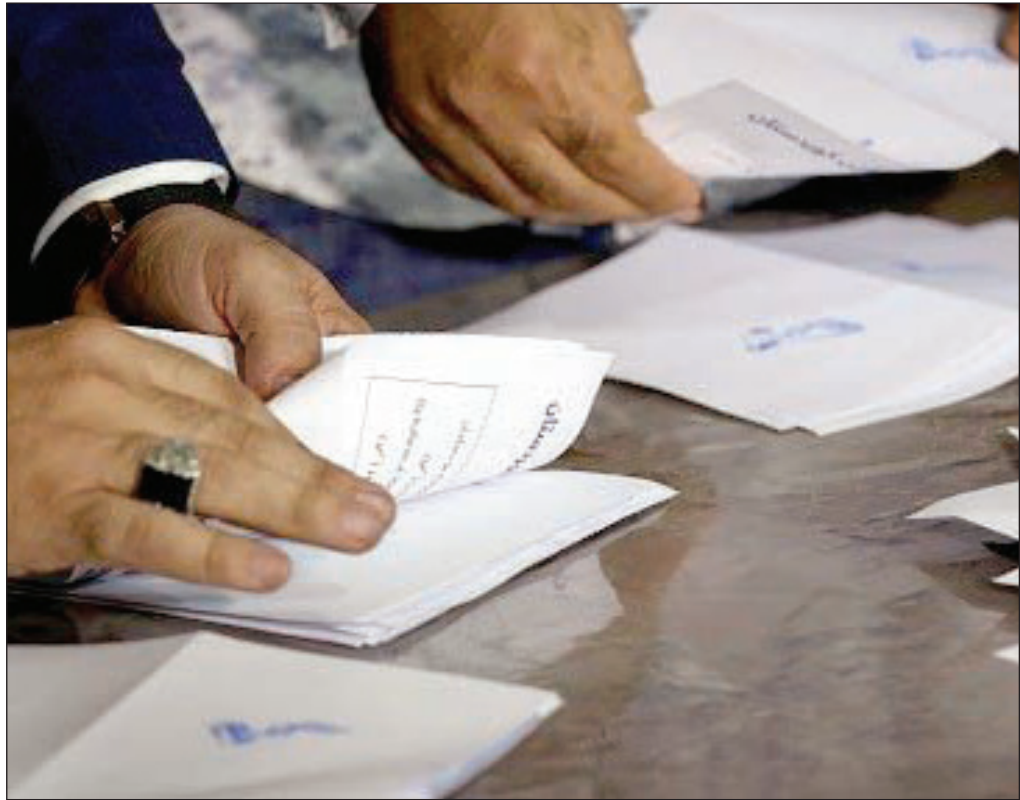
صحنه بود، به محل منازعه دو حزب سنتی و رقیب تبدیل شد. یکی از این موارد، بحران پناهجویان در سال های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ میلادی بود. این بحران همچنان در آلمان و دیگر کشورهای اروپایی وجود دارد. همچنین حزب سوسیال دموکرات آلمان، سیاست های نظامی حزب دموکرات مسیحی از جمله موافقت نسبی این حزب با افزایش بودجه نظامی آلمان (در راستای تامین نظر دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا) را بر نمی تابد. مجموع این اختلافات سبب شده تا بسیاری از شهروندان آلمانی، از کارآمدی دولت فعلی خود در مواجهه با بحران های سیاست داخلی و خارجی کشورشان ناامید شوند. با همه این اوصاف، به نظر می رسد مرکل بار دیگر ناچار شود با همراهی حزب سوسیال دموکرات، دولت ائتلافی را تشکیل دهد. در این خصوص لازم است مرکل از برخی مواضع خود از جمله افزایش بودجه نظامی آلمان (مطابق نظر ترامپ) عقب نشینی کند. مارتین شولتز در جریان رقابت های انتخابات سراسری آلمان اعلام کرده بود که تنها شرط حضور سوسیال دموکرات ها در دولت ائتلافی بعدی، عدم تمکین از خواسته های ترامپ در ناتو است.

مارتین شولتز تأکید کرده که باید استراتژی محدودیت تسلیحات و خلع سلاح اتمی را در پیش گیریم به جای اینکه یک مسابقه تسلیحاتی را راه بیندازیم که از طرف دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا برای آن تبلیغ می شود. در این میان، گزینه های دیگری نیز برای مرکل متصور است. یکی از این گزینه ها، ائتلاف با دو حزب لیبرال دموکرات و حزب سبز است. حزب لیبرال دموکرات (دموکرات های آزاد) سابقه ائتلاف قبلی با مرکل را داشته اند و از این رو، احتمال حضور دوباره آنها در دولت ائتلافی نیز زیاد است. با این حال، حزب سبز از احزاب اپوزیسیون مرکل محسوب می شود. نباید فراموش کرد که در جریان تشکیل دولت ائتلافی فعلی آلمان، حزب سبز در نهایت حاضر به تشکیل دولت ائتلافی با حزب دموکرات مسیحی نشد. در نهایت، آنگلا مرکل ناچار شد مذاکرات تشکیل دولت ائتلافی با حزب سوسیال دموکرات را در دستور کار قرار دهد. این مذاکرات، به صورتی کاملاً ناخواسته

صورت گرفت. عدم راهیابی دموکرات های آزاد (حزب متحد مرکل) در رقابت های انتخاباتی دور گذشته، مرکل را ناچار به ائتلاف با رقیبش کرد. در هر حال، محصول این مذاکرات، تشکیل دولت ائتلافی فعلی در آلمان بود. دولتی ضعیف و حداقلی که در آن اعضای ارشد حزب سوسیال دموکرات مانند فرانک والتر اشتاین مایر و زیگمار گابریل نیز مشارکتی فعال داشته اند. همان گونه که اشاره شد، طی سال های اخیر، شاهد بروز اختلافات عمده ای میان اعضای دولت ائتلافی آلمان بوده ایم. هم اکنون، این تجربه بار دیگر در حال تکرار است.

در هر حال، مرکل ناچار است مذاکره با احزاب مخالف را برای تشکیل دولت ائتلافی در دستور کار قرار دهد. کاهش سید آرای ائتلاف احزاب مسیحی نسبت به دوره قبلی انتخابات، پیروزی این ائتلاف را در انتخابات تلخ جلوه داده است. سران حزب دموکرات مسیحی پس از اعلام نتایج اولیه انتخابات، ناراضیاتی نسبی خود را نسبت به آن اعلام کردند. با این حال مرکل سعی دارد ضمن روحیه بخشی به اعضای حزب دموکرات مسیحی، کماکان از حزب متبوعش و حزب سوسیال دموکرات (خواهر خوانده حزب دموکرات مسیحی) به عنوان قدرتمندترین ائتلاف سیاسی در آلمان یاد کند. آنچه مسلم است اینکه صدر اعظم سرزمین ژرمن ها در آینده ای نزدیک باید پذیری حضور یکی از دو حزب سوسیال دموکرات یا حزب سبز در قدرت باشد. این به معنای کاهش دامنه و قدرت مانور صدر اعظم آلمان خواهد بود. بدون شک هم حزب سوسیال دموکرات و هم حزب سبز جهت حضور در دولت ائتلافی شروطی خواهند داشت که مرکل نمی تواند به راحتی آنها را بر آورده سازد. این در حالی است که حزب چپ و حزب جایگزینی برای آلمان (جریان راست افراطی) که توانسته اند حد نصاب لازم برای ورود به پارلمان را به دست آورند هرگز در دولت ائتلافی با مرکل حضور نخواهند یافت. مرکل ناچار است دولت ائتلافی مدنظر خود را به گونه ای تشکیل دهد که قهرای یکی از دو حزب سبز یا سوسیال دموکرات در آن حضور داشته باشند. در چنین شرایطی دیگر نمی توان از حزب دموکرات مسیحی آلمان به عنوان حزبی مقتدر در معادلات سیاسی و اجرایی سرزمین ژرمن ها یاد کرد. مرکل هم اکنون توانسته است بار دیگر به عنوان صدر اعظم آلمان برگزیده شود. با این حال وی نسبت به آینده سیاسی خود و کشورش و موانعی که بر سر فعالیت وی وجود دارد نگران است... ▶





## پازل پیچیده

کشورهای منطقه چه نگاهی به همه‌پرسی اقلیم کردستان دارند؟

میر قاسم مومنی

مدیر عامل موسسه مطالعات بین‌المللی چشم‌انداز ابرار نوین

همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق، طبق برنامه از پیش تعیین شده در سوم مهرماه برگزار شد؛ این همه‌پرسی در شرایط فعلی وضعیت سیاسی و امنیتی عراق و منطقه، بسیار حائز اهمیت است. منطقه اقلیم کردستان از سال ۲۰۰۳ و بعد از سقوط صدام حسین توانست مسیر دولت‌سازی را طی کند که در این خصوص کمک‌های دولت آمریکا به مقامات کردی در تثبیت حکومت مستقل کردستان جهت دولت‌سازی و ایجاد ساختارهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی بسیار مهم بوده است. در شرایطی که نیروهای متحد عراق توانستند با کمک جامعه جهانی، گروه‌های وابسته به داعش را تقریباً از خاک عراق بیرون کنند و یک قدم در تثبیت امنیت ملی عراق و وحدت ملی بردارند اما در وضعیت فعلی سیاسی عراق که دولت درگیر جریان‌های سیاسی، تثبیت موقعیت دولت مرکزی و بازسازی بعد از جنگ داخلی است، اعلام استقلال منطقه کردستان تیر خلاصی بر وحدت ملی و امنیت ملی این کشور به شمار می‌رود؛ چرا که با اعلام استقلال این منطقه شعله‌های جنگ داخلی براساس قوم و مذهب تشدید خواهد شد و مردم عراق این بار جهت حفظ یکپارچگی عراق خواهند جنگید. مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان، بعد از اخراج داعش از مرزهای عراق و رسیدن به امنیت نسبی و به دلیل موقعیت ضعیف دولت مرکزی و اختلافات سیاسی و قومی موجود در جامعه سیاسی، فرصت را جهت برگزاری این همه‌پرسی مناسب دیده است؛ چرا که در صورت تقویت

موقعیت دولت مرکزی عراق شاید این اقدام سال‌ها به تاخیر بیفتد. به همین جهت بایستی عراق بعد از داعش را با جنگ داخلی قومی و مذهبی در این کشور شاهد باشیم که شروع آن با برگزاری این همه‌پرسی کلید خورده است. در شرایط فعلی در عراق سه منطقه کردی، عربی و شیعی تشکیل شده است که هر منطقه براساس موقعیت سیاسی و مذهبی در چارچوب دولت فدرال اداره می‌شوند ولی دولت کردی دارای موقعیت جغرافیایی و سیاسی خودمختاری است که در صورت به هم خوردن این نظم به وجود آمده احتمال شروع درگیری داخلی در عراق متصور است. باید توجه داشت در شرایط فعلی منطقه‌ای، سیاسی و اقتصادی اقلیم کردستان، استقلال واقعی و تشکیل یک کشور مستقل در کوتاه مدت دور از تصور است و مقامات کردی نیز به این موضوع واقف هستند اما به نظر می‌رسد هدف مقامات کردی از برگزاری این همه‌پرسی گرفتن امتیازات بیشتر و استقلال رای بیشتر در دو موضوع مهم است؛ اول درآمد‌های نفتی و دوم نیروی نظامی کردی است. همه‌پرسی در واقع برگ برنده‌ای در دست مقامات اقلیم کردستان در مذاکرات آتی با دولت مرکزی عراق و حتی دولت ترکیه است؛ چرا که ترکیه بیشترین تهدید را از استقلال کردستان متوجه خود می‌داند و هنوز آتش ۵۰ سال جنگ کردهای ترکیه موسوم به پک ک علیه دولت مرکزی ادامه دارد. این موضوع بزرگترین تهدید امنیتی ترکیه است؛ در چنین موقعیتی ترکیه مواضع شدیدی علیه همه‌پرسی گرفته و خواستار خروج اتباع آن کشور از شهرهای کردی شده است. آنکارا حتی تهدید کرده مسیر صادرات نفت کردستان به بازارهای جهانی را خواهد بست و در واقع ترکیه به مقامات کردستان گوشزد می‌کند که بدون همکاری آنکارا، اقلیم کردستان در محاصره خواهد ماند و بدون صادرات نفت امکان اداره کشور ممکن نیست.

به همین جهت ترکیه از ابزار اقتصادی جهت فشار برای تعدیل سیاست‌های بارزانی نسبت به پک ک و ایجاد مانع در اتحاد بین کردهای ترکیه و عراق استفاده می‌کند. اما باید گفت برگزاری همه‌پرسی در کردستان عراق مقدمه برگزاری همه‌پرسی مشابه در منطقه کردستان سوریه است و کردهای سوریه طی چند سال گذشته توانسته‌اند با کمک آمریکا در تشکیل نیروی نظامی مستقل و دولت‌سازی گام‌های مهمی بردارند. در واقع ایجاد منطقه خودمختار کردی در سوریه قدم بعدی آمریکا در منطقه است که در این صورت ترکیه و سوریه بیشترین آسیب و تهدید را از استقلال کردستان عراق خواهند دید. اما جمهوری اسلامی ایران با توجه به قدرت و اتحاد ملی، کمترین تهدید را متوجه خود می‌داند. این در حالی است که ایران بیشترین نقش را در ترتیبات سیاسی و امنیتی منطقه دارد. چرا که در شرایط فعلی ایران بزرگترین قدرت منطقه است اما آنچه اهمیت دارد این‌که در شرایط فعلی دولت کردستان عراق بزرگترین شریک سیاسی و امنیتی خود را رژیم صهیونیستی می‌داند و این یک تهدید برای ایران محسوب می‌شود که رژیم اسرائیل در مرزهای شمال غربی ایران حضور داشته باشد. از سوی دیگر کردهای عراق که در طول ۸ سال جنگ تحمیلی و وجود داعش، دوشادوش نیروهای ایرانی می‌جنگیدند، در حال حاضر شریک و دوست اسرائیل شده‌اند که این در واقع یک تهدید جدی به شمار می‌رود. اما ترکیه به جهت روابط خود با آمریکا، اسرائیل و کشورهای عربی در یک موقعیت ویژه‌ای قرار گرفته است. بنابراین می‌توان گفت که تهدید ایران بیشتر به دلیل حضور اسرائیل در کنار مرزها است ولی ترکیه از تقویت کردهای پک ک نگران است. به همین جهت ترکیه برای فشار بیشتر به مقامات کردستان عراق نیاز به همکاری ایران دارد. ملاقات اخیر سرلشگر باقری با رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری و سایر مقامات نظامی و امنیتی ترکیه، از تلاش این کشور جهت همراه کردن ایران در اتخاذ یک سیاست واحد علیه اقدامات اقلیم کردستان عراق خبر می‌دهد. اما باید در نظر داشت که ترکیه مهمترین اهرم را علیه کردستان دارد و آن خطوط انتقال انرژی آن منطقه به خارج و شاه‌رگ اقتصادی آن منطقه است. این امکان زمینه مذاکره و رسیدن به توافق دوجانبه را مهیا می‌کند و مساله دیگر این‌که حضور رژیم صهیونیستی در کردستان عراق تهدیدی برای ترکیه نیست بلکه یک فرصت همکاری جدید است. در واقع منافع ایران و ترکیه نسبت به تحولات اقلیم کردستان عراق با هم فرق می‌کند پس ترکیه نیز باید نسبت به خواسته‌های ایران متعهد باشد. البته در طول سال‌های گذشته شاهد بودیم که ترک‌ها از روابط با ایران در راستای اهداف و منافع مقطعی خود بهره جستند و روابط استراتژیک خود را بیشتر با اروپا، آمریکا و اسرائیل تنظیم کردند. به همین جهت در مذاکرات و بازی در شطرنج کردستان بایستی به مواضع متناقض و یا بدعهدی‌های طرف مقابل واقف بود و باید گفت به رغم مخالفت آمریکا با برگزاری همه‌پرسی یک واقعیت انکارناپذیر وجود دارد و آن، این است که کردها بدون اجازه و رضایت آمریکا هرگز دست به چنین اقدام مهم و سرنوشت‌سازی نمی‌زدند. این مساله نشانگر بازی دوگانه آمریکا در قبال دولت عراق است. از سوی دیگر سکوت روسیه و عدم اتخاذ مواضع محکم علیه همه‌پرسی در اقلیم کردستان را باید در سفر اخیر بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به روسیه ارزیابی کرد و به نظر می‌رسد که این تحولات، منافع روسیه در منطقه را تضمین می‌کند. در نهایت باید گفت همه‌پرسی استقلال در کردستان، دومینوی تشکیل دولت‌ها براساس قومیت و مذهب را در خاورمیانه به حرکت درآورده و در این شرایط لازم است دستگاه دیپلماسی کشورمان نسبت به تحولات در حال جریان و بازتاب‌های داخلی و منطقه‌ای حساسیت‌های لازم را داشته باشد و برنامه‌های اجرایی مناسب را اتخاذ کند. ▶

جهت امتیازخواهی بیشتر از سهم نفت منطقه کرکوک و همچنین اخذ امتیازاتی از دولت مرکزی عراق برای یک سلسله اختیارات اشاره می‌شود؛ حال آنکه چنانچه طرح این خواسته در قالب تمامیت ارضی عراق دنبال می‌شد تنها امری منطقی و قانونی بود، بلکه واکنش‌ها و امتیازخواهی‌های اقوام عرب و ترکمن را در این کشور برنمی‌انگیخت. از سوی دیگر تأکیدی بر این امر نیز صورت می‌گیرد که دلایل اصرار طالبانی را باید در اهداف فرصت‌طلبانه‌ای جست‌وجو کرد؟ که در لایه‌های طرح جنجالی قوم کرد پنهان شده و این اوست که به منظور جبران کاهش اعتبار سیاسی‌اش در تشکیلات سیاسی اقلیم کردستان، می‌کوشد تا به اغراض خود دست پیدا کند و نقش سیاسی و اقتصادی بزرگتری را برای خود و دوستانش در حزب تحت سرپرستی‌اش کسب نماید.

اما تحقق این اغراض و انگیزه‌ها، به چه قیمتی برای مردم عراق تمام خواهد شد و سهم کردهای مظلوم این کشور از این ماجراجویی غیرقانونی و همسوس با خواسته‌های دیرینه استعماری (جهت پاره‌پاره کردن و تجزیه کشورهای اسلامی)، چه خواهد بود؟

روشن است که اولین پیامد منفی این رویداد، فراهم شدن فرصت مناسب و مجددی برای بقای داعش و نیروهای پراکنده این گروهک است که با مشغول شدن دولت مرکزی به موضوع کردستان، به بازسازی خود بپردازد. البته پیامدهای منفی بسیار بزرگتر با کلید خوردن موضوع استقلال بر اساس محوریت یک زبان یا قوم، به وجود می‌آید و تبعات منفی آن بیش از هرکس، متوجه کردهای مظلوم و رنج‌دیده عراق می‌شود. چرا که بنا به تجربه، تأکید بر ضرورت کسب امتیاز برای یک قوم یا یک زبان، دیگر اقوام و زبان‌ها را برای عقب‌نماندن از قافله وارد صحنه امتیاز طلبی می‌کند و غائله‌ها، اغتشاشات و حتی جنگ‌های داخلی و فرسایشی را رقم می‌زند. در واقع بی‌جهت نیست که در این عرصه، رژیم صهیونیستی کوشیده است تا از جریان برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان حمایت کند و سرکردگان این رژیم برگزاری همه‌پرسی را به منزله ذخیره‌ای برای اسرائیل دانسته‌اند. حال شاید مهمترین پیامد منفی برای کردهای عراق این باشد که سرنوشت آنها با منفورترین رژیم نزد ملت‌های منطقه پیوند می‌خورد؛ رژیمی که در میان ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل متحد نیز منفورترین است و از این لحاظ منزوی‌ترین رژیم در سطوح جهانی

به‌شمار می‌آید. البته بسیاری از کردهای عراق از این موقعیت منزلی رژیم صهیونیستی اطلاعی ندارند و عواقب پیوند خوردن سرنوشت‌شان با این رژیم، از دید آنها پنهان نگه داشته شده است. این درحالی است که فقط نگاهی به جایگاه رژیم صهیونیستی در سازمان ملل می‌تواند آنها را از خیانتی که علیه‌شان صورت گرفته آگاه کند. کردهای عراق باید بدانند که لااقل طی سه دهه گذشته در هر سال بیش از ۱۰ قطعنامه با آرای بیش از ۱۵۰ کشور جهان (تنها با رای منفی آمریکا و کشور ذره‌بینی میکرونی) علیه اسرائیل صادر شده و این به معنای آن است که حتی دولت‌های استعماری اروپا از ترس ملت‌های‌شان جرأت نکرده‌اند تا به نفع اسرائیل، به این قطعنامه‌ها رای منفی بدهند. ►

## پیوند با رژیم منفور

### اقلیم کردستان در آستانه تحولات پیش‌بینی نشده داخلی قرار دارد

به اظهارنظرهایی که درباره اهداف این همه‌پرسی ارائه شده، از اعتقاد به محوری بودن نقش بارزانی و اصرار وی بر برگزاری این همه‌پرسی حکایت دارد و درعین حال به گستردگی حجم مخالفت‌های منطقه‌ای و جهانی با تصمیمات و اقدامات وی اشاره می‌کند؛ این صرف‌نظر از نوشته‌هایی است که شگفتی تحلیلگران را از کوشش‌های بارزانی برای ورود اقلیم کردستان به دور تازه‌ای از ناآرامی‌ها و تشنجات منعکس می‌سازد و از این دریچه پرسش‌های دیگری را هم در خصوص وابستگی‌ها و سوابق وی طرح می‌کند. چنان که در این باره که به چه علت، همزمان با سیر افول داعش و پیدایش دورنمای امیدبخشی از ثبات و آرامش در عراق، طرح‌های مربوط همه‌پرسی در اقلیم کردستان، جنبه جدی‌تری به خود گرفت و هرچه قدرت داعش کاهش یافت، اصرار بارزانی برای برگزاری آن افزایش یافت.

البته در این خصوص که شخص بارزانی چه اهداف



و اغراضی را در این صحنه دنبال می‌کند و در واری تصمیمات وی، چه انگیزه‌هایی نهفته است نیز مطالب بسیار زیاد و متفاوتی ارائه شده که به خودی خود می‌تواند چهره‌ها و ابعاد از جریان برگزاری همه‌پرسی استقلال را در اقلیم کردستان عراق آشکار کند. کما اینکه تشریح خواسته‌های قدرت‌طلبانه او و گروه تحت سرپرستی‌اش، به ابعاد و ریشه‌های داخلی و تشریح سوابق ۵۰ ساله وی در داشتن ارتباط نزدیک با سرکردگان رژیم صهیونیستی، به جنبه‌ها و ریشه‌های خارجی این همه‌پرسی اشاره دارد و بخش بزرگی از اهداف و اغراض این ماجرا را عیان و آشکار می‌کند.

درباره دلایل اصرار بارزانی بر برگزاری همه‌پرسی در اقلیم کردستان عراق، از یک سو به اهداف وی

جعفر قنادباشی

کارشناس مسائل خاورمیانه



با برگزاری همه‌پرسی استقلال در اقلیم کردستان عراق، این کشور در آستانه یک سلسله تحولات پیش‌بینی نشده قرار گرفته است و دولتمردان عراقی برای نشان دادن واکنش مناسب در برابر این رویداد، با مطالباتی از افکار عمومی روبه‌رو شدند که نه تنها خواستار حفظ تمامیت ارضی مبتنی بر قانون اساسی است، بلکه هرگونه تبعیض قومی را در این کشور و هر نوع برتری طلبی و امتیازخواهی یک قوم خاص را نمی‌پذیرد. با این حال، موضوعات دیگر در دستورکار دولت عراق همانند حفظ ثبات و امنیت ملی، تداوم مقابله با بقایای پراکنده داعش و همچنین مطالبات پارلمان مبنی بر مخالفت

صریح با همه‌پرسی استقلال در اقلیم کردستان، مقامات بغداد را واداشت تا درصدد اقدامات جدی و سریع در برخورد با رویدادهای جاری در شهرهای شمالی این کشور باشند و لااقل در خصوص شهرها و مناطقی که اقوام غیر کرد نیز در آن سکنا دارند، تصمیمات مقتضی اتخاذ نمایند. تصمیماتی که قاعدتا اجرای آن، یک سلسله از مشکلات و تنش‌ها را در عراق رقم خواهد زد و عدم اجرای آن نیز یک سلسله دیگر از اغتشاشات و رویدادهای پرهزینه‌تر را در پی خواهد داشت.

پیداست در شرایطی که استان‌های شمالی عراق در حال ورود به دورانی از تنش و تشنج هستند، همسایگان این کشور نیز نمی‌توانند نسبت به این مساله بی‌تفاوت باشند؛ به ناگزیر باید در صدد ترتیبات و اقداماتی برآیند که از هرگونه ناامنی و بی‌ثباتی در مرزهای مشترک جلوگیری کند و طرف‌های ثالثی را که خواستار بهره‌برداری‌های سوء از جریان همه‌پرسی در اقلیم کردستان، آن هم برای ضربه وارد آوردن به عراق و همسایگان این کشور هستند، از هر نوع تحرکات مداخله‌جویانه بازدارند. طبیعی است مجموعه این مسائل، موجبات پیدایش اوضاع ناپایداری را در عراق

به وجود می‌آورد و به تناسب دوری یا نزدیکی، بر دیگر کشورها تاثیر گذاشته و معادلات منطقه‌ای را در مسیر یک سلسله تحولات ناخواسته قرار می‌دهد.

در چنین شرایطی، کارشناسان مسائل سیاسی در عرصه تحلیل و تفسیر و مقامات کشورهای ذی ربط و دست‌اندرکاران مسائل منطقه‌ای در عرصه اقدام و عمل، می‌کوشند تا با تجزیه و تحلیل دقیق قضایا و ریشه‌یابی جریان‌ها به شناخت بهتر و دقیق‌تر تحولات اقلیم کردستان دست پیدا کنند و ابهامات موجود در خصوص انگیزه‌ها، مقاصد و اغراض موجود در واری برگزاری همه‌پرسی در این بخش از عراق را از میان ببرند. مروری بر مجموعه مطالبی که در خصوص برگزاری همه‌پرسی در اقلیم کردستان نگاشته شده یا نگاهی



## نماد راست سنتی

واکوی نقش آیت الله راستی کاشانی در تحولات سیاسی کشور

مسعود پورسیدی

روزنامه نگار

آرایش سیاسی قانونی کشور نبرد بال راست و چپ مجاهدین انقلاب است؛ این گزاره اصلی ترین پایه تحلیلی در سخنان بسیاری از کارشناسان جریان شناسی کشور است. در این میان نام آیت الله راستی کاشانی به عنوان اصلی ترین دلیل رخداد اختلافات در بدنه این سازمان قدرتمند درج شده است، هرچند اختلاف بر سر «نام» نبود و بر محوریت «نقش» ایشان شکل گرفت و این آیت الله گمنام قم نشین نماد ترسیم آرایش جدید در تحولات سیاسی است. پس از اختلاف در بال های چپ و راست مجاهدین انقلاب آرایش سیاسی کشور تغییر جدی پیدا کرد و هریک از طرفین مغز متفکر نام گرفتند و پس از افول نام آنان در ماجرای «یت و یون» مشهور سپهر سیاست کشور، بار دیگر با ترسیم آرایش سیاسی نوین اصولگرا و اصلاح طلب نام آنان در پشت پرده ترسیم سناریوهای پیروزی نام گرفت.

### اختلاف در سازمان مجاهدین انقلاب

اصلی ترین نمود سیاسی زندگی آیت الله راستی کاشانی در رخداد های سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی رقم خورده است؛ ایشان با پیشنهاد گروه منصرون به امام خمینی (ره) انتخاب شدند؛ در ۱۳ مهرماه ۱۳۶۰ کمیته سیاسی سازمان در ملاقات با امام (ره) به طور تلویحی، تعویض نماینده ایشان را خواستار شد ولی امام با تاکید بر فاضل و مهذب بودن آیت الله راستی این خواسته را رد کردند. آیت الله راستی شورای موقتی مشکل از حسین فدایی، اخوت، علی عسکری، الله وردی، روح الامینی و حمیدرضا کاتوزیان را به منظور تحویل گرفتن تمامی مصادر سازمانی، تدوین اساسنامه و اداره همه امور سازمان به خصوص در رابطه با کلاس های آموزشی و بخش عضوگیری و... تعیین کرد.

به روایت سردار نجات از اعضای فعال بال راست سازمان، اختلافات از جناح بندی یاران بهزاد نبوی و نوع رویکرد آنان به مواضع نماینده امام خمینی (ره) آغاز شد؛ وی در همین راستا اظهار داشت: «جناح آقای بهزاد نبوی یک مقدار اعتراض داشتند نسبت به این قضیه.

آن مخالفت می کردند؛ یا در سالگرد مرحوم دکتر شریعتی، می خواستیم بیانیسه بدهیم که باز هم با عناوین دیگر مانع تراشی می کردند؛ اما چون در این زمینه مقاومت زیاد نبود، مادر نهایت کار خودمان را پیش می بردیم. آن روزها که هنوز اختلافات خیلی اوج نگرفته بود، برنامه های ما پیش می رفت؛ اما این اختلافات با ورود من و آقای نبوی به دولت و تلاش برای اجرای برنامه های اقتصادی، به اوج خود رسید.»

سرانجام در روز ۱۸ شهریور ۱۳۶۱ بهزاد نبوی و دوستانش در ملاقات با آقای هاشمی رفسنجانی با ابراز ناراحتی از نظر حضرت امام، از وی چاره جویی کردند. ولی چهار ماه پس از اعلام نظر حضرت امام آنها به صورت دسته جمعی از عضویت در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی استعفا دادند. بعد از استعفا ۲۷ نفر از اعضای چپ سازمان، طیف راست همچنان به فعالیت در سازمان ادامه می دهد. حسین فدایی درباره دوران استعفا تا انحلال سازمان به صورت خلاصه این گونه گفته است: «ما کارمان را در سازمان ادامه دادیم تا اینکه من به جنگ رفتم. پس از انحلال یا تعطیلی حزب جمهوری اسلامی، حضرت امام (ره) پیغام فرستادند به آقای راستی که من می خواهم نمایندگی ام را در سازمان بردارم، می خواهید چه کار کنید؟ آقای راستی هم منتقل کردند و ما هم گفتیم اگر ولی فقیه در سازمان نماینده نداشته باشد، سازمان را منحل کنید و سازمان در سال ۶۵ منحل شد.» «مهرماه ۱۳۶۵ آیت الله راستی کاشانی در نامه ای به امام از ایشان خواست با استعفا ی او و انحلال سازمان موافقت کند که ایشان نیز پنج روز بعد با این دو درخواست موافقت می کند.

### تغییر آرایش سیاسی جدید

آیت الله راستی کاشانی پس از سال ۱۳۸۴ و به دنبال حمایت جامعه مدرسین از احمدی نژاد دیگر در جلسات جامعه مدرسین شرکت نکرد؛ هرچند رسماً از آن خارج نشد و از دولت نهم به بعد از افراد راست سنتی حامی مرحوم هاشمی رفسنجانی محسوب می شد. این انزوای طلبی آگاهانه گرد فراموشی را بر چهره ایشان شاید؛ هرچند زیست سیاسی آیت الله کاشانی حکایت ترسیم یک نبرد سیاسی تمام عیار پایدار بود و حالا با درگذشت ایشان گمانه زنی ها از ترسیم یک آرایش سیاسی جدید روایت می کند؛ گویا آیت الله راستی کاشانی فصل مشترک همه تغییرخواهی های پایدار و مهم است. با انتشار عکس گفت و گوی علی لاریجانی با رئیس دولت اصلاحات در مراسم وداع با پیکر مرحوم حضرت آیت الله راستی کاشانی در حسینیه شماره یک جماران گمانه زنی ها پیرامون تغییر در الگوی سیاست ورزی علی لاریجانی، پارلمان تار یست باهوش، در محافل سیاسی به گوش می رسد. علی لاریجانی به خوبی آگاه است که فاصله گیری از بدنه اصولگرایان منجر به ریزش پایگاه اجتماعی سنتی اش گردیده است و نمود اصلی آن در انتخابات حوزه انتخابیه قم رخ داد. او امید ی به بازگشت به وضعیت پیشین در اردوگاه یاران قدیمی ندارد، بنابراین خواهان حمایت نفر اول دولت دوازدهم و چشم به پایگاه اجتماعی اصلاح طلبان دارد. اما تهدیدهای نقشه راه علی لاریجانی را تحت الشعاع قرار می دهد؛ بدنه اصلاحات اسحاق جهانگیری را تاجت دهنده حسن روحانی در کارزار انتخابات می داند و «فناطیلی» یار کمکی نباید بدون پاسخ باقی بماند همچنین آنان معتقد هستند در بزنگاه های حساس آتی اصلاح طلبان و پایگاه آنان در جامعه وجه المصلحه قرار خواهد گرفت و این «ابزار انگاری» برای تصاحب قدرت را میان پایگاه اجتماعی آنان پدیدار می سازد. ▶

## فرهنگ معاصر فارسی

نام مؤلفین: غلامحسین صدری افشار، نسرین حکمی، نسترن حکمی

ناشر: فرهنگ معاصر

تعداد صفحات: ۱۳۵۴



ویرایش قبلی این کتاب، با عنوان «فرهنگ زبان فارسی امروز»، در سال ۱۳۶۹ و توسط مؤسسه نشر کلمه منتشر شده بود و بعدها ویرایش‌های بعدی آن با عنوان «فرهنگ فارسی امروز» و نهایتاً «فرهنگ معاصر فارسی» به مخاطبان عرضه شد. انتشارات فرهنگ معاصر، ویرایش چهارم این فرهنگ‌نامه عمومی را در سال ۱۳۸۱ منتشر کرده است و تا سال ۱۳۹۳ به چاپ هفتم رسیده است.

ویرایش سوم این فرهنگ‌نامه در سال ۱۳۷۷ برنده جایزه کتاب سال شد و به لحاظ روانی و سادگی، روشن بودن و دوری از ابهام و کاربردی و عملیاتی بودن، از بهترین فرهنگ‌های لغت کنونی به‌شمار می‌رود. ملاک تدوین این فرهنگ، زبان فارسی امروزی است. این فرهنگ، هر واژه را ساده و روان تعریف می‌کند، از مثال‌های متعدد برای روشن‌تر شدن کاربردهای گوناگون واژه‌ها سود می‌برد و از پیوست‌های سودمندی نظیر جدول‌های اندازه‌گیری وزن، سطح، انرژی، حجم و غیره نیز استفاده کرده است. مؤلفان این فرهنگ، معتقدند که بیش از هر فرهنگ فارسی دیگری که تاکنون منتشر شده، توانسته‌اند واژه‌های رایج زبان فارسی امروز را گردآوری، تعریف و عرضه کنند و نیز ادعا می‌کنند که شاید کار آن‌ها، نخستین فرهنگ فارسی باشد که در آن، همه واژه‌هایی که به کار رفته، تعریف یا به واژه رایج‌تر از خود ارجاع شده است.



## از دریچه‌ای دیگر

ما در این صفحات سعی خواهیم کرد موضوعات مختلف را از دریچه علوم انسانی بنگریم و در عین حال به برخی از حوزه‌ها مانند محیط زیست، دانشگاه، حوزه‌های علمیه، فرهنگ و هنر نگاهی داشته باشیم. در واقع این صفحات، صفحات فکر و ایده و اندیشه مجله است. نوعی عقلانیت ارزش مدار برعکس علوم انسانی غربی که ابزار مدار هستند.

## علم و ایدئولوژی

### تاثیر پذیری آلتوسر از مارکس



که او آن را «گسست معرفت شناختی» نامید، گسستی که موجب شد مارکس به طور کامل از پیشینه هگلی خود جدا شود و با رسیدن به علم دست به تحریر آثاری بزند که با آثار دوران جوانی اش همخوانی نداشت. آلتوسر آثار این دوران مارکس را ایده‌آلیستی/اومانستی می‌خواند. او با بیان اینکه آثار دوره جوانی مارکس ارزش علمی ندارند تاکید کرد نمی‌توانند به عنوان نظریه علمی مارکسیستی به عنوان سلاحی در خدمت «عمل درست سیاسی» برای تغییر قرار بگیرند. چون در نظرش «تنها نظریه علمی مارکسیستی» است که می‌تواند عمل دولت سیاسی را تضمین کند. آلتوسر برای تبیین نظریه علمی مارکسیستی اقدام به دوره‌بندی آثار مارکس کرد و با این عمل نشان داد که تنها آثار دوران پختگی مارکس است که ارزش علمی دارد و سلاح کارایی برای مبارزه طبقه کارگر علیه نظام سرمایه‌داری است. او آثار مارکس را به نوشته‌های اولیه (۱۸۴۴-۱۸۴۰)، دوره گسست (۱۸۴۵)، دوره گذار (۱۸۴۵-۱۸۷۵) و سرانجام دوره بلوغ و پختگی (۱۸۵۷-۱۸۸۳) طبقه‌بندی کرد. در این کتاب در کنار ترجمه برخی از مقالات آلتوسر، بخش‌هایی از «ایدئولوژی آلمانی» و «دست‌نوشته‌های ۱۸۴۴» نیز ترجمه شده است. از جمله متون آلتوسر که در کتاب حاضر آمده می‌توان به بخش‌هایی از «جستارهایی در خودسنجی»، «در دفاع از مارکس»، «لنین و فلسفه»، «درباره مارکسیسم» و «پیشگفتاری بر جلد اول کاپیتال» در کنار نامه‌هایی به ژاک لکان و آندره دپرو و مصاحبه ماریا آلتونیا مایوچی با آلتوسر اشاره کرد.

لویی آلتوسر یکی از شناخته‌شده‌ترین فیلسوفان قرن بیستم بود. او یکی از مقامات ارشد آکادمیک حزب کمونیست فرانسه بود و کوشید به خطراتی پاسخ دهد که به‌زعم او بنیان‌های نظری مارکسیسم را تهدید می‌کرد؛ از جمله مارکسیسم اومانستی و مکتب فرانکفورت. او به‌عنوان مارکسیستی ساختارگرا، مفهوم ایدئولوژی را از اندیشه مارکس وام گرفت و نظریه خود را بر آن بنا کرد. آلتوسر با کمک آرای مارکس نشان داد که هر نظام اجتماعی برای بقا ناگزیر از بازتولید شرایط و روابط تولید است. به‌تازگی کتابی با عنوان «علم و ایدئولوژی» به کوشش و ترجمه مجید مددی از سوی انتشارات نیلوفر منتشر شده که حاصل مجموعه‌ای از مقالات و نوشتارهای آلتوسر درباره ایدئولوژی است. در این کتاب خواننده با مفهومی مواجه می‌شود که در مارکسیسم سنتی در قالب احزاب کمونیست و گروه‌های مارکسیستی کمتر بدان اشاره شده است: علم تاریخ. آلتوسر بر این باور بود که با کشف «قاره تاریخ» علم تاریخ پدید آمد که چون بر علم دیگری فلسفه خود را بنیان می‌نهد، بنابراین می‌توان «ماتریالیسم تاریخی» را علم تاریخ و «ماتریالیسم دیالکتیکی» را فلسفه مارکسیستی دانست که توضیح‌دهنده و تکمیل‌کننده علم تاریخ است و در مجموع جهان‌بینی مارکسیستی را به وجود می‌آوردند. مترجم و گردآورنده کتاب حاضر می‌کوشد اهمیت این کتاب را با طرح این پرسش برجسته کند که چرا آلتوسر؟ «به دلیل وجود سرمایه‌داری». آلتوسر با خوانش آثار دوره مارکس به این نتیجه می‌رسد که اندیشه مارکس استمرار نداشته و در آن گسستی ایجاد شده



## دریای ایمان

در پی تحولاتی که در سده‌های گذشته به دست اندیشمندانی چون گالیله، کانت و هگل در علم و فلسفه و تفکر تاریخی صورت گرفت، باورهای کهن و اعتقادات جزمی فروریخت و نظم نوپدید آمد. جزم‌های سنتی که از بین رفت، انسان تنها ماند و چاره‌ای نداشت جز اینکه به منابع و تدابیر خویش متوسل شود. در این شرایط ژرف‌ترین اعتقادات مردم، فلسفه زندگی آنان و صورت آگاهی‌شان کاملاً متزلزل شد. در این میان موجی تازه برخاست و شماری از اندیشمندان از کی‌برکه‌گور و نیچه تا فروید و یونگ و ویتگنشتاین تلاش کردند که مسیحیت را از باورهای انحصاری رها کنند. در این خصوص تحلیل‌ها و روایات بسیاری نوشته شده است از جمله کتاب «دریای ایمان» اثر دان کیویت که ابتدا در سال ۱۳۸۸ با ترجمه حسن کامشاد از سوی نشر طرح‌نو منتشر شده بود و به تازگی از سوی نشر فرهنگ جاوید تجدید چاپ شده است. او در کتاب خود می‌کوشد نشان دهد چگونه با وجود رشد دانش جدید، دیگر اعتقادات جزمی نتیجه‌ای ندارد و تفکر انتقادی عصر روشنگری، سرآغاز شالوده‌شکنی آن بوده است. نویسنده نخست می‌کوشد نشان دهد چگونه در قرن نوزدهم امور دنیوی اصالت و گسترتش یافته‌اند و دین در مقابل این امواج سهمگین چطور پایداری کرده و سپس در پی آن است نشان دهد چگونه طرز فکر ریاضیاتی موجب شد آخرین بقایای اعتقاد به پیشرفت یا اعتقاد به نوعی مشیت اخلاقی در جهان از بین برود. کیویت از تواندیشان مشهور و پرکار مسیحی است. او هم کشیش است و هم مدرس آکادمیک فلسفه دینی. او در ۱۹۷۳ مجموعه‌ای تلویزیونی ساخت با عنوان «آماده برای شنیدن سوال» و سپس در سال ۱۹۷۷ مجموعه‌ای با نام «عیسا» و در سال ۱۹۸۴ نیز مجموعه‌ای به نام «دریای ایمان» ساخت که نامش را در بریتانیا بر سر زبان‌ها انداخت. کتاب حاضر حاصل مجموعه سوم اوست. او در این کتاب برداشتی امروزی از دین ارائه می‌دهد و نظامی نو بنامی کند. او بر این باور است که برای بنانهادن ایمانی منطبق با باورهای دنیاگرایانه باید از تمام جهان‌بینی سنتی دست کشید. فرایند تدریجی دنیاگرایی، نفوذ علم، تأثیر نقد دینی و تاریخی، گرایش هرچه بیشتر به جهان‌بینی انسان‌مدار و برخورد با ادیان دیگر از جمله مفاهیمی است که کیویت با آنها جهان خاص خود را بنا می‌نهد. از این رو، کتاب حاضر تلاشی است برای تبیین گام به گام آنچه در این مسیر روی داده و صورت‌های تازه‌ای که در شرف دادن است.

## مواجهه فلسفی

### بیژن عبدالکریمی



که از سوی هایدگر به تفکر متافیزیکی جدید و سوپرتیوپیسم مدرن می‌گذرد، در تفکر معاصر فلسفه غرب اثرگذار است. عبدالکریمی پیرامون مواجهه جامعه فلسفی با افکار هایدگر در ایران نیز این گونه اظهار نظر می‌کند: «من در سیاه‌مشق خود تحت‌عنوان «هایدگر در ایران» این بحث را به‌طور مسوط بیان کردم که هانری کربن برای اولین بار ما ایرانیان را با تفکر هایدگر آشنا می‌کند و ما از رهگذر اندیشه کربن - نه به‌عنوان یک مستشرق بلکه به‌عنوان یک فیلسوف مهم و جدی - با تفکر هایدگر آشنا شدیم». استاد فلسفه دانشگاه تهران معتقد است: «تفکر هایدگر برای ما دو ویژگی اساسی دارد که برای ما ایرانیان بسیار مهم بود؛ اول نقد رادیکال نسبت به غرب و دوم ارائه مفاهیمی که می‌توانیم از طریق آن خود را بشناسیم. مفهوم غرب‌زدگی که در کتاب جلال آل احمد منعکس شده و در گفتمان قبل و بعد از انقلاب یکی از مفاهیم کلیدی گفتمان نظری ما بوده، به‌نحوی تحت‌تأثیر هایدگر است. مواجهه جامعه ما با غرب به‌طور کل و با اندیشمندان غربی به‌طور خاص، بیشتر مواجهه سیاسی و ایدئولوژیک بوده و ما کمتر با آنها مواجهه فلسفی داشتیم.»

هیچ متفکری در تاریخ غرب به اندازه هایدگر به رادیکالی او غرب را نقد نکرده است. حتی افرادی مانند نیچه، مارکس و فروید هم که جزو نقادان رادیکال غرب شمرده می‌شوند، به‌هیچ‌وجه جنس نقد آنها مانند نقد هایدگر نیست. همه به‌نوعی شاخه‌های تمدن غرب را نقد کردند اما هایدگر، نقد را متوجه ریشه‌ها کرده و مواجهه‌اش با غرب مواجهه‌ای انتولوژیک و از نوع وجودشناسانه است و چنین مواجهه‌ای در دیگر نقادان غربی دیده نمی‌شود. ۲۶ سپتامبر یکصد و بیست و هشتمین سالروز تولد مارتین هایدگر، فیلسوف بزرگ آلمانی است. بیژن عبدالکریمی استاد فلسفه دانشگاه تهران درباره جایگاه هایدگر در فلسفه غرب و ورود فلسفه او به ایران و نسبت فلسفه اسلامی با تفکر این فیلسوف قاره‌ای می‌گوید: «هایدگر اثرگذاری بسیار عمیقی بر فلسفه معاصر غربی داشته است؛ آنچنان که دیگر نمی‌توان جایگاه او را انکار کرد. او یک متفکر بنیان‌گذار است و من نیز با پاره‌ای از فیلسوفان پست‌مدرن مانند دلوز و فوکو هم‌نظم که مسیر آینده فلسفه غرب به واسطه تسویه حساب و تعیین موضع نسبت به هایدگر می‌گذرد.» او در ادامه چنین می‌گوید: «نقد‌های بنیادینی



## دنیای غیر سکولار

### تفاوت نسبت دین و سیاست در شرق و غرب

یونس نوربخش، جامعه‌شناس، دین‌پژوه، دانشیار دانشگاه تهران و رئیس پردیس البرز دانشگاه تهران در سخنرانی خود که با عنوان «بنیان‌ها و نهادهای آموزش دین در جامعه ایران» در دور هفتم گفت‌وگوهای بین‌الادیانی اندیشمندان مسلمان و مسیحی ایران و اتریش برگزار شد، اطلاق عصر سکولار به دنیای امروز را نادرست خواند. او گفت: «اگرچه دنیای امروز یعنی دنیای مدرن به عصر سکولار شناخته می‌شود اما در واقع این حقیقت چندانی ندارد یا لااقل می‌بایست معنی دقیق‌تری از آن ارائه شود. شاید دنیای سکولار بیشتر در اروپا و غرب معنی دارد تا در شرق. در شرق اسلامی و کنفوسیوسی و بودایی، دین همچنان در جای جای زندگی مردم در شکل‌های مختلف جریان دارد و حتی عنصر هویتی محسوب می‌شود. آموزش دین نیز همچنان در جوامع یک موضوع مهم تلقی می‌شود.» نوربخش در ادامه چند سوال را مطرح کرد: «مذهب چگونه باید آموزش داده شود؟ هدف از آموزش مذهب چیست؟ آیا تنها پاسخ به اصل آزادی دینی است که هر فرد حق دارد دین خود را یاد بگیرد؟ یا هدف یک اصل اجتماعی است و آن آموزش همزیستی و مدارا در دنیای متکثر امروزی و آشنا شدن با ادیان دیگر به منظور احترام به آنها است؟ یا اینکه هدف تحکیم پایه‌های عقیدتی و تقویت هویت دینی سنتی هر فرد است؟» او سپس گفت: «آموزش دین در جوامع مختلف

متناسب با نظام‌های سیاسی و اجتماعی آن دچار تغییرات شده است. در گذشته در مدارس قدیمی ایران همه علوم تدریس می‌شد و این مکتب‌خانه‌ها با محیط‌های روستایی و مدارس قدیمی مذهبی که وظیفه تربیت عالمان دینی را داشتند، همخوانی داشت. همچنین از نظر مرحوم شریعتی، جامعه‌شناس ایرانی، دو گرایش فلسفی اساسی سوسیالیستی و لیبرالیستی پایه‌های آموزشی رایج دنیا هستند که در یکی، جامعه اصالت دارد و انسان قربانی می‌شود و آزادی‌های او اسیر ایدئولوژی مسلط و حاکم می‌شود و در جامعه لیبرال، فردیت و لذت‌گرایی محور قرار می‌گیرد و انسان تک‌ساحتی و در بند تکنولوژی همچون کالایی در بازار مبادله می‌شود. شریعتی همچنین نظام تربیت و آموزش صحیح را در گرو فلسفه فرامادی و یک جهان‌بینی خدایی می‌داند.»

دانشیار دانشگاه تهران یادآور شد: «امروزه نظام‌های آموزشی مهم‌ترین رسالت خود را در حد انتقال و بازتولید ساده و یکسویه دانستی‌ها و نظام ارزشی مورد حمایت فرهنگی رسمی تقلیل نمی‌دهند. آنها کارخانه‌هایی برای تولید آدم‌هایی براساس قالب‌های فرهنگی و ارزشی از پیش تعیین شده نیستند.» او در ادامه گفت: «دین در جوامع مختلف کارکرد و جایگاه متفاوتی دارد؛ بنابراین اهداف آموزشی آن نیز با اصول و بنیان‌ها و شیوه‌های مختلفی دنبال می‌شود.»

## اقتصاد سیاسی

### بار سنگین بازنشستگی بر بودجه

صندوق‌های بازنشستگی و بیمه‌های اجتماعی توان مدیریت خود را ندارند و در صورت عدم کمک مالی دولت، این صندوق‌ها ورشکسته محسوب می‌شوند. رقم کمک‌دولت به این صندوق‌ها نیز هر سال بیشتر می‌شود؛ به‌طوری‌که در بودجه سال جاری ۴۱ هزار میلیارد تومان کمک با ۱۰ درصد افزایش در بودجه ۹۶ پیش‌بینی شده است. واکاوی چگونگی تحمیل بار ۴۱ هزار میلیارد تومانی صندوق‌ها اما از ماجرایی حکایت دارد که یک سر تقصیرها را به دولت و سر دیگر را به مجلس وصل می‌کند. در چهار دهه گذشته بیش از ۲۸ قانون و اصلاحیه برای خدمات بازنشستگی در دولت و مجلس‌های مختلف تصویب شده که سرجمع ۴۰۰ هزار میلیارد تومان بار مالی بر دوش صندوق‌ها گذاشته است؛ بدون آنکه برای این قوانین، محلی جهت جبران بار تحمیل شده پیش‌بینی شود. سیر تاریخی تشکیل صندوق بازنشستگی و قوانینی که این صندوق را مکلف به پرداخت مستمری کرده‌نشان می‌دهد پس از سال ۱۳۵۴، به تدریج حجم تکالیف صندوق‌ها برای ارائه خدمات به کارمندان بازنشسته دولت افزایش یافته و متعاقب آن هر ساله عرصه مالی بر این نهاد حمایتی تنگ‌تر شده است.

قانون بودجه امسال برای صندوق بازنشستگی اعتباری بالغ بر ۲۱ هزار و ۹۷۷ میلیارد و ۴۸۰ میلیون تومان در نظر گرفته که نسبت به سال قبل رشدی حدود ۱۱/۲ درصدی دارد. این صندوق همانند سال قبل دو برنامه بیمه کارکنان دولت و حقوق و مزایای بازنشستگان را مدنظر قرار داده که جهت اجرایی شدن این دو برنامه حدود ۲۲ هزار میلیارد تومان بودجه در خواست کرده است. این رقم معادل ۳۰ درصد از کل بودجه امور رفاه اجتماعی و برابر با حدود ۶ درصد از کل اعتبارات بودجه عمومی لایحه بودجه سال ۱۳۹۶ است. وابستگی صندوق‌های بازنشستگی از جمله صندوق کشوری به بودجه عمومی دولت سال‌هاست به یک مساله تبدیل شده و در همین راستا قانون برنامه پنجم توسعه طی ماده ۲۶ راهکارهایی برای برون‌رفت از این مشکل پیشنهاد کرده که به سبب عملیاتی نشدن ماده مزبور تاکنون نتوانسته از این وابستگی ممانعت به عمل آورد. اعتبارات صندوق کشوری در سال‌های برنامه پنجم بیانگر آن است که رقم بودجه این سازمان از ۵۶۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۸۹ به حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۵ رسیده و رشد ۲۴۷ درصدی داشته است.

نکته دیگر اینکه مشمولان صندوق کشوری بیش از سرانه بودجه اختصاص یافته به سایر جامعه هدف خدمات رفاه اجتماعی در کشور، بودجه دریافت می‌کنند. همچنین اعتبارات سازمان تامین اجتماعی نیروهای مسلح در لایحه بودجه ۱۳۹۶ حدوداً معادل ۱۸۵۰۰ میلیارد تومان است که نسبت به سال گذشته رشدی حدود ۸/۶ درصدی داشته است.



سینما / تئاتر

## کمدی یا تراژدی؟

### اکران ساعت ۵ عصر متوقف شد

چندی پیش بیانیه‌ای از سوی سازمان سینمایی، تکلیف اکران برخی فیلم‌ها در ایام ماه محرم را روشن کرد؛ بیانیه‌ای که طبق آن نمایش فیلم‌های «نهنگ عبر ۲»، «ساعت ۵ عصر»، «اکسیدان» و «من و شامین» متوقف می‌شود. در متن نامه مدیرکل سینمای حرفه‌ای خطاب به رئیس شورای صنفی اکران آمده است: «از آنجایی که نمایش فیلم‌های شاد و طنز در ایام ماه محرم و عزاداری سالار شهیدان شایسته و جایز نیست و در حال حاضر درباره برخی فیلم‌های سینمایی به احتمال قوی این هم‌زمانی صورت خواهد گرفت؛ بنابراین خواهشمند است اقدامات مقتضی در این باره صورت گیرد.» مدت زمان زیادی از رسانه‌ای شدن این ابلاغیه نگذشت که علی سرتیپی، مدیرعامل فیلمبرمان، اعلام کرد فیلم مهران مدیری که با نام فیلمی کمدی نمایشش را آغاز کرد و به گفته کارگردانش کمدی متفاوتی نیز هست، تغییر ژانر داد و سرتیپی عنوان کرد فیلم مهران مدیری کمدی نیست و شامل حال دستورالعمل وزارت ارشاد مبنی بر توقف فیلم‌های کمدی نمی‌شود و نمایش فیلم می‌تواند در ایام محرم ادامه داشته باشد. این در حالی است که برخلاف ادعای سرتیپی، فیلمنامه «ساعت ۵ عصر» تیر ۹۳ با تأکید بر ژانر کمدی در بانک فیلمنامه خانه سینما ثبت شده و آبان ۹۵ هم پروانه ساخت آن باز هم در گونه کمدی صادر شده است. از اکران نخستین

ساخته سینمایی مهران مدیری «ساعت ۵ عصر»، چند هفته می‌گذرد و با وجود تبلیغات گسترده، تنها در هفته‌های نخست اکران توانست مخاطبانش را به سالن‌های سینما بکشانند و به مرور دچار افت فروش در گیشه شد و نتوانست رکوردشکنی در گیشه را که سازندگان انتظار داشتند، به ثبت برساند. با این حال، مشخص نیست به چه دلیل توجیه غیرکمدی بودن فیلم برای ادامه اکران در ماه محرم مطرح شد. پس از مطرح شدن نظرات متفاوت درباره این موضوع، روابط عمومی فیلم «ساعت پنج عصر» از توقف اکران آن هم‌زمان با روزه‌های عزاداری محرم خبر داد. روابط عمومی این فیلم در اطلاعیه خود این گونه نوشته است: «درحالی که براساس اعلام شورای صنفی نمایش از آنجایی که «ساعت پنج عصر» فیلمی کمدی محسوب نمی‌شود و بیشتر اثری اجتماعی است و می‌تواند در ایام محرم به اکران خود ادامه دهد به احترام عزاداری سرور و سالار شهیدان تصمیم گرفتیم که زودتر از تعطیلات پنج روزه سینماها اکران فیلم را متوقف کنیم. بر این اساس با وجود آنکه سینماها به مناسبت دهه اول محرم از جمعه (هفتم مهر) به مدت پنج روز تعطیل خواهند بود، ما نمایش فیلم را از چهارشنبه (پنجم مهر) متوقف خواهیم کرد. شروع مجدد اکران هم بعد از مراسم عزاداری و از چهارشنبه (دوازدهم مهر) خواهد بود.»

## گردشگری و محیط زیست

نایب رئیس کمیته گردشگری مذهبی- معنوی یزد از سفر یکصد گردشگر اسپانیایی به انگیزه حضور در مراسم آیینی و مذهبی عزاداری امام حسین (ع) خبر داده است. محمدمهدی رجایی فرد گفته است: «سال گذشته در دهه نخست محرم، ۶۸۲ گردشگر از ۲۸ کشور در برنامه های آیینی و مذهبی یزد شرکت داشتند که با توجه به تقارن ماه محرم و فصل سفر گردشگران خارجی به ایران، جمعیت این گردشگران امسال حدود ۲۰ درصد رشد داشته است.» او درباره سفر گروه بزرگی از گردشگران اسپانیایی و ایتالیایی به ایران که صرفاً با هدف شرکت در مراسم مذهبی عاشورا و تاسوعا انجام می شود، چنین گفته است: «آنها به شهرهای دیگری جز یزد هم سفر خواهند کرد، اما اهداف اصلی شان حضور در مراسم آیینی و مذهبی محرم است که در این شهر برگزار می شود. در واقع تبلیغات گردشگرانی که سال پیش در این مراسم حضور داشتند، آنها را ترغیب کرده که این سفر را با انگیزه دیدن مراسم عزاداری امام حسین (ع) انجام دهند.»

نایب رئیس کمیته گردشگری مذهبی- معنوی یزد همچنین به برنامه ریزی تورهای محرم که از سوی این کمیته صورت گرفته، اشاره کرد و ادامه داده است: «از پنجم تا سیزدهم ماه محرم، هر روز به مقصد یکی از حسینیه ها و تکیه های معروف یزد، تورهای رایگانی برگزار می شود که علاوه بر این، ترتیب اجرای روضه ای به زبان انگلیسی در حسینیه «پیر و برج» داده شده است.» او با بیان اینکه جامعه هدف در تورهای محرم، گردشگران خارجی است، یادآور شده است: «در گردشگری معنوی معمولاً سعی می شود اشخاص با آیین و دین دیگری آشنا شوند، برای همین فعال جامعه هدف در این برنامه ریزی، گردشگران خارجی است. البته ما از اجرای این برنامه دو هدف مقابله با اسلام هراسی و ایران هراسی را نیز دنبال می کنیم و قصد داریم در جریان این مراسم ها، گردشگران را نسبت به دیدگاه اسلام و تفاوت آن با تفکرات داعش و افراطی ها آگاه و آشنا کنیم.»

رجایی فرد، تبلور فرهنگ غنی ایران در نزد گردشگران خارجی را از دیگر اهداف این برنامه ریزی ها و سامان دهی تورهای گردشگران خارجی که همزمان با محرم به ایران سفر می کنند، خوانده و گفته است: «در یزد، همه ادیان در مراسم آیینی و مذهبی عاشورا و تاسوعا شرکت می کنند. ما زرتشتیانی را داریم که نذری می دهند و برای امام حسین (ع) نخل بلند می کنند. قصد ما نشان دادن چنین پدیده هایی است.»

نایب رئیس کمیته گردشگری مذهبی- معنوی یزد ادامه داده است: «در این تورها که برای ۹ روز ترتیب داده شده، تعدادی از روحانیون جامعه المصطفی که به زبان های غیر فارسی تسلط دارند، در کنار متولیان حسینیه ها و تکایای یزد، کمیته گردشگری مذهبی- معنوی و همچنین گردشگران خارجی را همراهی می کنند.»



## تکمیل فلسفه با کلام

### علوم انسانی مبتنی بر فلسفه است

دین دارد را به ما می دهد. اما فلسفه این گونه نیست. فلسفه عقاید دینی را بیان نمی کند. علوم انسانی با قید اسلامی به اعتقادات و اعمال تقسیم می شود. اعتقادات را کلام و اعمال را فقه مشخص می کند و هر دوی آنها یعنی فقه و کلام بر تحول در علوم انسانی تاثیرگذار است. «برنجکار اظهار داشت: «علم مبتنی بر توصیفات و مبانی عقلی است که به آن کلام گفته می شود و فلسفه هم در درون کلام وجود دارد. فقه باید ها و نبایدها را مشخص می کند. در برخی دانش ها نقش کلام پررنگ تر و در بعضی از دانش ها رنگ فقه بیشتر است.» رئیس انجمن کلام اسلامی حوزه بیان کرد: «علوم انسانی اسلامی باید مبتنی بر کلام و فقه باشد. فلسفه هم دارای نقش است اما نقش فلسفه در کلام وجود دارد یعنی فلسفه به دنبال بیان علت است. فلسفه بخشی از کلام است یعنی کلام از فلسفه استفاده کرده و بخش هایی که با اسلام هماهنگ است را در خود هضم کرده و قسمت هایی را که با اسلام موافقت ندارد کنار گذاشته است.»

استاد دانشگاه تهران ادامه داد: «امروز نسبت به فقه و کلام ما بی انصافی می شود، زیرا حرف های کلام و فقه به نام اسلام بیان می شود و ظاهراً می خواهیم همه نظریه ها را به نام ملاصدرا بیان کنیم در حالی که این گونه نیست زیرا قبل از ملاصدرا، اسلام و دیگر ادیان این مطالب را بیان کرده بودند.»

حجت الاسلام رضا برنجکار رئیس انجمن کلام اسلامی حوزه علمیه قم درباره نقش فلسفه اسلامی در تولید علوم انسانی اسلامی گفت: «در ایران تصور می شود فلسفه اسلامی، نوع خاصی از فلسفه است اما در غرب به آن فلسفه سنتی گفته می شود. منظور ما از فلسفه همان فلسفه به معنای عام است مانند فلسفه اگزیستانس، کلام، فلسفه تحلیلی و مباحث معرفت شناسی که امروز از فلسفه جدا شده است. اما در ایران فلسفه را بسیار بسته و محدود در نظر می گیرند. مثلاً مکتب عقلی که منتقد ملاصدرا را ضد فلسفه می دانند در حالی که آن فلسفه جدیدی است.» او با بیان اینکه علوم انسانی مبتنی بر فلسفه است ادامه داد: «ما در علوم انسانی اسلامی می خواهیم علمی را بر اساس مبانی که ما قبول داریم، ایجاد کنیم نه مبانی که مورد نظر دیگر مکاتب است. هر کدام از مکاتب تحلیل های مختلفی از انسان شناسی و جامعه دارند که در اقتصاد، جامعه شناسی، روانشناسی و... تاثیرگذار است.» برنجکار گفت: «کلام و فقه در گذشته دارای معنای متفاوت تری بودند. فقه فهم ما از دین و کلام دفاع از آن بود اما اکنون این معنی تفاوت کرده است. اکنون معنی کلام فهم و دفاع از اعتقادات است و فقه فهم اعمال است. اگر علوم انسانی قید اسلامی داشته باشد، باید مبتنی بر کلام و فقه باشد.» او خاطرنشان کرد: «فلسفه کلام از فلسفه بهره می گیرد یعنی فلسفه به تنهایی کامل نیست بلکه کلام علمی است که عقلاً و نقلاً هر آنچه

## سرزمین مادری

### سرزمین کهن به آنتن بازمی گردد



هستند، سپرده می شود. این سریال قرار بود تاریخ معاصر ایران را در قالب سه فاز ۶۶ قسمتی و ۵۰ دقیقه ای بررسی کند و در سال ۸۶ پیش تولید خود را آغاز کرد و ساخت دکور نیز شروع شد و قرار شد کمال تبریزی، سریال خود را در لوکیشن عظیمی در شهرک غزالی بسازد. در نیمه آذر ۸۷ در شهرک سینمایی غزالی فیلمبرداری فاز اول خود را آغاز کرد و بعد از اصلاحاتی که روی فیلمنامه شده بود فاز اول سریال در اوایل سال ۸۹ به اتمام رسید. فاز دوم سریال از



سریال «سرزمین کهن» به کارگردانی کمال تبریزی با نام جدید «سرزمین مادری» از جمعه ۱۴ مهر روی آنتن شبکه سه سیمای می رود. این سریال از جمعه ۱۴ مهر ماه از شبکه سه سیمای پخش می شود. البته نکته جالب در تیزر سریال این است که نام آن «سرزمین مادری» نوشته شده است. پیش از این سه قسمت از این سریال پخش شده بود اما با سوء تفاهم هایی که پیش آمده بود ادامه آن روی آنتن نرفت. تولید و ضبط فاز سوم این سریال تا اردیبهشت امسال به طول انجامید. سرزمین مادری

به بررسی تاریخ سیاسی اجتماعی ایران از سال ۱۳۲۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی در قالب زندگی یک پسر بچه می پردازد که در قالب سه فصل برای پخش آماده شده است. در فصل اول سریال، کودکی رهی که شخصیت اصلی سرزمین مادری است به تصویر کشیده می شود. رهی بعد از بمباران دهکده محل سکونت شان توسط نیروهای متفقین، از زیر آوار بیرون کشیده می شود و پس از چند روز مراقبت توسط مادرش راهی تهران می شود. سال ها بعد او در یک خانواده ای با تفکرات نزدیک به حزب توده بزرگ می شود، اما پس از چندی او به یک خانواده درباری سپرده می شود. او در ادامه به یک خانواده دیگر که مذهبی

دی ماه ۸۹ شروع شد و بعد از مشکلات مالی و اصلاحاتی که به فیلمنامه وارد شده بود در شهریور ۹۲ به اتمام رسید ولی تصویربرداری مجدد برای اصلاحات نیز آغاز شد. در ۳ بهمن ۹۲ این سریال روی آنتن شبکه ۳ رفت اما فقط چهار قسمت از سریال پخش شد که موجی از اعتراضات و بختیاری ها را در پی داشت که باعث تعطیل شدن سریال و ناتمام ماندن فاز دوم و غرخواهی صداوسیما و عوامل سریال شد. در سال ۹۴ زمزمه هایی در مورد پخش این سریال به گوش می رسید. در مرداد ماه ۹۴ پیش تولید فاز سوم سرزمین کهن شروع شد و فیلمبرداری از بهمن ۹۴ آغاز شد و تا تیر ۹۶ به پایان رسید.

## اثر یاد خدا

آیت الله مجتبی تهرانى  
نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳، خطبه همام



رُوى عَنْ عَلِىٍّ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فى وَصْفِ أَهْلِ التَّقْوَى قَالَ: يُمَسِّى وَهُمْهُ الشُّكْرُ وَيُصْبِحُ وَهُمْهُ الذِّكْرُ يَبِيتُ خَدْرًا وَيُصْبِحُ فَرَحًا خَدْرًا لِمَا خَدَّرَ مِنَ الْعَقْلَةِ وَفَرَحًا بِمَا أَصَابَ مِنَ الْفَضْلِ وَالزُّحْمَةِ [۱] حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

فرمودند: انسانی که مومن و اهل تقوا و پرهیزکاری است، کسی است که روز خود را در حالی شب می کند که تمام هم او در شبانگاه سپاسگزاری و شکر خداوند است و شب خود را در حالی صبح می کند که تمام هم و غم او ذکر و یاد خداست.

مومن متقی روز خود را شب می کند درحالی که از چیزهایی که او را به غفلت و فراموشی خداوند بکشاند ترسان و هراسناک است و شب خود را صبح می کند درحالی که خوشحال و شادمان است و این خوشحالی او به خاطر فضل و رحمتی است که خداوند به او عنایت کرده است.

در شرح حدیث باید بگویم که انسان هایی که ایمان به خداوند دارند و انجام اوامر و فرامین الهی و دوری از محرمات و گناهان برای آنها ملکه شده است، به راحتی فرامین الهی را انجام و گناهان را ترک می کنند و در حالی روز را سپری می کنند که هرچه را می بینند نعمت های بی شمار الهی است. چه نعم متصله و چه منفصله که خداوند به آنها عطا فرموده است.

آنان به سپاس و شکر قلبی و زبانی و عملی می پردازند و از شروع صبح به یاد و ذکر، دعا و اعمال خیر می پردازند. ذکر و یاد خداوند به این معنا که همه اعمال عبادی و معیشتی، کسب و کار، تحصیل، تفریح، ورزش، همسر داری، دوستی و رفاقت و... را یاد یاد خداوند و برای او با اخلاص انجام می دهد و در روز نگران و ترسان و هراسناک است نکند چیزی او را به غفلت بکشاند و خداوند را فراموش کند و کار و امور دنیایی او را منحرف نماید.

و شب را که به صبح می رساند خوشحال و مسرور است از اینکه احسان، فضل و کرم الهی شامل او شده و او زنده است تا بتواند توشه ای برای خود فراهم نماید و یا اگر نعوذ بالله خطا و گناهی انجام داده، توبه و جبران کرده و مورد غفران و بخشش الهی قرار بگیرد.

مومن اهل شکر است و اهل شکایت نیست. عده ای اهل شکایت هستند و خودشان هم نمی دانند. با کم شدن و یا نرسیدن موارد مادی و خواسته های خودشان (که از مصلحت و امتحان الهی یا بر اثر دوری از خداوند و انجام گناه است) لب به گله و شکایت می گشایند که همین ناسپاسی توفیقات زیادی را از انسان سلب می کند. بالاترین مصیبت دنیا و آخرت این است که خداوند یاد خود را از بنده اش گرفته و او را مشغول و سرگرم به دنیای خود کند که این بالای جهنمی مصیبت در دین است. ان شاء الله خداوند مصیبت ما را در دین قرار ندهد!



## اندیشه نامه روی کیوسک

یک رسانه جدید در حوزه اندیشه منتشر شد



مطبوعات کشور آمد. در این شماره، یادداشت اختصاصی سیدجمال الدین دین پرور، حسن سبحانی، حسین باهر، عباس سلیمی نمین، میثم موسایی، ابراهیم رزاقی، محمدحسین جمشیدی، مسعود آذربایجانی، علی انتظار، محمد آقایی، غلامرضا جمشیدی ها، سیدهادی موسوی آفقهی، قدیر نصری، یحیی فوزی، مهدی جمشیدی، مظفر نامدار، هوشنگ جاوید، ناصر هاشم زاده، و جبهه سامانی در موضوعات یاد شده به رشته تحریر درآمده

است. موسسه فرهنگی قدس، نهاد مطبوعاتی آستان قدس رضوی است که با انتشار روزنامه سراسری قدس، ماهنامه زائر، پایگاه خبری تحلیلی قدس آنلاین فارسی و عربی از سال ۱۳۶۶ تا کنون به فعالیت مشغول است و اندیشه نامه، محصول جدید رسانه ای این موسسه با رویکرد اندیشه و مخاطب نخبگانی است.

ماهنامه فرهنگی و تحلیلی اندیشه نامه توسط موسسه فرهنگی قدس (روزنامه قدس) وابسته به آستان قدس رضوی منتشر شد. اندیشه نامه، مأموریت خود را گفت وگویی اندیشه ها و نظرات مختلف، تبیین گفتمان دینی و انقلابی، ترویج اندیشه اسلامی و همچنین بستری جهت معرفی چهره های انقلابی جوان تعریف کرده است. شماره اول این ماهنامه در ۱۵۶ صفحه و با سرفصل های خبرنامه، پرونده آسیب شناسی تکرر نهادهای متولی در حوزه علوم

انسانی، تأملی بر جامعه بدون طبقه و مواجهه با چالش سرمایه داری، جهان اسلام و بررسی سرنوشت سلفی های تکفیری بعد از شکست های اخیر داعش، در جست و جوی زبان هنر انقلاب اسلامی، ارج نامه ای به پاس بیش از نیم قرن قرآن پژوهی سیدمحمدباقر حجتی و پرونده ای درباره مهم ترین آثار اندیشه سیاسی شیعه به پیشخوان



## درد قهوه

پیام طنز تلخ ماریو بندتی چیست؟

واقعیت های تاریخی، اجتماعی، و سیاسی آن زمان است. بندتی با روایت های بازتابی اش، پیشنهاد می کند که همه می توانند لحظات مهم زندگی یک کودک، یک بزرگسال و یک میناسال را بازشناسند. لحظاتی که همه آنها را تجربه کرده اند: اندوه مرگ مادر، کشف عشق، شعور اجتماعی، تجربه لذت و درد. می توانیم دوباره از پس رسوبی که گذشت سال ها برجا می گذارند، آدم هایی را به یاد بیاوریم که عاشق شان بودیم و خط سیر زندگی مان را شکل داده اند.»

ماریو بندتی شاعر، رمان نویس، نمایشنامه نویس و منتقد برجسته اروگوئه ای است که در سال ۱۹۲۰ متولد شد. او هم دوره خوان کارلوس اونتی، چهره درخشان ادبیات معاصر اروگوئه است و آثارش تا کنون جوایز مختلفی به دست آورده اند. از میان این جوایز می توان به جایزه شعر رینا سوفیا در سال ۱۹۹۹ و جایزه آمریکای لاتین خوسه مارتی در سال ۲۰۰۰ اشاره کرد. بندتی سال ها رئیس گروه ادبیات آمریکای لاتین در دانشکده علوم انسانی و رئیس مرکز تحقیقات ادبی هاوانا بود.

او تا کنون بیش از پنجاه کتاب منتشر کرده که برخی از آنها به زبان های متعددی ترجمه شده اند. در بخشی دیگر از «درد قهوه» می خوانیم: «چرا این قدر ساکت و خاموش؟ اطرافیانم هر قدر پرحرند، هر قدر بیشتر حرافی می کنند، دلم بیشتر می خواهد سکوت کنم. شاید این بهانه خوبی برای دست نوشته هایم باشد تا بعد از شش سال دوباره آنها را به یاد آورم.»

«خانواده ام همیشه یا حداقل از زمانی که من یادم می آید، خانه به دوش بوده اند؛ نمی گویم ما را به خاطر ندادن اجاره بیرون می کردند، نه، این اسباب کشی ها دلایل دیگری هم داشت. شاید این دلایل منطقی نباشند ولی مایه آبروریزی هم نبودند. باید اعتراف کنم که من از تقلا بیستن و دوباره بازکردن چمدان ها و بسته ها و کمدهای لباس خیلی کیف می کردم. بعد از آن همه ریخت و پاش، همه چیز به حال اولش درمی آمد و وسایل توی کمدها، قفسه ها و کشوها قرار می گرفت. باین حال بیشتر وسایل، البته نه همیشه، باز نکرده در کارتن ها باقی می ماند.

خانه جدید. همیشه خدا مستاجر بودیم - ظرف چند روز شکل و شمایل یک خانه واقعی را به خودش می گرفت یا حداقل شبیه به سرپناهی امن می شد.» «درد قهوه» ماریو بندتی این طور شروع می شود. آن طور که از همین چند سطر پیداست، روایت داستانی بندتی در این کتاب طنزی نهفته در خود دارد که بیشتر تلخ و کنایه آمیز است. او در این کتاب داستان را به سبکی روان و درعین حال رمزآلود روایت می کند و احساسات و افکار شخصیت های داستان روشن و ساده به تصویر درآمده اند.

«درد قهوه» به تازگی با ترجمه عطیه الحسینی توسط نشر فرهنگ جاوید به چاپ رسیده است. مترجم کتاب در بخشی از پیشگفتارش درباره این اثر نوشته است: «در این کتاب، کلا دیو راوی داستان، به کودکی خود بازگشته است؛ دوره ای که تقریباً همزمان با دوران کودکی خود نویسنده است. روایت های او گزارشی از

## ماجرای یک عکس مشترک

علی لاریجانی به مجلس ختم آیت الله راستی کاشانی می‌رود. ناگهان تصویری از او در کنار محمد خاتمی منتشر می‌شود و موج انتقادات از سوی برخی چهره‌های اصولگرا و رسانه‌های جناح شکل می‌گیرد. این وسط برخی رسانه‌های نزدیک اصلاح طلب هم به این تحلیل از ماجرا رسیدند که لاریجانی حساب شده و با هدف جذب رای بدنه اصلاح طلب این کار را انجام داده است.

## دردسر برای آقای دکتر

همنشینی لاریجانی و علی عسگری با خاتمی موجب انتقاد اصولگرایان شد

هم با دو تا سید صحبت نکرد. «کیهان در ادامه درخواستی را از روسای مجلس و سازمان صدا و سیما داشت: «در هر صورت آنچه از آقایان عسگری و لاریجانی به عنوان مسئول نظام جمهوری اسلامی انتظار می‌رود، تاکید بر مرزبندی با فتنه و سران آن - از جمله خاتمی - است و برای زدودن آثار شیطنت رسانه‌های وابسته به فتنه گران لازم است این اظهار برائت و انزجار صراحتاً اعلام شود.» این روزنامه در بخش دیگری از این نوشته سید محمد خاتمی را دچار «گرفتاری خود ساخته» خواند و نوشت: «مساله خاتمی، با این قبیل رفتارهای تله گذارانه و شیدانه وی و هم شبکه‌هایش بر طرف نمی‌شود. حداقل کاری که او باید بکند ابراز ندامت و عذرخواهی صادقانه از نظام و مردم است. معمایی پیچیده‌ای نیست که نشود فهم کرد. خاتمی چندین بار در محافل خصوصی و حتی در دیدار با برخی فعالان دانشجویی تصریح کرده است که می‌داند تقلب مورد ادعا در انتخابات سال ۸۸ واقعیت ندارد. او یا باید تکذیب کند که بارها در دیدارهای خصوصی و محفلی چندین و چند بار به دروغ بودن ادعای تقلب اذعان کرده، که نمی‌تواند. چون هم شاهدان اذعان او فراوان و متعدد هستند و هم در آن صورت باید تقلب ۱۱ میلیون رای را ثابت کند. یا اینکه بر اساس اعتراف درست خود، به مردم توضیح دهد برای چه کتمان شهادتی به این مهمی کرده، بلکه بر خلاف علم خود، سر دسته مدعیان تقلب و تحریک کنندگان مردم به آشوب شده و آن خسارت عظیم را که موجب دشمن شدن ملت ایران شد، کلید زده است؟

خاتمی البته تا امروز شجاعت نداشته که یکی از دو گزینه فوق را در پیش گیرد. او چاره‌ای جز ابراز پشیمانی و عذرخواهی ندارد. اما چیزی که کم دارد، حریت و شجاعت جبران خیانت است. او در جرگه‌ای قرار گرفت که خط قرمز جمهوری اسلامی است؛ چرا که رای مردم و جمهوریت همانند اسلامیت، خط قرمز نظام است که اگر شورش طلبی و یاغی گری در برابر رای مردم خط قرمز نباشد، دیگر مردم سالاری وجود نخواهد داشت.»

در واکنشی دیگر سایت رجانیوز از رسانه‌های نزدیک به جبهه پایداری هم در مطلبی نوشت: «انتشار تصاویری از مجلس ختم مرحوم آیت الله راستی کاشانی که علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و عسگری رئیس سازمان صدا و سیما را در کنار سید محمد خاتمی یکی از سران فتنه نشان می‌دهد، واکنش‌های زیادی را در فضای مجازی به دنبال داشته است. پیش از این نیز جریان فتنه تلاش داشت تا با انتشار تصاویر خاتمی در کنار برخی مسئولان نظام از جرم او قبح زدایی کند و بر همین اساس بود که غلامحسین کرباسچی به انتشار تصویری از خاتمی در کنار وزیر اطلاعات دولت روحانی اقدام کرد،

## علی لاریجانی در مقابل انتقادها سکوت کرده است



نیز با راهپیمایی ۹ دی نشان دادند که دل‌شان با عوامل آشوب‌های نیابتی صاف نمی‌شود.» کیهان در ادامه آورده است: «در عین حال برخی گزارش‌ها حاکی است که در اتفاق روز مراسم وداع با پیکر مرحوم راستی کاشانی، صحنه‌سازی و شیطنت صورت گرفته است. جهان‌نیوز در این زمینه به نقل از شاهدان عینی می‌نویسد که خاتمی در کنار سید حسن خمینی حضور داشت. آقای عسگری رئیس سازمان صدا و سیما که وارد حسینیه شد، مسئول ویژه استقبال از مسئولان در حسینیه جماران به استقبال رفت. در حالی که آقای عسگری می‌خواست به میان جمعیت برود او را به سمت همان دالان داربستی پوشیده شده از پارچه سیاه‌های محرم برد. سید حسن هم به آن مسئول انتظامات اشاره‌ای کرد که میهمان ویژه را به جایگاه ویژه هدایت کند. بالاخره آقای عسگری به آن دوراهی انتهای دالان رسید و مواجه شد با استقبال ویژه سید حسن خمینی که یک جا میان خودش و سید محمد خاتمی برای رئیس صدا و سیما خالی کرده بود. برایم جالب بود که ببینم رئیس رسانه‌ای که یک فریم از خاتمی تصویر پخش نمی‌کند چه عکس العملی نشان می‌دهد. آقای عسگری خودش را متمایل کرد که به سمت چپ برود که برخی افراد سیاسی نشسته‌اند اما سید حسن به شدت اصرار کرد که اینجا تشریف بیاورید. البته معلوم بود که رئیس صدا و سیما خیلی معذب و ناراحت اما در نهایت ناراحتی ادب و لبخند روی لبش را حفظ می‌کرد و البته یک کلمه

علی لاریجانی این روزها بیش از همیشه زیر ذره بین است. او شاید هیچ وقت همچون امروز مورد توجه رسانه‌ها و محافل سیاسی نبوده است. همین چند هفته پیش بود که کارگزارانی‌ها نام او را به عنوان یکی از گزینه‌های مورد حمایت‌شان در انتخابات ۱۴۰۰ بر سر زبان‌ها انداختند. حالا هم که هم‌نشینی او با رئیس دولت اصلاحات در جریان یک مجلس ختم بار دیگر او را به مرکز توجهات سیاسی تبدیل کرده است. همه این واکنش‌ها از یک جهت داغ و پراهمیت شده است؛ آنجا که می‌گویند او برای حضور در انتخابات ۱۴۰۰ برنامه دارد و از همه مهمتر که این وسط کسانی هم هستند که می‌گویند او این بار برخلاف سال ۱۳۸۴ خیلی هم زود شروع کرده است. حالا باید به این سوالات مهم پاسخ داد: چرا علی لاریجانی که از حساسیت‌ها با خبر بوده کنار محمد خاتمی نشسته است؟ آیا واقعا او برای انتخابات ۱۴۰۰ برنامه دارد و اگر چنین است چرا تا این اندازه زود این فعالیت‌ها را آغاز کرده است؟ و مهمتر اینکه چرا کارگزاران این چنین به حمایت از علی لاریجانی پرداخته‌اند هم در شرایطی که خیلی‌ها فکر می‌کردند اسحاق جهانگیری نامزد اصلی آنها در انتخابات باشد.

### در دسرهای یک عکس

ماجرای این قرار بود که علی لاریجانی به مجلس ختم آیت الله راستی کاشانی می‌رود. ناگهان تصویری از او در کنار محمد خاتمی منتشر می‌شود و موج انتقادها از سوی برخی چهره‌های اصولگرا و رسانه‌های جناح شکل

همه این نشانه‌هایی که تاکنون پدیدار شده اگر چه شاید زود باشد اما می‌توان حدس زد که علی لاریجانی برنامه‌هایی برای انتخابات ۱۴۰۰ دارد. این بیش فعالی سیاسی او نشان می‌دهد که بنابر ادعای قاطع همان جایگاهی بایستد که حسن روحانی اکنون ایستاده است. فردی که هم بدنه اصلاحات را می‌خواهد و هم تلاش می‌کند طیفی از اصولگرایان را با خود داشته باشد.

می‌گیرد. این وسط برخی رسانه‌های نزدیک اصلاح طلب هم به این تحلیل از ماجرا رسیدند که لاریجانی حساب شده و با هدف جذب رای بدنه اصلاح طلب این کار را انجام داده است.

اولین و جدی‌ترین واکنش را در همان روز اول روزنامه کیهان از خود نشان داد. این روزنامه در مطلبی در ستون اخبار ویژه خود نوشت: «صحنه‌آرایی برای ممنوعیت زدایی از سران فتنه نمی‌تواند سابقه خیانت آنها را به فراموشی بسپارد. چند روز پیش برنامه وداع با پیکر مرحوم آیت الله راستی کاشانی در حسینیه جماران برگزار شد که روسای صدا و سیما و مجلس نیز در این مراسم شرکت کردند اما با تله‌گذاری برخی مرتبطان فتنه گران، آقایان علی عسگری و علی لاریجانی برای لحظاتی در کنار خاتمی نشستند که همین سوژه کانال‌ها و سایت‌های وابسته به فتنه گران شدند تا چنین القا کنند که حساسیت نظام نسبت به خط قرمز فتنه کاهش پیدا کرده است. این القای مودیانه در حالی است که رهبر معظم انقلاب بارها، به اعتبار حرمت‌شکنی و ظلم انجام گرفته در فتنه سال ۸۸ و ایراد اتهام خائنانه خیانت در امانت رای مردم تصریح کرده‌اند که فتنه خط قرمز نظام است. ملت مومن و انقلابی



احمد توکلی از معدود  
چهره‌های اصول گرا بود  
که به کمک لاریجانی آمد



عبدالله گنجی گفته است: از نگاه بنده  
اصلاح طلبان ناب هیچ موقع پشت سر او  
قرار نخواهند گرفت

اما آنچه در تصویر جدید خاتمی با برخی مسئولان کنونی کشور حائز اهمیت است، بی تفاوتی و حتی خوش و بش آنها با خاتمی است.

بی تفاوتی علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به محل استقرار خود و نشستن کنار محمد خاتمی و همچنین خوش و بش علی عسگری رئیس صدا و سیما با خاتمی را باید مهمترین نکته قابل توجه این تصاویر دانست. تصاویری که کوچکترین نشانه‌ای از مرزبندی یا نمایندگی نگاه نظام به سران فتنه در آن مشاهده نمی‌شود. هر چند این رفتار علی لاریجانی مسبوق به سابقه است، به نحوی که مواضع او از زمان فتنه ۸۸ نیز حاکی از تلاش وی برای نزدیکی به این طیف سیاسی بوده است، به نحوی که ثمره این رفتار بعدها در جریان انتخاب رئیس مجلسی که لیست امید مدعی کسب اکثریت نسبی آن بود نمود پیدا کرد و لاریجانی با رای اکثریت مطلق نمایندگان رئیس آن مجلس شد. نحوه تعامل تقابلی با نیروهای مومن و انقلابی که بارها از سوی رهبر معظم انقلاب به تعامل با آنها سفارش شده است، چه در عرصه اداره مجلس و چه در صحنه‌های سیاسی دیگر نیز یکی از نشانه‌های مشهود چرخش علی لاریجانی بود که شاید نقطه اوج آن را در ماجرای برجام و تصویب خسارت‌بار و همراهی عجیب و سوال برانگیز با دولت و وزرای پر حاشیه‌ای چون زنگنه و آخوندی بتوان مشاهده کرد. هر چند این موضوع درباره رئیس رسانه ملی تفاوت دارد و اساسا نباید وی را چندان صاحب نظر در امور سیاسی تلقی کرد، نکته‌ای که از نحوه اداره این رسانه مهم کشور در زمان تصدی وی به خوبی روشن است و حاشیه‌هایی چون مراسم تشییع هاشمی رفسنجانی و خوش و بش با سید محمد خاتمی که - بارها با چراغ سبز او به صدا و سیما حمله شده است - از مصادیق این کم اطلاعی علی عسگری در مسائل سیاسی روز به حساب می‌آید. هر چند که نباید سابقه مسئولیت وی در دولت هاشمی رفسنجانی و ارتباطات شخصی وی با این طیف سیاسی را نیز در این رفتار عجیب و تاسف‌بار سیاسی او بی تاثیر دانست.

اما در واکنشی متفاوت، عبدالله گنجی، مدیر مسئول اصولگرایی روزنامه جوان نیز در یادداشتی تلگرامی نوشت: «دکتر لاریجانی به جهت فردی هم باهوش است و هم محافظه کار. از نگاه بنده اصلاح طلبان ناب هیچ موقع پشت سر او قرار نخواهند گرفت هر چند او را برای چانه زنی در درون نظام از روحانی موثرتر می‌دانند. انتشار تصاویر

وی در کنار خاتمی در حسینیه جماران - که خیلی‌ها را متعجب کرد - را نمی‌توان با گزینه در دام (یا قاطعیت) یا طراحی افتاد تفسیر کرد. زیرا اومی داند به کجاء دعوت شده است و ترکیب جلسه در جماران چگونه است. حتی اگر اطلاعات میدانی هم نداشت اصل موضوع برایش روشن بود اما چرا چنین کرد؟

۱- ممکن است نتوانسته دعوت سید حسن را رد کند اما براین باور بوده که در مکانی متفاوت می‌نشینم ولی در عمل نشده است. ۲- ممکن است سناریوسازان، خاتمی را دیرتر وارد جلسه کرده باشند و کنار وی قرار داده باشند و در حضور حاضران جابه جایی بعدی به صلاح بوده است ۳- ممکن و محتمل است این هم قاب شدن با اطلاع از قصد جریان خاتمی و تعدیل حصر رسانه‌ای وی باشد و لاریجانی با آگاهی از این خبر در صدد پیشسازی و بهره‌برداری برای خود باشد. ۴- محتمل است که لاریجانی برای ۱۴۰۰ دنبال جابه جایی سید رای باشد زیرا تجربه ۱۳۸۴ نشان داد سبب مدنظر خالی است بنابراین در صدد است شعاع جامعه مدنظرش را گسترش دهد و احساس می‌کند بوسه خوردن از حزب الهی‌ها در این مسیر نه تنها ضرری ندارد که سود آور هم هست. اما آنچه حتمی و قطعی است لاریجانی از بعد فکری و معرفتی اصلاح طلب نخواهد شد اما برای مهندسی ذهنی و ادراک سازی با هدف حرکت به سمت یک سید بزرگ تلاش می‌کند. «کبری آسوپار روزنامه نگار اصولگرا هم در یادداشتی تلگرامی در این باره نوشته است: «با انتشار عکس علی لاریجانی در کنار محمد خاتمی در مجلس بزرگداشت مرحوم راستی کاشانی، او برای بار دیگر خط قرمز مردم انقلابی را رد کرده است. فرقی نمی‌کند داستان نشستن لاریجانی کنار خاتمی چگونه باشد؛ برنامه ریزی شده؛ سهوا؛ نقشه خاتمی و اطرافیان؛ هر چه باشد حرکت تدریجی او به سمت اصلاح طلبان را ناگاه تشدید کرد و بعید است لاریجانی بتواند توضیحی قانع کننده برای توده‌های ضد فتنه ارائه دهد. اما این میان گزاره‌ای دیگر وجود دارد؛ آیا اصلا علی لاریجانی انگیزه و قصدی برای توضیح به جریان اصولگرایی و انقلابی دارد؟

شواهد می‌گوید او خیلی وقت است خلطش را جدا کرده و قدم به قدم به سوی دیگر می‌رود. گرچه برخی بد اخلاقی‌های جریان انقلابی با لاریجانی، در سوق دادن او به سوی اعتدالیون و بعد اصلاح طلبان موثر بوده، اما آنچه امروز در نزدیکی او به مخالفانش نقش

اصلی را ایفا می‌کند نه از جنس عقیده، بلکه از جنس قدرت طلبی است. لاریجانی در طمع پایگاه اجتماعی اصلاح طلبان است که اگر روزی به روحانی رسید، چرا فردا به لاریجانی نرسد؟ طمع قدرت آدم را می‌چرخاند و این سطح نازل تری از تغییر عقیده است. اگر اکنون قدرت در دست اصولگرایان بود، لاریجانی یقینا به آن سو نمی‌غلطید. از این رو لاریجانی نه تنها فکر اقتاع و توجیه متحدان سابقش و نیز جریان انقلابی نیست، بلکه از قضا هر چه بیشتر مورد نقد آنها قرار بگیرد، بیشتر به خواسته‌اش می‌رسد. تخریب لاریجانی توسط جریان ارزشی، به او همچون رانده شده‌ای از وطن، توجیهات بیشتری برای پناهندگی به دامان بیگانه می‌دهد. شاید به همین دلیل است که جریان انقلابی باید بی‌اعتنا به لاریجانی، به کار خویش بپردازد. لاریجانی خیلی وقت است در سیاست داخلی به جناح ما تعلق ندارد. توده‌های اصلاح طلب هم که بعید است به خط و ربط و عقیده لاریجانی کاری داشته باشند؛ کافی است دستور را بالا برسد که به فلانی رای بدهید؛ بی‌تعقل و اندیشه فقط دستور را اجرا می‌کند. روزی هاشمی رفسنجانی را... می‌دانستند و بعد حامی‌اش شدند؛ حالا نمی‌شود مطیع دستور حمایت از لاریجانی شوند؟ لاریجانی هم آنها را می‌شناسد؛ مطیع و سر به راه در مقابل دستورات با بالا. برای همین هم دغدغه جذب آنان را ندارد و با بزرگترهایشان می‌بندد؛ دموکراسی پادگانی! این هم محتمل است که لاریجانی و خاتمی در یک معامله غیررسمی باشند؛ لاریجانی شدت انزوای رسانه‌ای خاتمی را کم می‌کند و خاتمی شدت کمی پایگاه اجتماعی لاریجانی را، معامله بدی هم نیست. فقط آنکه داغ فتنه برای انقلابیون و برای شخص ولی فقیه همچنان تازه است؛ خیانت خاتمی نه فراموش شده و نه بخشیده. با خاتمی می‌شود معامله قدرت کرد، اما پس از آن ادعای تبعیت از ولی فقیه‌ی ۸ سال است محمد خاتمی را به حضور نمی‌پذیرد و حتی پس از عمل جراحی، برای عیادت هم او را نپذیرفت، زیاده ادعای گزافی است. آیا اندک نمایندگان انقلابی مجلس به رئیس مجلس در صحن علنی بابت رسمیت بخشی به سران فتنه اعتراض خواهند کرد؟ هیچ چیز معلوم نیست!»

در این میان البته یک نکته دیگر هم موجب شد که واکنش‌ها در مورد علی لاریجانی شدت بگیرد. نکته این بود که گفته علی لاریجانی سخنران مراسم شهید حججی خواهد بود. این مساله موجی از واکنش‌ها از سوی طیفی از اصولگرایان را در برداشت. امیرحسین ثابتی در مطلبی در این مورد نوشت: «سه شب پس از دیدار علی لاریجانی با محمد خاتمی و خوش بش با او، امروز سخنگوی مجلس رسماً اعلام کرد سخنران مراسم تشییع پیکر شهید حججی علی لاریجانی خواهد بود! در شرایطی که چهره‌هایی مانند حاج قاسم سلیمانی که بیشترین سنخیت با امثال شهید حججی را دارند وجود دارند، طبیعتاً چنین انتخابی جز کج سلیقه‌ی عنوان دیگری ندارد. امیدوارم این خبر تکذیب شود یا مسئولان برگزارکننده این مراسم این تصمیم غلط را اصلاح کنند. در غیر این صورت فقط و فقط خانواده این شهید بزرگوار هستند که باید نسبت به این تصمیم غلط اعتراض کرده و مانع امتداد مظلومیت شهید حججی حتی پس از شهادت او شوند.» علی نادری هم در مطلبی نوشت: «اعلام شده است که آقای علی لاریجانی سخنران مراسم تشییع پیکر شهید حججی است. این خبر را باید یکی از بارزترین نشانه‌های ابتدال معانی در عرصه سیاست این روزهای ایران قلمداد کرد. حججی نماد چیست؟! نماد یک جوان گمنام بی‌سروصدا که برای کارهای فرهنگی که بعضاً آنها را تمسخر می‌کنیم مثل فروش چند عدد کتاب یا کار جهادی در روستاهای دور افتاده، جوانی سپری کرده و بعد از آن هم بی‌سر و



علی صوفی در باره ماجرای حمایت احتمالی کارگزارانی‌ها از دکتر لاریجانی گفته بود: «کارگزاران نماینده اصلاح طلبان نیست»



یدالله طاهر نژاد در باره اینکه شایعاتی وجود دارد مبنی بر اینکه قرار است حزب کارگزاران از علی لاریجانی در انتخابات حمایت کند گفته «این مساله صحت ندارد.»



**علی لاریجانی می‌داند که اصلاح‌طلبان برای ۱۴۰۰ هم چندان ریسک نخواهند کرد که به یک گزینه اصلاح‌طلب وارد انتخابات شوند. شاید از همین جهت است که او از هم‌اکنون خود را در قامت نامزد انتخابات ریاست جمهوری می‌بیند**

جهانگیری در مقابل افرادی همچون لاریجانی ناشی از گستردگی اردوگاه اصلاح‌طلبان است. اصلاح‌طلبان بنای عبور از جهانگیری را ندارند. اردوگاه اصلاح‌طلبان خیلی بزرگ است و چارچوب تنگی ندارد. بنابراین هر فردی در این جریان می‌تواند نظرات خود را بیان کند. این به معنی برنامه‌ریزی و طرح و نقشه این جریان برای انتخابات بعدی نیست.»

به نظر می‌رسد استراتژی اصلاح‌طلبان استفاده از اشخاصی است که بتوانند رای خاکستری را نیز در انتخابات به سمت خود سوق دهند، لاریجانی به عنوان چهره‌ای اصولگرا اما میانه‌رو که این روزها به اصلاح‌طلبان نزدیک شده است شاید باعث شده به عنوان نامزد اصلاح‌طلبان مطرح شود.

از سویی طاهر نژاد حمایت کارگزاران از لاریجانی را تکذیب می‌کند اما صوفی به عنوان یکی از اصلاح‌طلبان می‌گوید اگر تصمیم با کرباسچی باشد در انتخابات ۱۴۰۰ گزینه اصلاح‌طلبان لاریجانی است.

این در حالی است که پیش از این اصلاح‌طلبان به دنبال فردی همچون عارف برای انتخابات ۱۴۰۰ بودند اما در انتخابات اخیر و انتقادهایی که از شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان و شخص عارف از سوی فعالان سیاسی و بدنه این جریان صورت گرفت به نظر می‌رسد عارف شانس برای انتخابات ۱۴۰۰ ندارد. البته سخنان شکوری‌راد که دبیرکل حزب اتحاد ملت به عنوان حزبی اصلاح‌طلب را بر عهده دارد نشان می‌دهد حتی طیف لیبرال اصلاح‌طلب از نامزدی لاریجانی توسط این جریان حمایت می‌کند.

شکوری‌راد گفته بود: «اصلا نگران نیستم که در انتخابات آینده مجبور بشویم از لاریجانی حمایت کنیم و لاریجانی ۱۴۰۰، لاریجانی ۸۴ نیست.»

❖ آیا لاریجانی به انتخابات فکر می‌کند؟

از همه این نشانه‌هایی که تاکنون پدیدار شده اگر چه شاید زود باشد اما می‌توان حدس زد که علی لاریجانی برنامه‌هایی برای انتخابات ۱۴۰۰ دارد. این بیش‌فعالی سیاسی او نشان می‌دهد که بنا دارد دقیقا در همان جایگاهی بایستد که حسن روحانی اکنون ایستاده است. فردی که هم بدنه اصلاحات را می‌خواهد و هم تلاش می‌کند طیفی از اصولگرایان را با خود داشته باشد. علی لاریجانی می‌داند که اصلاح‌طلبان برای ۱۴۰۰ هم چندان ریسک نخواهند کرد که به یک گزینه اصلاح‌طلب وارد انتخابات شوند. شاید از همین جهت است که او از هم‌اکنون خود را در قامت نامزد انتخابات ریاست جمهوری می‌بیند. ▶

افتاده‌اند و حتی او را ترجیح داده به اسحاق جهانگیری؟ در میان همه واکنش‌ها در این مورد یدالله طاهر نژاد، از فعالان اصلاح‌طلب و عضو حزب کارگزاران سازندگی در اظهارنظری متفاوت با اشاره به انتخابات ۱۴۰۰ در پاسخ به سؤالی درباره اینکه شایعاتی وجود دارد مبنی بر اینکه قرار است حزب کارگزاران از علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در انتخابات ریاست جمهوری (آینده) حمایت کند گفته «این مساله صحت ندارد. انتشار چنین اخباری برای ایجاد اختلاف و شکاف بین اصلاح‌طلبان است!»

سخنان این عضو کارگزاران در حالی است که محمد عطریانفر، چند روز قبلاً گفته بود: «اگر هم قرار بر یک کار - انتخاباتی - ائتلافی، تشکیلاتی و منحصر در احزاب اصلاح‌طلب باشد باید به گونه‌ای فراگیر و اصولی عمل کرد و اگر هم قرار است بنا به اقتضائات و شرایط خاص با بخش معتدلی اصولگرایان همکاری سیاسی صورت بگیرد باید آن را به زمان خود موکول کرد.»

علی صوفی از دیگر فعالان سیاسی اصلاح‌طلب نیز درباره ماجرای حمایت احتمالی کارگزارانی‌ها از دکتر لاریجانی گفته بود: «کارگزاران نماینده اصلاح‌طلبان نیست... اگر تصمیم با یک حزب باشد و یا تصمیم با شخص آقای کرباسچی باشد می‌توان پیش‌بینی کرد که در انتخابات ۱۴۰۰ گزینه اصلاح‌طلبان آقای لاریجانی است. اما قطعاً اصلاح‌طلبان فراتر از کارگزارانی‌ها هستند و جامعه اصلاح‌طلبی، هم فراگیر است و هم بالنده و تحت تاثیر نظرات شخصی قرار نمی‌گیرد.»

احمد تقیب‌زاده از دیگر چهره‌های نزدیک به جریان کارگزاران چندی قبل در گفت‌وگویی تأکید کرده بود: «بسته به شرایط آن روز، چیش نیروها و کاندیداهایی که در آن زمان مطرح می‌شوند، باید تصمیم‌گیری کرد، اما در شرایطی که انتخاب بین فردی مثل جهانگیری و لاریجانی باشد، قطعاً اولویت با جهانگیری است، برای آنکه اساس ذهن آقای لاریجانی اصولگرایی است. اینکه نیروهای اصلاح‌طلب تا چه حد بتوانند به آقای لاریجانی نزدیک شوند، من فکر می‌کنم این تصمیم باید بسیار محتاطانه صورت بگیرد. باید در خاطر داشته باشند که اگر لاریجانی خود را به سمت اصلاحات سوق داده، به دلیل آن است که پیروزی عملگرایان و اصلاح‌طلبان را دیده است و شم سیاسی خود را در نظر گرفته است. البته اگر در یک طرف آقای جلیلی و آقای رئیسی قرار بگیرند و در طرف دیگر آقای لاریجانی باشد، قطعاً در آن زمان همه به سوی آقای لاریجانی روی می‌آورند.»

شیرزاد نیز از فعالان اصلاح‌طلب درباره کاندیدای این جریان در انتخابات ۱۴۰۰ معتقد است: «قراردادن

صدارفته سوریه و در یک بیابان یکی از نیروهای معمولی مفری بوده که قرار بوده مقابل تک داعش بایستند. نماد کار گمنام، نماد اخلاص محض در انجام کوچکترین و ریزترین کارهایی که به عنوان فعالیت اجتماعی می‌شود انجام داد. نماد دوری از رانت و دوری از شهرت و دوری از دنیا و از همه مهمتر نماد جوان مومن انقلابی. این را حد اقل دوبار رهبر انقلاب بیان کرده‌اند و او را نماد جوان‌های مومن انقلابی دوران کنونی ما دانسته‌اند. نماد جوانی اهل جهاد و حضور در میدان دفاع و نبرد. حالا نسبت سخنان را با این نمادها بسنجیم!»

❖ اصولگرایی متفاوت

در این میان البته احمد توکلی واکنشی کاملاً متفاوت داشت. او در مصاحبه‌ای گفت: «البته من در ساعتی که این کنار هم نشستن انجام شد در حسینه نبودم. ولی باید بگویم که مجلس ختم هم مانند مجلس عروسی است. همه فامیل‌ها همدیگر را می‌بینند. همه دوستان و آشنایان برای ابراز همدردی می‌آیند. به خصوص در مراسم علمای بزرگ این مسأله بیشتر دیده می‌شود. این جور حوادث در این چنین مراسمی طبیعی است و در لحظه تصمیم گرفته شده است. به نظر نمی‌رسد این مساله برنامه‌ریزی شده باشد. احتمالاً آقای خاتمی، آقای لاریجانی را خیلی قبول نداشته باشد و عکس آن هم صادق است. این دیدار یک اتفاق معمولی است. واقعا دلیل این همه سروصدا را نمی‌دانم. این حساسیت‌ها جا ندارد. این دیدار نه فاجعه‌آمیز است و نه مسرت‌بخش! نه از این دیدار چیزی به آقای خاتمی می‌رسد و نه به آقای لاریجانی. هر کدام عقاید خودشان را دارند و ممکن است آقای لاریجانی هم مثل من، آقای خاتمی را مقصر بداند. این دیدار عرفی بوده نه سیاسی. نمی‌توان آن را در چارچوب دیدارهای سیاسی قرار داد. من اخبار این ماجرا را تعقیب نکردم؛ اما به طور کلی معتقدم نباید از چنین دیدارهایی به خصوص در حاشیه مراسم ختم برداشت سیاسی کرد. البته عروسی‌ای که دعوت صورت می‌گیرد، دعوت شدن یا نشدن می‌تواند معنا دار باشد ولی ختم نه. در این سطوح، برای انجام دیدارهای سیاسی چندان احتیاجی به این بهانه‌ها ندارد. دیدار با آقای خاتمی که جزو حرام‌های اولیه نیست. اگر کسی بخواهد با او دیدار و گفت‌وگو کند این عمل را انجام می‌دهد. نیازی به داستان‌سازی ندارد. یک زمانی دیداری با هماهنگی زمان و مکان صورت می‌گیرد که قابل تفسیر است اما یادمان نرود که این دیدار در حاشیه یک مجلس ختم بوده است. هرکس که وارد مجلس می‌شود برایش جا باز می‌کنند تا او بنشیند. مگر دو طرف چقدر می‌توانستند با هم صحبت کنند؟ من مجلس ختم والده آقای خاتمی رفته بودم. این به این معنی نیست که مواضع آقای خاتمی در سال ۸۸ را قبول دارم یا ایشان را بدون مسئولیت در این اتفاق می‌دانم. حضور من و امثال من در آن مراسم به خاطر ادب دینی بود و نه مواضع سیاسی. من با مواضع آقای خاتمی در ماجرای فتنه ۸۸ موافق نیستم و ایشان را مقصر و سهیم می‌دانم اما زمانی که والده ایشان به رحمت خدا رفت در مجلس ختم‌شان شرکت کردم. این درست است که عده‌ای بخواهند این دیدار را به تغییر ایدئولوژی من تفسیر کنند؟ خیر. اینجا بحث اخلاق است که رعایتش لازم است و من حداقل سعی می‌کنم رعایت کنم.»

❖ لاریجانی گزینه نهایی اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰

حالا اما وقت آن است که به این سوال پاسخ داده شود که چرا کارگزارانی‌ها به فکر حمایت از علی لاریجانی



## لاریجانی به دنبال نزدیک شدن به پایگاه اجتماعی اصلاح طلبان است

تحلیل زیبا کلام از همنشینی لاریجانی - خاتمی

امید کرمانی‌ها  
خبرنگار

با وجودی که بیش از چندماه از انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ نمی‌گذرد، وقتی عرصه سیاسی کشور را رصد می‌کنیم شاهد هستیم که بسیایون زیادی اعم از اصولگرا و اصلاح طلب درباره انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ صحبت می‌کنند، به طوری که می‌توان گفت هر دو جناح سیاسی تمرکز ویژه‌ای روی تحرکات و اقدامات آقای لاریجانی دارند. سال ۱۳۸۴ یک مرتبه حضور آقای لاریجانی را در عرصه انتخابات ریاست جمهوری تجربه کردیم، بفرمایید امروز علی لاریجانی همان علی لاریجانی ۱۳۸۴ است یا با یک علی لاریجانی متفاوتی به لحاظ فکر و بینش سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مواجهه هستیم؟

▲ از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۴۰۰ قریب ۱۶ سال خواهد گذشت، آن هم در ایرانی که دچار قیض و بسط‌های زیادی شده است. یعنی سپری شدن زمان در این ۱۶ سال خیلی ساده و طبیعی نبود. ۱۶ سال ایران مثل ۱۶ سال نروژ، هند یا چین نگذشت، بلکه ۱۶ سالی بود که تحولات و تغییرات

خیلی زیادی در کشور به وجود آمد؛ نیروهای جدیدی در کشور متولد شدند، به علاوه جدا از داخل ایران، در خارج از کشور هم تغییر و تحولات خیلی مهمی اتفاق افتاد. امروز به مهمترین اتفاق یعنی برگزاری referendum استقلال در کردستان عراق می‌توان اشاره کرد، فارغ از آنکه در سال‌های آتی کشور مستقل کردستان تشکیل می‌شود یا خیر اما باز هم تغییرات و تحولات بسیاری در منطقه اتفاق خواهد افتاد. بنابراین طبیعی است که این تحولات روی علی لاریجانی هم مثل خیلی از ایرانیان و رجال، چهره‌ها و شخصیت‌های ایرانی تاثیر گذاشته است. البته جنس برخی چهره‌ها و شخصیت‌ها طالا و ژمرد است و هیچ تغییری پیدا نمی‌کنند، کمالینکه در گذشته نیز سپری شدن روزها در آنها تغییری حاصل نکرد اما بسیاری چهره‌های سیاسی در این ۱۶ سال دچار قیض و بسط‌هایی شدند. آقای علی لاریجانی نیز از جمله کسانی بود که در این ۱۶ سال اخیر دچار قیض و بسط‌ها و خیلی از آن باورهایش دچار تغییر و تحول شد. بالاترین دلیلی که می‌توانم بگویم چرا آقای علی لاریجانی دچار قیض و بسط شد، در حالی که این اتفاق در خیلی از شخصیت‌های جناح راست رخ نداد این است که به ۴۰۵ سال گذشته نگاه کنیم و نوع تعاملی را که او با دولت آقای روحانی داشت ببینیم. خیلی از اصولگرایان به خصوص طیفی از آنها همچون طرفداران آقای احمدی نژاد، جبهه پایداری و شماری از نمایندگان

مجلس دهم با بغض به روحانی و دولت یازدهم و دوازدهم و برجام نگاه می‌کنند اما در مقابل کم نیستند اصولگرایانی همچون علی لاریجانی که واقعیت‌ها را متوجه شدند، بنابراین بدون اینکه نام ببرند و ابراز کنند، واقعیت‌ها را پذیرفتند و مجبور شدند با آن کنار بیایند. آقای علی لاریجانی مدت‌هاست استفاده از لغات و عباراتی همچون فتنه، فتنه گران، اصحاب فتنه و اخطار به متحدان آمریکا و هشدار به نفوذی‌ها در داخل کشور را کنار گذاشته است یا به ندرت از آنها استفاده می‌کند. در مقابل کسانی همچون علی لاریجانی، اصولگرایانی هستند که اساسا نتیجه انتخابات ۲۴ خرداد سال ۹۲ و رای ۱۹ میلیونی آقای روحانی یا شکست سی بر هیچ در حوزه انتخابیه تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر انتخابات مجلس دهم و راه نیافتن چهره‌های قدر و برجسته‌ای همچون آیت الله مصباح و آیت الله محمد یزدی به مجلس خبرگان رهبری را ندیدند یا دیدند اما و من معتقدم آقای علی لاریجانی اینها را دیده است. قطعاً علی لاریجانی دختر، پسر، عروس، داماد و نوه، خواهرزاده و برادرزاده‌هایش از نسل دهه‌های شصت، هفتاد و هشتاد هستند، بنابراین این تغییر و تحولاتی که در جامعه اتفاق افتاده را دیده است. معتقدم وقتی صحبت از علی لاریجانی می‌کنیم خیلی نمی‌توانیم بگوییم این علی لاریجانی، همان علی لاریجانی سال ۸۴ است. البته اصولگرایان منتقد علی لاریجانی و منتقد کسانی که این تغییر و تحولات را می‌بینند، واکنش نشان می‌دهند و می‌گویند این افراد تجدیدنظر طلب هستند و از انقلاب و خط امام فاصله گرفتند. اوج این انتقادهای نسبت به مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی بیان می‌شد. از ۲۲ خرداد سال ۸۸ به بعد مرحوم هاشمی چقدر مورد حمله قرار گرفت که چرا همان حرف‌های دهه شصت و دهه هفتاد را نمی‌زند. یقیناً آقای دکتر علی لاریجانی هم از این نوع انتقادهای در امان نخواهد بود. چند سال پیش در دولت دهم شاهد پرتاب مهر و تسبیح به سر و روی آقای لاریجانی توسط مخالفان لاریجانی بودیم و در واقع این نوع واکنش‌ها به آقای لاریجانی بیشتر خواهد شد یعنی هر قدر علی لاریجانی به واقعیت‌ها بیشتر نزدیک شود و واقعیت‌های جامعه را بیشتر و ملموس تر بخواند ببیند، مطمئناً بغض رادیکال‌ها نسبت به او بیشتر خواهد شد بنابراین یک تصمیم مهم و سرنوشت‌سازی را دیر یا زود اگر خواسته باشد در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ به عنوان کنشگر واقعی و نامزد جدی ورود کند باید بگیرد که به نظر من مهمترین تصمیم زندگی سیاسی او خواهد بود. علی لاریجانی یا باید دور از جانش مرحوم هاشمی رفسنجانی بشود یا باید خود را مثل آقای حسین شریعتمداری، آیت الله مصباح یا آیت الله جنتی آمریکاستیز، عرب‌ستیز و اسکریستیز نشان دهد و مخالف کسانی باشد که مثل او نمی‌اندیشند.

**این عکسی که از آقای لاریجانی در کنار آقای محمد خاتمی منتشر شد، چه پیام و معنایی داشت؟**

▲ من فکر می‌کنم این شاید به نوعی شروع نزدیک شدن آقای علی لاریجانی به پایگاه اجتماعی عظیم اصلاح طلبان باشد. به هر حال همه می‌دانیم ریاست جمهوری در سال ۱۴۰۰ به اصولگرایان ختم نخواهد شد چون آقای روحانی در انتخابات امسال ۲۴ میلیون رای آورد و توانست خیلی راحت مجموعه اصولگرایان جمع شده پشت سر آقای رئیسی را شکست دهد. این شکاف و فاصله بین ۱۶ میلیون رای اصولگرایان و ۲۴ میلیون رای اصلاح طلبان ظرف ۴ سال آینده بیشتر و بیشتر خواهد شد چون اصولگرایان روی همان شعار آمریکاستیزی باقی خواهند ماند و سعی می‌کنند از دموکراسی و آزادی فاصله بگیرند. به عبارت بهتر بخت و اقبال اصولگرایان در انتخابات سال ۱۴۰۰ نسبت به

به عنوان رئیس جمهور خیلی بیشتر از آقای محمدجواد ظریف، آقای عارف و آقای موسوی لاری خواهد بود. این را نباید فراموش کرد. چون فقط اصلاح طلب یا اصولگرا بودن ملاک حمایت از یک نامزد برای انتخابات ریاست جمهوری نیست، ملاک اصلی باید توانایی های اجرایی او باشد. روحانی نشان داد با عیب و ایرادی که دارد و نتوانست توقعات و انتظارات زیادی را برآورده کند اما از نظر اجرایی توانمند است و در مجموع توانست به رغم همه کارشکنی ها و مخالفت ها و مسائلی که دولت احمدی نژاد به کشور تحمیل کرد و با وجود همه کمبودهای شدید به لحاظ امکانات، درجه ای از توان مدیریت اجرایی خود را نشان دهد. قطعاً از نظر اجرایی توان آقای روحانی خیلی بیشتر از آقای عارف بود و قطعاً توان آقای علی لاریجانی خیلی بیشتر از عارف و سایر اصلاح طلبان خواهد بود.

**حتی از آقای جهانگیری هم بیشتر خواهد بود؟**

▲ حقیقتش را بگویم تنها اصلاح طلب میانه رویی که توانمندی هایش را همانند علی لاریجانی می بینم، فقط و فقط آقای اسحاق جهانگیری است. اگر آقای اسحاق جهانگیری نباشد از نظر توان اجرایی من آقای علی لاریجانی را یک سر و گردن بالاتر از مابقی نامزدهای اصلاح طلب همچون آقای موسوی لاری، محمدرضا عارف و محمدجواد ظریف می دانم.

**شما می گوید آقایان لاریجانی و جهانگیری توان برابری به لحاظ اجرایی دارند، آیا اصلاح طلبان حاضرند آقای جهانگیری را کنار بگذارند و در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ از علی لاریجانی حمایت کنند؟ چون حزب کارگزاران در زمان انتخاب ریاست مجلس اعلام کرد لاریجانی را به عارف ترجیح می دهد، آیا کارگزاران حاضر است در انتخابات ریاست جمهوری از رئیس سابق شورای مرکزی و عضو ارشد خود بگذرد و از آقای علی لاریجانی حمایت کند؟**

▲ هنوز زود است که به این سوال پاسخ دقیق و جدی بدهیم. فرض کنیم الان داریم به سال ۱۴۰۰ نزدیک می شویم. سوالي که مطرح می شود این است که آیا ترکیب علی لاریجانی رئیس جمهور و اسحاق جهانگیری معاون اول می تواند برای کشور در درجه اول و برای اصلاح طلبان در درجه دوم مفیدتر باشد یا این وضعیت که آقای علی لاریجانی نامزد شود و آقای دکتر کاظم جلالی هم به عنوان معاون اول باقی بماند و قرار بگیرد؟ از آن طرف آقای اسحاق جهانگیری به طور مستقل و بدون ارتباط با اصولگرایان نامزد انتخابات ریاست جمهوری شود و به فرض آقای علی لاریجانی شکست بخورد و آقای اسحاق جهانگیری رئیس جمهور شود. سوال این

**۲ فعالیت های زود هنگام انتخابات علی لاریجانی توجه دو جناح سیاسی را به خود جلب کرده است. اصولگرایان تاکنون تلاش کردند تا سکوت پیشه کنند اما اصلاح طلبان با حمایت کردند با این جمله که گزینه های بهتری برای سال ۱۴۰۰ داریم و اکتش نشان دادند. صادق زیبا کلام معتقد است: «علی لاریجانی می خواهد بگوید «برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ فقط محمدجواد ظریف و اسحاق جهانگیری مطرح نیستند، من هم هستم». منتها برای این بودنش باید یک سلام و علیک و اظهار ارادت مقدماتی نسبت به اصلاح طلبان انجام دهد و بر همین اساس نشستنش کنار محمد خاتمی می تواند نماد این عرض ارادت باشد.»**

حتی یک زن را به عنوان وزیر وارد کابینه اش انتخاب کند یا آنکه مصلحت اندیشی ندارد و فشارهای بیرونی مانع از این کارها می شود؟ به عبارت دیگر اصلاح طلبان در ریشه یابی محافظه کاری روحانی دچار ابهام هستند. یک زمانی سوال می شود چرا آقای روحانی خانم شهیندخت مولاوردی را برای وزارت معرفی نکرد؟ من می گویم مگر مخالفت و تهدیدات اصولگرایان را ندیدید؟ اما اگر سوال شود در صورتی که این فشارها و تهدیدها بودند و حتی چراغ سبز هم به آقای روحانی نشان داده می شد آیا او شهیندخت مولاوردی را به عنوان وزیر علوم یا وزیر آموزش و پرورش به مجلس معرفی می کرد یا دوباره یک عذر و بهانه دیگری می آورد؟ الان مشکلی که برای خیلی از اصلاح طلبان به وجود آمده این است که علت محافظه کاری روحانی چیست؟ آیا می خواهد اصولگرایان آزاده خاطر نشوند؟ این مصلحت اندیشی او چقدر به خاطر فشار اصولگرایان مربوط است و چقدر به ذات آقای روحانی برمی گردد و استناد به آن فشارها بهانه است؟ من فکر می کنم این دوراهی و ابهام به هر حال ظرف چهار سال آینده به نوعی تکلیفش روشن خواهد شد. در مجموع تجربه اصلاح طلبان در شراکت با آقای روحانی تجربه خیلی خوبی نبود. در واقع شراکت اصلاح طلبان با آقای روحانی سودآوری از نظر سیاسی برای آنها نداشت، بنابراین به تدریج اصلاح طلبان دیگر دلیلی نمی بینند که اصرار کنند با آن جریان سیاسی که سمبلش آقای روحانی است همچنان به شراکت ادامه دهند، در عین حال اینکه آیا اصلاح طلبان حاضرند در روی علی لاریجانی باز کنند یا خیر؟ می گویم پاسخ به این سوال هنوز زود است، البته آقای علی لاریجانی دق الباب کرده است ولی معلوم نیست اصلاح طلبان درب را به روی او باز کنند. آنچه مسلم است توانایی های آقای علی لاریجانی

انتخابات سال ۱۳۹۶ کاهش پیدا می کند. مگر اینکه یک اتفاقی بیفتد و آن اتفاق هم شکست یا عدم موفقیت جدی آقای روحانی در عرصه اقتصاد است. اگر این اتفاق بیفتد من هیچ بعید نمی بینم که احمدی نژاد دیگری در سال ۱۴۰۰ رئیس جمهور ایران شود اما یقیناً با علی لاریجانی نخواهد بود چون علی لاریجانی با عکسی که کنار آقای خاتمی انداخت و با موضع گیری هایی که ظرف یک دهه گذشته به خصوص بعد از ۲۲ خرداد ۸۸ داشت، به شدت مورد بغض و کینه رادیکال ها است. بنابراین به هیچ وجه تنها پشت علی لاریجانی اجماع نمی کند.

**آقای لاریجانی چرا از الان فعالیت سیاسی خود را برای ورود به انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ شروع کرده است؟ او واقعا این رویکرد را دنبال می کند یا برخی می خواهند از کارهای عادی او تحلیل و توصیف انتخاباتی بودن ارائه بدهند؟**

▲ شاید آقای لاریجانی و مشاورانش به این جمع بندی رسیدند که اگر همین طوری جلو بروند، رئیس جمهور ۴ سال بعدی یا محمدجواد ظریف یا اسحاق جهانگیری می شود، بعد آن وقت باید یک دوره دیگر از قوه مجریه دور باشند. بنابراین آقای علی لاریجانی آرام آرام دارد شروع می کند و می خواهد بگوید «برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ فقط محمدجواد ظریف و اسحاق جهانگیری مطرح نیستند، من هم هستم». منتها برای این بودنش باید یک سلام و علیک و اظهار ارادت مقدماتی نسبت به اصلاح طلبان انجام دهد و نشستنش کنار محمد خاتمی می تواند نوعی یونیسفرم و پرچمی باشد که با آن پرچم و نماد می خواهد تکلیف خودش را روشن کند. در واقع او خیلی صریح پیام داد «من علی لاریجانی فرزند حاج ملاهاشم نامزد ریاست جمهوری چهار سال دیگر هستم» و این را خطاب به ۲۴ میلیون پایگاه رای آقای روحانی اعلام کرد. آقای علی لاریجانی خودش می داند که جناح رقیب اصلاحات خیلی پایگاه رای ندارد و ممکن است این رای به هم که دارد در چهار سال آینده کاهش پیدا کند، بنابراین تنها سبدرای جدی را در همان ۲۴ میلیون رای آقای روحانی می بیند. بنابراین کنار آقای محمد خاتمی نشست تا از او عکس بگیرند و با انتشار آن عکس به آن ۲۴ میلیون بگوید «من نامزد انتخابات ریاست جمهوری آینده هستم و جدی هم در صحنه حضور دارم» حتی بعضاً امیدوار است که موفقیت آقای روحانی خیلی زیاد نباشد، البته نه در آن حد که منجر به فاجعه شود و یک احمدی نژاد دوم سال ۱۴۰۰ به کشور تحمیل شود. چون اگر آن سیل راه بیفتد، قطعاً آقای علی لاریجانی را نیز با خود خواهد برد، بنابراین آقای علی لاریجانی می گوید من یک نامزد جدی برای انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ هستم و نگاهش هم به سبب ۲۴ میلیون رای اصلاح طلبان است.

**اما اصلاح طلبان هم می گویند «دیگر آن اوضاع سال ۹۲ را نداریم و شرایط برای کنش و فعالیت سیاسی خیلی مساعدتر است و دیگر حاضر نیستیم چک سفید امضا به شخصیت های معتدل جناح راست مدرن همچون حسن روحانی بدهیم و بدون مزد و منت بخواهیم چنین کسانی را تقویت کنیم و به قدرت برساییم». همین چندی پیش آقای موسوی لاری مصاحبه کرد و گفت که اصلاح طلبان گزینه هایی بهتر از علی لاریجانی برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ دارند. نگاه شما به این موضع تصمیم گیران جناح اصلاحات چیست؟**

▲ مشکل اساسی اصلاح طلبان این است که آیا روحانی به دلیل عاقبت اندیشی و مصلحت اندیشی های سیاسی این قدر خست و تنگ نظری نشان می دهد و جرأت نمی کند مولوی عبدالحمید را به مراسم تحلیف دعوت و



**شاید آقای لاریجانی و مشاورانش به این جمع بندی رسیدند که اگر همین طوری جلو بروند، رئیس جمهور ۴ سال بعدی یا محمدجواد ظریف یا اسحاق جهانگیری می شود، بعد آن وقت باید یک دوره دیگر از قوه مجریه دور باشند. بنابراین آقای علی لاریجانی آرام آرام دارد شروع می کند و می خواهد بگوید «برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ فقط محمدجواد ظریف و اسحاق جهانگیری مطرح نیستند، من هم هستم».**



## لاریجانی پاپیش گذاشته تا تعامل صورت گیرد

عبدالله ناصری در گفت و گو با مثلیث

است. این نوع مسائل را در این چارچوب تحلیل می‌کنم. به اعتقاد من این مساله بسیار خوب است و در انتخابات ۹۸ و ۱۴۰۰ تاثیر بسیاری خواهد داشت. ضمن اینکه تاکید می‌کنم آقای لاریجانی امروز یکی از چهره‌های عقلانی و موردپسند جامعه اصلاح‌طلبی به لحاظ رفتاری است، اما اینکه کاندیدای اصلاح‌طلبان در سال ۱۴۰۰ باشد یا خیر، موضوعی است که نمی‌توان از حالا قضاوت کرد. سال ۹۲ نیز تا یک هفته قبل از انتخابات هیچ فکر نمی‌کرد که فردی از جامعه روحانیت مبارز کاندیدای اصلاح‌طلبان باشد و این تصمیم متناسب با شرایط و زمان تصمیم‌گیری ۱۴۰۰ نیز متناسب با شرایط و همان زمان تصمیم‌گیری خواهیم کرد.

**بنابراین موافق هستید که آقای لاریجانی حرکت برای گزینه اصلاح‌طلبان شدن را آغاز کرده است؟**

▲ من نیت خوانی نمی‌کنم. اما براساس فکت‌هایی که می‌بینیم تصور می‌کنم لاریجانی باتوجه به نقش و قدرتی که در حاکمیت سیاسی کشور دارد پاپیش گذاشته تا تعامل و تفاهم میان جریان‌های سیاسی شکل بگیرد و مسائل گذشته در زمان باقیمانده تا ۱۴۰۰ حتماً حل شود. اقدامات لاریجانی را می‌توان تلاش برای تحقق همان ایده برخی از بزرگان اصلاح‌طلب مثل آقای ناطق نوری و دیگران مبنی بر تعامل، تفاهم و آشتی ملل تعبیر کرد. به هر حال لاریجانی یکی از رجال پخته و کارآمد است و اصلاح‌طلبان معتقد هستند او در هر کسوتی کارایی خود را دارد.

از حرکت به سوی توافق و تعامل صحبت می‌کنید، اما همین چند روز قبل آقای عارف از عدم ائتلاف در انتخابات آتی سخن گفتند. باین وجود فکر می‌کنید که همه جریان اصلاح‌طلب پذیرای همدلی مورد اشاره شما هستند؟

**برای شروع گفت و گو بهتر است از استراتژی اصلاح‌طلبان برای انتخابات ۱۴۰۰ شروع کنیم، موضوعی که این روزها در رسانه مورد بحث قرار گرفته است. سوال اینجاست که آیا اصلاح‌طلبان همچنان مایل به ائتلاف هستند؟**

▲ کلیت اصلاح‌طلبان و شورای مشورتی به عنوان بالاترین مرجع تصمیم‌گیری این جریان اکنون به هیچ وجه بنای ورود به بحث انتخابات ریاست‌جمهوری را ندارند و این امر را به بعد از برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی موکول کرده‌اند. علت نیز آن است که اعلام هر نوع مصداقی برای انتخابات ریاست‌جمهوری می‌تواند در روند مشارکت جامعه رای اصلاح‌طلبی در انتخابات مجلس تاثیرگذار باشد. ضمن اینکه شکل‌گیری مجلس آتی نیز بسیار مهم است. من شخصا امیدوارم که مجلسی عقلانی و متفاوت از مجلس گذشته و حداقل همچون مجلس دهم باشد. بنابراین انتخابات مجلس اولین مساله‌ای است که اصلاح‌طلبان در حال فکر و برنامه‌ریزی برای آن هستند. آنچه که مسلم است اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ نیز همانند سال ۹۶ و ۹۲ متناسب با شرایط کشور و مصالح عمومی مردم تصمیم‌گیری می‌کنند.

**به این ترتیب آیا باید از نشانه‌های نزدیک شدن آقای لاریجانی به جریان اصلاح‌طلب (مثلاً همنشینی جماران که اخیراً اتفاق افتاد) استنباط کنیم که او در تلاش است تا در انتخابات مجلس آتی مورد حمایت اصلاح‌طلبان قرار بگیرد؟**

▲ من فضا را بزرگ‌تر و در حد انتخابات ریاست‌جمهوری تحلیل می‌کنم و معتقد هستم که کلاً بدنه حاکمیت در حال حرکت به سمت یک تعامل و همکاری مسالمت‌آمیز در عین حفظ حرمت سیاسی هر دو جناح

است آیا این وضعیت بیشتر به نفع کشور و اصلاح‌طلبان است و به نفع اعتدال و میانه‌روی خواهد بود یا اینکه آقای لاریجانی رئیس‌جمهور شود و آقای اسحاق جهانگیری به عنوان معاون اول کنار او قرار گیرد؟ تنها آن‌قلتی که در این سناریو می‌بینم این است که برخی بگویند این فرمول سال ۹۲ و سال ۹۶ اجرا شد و خیلی موفقیت‌آمیز نبود. پاسخ من این است اتفاقاً برای کشور موفقیت‌آمیز بود گرچه برای اصلاح‌طلبان خیلی موفقیت‌آمیز نبود. ما مطالب، حرف‌ها و تحلیل‌های رادیکال را کنار بگذاریم. واقعا کدام بخش از کشور را می‌توان با دورانی که محمود احمدی‌نژاد قدرت داشت مقایسه کرد؟ بنابراین ریاست‌جمهوری آقای روحانی در کل به نفع کشور بود، بنابراین معتقدم شاید بد نباشد و حتی به نفع جریان اصلاحات نیز باشد که آقای علی لاریجانی که مقدار زیادی پخته‌تر شده و خیلی از مسائل را فهمیده و خیلی از خط و خطاها و غلط بودن برخی باورهای گذشته را درک کرده، دیگر به دنبال ساختن آن مدینه فاضله نیست و می‌خواهد رئیس‌جمهور شود.

**اما اصلاح‌طلبانی که مثل شما و کارگزاران فکر نمی‌کنند و به این دیدگاه نقد دارند، می‌گویند ادامه چنین رویکردی باعث می‌شود که پایگاه اجتماعی و بدنه رای جریان اصلاحات سرخورده شود و بعد از مدتی دیگر پای صندوق‌های رای نیاید.**

▲ به عملکرد دولت دوازدهم بستگی دارد، اگر دولت آقای روحانی میزان موفقیتش از نظر اقتصادی خیلی کم باشد با لاریجانی یا بدون لاریجانی، با اسحاق جهانگیری یا بدون اسحاق جهانگیری، حتی من معتقدم اگر خود آقای خاتمی هم نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ شود، معلوم نیست چقدر بتوانیم موفق شویم. به عبارت بهتر اگر روحانی نتواند از نظر اقتصادی یک تکان و حرکتی در کشور به وجود بیاورد، تصویری پیروزی در سال ۱۴۰۰ خیلی سخت خواهد بود چون واقعا امروز وضع اقتصادی کشور خراب است.

**یعنی آن پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان خروجی کار را می‌بینند و برای شان مهم نیست که مصداق مورد حمایت اصلاح‌طلبان حتماً فردی از این جریان سیاسی باشد؟ به عبارت دیگر آنها راضی و قانع هستند رئیس‌جمهور یک شخصیتی از راست سنتی باشد اما موفق عمل کند؟**

▲ دقیقاً همین طور است. اگر روحانی نتواند موفق شود من حضور یک احمدی‌نژاد دوم را بسیار جدی‌تر از تمام این حرف‌هایی می‌دانم که الان می‌نیم و می‌گوییم آقای لاریجانی بیایند و با آقای اسحاق جهانگیری شریک شود و یک پیوند مشترک آغاز کنند. شکست اقتصادی روحانی و عدم موفقیت اقتصادی او طرف چهار سال آینده همانند سیل و بهمنی است که همه اینها را با خود می‌برد. تعبیر من از همه اینها شامل ۲۴ میلیون رای آقای روحانی، اصلاح‌طلبان، پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان و آقای علی لاریجانی می‌شود.

**اصولگرایان سنتی سال ۹۲ یک ائتلاف نانوخته‌ای را با اصلاح‌طلبان برقرار کردند. آیا کسانی مثل آقای باهنر و جامعه روحانیت مبارز در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ به طرف علی لاریجانی می‌آیند؟ به عبارت دیگر آقای لاریجانی مثل آقای روحانی سال ۹۲ خواهد بود یا وضعیتش مثل آقای روحانی سال ۹۶ می‌شود که فقط اصلاح‌طلبان از او حمایت کردند؟**

▲ قطعاً میان یک اصولگرایی رادیکال و یک اصولگرایی معتدل و میانه‌رو به اسم علی لاریجانی جریانات اصولگرایی سنتی پشت سر علی لاریجانی قرار می‌گیرند. ►

واکنش او به کلید خوردن پروژه کنار گذاشتن عارف در مجلس آتی است؟

▲ این فضا را حزب کارگزاران ایجاد کرده و ممکن است که مورد توافق همه چهره‌ها و احزاب اصلاح طلب نباشد. امر مسلم این است که اصلاح طلبان در همان چارچوب سال ۹۲ اقدام می‌کنند. در سال ۹۲ با خواست عمومی و یک استدلال منطقی برای آقای عارف، عارف کنار رفت؛ اگر لازم باشد در سال ۱۴۰۰ نیز همین اتفاق خواهد افتاد.

می‌فرمایید که این نگاه کارگزاران است و دیگر طیف‌های اصلاح طلب لزوماً با آن هم‌نظر نیستند. ایده کارگزاران تقدم استراتژی بر ایدئولوژی و نهایتاً پیروزی و داشتن سهم بیشتر از قدرت است. به نظر شما این موضوع نیز مورد وفاق اصلاح طلبان نیست؟

▲ اصلاح طلبان ضمن حفظ هویت و گفتمان اصلاح طلبی از آنجایی که کشور را در شرایط حساسی می‌بینند، منافع و مصالح عمومی را در اولویت قرار داده‌اند. به همین خاطر بود که در سال ۹۲ ائتلاف کرده و در انتخابات مجلسی نیز برخی اصولگرایان معتدل را در فهرست خود قرار دادند. همین رویه بود که باعث شد اصولگرایان معتدل در سال ۹۶ از نامزد اصلاح طلبان یعنی آقای روحانی حمایت کامل کنند. رای شگفت‌انگیزی که به سید روحانی ریخته شد ناشی از همین تفاهم است. به این نکته نیز توجه داشته باشید که اصلاح طلبان در حال حاضر دغدغه انتخابات ریاست جمهوری آتی را ندارند و تمرکز خود را بر انتخابات مجلس یازدهم گذاشته‌اند. همان‌طور که گفتیم جریان اصلاح طلب مایل نیست که انتخابات مجلس را تحت الشعاع فضا سازی برای انتخابات ریاست جمهوری قرار دهد.

در انتخابات مجلس آتی اصلاح طلبان چقدر موفق‌تر از قبل خواهند بود. در نتیجه ائتلاف و تفاهمی که شما فرمودید فهرست امید با حضور اصولگرایان معتدل تهیه شد و در طی زمانی که از فعالیت مجلس دهم می‌گذرد شاهد مشکلات ناشی از آن هستیم. بسیاری از آن اصولگرایان معتدل که با حمایت اصلاح طلبان به مجلس راه یافتند، در یک سال و نیم گذشته با این جریان سیاسی همراه نبوده‌اند و انتقادهای بسیاری در این باره وارد است.

▲ اصلاح طلبان در کل از نتیجه انتخابات سال ۹۴ راضی هستند. قبل از انتخابات نیز بارها اعلام کرده بودند که کف خواسته اصلاح طلبان عدم تشکیل مجلسی همانند مجلس‌های هفتم و هشتم و نهم است. اکنون اصلاح طلبان به این خواسته خود رسیده‌اند و در انتخابات سال ۹۸ نیز خیلی آرمان‌گرا نخواهند بود. البته یک کف مطالباتی برای خود قائل هستند. توقع تشکیل یک مجلس یکدست اصلاح طلب نیست اما به هر حال کف مطالباتی وجود دارد که بنابر خواسته و مطالبات بدنه اجتماعی و نظر شورای عالی مشورتی اصلاح طلبان مشخص می‌شود.

منظور تان این است که منتظر بازنگری و ترمیم در شورای عالی سیاست گذاری اصلاح طلبان باشیم و ببینیم که این ساز و کار در انتخابات‌های بعدی چه تصمیماتی می‌گیرد؟

▲ دقیقاً همین‌طور است. اکنون کمیته‌ای برای بازنگری در شورای عالی سیاست‌گذاری تشکیل شده است و بعد از اینکه این فرایند انجام شود، برنامه‌ریزی احزاب و شورای عالی سیاست‌گذاری، شورای مشورتی به عنوان شورای بالادستی و شورای هماهنگی اصلاحات آغاز می‌شود. ►

۳ اصلاح طلبان که از سال ۹۲ به بعد سه انتخابات را به واسطه ائتلاف با چهره‌های میانه‌رو غیراصلاح طلب برده‌اند از همین حالا تصمیم خود را گرفته و قصد دارند تا با یافتن نزدیک‌ترین گزینه به حسن روحانی دولت سیزدهم را نیز از آن خود کنند. در این تلاش زود هنگام سراغ علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی رفته‌اند. همه طیف‌های اصلاح طلبی نه‌اما کارگزارانی‌ها که استراتژی را بر ایدئولوژی مقدم می‌دانند، به لاریجانی روی خوش نشان می‌دهند. ائتلاف با لاریجانی موضوعی نیست که همه اصلاح طلبان در مورد آن وفاق داشته باشند. به عنوان مثال محمد رضا عارف که در رقابت برای ریاست مجلس از لاریجانی شکست خورده و حتی حاضر به ائتلاف با میانه‌روها در انتخابات ۹۸ نیست، در انتخابات ۱۴۰۰ از لاریجانی حمایت نخواهد کرد. برخی دیگر از چهره‌های اصلاح طلب مثل موسوی لاری نیز معتقد هستند که این جریان گزینه‌های قدرتمندتر از لاریجانی دارد. بسیاری از اصلاح طلبان نیز اساساً تصمیم‌گیری در این باره را در شرایط فعلی ناممکن می‌دانند. عبدالله ناصری فعال سیاسی اصلاح طلب و عضو بنیاد باران یکی از این افراد است که تأکید می‌کند اکنون زمان فکر کردن به انتخابات مجلس است و نه ریاست جمهوری ۱۴۰۰. او با تأکید بر اینکه لاریجانی یکی از چهره‌های عقلانی و مورد پسند اصلاح طلبان است، قضاوت در مورد اینکه او می‌تواند کاندیدای اصلاح طلبان باشد یا خیر را به شرایط سال ۱۴۰۰ وابسته می‌داند. آنچه در ادامه می‌خوانید مشروح گفت‌وگوی «مثلت» با عبدالله ناصری است.

بدانیم. ضمن اینکه آقای جهانگیری کماکان یکی از روسای جمهور بالقوه اصلاح طلبان در هر مقطع تاریخی هستند.

پس گمانه‌عبور از جهانگیری را رد می‌کنید؟  
▲ این گمانه را قبول ندارم. به اضافه اینکه رقابت جهانگیری و لاریجانی را خیلی بعید می‌دانم. گفته می‌شود که برخورد جریان اصلاح طلب با جهانگیری می‌تواند تاکنیک اصلاح طلبان برای حفظ او به عنوان گزینه‌ای باشد که از مرحله تأیید صلاحیت‌ها عبور می‌کند.

▲ من جهانگیری را چهره‌ای نمی‌بینم که در سال ۱۴۰۰ همانند سال ۱۳۹۶ از فیلتر شورای نگهبان رد نشود؛ بنابراین به تاکنیکی بودن برخورد با او معتقد نیستم. معتقد هستم که حاکمیت به سمت عقلانیت‌گرایی می‌رود و احتمال می‌دهم که در سال ۱۴۰۰ نامزدهایی فراتر از جهانگیری نیز از فیلتر شورای نگهبان عبور کنند.

حالا که عبور از جهانگیری را قبول ندارید. در مورد عبور از عارف صحبت کنیم. اینکه از حالا راه خود را جدا کرده و از عدم ائتلاف سخن می‌گویید

اصلاح طلبان در کل از نتیجه انتخابات سال ۹۴ راضی هستند. قبل از انتخابات نیز بارها اعلام کرده بودند که کف خواسته اصلاح طلبان عدم تشکیل مجلسی همانند مجلس‌های هفتم و هشتم و نهم است



▲ ائتلاف فراگیر اصلاح طلبان از سال ۹۲ شروع شد و در سال ۹۴ به اوج خود رسید. در سال ۹۶ نیز قوی‌تر شد. توجه داشته باشید که این امر بیش از آنکه خواست احزاب اصلاح طلب باشد خواست جامعه مدنی مخاطب اصلاح طلبان بود. احزاب و شخصیت‌های ملی و محلی اصلاح طلب با لافاصله بعد از مشخص شدن نتیجه انتخابات ۹۲ به رهبری جبهه اصلاحات فشار آوردند تا این مسیر در انتخابات‌های بعدی نیز ادامه پیدا کند. همین‌طور هم شد. حتماً در سال ۹۸ نیز ائتلاف می‌شود زیرا این خواسته جامعه مدنی است. به نظر من به هیچ وجه این روند متوقف نخواهد شد، زیرا ائتلاف به تحقق ایده آشتی ملی کمک بسیاری خواهد کرد.

یعنی احزاب و چهره‌های سیاسی اصلاح طلبی که مخالف ائتلاف باشند نیز به خاطر خواست بدنه اجتماعی این جریان نهایتاً ائتلاف را می‌پذیرند؟

▲ معتقد هستم که حتماً این اتفاق می‌افتد و احزاب اصلاح طلب مطابق خواست اجتماع حرکت می‌کنند و چهره‌های شاخص اصلاح طلب نیز سیاست‌گذاری‌های خود را بر اساس مطالبات عمومی انجام می‌دهند.

از سیاست‌گذاری‌های اصلاح طلبان گفتید. بعد از انتخابات ریاست جمهوری به رغم درخشیدن آقای جهانگیری شاهد بودیم که جریان اصلاح طلب و دولت دوازدهم توجه ویژه‌ای به او نکردند. حتی برخی از اصلاح طلبان با صحبت از دوگانه لاریجانی و جهانگیری به حمایت از لاریجانی پرداختند. نظر شما در این باره چیست؟

▲ این حرکت را فقط کارگزاران شروع کرده است و دلیلی نمی‌بینم که آن را سیاست گذاری اصلاح طلبان



## لاریجانی می خواهد تصویر شبه روحانی از خودش بسازد

گفت و گوی مثلث با محمد سعید احدیان

امید کرمانی ها

خبرنگار

به نظر شما علی لاریجانی کجای عرصه سیاسی کشور تعریف می شود؟

▲ آقای لاریجانی در مرز اصولگرایی و اصلاح طلبی حرکت می کند و در برخی ویژگی ها شبیه آقای روحانی است، البته تفاوت هایی هم با او دارد چون همچنان خاستگاه و پایگاه سیاسی خودش را در درون جریان اصولگرایی می خواهد تعریف کند. شباهت هم در این است که دوست دارد مرزبندی روشنی را با جریان پایداری داشته باشد، جریانی که او و آقای روحانی آن را به تدریج توصیف می کنند. در مجموع آقای لاریجانی به خاطر اصرار و علاقه اش حتما مرز روشنی را با جریان پایداری دارد و این رویکرد سیاسی او شبیه آقای روحانی است. شباهت دیگر این است که می خواهد در مرز وسط بین جریان اصولگرا و اصلاحات حرکت و بازی سیاسی کند. با این مشی در بازی قدرت بتواند جایگاهی را به دست آورد و خودش را در آنجا تثبیت کند. آقای لاریجانی در لابی گری تبحر دارد و حرکت در مرز اصولگرایی و اصلاح طلبی قصد امتیازگیری و حضور در جایگاه قدرت را برای خودش متصور است.

شما گفتید در ویژگی هایی آقای لاریجانی شبیه آقای روحانی است آیا می توان در مجموع با چشم پوشی از تفاوت های جزئی این دو نفر، لاریجانی را به مثابه روحانی دانست؟

▲ خیر. آقای روحانی و آقای لاریجانی تعرف مشابهی از تدریس سیاسی دارند. هر دو برای کسب قدرت و قرارگیری در جایگاه قدرت حاضرند لابی و معامله کنند، امتیاز بدهند و امتیاز بگیرند. هر دو در مرز وسط دو جریان اصلاح طلبی و اصولگرایی حرکت می کنند و از حرکت در این مسیر به دنبال

می کنند اعتدال و میانه روی خوب است، علاقه هایی به امثال لاریجانی و روحانی نشان می دهند اما این خیلی پایگاه اجتماعی محسوب نمی شود.

بعضی می گویند آقای روحانی هوشمندی و سیاست ورزی خاصی از خود در سال ۹۲ نشان داد که موجب شد در مرز دو جریان قرار بگیرد و نگاه هر دو جریان را به سمت خودش بیاورد، در واقع اصلاح طلبان کامل به طرف او آمدند و از اصولگرایی نیز بخشی همین گرایش را پیدا کردند. آیا آقای لاریجانی می تواند همین مسیر را برود و روی صندلی ریاست جمهوری تکیه بزند یا آنکه این ظرفیت امتحان شده و تجربه شده است و دیگر راهش به سمت قدرت بسته است؟

▲ فکر نمی کنم آقای لاریجانی بتواند در این مسیر حرکت کند. بالاخره باید بپذیریم، آقای روحانی بر بدنه اجتماعی اصلاح طلبان سوار شد. با آن اتفاقی که در مناظره سوم انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ افتاد، مردم این طور تصور کردند که راه حل مشکلات اقتصادی از حوزه سیاست خارجی و مذاکره می گذرد، چون برای مردم اقتصاد موضوعیت داشت، در حالی که قبل از مناظره سوم مردم فکر می کردند اقتصاد ربطی به تحریم و هسته ای ندارد، البته این تصور درست بود اما بر اثر مناظره سوم تصویرشان عوض شد و دنبال کسی رفتند که می تواند در مذاکرات موفق شود. آقای روحانی تنها کسی بود که به عقیده مردم می توانست این ایده را پیاده کند چون شعارش را داده و حرف هایش را زده بود بنابراین یک بدنه رای را جذب کرد. آقای روحانی بدون بدنه اجتماعی اصلاحات نمی توانست به ریاست جمهوری برسد. اما آیا آقای لاریجانی هم می تواند این مسیر را طی کند؟ معتقدم آقای لاریجانی به هیچ وجه امکان کسب و جذب بدنه اجتماعی اصولگراها و

کسب قدرت هستند. این سه ویژگی شباهت بین آقایان لاریجانی و روحانی است اما آنها تفاوت های مهمی نیز بایکدیگر دارند. آقای لاریجانی گرچه در مرز بین جریان اصولگرایی و اصلاح طلبی حرکت می کند اما همچنان خود را در جریان اصولگرایی تعریف کرده نه در جریان اصلاح طلبی، به واقع خودش را به آن طرف مرز نینداخته است. دوم آنکه به نظر نمی آید برای رسیدن به لابی و قدرت حاضر به هنجارشکنی مسائل اصلی نظام شود. یعنی در عرصه سیاست بازی می کند ولی از خطوط قرمز نظام عبور نمی کند اما آقای روحانی بارها وارد این هنجارشکنی ها شده است، بارها تقابل هایی را با حاکمیت در بیانات و گفتارهایش نشان داده است. در انتخابات حرف های هنجارشکنانه خارج از نظام زباز زد. در حالی که آقای لاریجانی هنوز در این وادی وارد نشده و قطعا به هنجارهای نظام پایبند است.

پایگاه اجتماعی آقای لاریجانی کجاست؟ آیا پایگاه اجتماعی او بیشتر جنس اصولگرایی دارد یا اصلاح طلبی؟

▲ واقعیت قضیه این است که آقای لاریجانی پایگاه اجتماعی مهمی ندارد. در واقع از دیگر شباهت هایش با آقای روحانی همین است. آقای لاریجانی یک پایگاه اجتماعی ندارد که بتواند بدنه ای را با خود همراه کند و بیشتر با سیاست ورزی و لابی گری جایگاه و پایگاه برای خودش ایجاد می کند، همچنین با قدرت لابی گری و ارتباطات هوشمندانه سیاسی کسب قدرت می کند. آقای روحانی نیز همین طور است یعنی پایگاه اجتماعی قابل اعتنایی ندارد. او برای کسب پایگاه اجتماعی با اصلاح طلبان بازی می کند و از پایگاه اجتماعی اصلاحات استفاده کرد تا به قدرت برسد. طبیعتا وقتی هم در قدرت قرار گرفت محبوبیتی پیدا کرد. آقای لاریجانی هم یک پایگاه اجتماعی قابل اعتنایی ندارد. البته افراد در جامعه که دوست دارند یا احساس

با آقای لاریجانی اجماع می کردند و آقای عارف شکست سختی در انتخابات می خورد و وزن اکثریت نبودن آنها روشن می شد. پس مجبور بودند به سمت آقای لاریجانی بروند. چاره ای نداشتند و البته در این مسیر گرایش به سمت آقای لاریجانی برای شان منافع و مصالحی هم دارد. ضمن آنکه یک اتفاق دیگری هم افتاد و آن هم این بود که آقای روحانی تمام خواسته اصلاحات را عمل نکرد بنابراین این تجربه برای اصلاح طلبان وجود دارد، به همین خاطر قطعا با آقای لاریجانی بیشتر مشکل پیدا خواهند کرد بنابراین به این سمت می روند که گزینه ای از اردوگاه اصلاحات یا نزدیکتر به جناح اصلاحات مثل آقای جهانگیری را در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ تقویت کنند.

**یعنی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ اصلاح طلبان به سمت آقای جهانگیری می روند نه آقای لاریجانی؟**

▲ مشخصاً نمی دانم اصلاح طلبان از چه نامزدی حمایت می کنند چون خیلی زود است ولی گزینه ای که اصلاح طلب یا نزدیک به اصلاح طلبی است از طرف آنها مورد حمایت قرار می گیرد.

**اینکه آقای لاریجانی اخیراً رفت در مراسمی کنار آقای محمد خاتمی نشست تا از او عکس بگیرند، آیا می خواست پیامی به اصلاح طلبان بدهد؟**

▲ من نمی توانم نیت سنجی کنم، قطعا او یک سیاستمدار است، می داند رفتن در آنجا چه مفهومی دارد. می داند اگر کنار آقای خاتمی بنشیند، چه بازخوردی دارد، بنابراین واقعا تحلیل اینکه آقای لاریجانی با چه انگیزه ای این کار را کرد نمی دانم ولی بعید نیست که او به فکر انتخابات باشد. این تحلیل من است که آقای لاریجانی نمی تواند در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ به پیروزی برسد اما این تحلیل را آقای لاریجانی ممکن است نداشته باشد و خودش را مشابه آقای روحانی تعریف کند و به تناسب این قضیه رفتارهایی را نشان دهد که از خودش تصویر شبه روحانی ایجاد کند. در مجموع احتمال آنکه او چنین تعریفی را از خود داشته باشد و نگاه جدی به انتخابات ریاست جمهوری کند، اصلا احتمال کمی نیست، بلکه احتمالش خیلی زیاد است. تحلیل من این بود که این تصمیم، تصمیم نادرستی است. آقای لاریجانی امکان این کار را ندارد اما آقای لاریجانی که الزاما مطابق تحلیل من عمل نمی کند. او برای خود تحلیلی دارد و جدی ترین احتمال این است که برای ۱۴۰۰ خودش را دارد آماده می کند.

**چرا آقای لاریجانی این قدر زود کار انتخاباتی را شروع کرد، آیا می خواهد از الان مثل انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که دو سال قبل نامزدها می آیند خودشان را معرفی می کنند، شهر به شهر می روند تا مردم با اقدامات و حرکات و کردارهای آنها آشنا شوند و ابعاد مختلف شخصیت شان را به عموم مردم بشناسانند، آیا آقای لاریجانی از الان شروع می کند که این نهادینه سازی را انجام دهد، چون می داند اگر به ۲۰ روز آخر منتهی به انتخابات برسد مثل سال ۸۴ موفق نخواهد بود؟**

▲ من واقعا نمی توانم دقیق تحلیل کنم که آقای لاریجانی با چه نیت و انگیزه ای این کار را کرد چون هرچه ابعاد ماجرا را نگاه می کنم نشستن کنار آقای خاتمی رانه تنها خلاف مصلحت کلان نظام می بینم، بلکه مغایر با مصالح فردی آقای لاریجانی تحلیل می کنم. یعنی از هر جهت که نگاه می کنم آن را یک خطای سیاسی می دانم، حتی اگر نگاه به قضیه انتخاباتی باشد. واقعا نمی توانم تحلیل کنم آقای لاریجانی از این قضیه چه منفعتی می برد. از هر جهت نگاه می کنم می بینم او هیچ منفعتی نمی برد حتی شخصا. آیا تصور آقای لاریجانی این است که در یک برهه

**۴ محمد سعید احدیان می گوید: «سقف حضور لاریجانی در عرصه سیاسی کشور جایگاه ریاست مجلس است و او هیچ گاه نمی تواند با حرکت در مرز اصولگرایی و اصلاح طلبی همچون روحانی بر کرسی ریاست جمهوری تکیه بزند.» این تحلیلگر مسائل سیاسی معتقد است: «لاریجانی نمی تواند هیچ بدنه اجتماعی برای خودش جذب کند و چون پایگاه اجتماعی شخصی ندارد و دو جریان اصولگرا و اصلاح طلب هم حاضر نیستند و نمی توانند پایگاه اجتماعی خود را در اختیار او قرار دهند، بنابراین در انتخابات ریاست جمهوری پیروز میدان نمی شود.»**

**ببین تکرار روحانی و حمایت از آقای جهانگیری، تکرار روحانی را انتخاب کردند، برای همین آقای جهانگیری کاندیدای در سایه شد، به نظر شما اصلاح طلبان سال ۱۴۰۰ برای چهارمین مرتبه همین رویکرد را پیش می برند؟**

▲ من پیش فرض سوال را خطا می دانم. اولاً دلیل اصلی رجوع اصلاح طلبان به آقای روحانی، امکان برد بود. البته بعد از این ماجرا شاید بیشتر برای توجیه عملکرد خود از آن استدلال سوال شمانیز استفاده کردند. اما حمایت از آقای روحانی به آن دلیل بود که می تواند انتخابات را برود اما عارف نمی تواند. اصلاح طلبان برخلاف اصولگرایان خوب در سیاست ورزی نامزد برنده را تشخیص می دهند. استدلال اصلاح طلبان در سال ۹۲ این بود که آقای روحانی توانست رای بدنه غیر ایدئولوژیک را جذب کند و وقتی رای ایدئولوژیک آقای عارف به رای آقای روحانی اضافه شود، او بیش از ۵۰ درصد آرا را کسب می کند. اما اگر عکسش را عمل می کردند موفق نمی شدند یعنی آقای عارف رای قابل توجهی داشت اما رایش کاملاً ایدئولوژیک بود. اگر عارف حفظ می شد و روحانی کنار می رفت، تمام رای غیر ایدئولوژیک آقای روحانی به سید آقای عارف ریخته نمی شد، بنابراین اصلاح طلبان تصمیم گرفتند رای توده ای را حفظ کنند و رای ایدئولوژیک را پای آقای روحانی بیاورند، به این ترتیب آرای آقای روحانی بیشتر از ۵۰ درصد شد. شبیه اتفاقی که در سال ۹۶ برای اصولگرایان افتاد اما اصولگرایان عکسش را تصمیم گرفتند، رای ایدئولوژیک را حفظ کردند و بخشی از رای توده ای را توانستند در سید آقای رئیسی بریزند.

**در انتخاب رئیس مجلس که چنین حالتی وجود نداشت چون نمایندگان باید انتخاب می کردند، چرا آنجا حمایت از لاریجانی را بهتر از عارف دیدند؟**

▲ آنجا هم دیدن سرمایه گذاری بر عارف نتیجه اش شکست است. ما سه طیف در مجلس داریم؛ یک جریان اصولگرایی، یک جریان اصلاح طلبی و یک جریان آقای لاریجانی. الان جریان آقای لاریجانی به سمت هر کدام از اصولگرایان یا اصلاح طلبان برود، آن تصمیم گرفته می شود یعنی تصمیم گیر اصلی در موضوعات سیاسی داخل مجلس، جریان آقای لاریجانی است. حالا اگر در آنجا روی آقای عارف سرمایه گذاری می شد، اصولگرایان

اصلاح طلبان را ندارد چون هیچ کدام اینها اعتمادی به آقای لاریجانی ندارند که حاضر باشند، شانه آماده کنند تا علی لاریجانی پا بر شانه آنها بگذارد و بالا برود.

**در واقع شما از جمله کسانی هستید که می گوید سقف سپهر سیاسی آقای لاریجانی ریاست مجلس است و ستاره بخت او در ریاست جمهوری هیچ گاه نخواهد درخشید؟**

▲ از نظر من خیر. حضور آقای لاریجانی در عرصه قدرت بیشتر از این نخواهد شد. آقای لاریجانی امکان این را ندارد چون فاقد بدنه اجتماعی و گفتمان مشخص است. یک نامزد حتی اگر بهترین حرف را در مناظرات انتخاباتی بزند اما پایگاه اجتماعی نداشته باشد موفق نخواهد شد. یعنی فقط به مناظره نیست که یک نفر رئیس جمهور شود. مناظره کمک می کند یک نامزد بدنه اجتماعی بیشتری کسب کند نه آنکه بدنه اجتماعی برای او بیافریند. اگر بدنه اجتماعی جریان سیاسی، پای یک نامزد نیاید او نمی تواند رئیس جمهور شود. این قاعده بازی انتخابات است و آقای لاریجانی امکان جذب هیچ کدام از بدنه های اجتماعی جریان اصولگرایا جریان اصلاح طلب را ندارد اما آقای روحانی توانست بدنه اجتماعی اصلاح طلبان را به دست آورد و رئیس جمهور شود. دور دوم نیز اگر این بدنه را نداشت نمی توانست به ریاست جمهوری برسد. آقای محسن رضایی خیلی برای قرار گرفتن در جایگاه ریاست جمهوری تلاش کرد با جریان سوم آمد اما نتوانست؛ چرا؟ چون بدنه اجتماعی قابل اعتنایی نداشت و شکل گیری جریان سوم در ایران امکان پذیر نیست. پس مشکل آقای لاریجانی این است که هیچ بدنه اجتماعی نمی تواند برای خودش جذب کند و چون پایگاه اجتماعی شخصی ندارد و دو جریان اصولگرا و اصلاح طلب هم حاضر نیستند و نمی توانند این پایگاه اجتماعی خود را در اختیار آقای لاریجانی قرار دهند، در انتخابات ریاست جمهوری پیروز میدان نمی شود.

**اصولگرایان چرا نمی توانند پایگاه اجتماعی شان را به نفع آقای لاریجانی بسیج کنند؟**

▲ چون به او اعتماد ندارند. بدنه اجتماعی اصولگرایان نسبت به آقای لاریجانی کلای اعتماد است و آقای لاریجانی را به عنوان یک اصولگرای واقعی نمی دانند. خیلی ها که حتی او را خارج از جریان اصولگرایی می دانند. آنهایی هم که او را جزء جریان اصولگرا می دانند بخش قابل توجهی شان بر اساس مصلحت می گویند «باید آقای لاریجانی را در جریان اصولگرایی حفظ کرد». یعنی این نیست که باور داشته باشند او کاملاً اصولگرا تعریف می شود بلکه می گویند مصلحت این است که ما مشخصات های خودمان را طرد نکنیم. البته یک طیف محدودی هم شاید باشند که معتقدند آقای لاریجانی در بدنه اصولگرایی تعریف می شود ولی آنها هم حاضر نیستند اعتماد کنند و بگویند آقای لاریجانی نامزد جریان اصولگرا در انتخابات ریاست جمهوری شود.

**برخی اصلاح طلبان همچون کارگزاران و کسانی مثل آقای زیبا کلام سال ۹۲ می گفتند ما فرصت سیاست ورزی نداریم، بهتر است یک اصولگرای میانه رو سر کار بیاید. او بهتر می تواند منویات جناح اصلاحات را در عرصه قدرت پیش ببرد. با همین استدلال آقای عارف را اراضی کردند از صحنه انتخابات به نفع آقای روحانی کنار برود چون حضور آقای روحانی را در قدرت موثرتر می دانستند و معتقد بودند او می تواند فضا برای فعالیت سیاسی اصلاح طلبان باز کند. حتی در سال ۹۴ هم بین عارف و لاریجانی در انتخاب ریاست مجلس همین رویکرد را دنبال کردند و گفتند آقای لاریجانی حضورش در کرسی ریاست مجلس بیشتر به نفع ماست، در سال ۹۶ هم**

**بدنه اجتماعی اصولگرایان نسبت به آقای لاریجانی کلاً بی اعتماد است و آقای لاریجانی را به عنوان یک اصولگرای واقعی نمی دانند. خیلی ها که حتی او را خارج از جریان اصولگرایی می دانند**

زمانی کوتاه ۲۰ روزه نمی تواند خود را به مردم کامل و جامع معرفی کند و از الان کار انتخاباتی را شروع کرده تا در سال ۱۴۰۰ یک کاندیدای جدی و شانس نخست پیروزی باشد؟

▲ یکی از دلایلی که نمی توانم تحلیل کنم همین است. آقای لاریجانی خیلی سیاستمدارتر از آن است که برای ۱۴۰۰، ۴ سال زودتر کار خود را شروع کرد. او می داند در ایران اگر کسی بخواهد وارد عرصه انتخابات ریاست جمهوری شود هر چه دیرتر وارد شود بهتر است. اما آقای رئیسی در صحبت های بعد از انتخابات گفت کاش زودتر وارد می شد.

▲ وضعیت آقای رئیسی با آقای لاریجانی فرق می کند. یک زمانی فردی خودش را برای ورود به عرصه انتخابات ریاست جمهوری آماده می کند اما علنی نمی گوید. اما یک زمانی فردی نیتی برای ورود به انتخابات ندارد اما یک دفعه تصمیم می گیرد وارد صحنه رقابت می شود. این دو حالت با هم فرق می کند. کسی ۴ سال خودش را برای نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری آماده می کند ولی بر اساس سیاست ورزی در روزهای آخر سیگنال حضور را به جامعه می دهد. آقای رئیسی واقعا تصمیمی برای ورود به انتخابات نداشت. اگر می خواست داشته باشد باید خیلی زودتر تصمیم می گرفت. کسی که از امروز یا دو سال دیگر یا شش ماه مانده به انتخابات تصمیم برای کاندیداتوری می گیرد، سیاست ورزی ایجاب می کند که تا روزهای آخر این نیت و قصد خود را علنی نکند. پس این دورویکرد با هم فرق می کند. آقای لاریجانی اگر تصمیم دارد، از الان برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ اقدام کند مطمئنا روی نام خود ایجاد حساسیت می کند.

آیا می تواند این مشی را که در ایران سنت شده کنار بگذارد؟ آیا آقای لاریجانی می خواهد این ترکیب را به هم بریزد یعنی یک انقلاب و به هم زدگی سنت ها را در این عرصه نشان دهد؟

▲ من این نیت را غیر سیاست ورزانه می دانم. معقول نمی بینم. شاید او چنین کرده باشد اما اشتباه است.

یعنی جواب نمی دهد؟

▲ خبر، جواب نمی دهد. همین الان روی این موضوع چنانشریه مثلث کار می کند؟ چون احتمال می دهد که آقای لاریجانی می خواهد رئیس جمهور شود. یعنی حساسیت ها افزایش پیدا می کند و هر رفتارش رفتار سیاسی و انتخاباتی تلقی می شود. رقبای او به او نگاه دیگری خواهند داشت. همه نسبت به رفتارهای آقای لاریجانی حساسیت خاصی پیدا خواهند کرد. او چهار سال زیر ذره بین دقیق قرار می گیرد، در این صورت ضعف هایش بیشتر

نمایان می شود. رسانه ها روی ضعف ها تمرکز می کنند و کسانی که دوست ندارند آقای لاریجانی رئیس جمهور شود ضعف های او را پررنگ و برجسته می کنند. متأسفانه منطق سیاست ورزی در ایران ایجاب می کند که واقعا تا جایی که یک نفر می خواهد وارد عرصه انتخابات ریاست جمهوری شود تا اعلام عمومی تصمیمش را به تأخیر بیندازد.

کارگزاران چه نقشی ایفا خواهند کرد؟ کارگزاران سال ۹۲ اراده کرد محسن هاشمی گزینه اصلاح طلبان برای شهرداری شد تا با قالیباف رقابت کند، کارگزاران اراده کرد آقای روحانی کاندیدای اصلاح طلبان شود و عارف کنار رفت. کارگزاران اراده کرد لاریجانی خرداد ۹۵ رئیس مجلس شد، کارگزاران اراده کرد با وجود مخالفت روحانی کاندیدای سایه به صحنه آمد اما حمایت یکپارچه اصلاح طلبان از روحانی دوباره تکرار شد، به نظر تان کارگزاران چه نقشی ایفا خواهد کرد بین یک عضوی که از سابقون خودش بوده یعنی آقای جهانگیری و آقای لاریجانی؟ امروز این طور تحلیل می شود که تمایل کارگزاران به سمت حمایت از آقای لاریجانی بیشتر است تا حمایت از آقای جهانگیری، شما چه نظری دارید؟

▲ اولاً گزاره هایی که به آنها اشاره شد را خیلی قبول ندارم. ولی کارگزاران کاملاً مبتنی بر منفعت حرکت می کند، یعنی سعی می کند تشخیص دهد برنده چه نامزدی است و بعد بتواند خودش را پیش از انتخابات به برنده نزدیک کند و بعد از انتخابات از برنده بیشترین منفعت و بهره را ببرد. کارگزاران بیشتر نگاه اقتصادی به سیاست دارد یا به عبارت بهتر از سیاست اهداف اقتصادی را دنبال می کند. بنابراین برایش نگاه ایدئولوژیک موضوعیت ندارد. هر کسی که بتواند منافع کارگزاران را بیشتر تأمین کند به سمت آن حرکت می کند. کاملاً هم در قضیه این است که حاضر است رنگ عوض کند و اقدامات متنوع انجام دهد ولی واقعیت قضیه کارگزاران بالاخره یک رکن خودش را که آقای هاشمی بود از دست داد، بنابراین به این راحتی دیگر نمی تواند جریان اصلاحات بازی کند و در جریان اصولگرایی نیز مخالفان زیادی پیدا کرده است. در عین حال نزدیکی کارگزاران به آقای لاریجانی هم کاملاً محتمل است، مشروط به اینکه آقای لاریجانی امکان بربرد در انتخابات داشته باشد، نزدیکی کارگزاران به نامزد اصلاح طلبان هم کاملاً محتمل است، در صورتی که نامزد اصلاح طلبان احتمال برد داشته باشد. کارگزاران کاملاً متناسب با شرایط مبتنی بر هدف خودش که منفعت اقتصادی است تصمیم گیری می کند. باید منتظر باشیم ببینیم چه کسی احتمال برد بیشتری دارد، کارگزاران

خودش را به او نزدیک می کند. کارگزاران نگاه ایدئولوژیک ندارد که از الان تشخیص دهیم چون شرایط تعیین می کند. کارگزاران سعی می کند به همه نزدیک باشد ببیند چه کسی احتمال برد بیشتر دارد، نهایتاً خودش را به او نزدیک کند.

حزب اعتدال و توسعه آقای روحانی را رئیس جمهور خودش می داند، می گوید او پدر معنوی حزب و برآمده از این حزب است، فکر می کنید حزب اعتدال و توسعه این مشورت دهی را به آقای لاریجانی می کند که از الان وارد عرصه انتخابات ریاست جمهوری شود تا حداقل این حزب دستش خالی نباشد؟ کمابینه آقای کاظم جلالی هم سابقه عضویت در این حزب را هم داشت و امروز دست راست آقای لاریجانی محسوب می شود؟

▲ من نزدیکی آقای روحانی، آقای لاریجانی و آقای ناطق را برای انتخابات ریاست جمهوری بعدی و حتی انتخابات مجلس یازدهم کاملاً محتمل ترین آرایش سیاسی می دانم. آقای روحانی، آقای لاریجانی و آقای ناطق به هم نزدیک می شوند تا جریان اعتدالی را با رویکرد اصولگرایی یا اصلاح طلبی ایجاد کنند. حالا اصولگرا یا اصلاح طلب بودن آن بستگی به شرایط دارد بنابراین این را من محتمل ترین اتفاق می دانم.

اصلاح طلبان چه کار می کنند، آیا به سه ضلع اعتدالی روحانی، لاریجانی و ناطق نزدیک می شوند یا رویکرد جداگانه در پیش می گیرند. آقای عارف اخیراً گفت «ما دیگر مستقل می خواهیم عمل کنیم». آیا اصلاح طلبان خودشان را از اعتدال جدا خواهند کرد؟

▲ اصلاح طلبان دیگر نیاز به رحم اجاره ای ندارند و می خواهند خودشان مستقیم وارد قدرت شوند. ولی باید دید در عمل می توانند این را پیاده کنند. اگر در عمل نتوانند این را پیاده کنند، ممکن است مجبور شوند بین بد و بدتر انتخاب کنند که جریان اصولگرا سر قدرت باشد یا جریان طرف مقابل. یعنی این یک احتمال است اما پیش بینی من این است که آنها باز هم می روند سراغ گزینه هایی که خودشان باشند تا هویت اصلاح طلبی را باز یابند؛ برای خودشان هویت تعریف کنند تا دیگر از این حالت دست دوم بودن خارج شوند.

از جدا شدن اصلاحات و اعتدال کدام یک بیشتر ضرر می کند چون همراهی این دو جریان بوده که تاکنون جواب داده است؟

▲ واقعیت این است که اعتدال پایگاه اجتماعی اش را از اصلاحات گرفته است و وقتی آن را از دست بدهد بیشتر ضرر می کند.

یعنی اعتدال نمی تواند روی کسب آرای خاکستری حساب کند؟

▲ اصلاحات هم بدون کمک اعتدال نمی توانست همین سهم از قدرت را داشته باشد، درواقع هر دو ضرر می کنند اما اصلاحات دارد خودش را باز پیدا می کند و برای خودش هویت تعریف می کند، بنابراین اگر در انتخابات نیز شکست بخورد باز نتیجه اش این می شود که هویت جدیدی دارد. اما ادامه این رویکرد هویت اصلی برایش نمی آفریند و دست دوم تلقی می شود. در مجموع دو دیدگاه در اصلاحات وجود دارد یکی می گوید ما هویت مان موضوعیت بیشتری از قدرت دارد، یک جریان می گوید مهم حضور و کسب قدرت است هویت را می شود بعد پیدا کرد. البته من اصلاح طلب نیستم ولی فکر می کنم شاید در یک مقطع برای بازگشت به قدرت حالت دوم موضوعیت داشت اما اگر جای اصلاح طلبان بودم از این به بعد تعریف هویت و حفظ آن را در اولویت قرار می دادم حتی اگر در انتخابات شکست بخورم. ►



من نزدیکی آقای روحانی، آقای لاریجانی و آقای ناطق را برای انتخابات ریاست جمهوری بعدی و حتی انتخابات مجلس یازدهم کاملاً محتمل ترین آرایش سیاسی می دانم



## عصر طلایی دایناسورها

نام مؤلف: عرفان خسروی

ناشر: نشر طلایی

تعداد صفحات: ۶۴



کتاب «عصر طلایی دایناسورها»، یک دانشنامه تصویری و مختصر در مورد موجودات درشت هیکلی است که سال‌ها پیش در زمین زندگی می‌کردند: دایناسورها! بعد از آنکه نویسنده کتاب، عرفان خسروی، کتاب «فرهنگ‌نامه دایناسورها» را نوشت و با استقبال گسترده مخاطبان روبه‌رو شد، این استقبال او را تشویق کرد تا کتاب حاضر را بنویسد.

این کتاب، روی حس کنجکاوی کودکان و نوجوانان حساب ویژه‌ای باز کرده است و مخاطبان اصلی کتاب را نوجوانان تشکیل می‌دهند؛ گواه این مطلب، مقدمه‌ای است که خود نویسنده در ابتدای کتاب نگاشته است. به‌علاوه، فضای تصویری و نقاشی‌مانند کتاب، تابلوهای رنگارنگی از زندگی دایناسورها را در برابر چشمان تصویرخواه مخاطب قرار می‌دهد و مهر تأییدی است بر اینکه این کتاب برای نوجوانان پرسشگر و کنجکاو نوشته شده است. نکته جالب برای دایناسورها که ذهن مخاطب را قلقلک می‌دهد، دیدن تصاویر این موجودات است و این کتاب با آگاهی صحیح از این نیاز، به صرف نوشته اکتفا نکرده و بیشتر تصویرمحور بوده است.

روزآمدی، واژه‌نامه، حمایت از محیط‌زیست و آشناسازی مخاطب با روش علمی از ویژگی‌های کتاب است. در انتهای کتاب نیز نقشه جامع زندگی دایناسورها و خلاصه آنچه در کتاب است، به‌صورت مختصر برای مخاطب بازعرضه می‌شود.



دکتر ابراهیم متقی، استاد دانشگاه تهران و دکتر علی خرم، دیپلمات پیشین کشورمان با حضور در مناظره‌ای به میزبانی مثلث به بررسی سناریوهای پیش روی برجام در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ در آمریکا پرداختند. این کارشناسان معتقدند که به احتمال زیاد آمریکا از برجام خارج نمی‌شود. متقی می‌گوید آمریکا و اروپا می‌خواهند ایران را در مدار دومی‌نوی برجام قرار دهند؛ یعنی از حوزه هسته‌ای وارد عرصه موشکی کنند. خرم نیز معتقد است واشنگتن تلاش دارد اجماع پشت سر ایران را بشکند.

تیتریک



## آمریکا از برجام خارج نمی‌شود

ابراهیم متقی و علی خرم در مناظره‌ای به بررسی سناریوهای پیش روی توافق هسته‌ای پرداختند

دونالد ترامپ با پیشینه کشتی کج، از همین روانشناسی برخوردار است و زمانی که بر سر کار آمد بسیاری به جد در آمریکا مطرح کردند که او نه خود گمان می‌کرد به عنوان رئیس جمهور انتخاب شود و نه نخبگان و سیاستمداران آمریکایی تصور می‌کردند که فردی چون ترامپ وارد کاخ سفید شود. اما داری به تخته خورد و او روی کار آمد. درواقع شکاف‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای ممکن است منجر به روی کار آمدن شخصی شود که گمان نمی‌رفت. بنابراین نباید این گونه به مساله نگاه کنیم که اگر ترامپ امروز یک حرفی را جمع به برجام می‌زند، حرف

دونالد ترامپ یک پدیده استثنایی و غیرقابل پیش‌بینی در سطح جامعه آمریکا و هم در سطح جهان سیاست است. در نتیجه او از یک استراتژی مدون و تفکر متشکل برخوردار نیست. لااقل تا به امروز که به این صورت بوده و حرف‌هایی که می‌زند بر حسب شرایط روز است و صرفاً یک روحیه تهاجمی دارد که ناشی از دورانی است که کشتی کج کار می‌کرد. کسانی که کشتی کج کار می‌کنند، بعد از مدتی روانشناسی یک کشتی کج کار دست‌شان می‌آید، می‌خواهند زور خود را به رخ دیگران بکشند و اگر چنین سیاستی را در پیش بگیرند اصلاً موفق نخواهند شد.

سعیده سادات فهری

خبرنگار

نخستین محور بحث این است که باتوجه به فضای فعلی و اظهارنظرهایی که از سوی مقامات آمریکایی به خصوص شخص دونالد ترامپ، رئیس جمهور شاهد هستیم، پروژه وی برای برجام چه خواهد بود؟

▲ خرم: برای بررسی این مساله در ابتدا باید کمی به واکاوی شخصیت رئیس جمهور آمریکا بپردازیم.

## دیپلماسی تهاجمی

اقدامات دیپلماتیک اروپا برای تغییر  
نظر ترامپ



## خروج از برجام تبعات بسیاری برای آمریکا دارد

روزهای سرنوشت ساز



## انزای واشنگتن

طیف مخالفان تحریم‌های آژانس  
علیه ایران گسترده‌تر شده است

نهایی‌اش است و اگر تا دیروز حرفی زده از روی سنجیدگی و کار کارشناسی بوده است. روی کار آمدن ترامپ از این پس دیگر وصال گردن مردم آمریکا خواهد بود و مانند استخوانی که در گلوئی کسی گیر کرده باشد، نه می‌تواند ترامپ را قورت دهند و نه می‌تواند آن را از گلو خارج کنند. یک مساله دیگری که راجع به ترامپ وجود دارد اینکه او از سناریوهای محتمل کدام یک را انتخاب خواهد کرد؛ یعنی استعفا بدهد، رهبری را به سایر اعضای حزب جمهوریخواه واگذار کند تا افرادی مانند جان مک کین به اداره امور بپردازند و یا اینکه استیضاح شود چرا که مشکلات و چالش‌های بسیاری پیش روی رئیس جمهور آمریکا قرار دارد. با توجه به مشکلاتی که ترامپ در عرصه داخلی و جهانی به وجود آورده، به نظر می‌رسد که استیضاح محتمل ترین گزینه باشد.

حال در برابر چنین شخصی نباید انتظار داشت که او همچون سلف خویش باراک اوباما، از یک روند مستمر، تدریجی، حساب شده و سنجیده برخوردار باشد. در ارتباط با توافق هسته‌ای شاهد بودیم که از زمان مبارزات انتخاباتی ترامپ ضمن آنکه برجام را بدترین توافق تاریخ خوانده بود گفت که از آن خارج خواهد شد. اما بعد که روی کار آمد متوجه شد که نمی‌تواند هرکاری مدنظرش است را انجام دهد. به این ترتیب که حتی اگر از دید او، برجام بدترین توافق باشد، نمی‌تواند به آسانی از آن خارج شود. اگر ترامپ این توافق را برخلاف بسیاری از نخبگان آمریکایی و حتی مقامات اروپایی، بدترین توافق می‌خواند به درک و مواضع او بازمی‌گردد که نشأت گرفته از مواضع تندروهای اسرائیلی و عربستان است.

در این شرایط می‌توان جمع‌بندی کرد که سناریوهای احتمالی ترامپ برای توافق هسته‌ای چه خواهد بود؛ به نظر من این سناریو که ترامپ توافق را نقض کند و از آن خارج شود، دور از تصور است. زیرا تا زمانی که ایران به تعهداتش پایبند باشد توافق پابرجاست حال چه آمریکا باز می‌گردد، در این میان ایران نیز گاهی وسوسه می‌شود که اگر واشنگتن از برجام خارج شد، ایران نیز باید خارج شود. این در حالی است که چنین اقدامی به ضرر تهران است. ایران یک توافق را با مهارت و دقت جلو برده که مواهب زیادی نیز دارد. بنابراین ایران باید در شرایط فعلی اجماعی که در کنار ما ایجاد شده است را حفظ کند. این اجماع کشورهای اروپایی، روسیه، چین و دیگر کشورهای جهان را شامل می‌شود. تنها عربستان، امارات و رژیم اسرائیل هستند که علیه برجام جبهه گرفته‌اند. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به صورت شخصی می‌خواهد نظراتش را دیدن کند مبنی بر اینکه ایران بعد از ۱۵ سال به سمت ساخت سلاح اتمی خواهد رفت. بنابراین بدون در نظر گرفتن این چند مورد، اغلب جهان نسبت به لزوم حفظ توافق نظر واحدی دارند.

سناریوی دیگری که ترامپ روی آن کارکرد این بود که ایران را تحریک کند تا تهران خود برجام را نقض کند. دونالد ترامپ روی این سناریو خیلی مانور داد اما زمانی که متوجه شد به نتیجه‌ای نمی‌رسد نیکی هیلی، سفیر آمریکا در سازمان ملل را به سراغ یوکیا امانو، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فرستاد و از او خواست به ایران اعلام کند که باید از سایت‌های نظامی نیز بازرسی

دکتر ابراهیم متقی، استاد دانشگاه تهران و کارشناس مسائل بین‌الملل و دکتر علی خرم، نماینده پیشین ایران در مقر اروپایی سازمان ملل متحد و یکی از اساتید دانشگاه هفته گذشته میهمان هفته‌نامه مثلث بودند و در یک مناظره به بررسی سناریوهای محتمل آمریکای دونالد ترامپ در خصوص برجام و سیاست‌های مناسب ایران در چنین شرایطی پرداختند. خرم معتقد است این سناریو که ترامپ توافق را نقض کند و از آن خارج شود، دور از تصور است؛ به عقیده این استاد دانشگاه، ترامپ امروز با یک دست در حال دنبال کردن چندین سناریو است؛ او از یک طرف می‌خواهد اجماع پشت سر ایران را بشکند و از سوی دیگر می‌خواهد اعلام عدم پایبندی ایران از زبان یوکیا امانو اعلام شود. همچنین رئیس جمهور آمریکا اگر هیچ راه دیگری را پیش روی خود نبیند، اعلام خواهد کرد که توافق هسته‌ای خیلی مطابق با منافع و امنیت ملی آمریکا نیست.

متقی نیز موافق سناریوی خروج ترامپ از برجام نیست بلکه بر این باور است که پنهانی که آمریکایی‌ها روی آن تاکید دارند این است که اعلام کنند ایران روح و متن برجام را نقض کرده است و این مساله را نیز با تسری به حوزه موشکی بیان خواهند کرد. در واقع در حال حاضر هدف مرکزی آمریکا معطوف به کاهش قدرت موشکی ایران است.

شود. اما امانو لااقل تا به امروز از این درخواست آمریکا تبعیت نکرده است.

به نظر من، ترامپ امروز با یک دست در حال دنبال کردن چندین سناریو است؛ او از یک طرف می‌خواهد اجماع پشت سر ایران را بشکند و از سوی دیگر می‌خواهد اعلام عدم پایبندی ایران از زبان یوکیا امانو اعلام شود. همچنین رئیس جمهور آمریکا اگر هیچ راه دیگری را پیش روی خود نبیند، اعلام خواهد کرد که توافق هسته‌ای خیلی مطابق با منافع و امنیت ملی آمریکا نیست. در عین حال او با تحریم‌های آزاردهنده خود قصد دارد ایران را تحریک کند تا به زعم خود، ایران در یک نقطه دست به شمشیر ببرد و کالبد توافق هسته‌ای را بشکافد. ترامپ و تیم ترامپ شامل افراد تندرو در حال پیش بردن تمامی سناریوها با هم هستند و ما نیز نباید گمان کنیم که واشنگتن فقط یک سناریو را در نظر دارد بلکه همزمان ۴، ۵ سناریو را پیش می‌برد و هر کدام که نتیجه داد را دنبال خواهد کرد.

▲ متقی: من با تمامی سناریوهایی که دکتر خرم مطرح کردند موافق هستم. یعنی واقعیت امر این است که آمریکایی‌ها چندین سناریو را تنظیم می‌کنند اما یک هدف مرکزی دارند که در حال حاضر هدف مرکزی شان معطوف به کاهش قدرت موشکی ایران است. در این ارتباط بحث‌های مربوط به بازرسی از سایت‌های نظامی و پارچین نیز بر اساس این هدف شکل می‌گیرد.

بنابراین طبعاً تصمیم‌گیری بر اساس یک سناریو حاصل نمی‌شود بلکه یک سناریوی اصلی وجود دارد و چندین سناریوی فرعی. سناریوی اصلی آمریکا و اروپایی‌ها این است که ایران را در مدار دومینوی برجام

قرار دهند. یعنی از حوزه هسته‌ای وارد عرصه موشکی کنند. باید توجه داشت که بحث برجام یک بخش از یک پازل است. هیچ‌گاه سیاست قدرت‌های بزرگ و حتی بازیگران منطقه‌ای مانند ایران ماهیت انتزاعی ندارد. این قدرت‌ها یک استراتژی کلان دارند که در قالب آن، اهداف مرحله‌ای را پیگیری می‌کنند. راهبرد مشخص آمریکا و اروپا این است که قابلیت موشکی ایران را کاهش دهند. حتی وزیر امور خارجه فرانسه، پیش از صحبت‌های امانوئل مکرون، رئیس جمهور این کشور، موضوع مربوط به تجدیدنظر در برجام را مطرح کرده بود و به این موضوع اشاره داشت که برجام و حوزه موشکی با یکدیگر پیوند خورده‌اند. در این ارتباط حتی قطعنامه ۲۲۳۱ نیز نشانه‌های پیوند مسائل هسته‌ای، بحث‌های موشکی و موضوع مربوط به تجارت تسلیحات را آشکار می‌کند. رویکرد اساسی من بر این مناسبت که باید بدانیم نقطه اصلی و قانونی آمریکار در ارتباط با ایران چیست و طبیعی است که در این رابطه چندین سناریو و در ارتباط با هر سناریو، یک گفت‌وگو خاصی در دستور کار قرار گیرد. به این ترتیب، مساله برای من تا حدی قابل تبیین است که چرا چالش‌های ترامپ در رابطه با ایران شکل گرفته و گسترش پیدا کرده است.

به عقیده من ترامپ از برجام خارج نمی‌شود. بلکه گزینه‌ای که آمریکایی‌ها روی آن تاکید دارند این است که اعلام کنند ایران روح و متن برجام را نقض کرده است. احتمال این امر در نوامبر و دسامبر ۲۰۱۷ وجود دارد. بنابراین پاییز نسبتاً گرمی در حوزه دیپلماسی و سیاست بین‌الملل پیش روی خود داریم. نشانه‌های پاییز بسیار گرم را باید در ارتباط با وضعیت ابهام و عدم اطمینان مورد ارزیابی قرار دهیم. به این ترتیب من گزینه خروج ترامپ از برجام را منتفی می‌دانم در حالی که تاکید بیشتری روی تسری نگرش ترامپ و تیم سیاست خارجی و امنیت ملی آمریکا به حوزه موشکی دارم.

درواقع در این فضا سناریویی که ترامپ مطرح می‌کند مبنی بر خروج از برجام را نمی‌توان جدی تلقی کرد. مساله ارزیابی سناریوها بر اساس قانون احتمالات معنا پیدا می‌کند. ترامپ یک کازینو دار بزرگ است و همان‌طور که همه ما می‌دانیم علم آمار و قانون احتمالات از حوزه کازینو خارج شده است. یعنی یک بعد اقتصادی، در فضای احتمالی پیروزی یک نفر و در شرایطی که ریسک می‌کند. در شرایطی که کمتر از سه هفته دیگر ترامپ باید گزارش سومش را در خصوص پایبندی یا عدم پایبندی ایران به تعهدات برجامی‌اش به کنگره ارائه دهد؛ برخی گمانه‌زنی‌ها حاکی از اعلام عدم پایبندی ایران است. نظر شما چیست و این سناریو را چقدر محتمل می‌دانید؟

▲ خرم: اگر ترامپ بخواهد عدم پایبندی ایران به تعهداتش را اعلام کند، از نظر حقوقی چنین امری امکان‌پذیر نیست. زیرا مرجع تعیین پایبندی یا عدم پایبندی ایران به تعهداتش در برجام، ترامپ یا سیستم آمریکا نیست بلکه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. بنابراین ترامپ نمی‌تواند چنین مساله‌ای را اعلام کند بلکه این امر در اختیار آژانس است. در این شرایط ترامپ می‌تواند در گزارشش اعلام کند که توافق هسته‌ای با ایران از دید رئیس جمهور آمریکا مطابق با منافع و امنیت

ملی آمریکا نیست. زیرا اعلام چنین مساله‌ای نیاز به بحث کارشناسی ندارد بلکه به درایت رئیس‌جمهور آمریکا وابسته است. پس ترامپ تنها در این قالب می‌تواند در خصوص برجام سنگ اندازی کند. اگر ترامپ قصد داشته باشد که عدم پایبندی ایران به تعهداتش اعلام شود باید به نوعی از جانب آژانس مطمئن باشد و یوکیا آمانو، مدیرکل آژانس به او قول داده باشد که در گزارش بعدی پایبندی ایران را تایید نکند. در واقع آمانو با تحریک ترامپ می‌تواند دست روی سایت‌هایی که در توافقی به آنها اشاره نشده است، بگذارد. یعنی بگوید که ما راستی آزمایی را در سایت‌های اعلام شده تایید می‌کنیم اما در مورد سایت‌های اعلام نشده ایران هیچ نظری نمی‌توانیم بدهیم.

▲ **متقی:** من سناریوی محتمل را در مساله اعلام عدم پایبندی ایران می‌دانم؛ یعنی در بازی دیپلماتیکی که ترامپ آغاز کرده هیچ‌گاه از الگوی ضعف به معنای برهم‌زدن بازی استفاده نمی‌کند بلکه تیپ‌هایی مانند ترامپ، بازی را سرعت می‌بخشند. این الگو یک الگوی کازینویی است؛ یعنی کسی که در وضعیت ابهام قرار دارد برای خارج شدن از ابهام، چندین ریسک مرحله‌ای سرمایه‌گذاری در فضای قمار انجام می‌دهد. همین وضعیت در ارتباط با دیپلماسی کازینویی ترامپ می‌تواند معنا پیدا کند. در این میان رئیس‌جمهور آمریکا به بهانه آزمایش‌ها و فعالیت موشکی ایران و مباحثی که ترامپ به سازمان ملل مطرح کرد به اعلام عدم پایبندی ایران به تعهداتش مبادرت خواهد کرد. البته باید توجه داشت که پیش از آن قانونی که کنگره آمریکا در آگوست ۲۰۱۶ در قالب قانون سیدبا عنوان قانون مقابله با اقدامات بی‌ثبات‌کننده ایران تصویب کرد نیز به آنها کمک می‌کند. در گزارش ۲۷ مهر کاخ سفید به کنگره، ترامپ مدعی خواهد شد که ایران تخطی کرد و به مساله موشکی

استناد خواهد کرد. همچنین اعلام می‌کند که آمریکا به سیاست‌های ایران اعتماد ندارد و محدودیت‌هایی را در آینده علیه ایران اعمال خواهد کرد. ولی باید توجه داشت که پذیرش لغو تحریم‌های ایران توسط آمریکا کمتر از یک ماه است که صادر شده و هنوز دو ماه دیگر اعتبار دارد. بنابراین آمریکا در گزارش پیش‌رو احتمالاً تعلیق تحریم‌ها را دیگر اجرا نخواهد کرد و آن را با یک سری موضوعات دیگر مرتبط خواهند کرد که در این صورت تحریم‌ها به لحاظ حقوقی بر نمی‌گردند اما به لحاظ عملی باز می‌گردند. در این صورت آنها راه را برای دیپلماسی باز خواهند گذاشت. به بیان دیگر از آنجایی که سیاست آمریکا مبتنی بر دیپلماسی اجبار است آنها از طریق لغو تمدید تعلیق تحریم‌ها می‌خواهند به تهران فشار وارد آورند تا امتیازات بیشتری بگیرند. بحث‌های مربوط به دیپلماسی به خصوص دیپلماسی قدرت‌های بزرگ، دیجیتالی و صفر و یک نیست؛ بلکه نگاه‌شان فازی است یعنی بین صفر و یک، ده‌ها گزینه وجود دارد.

همچنین باید توجه داشته باشیم که بحث آمریکایی‌ها و شخص ترامپ خروج از برجام نیست بلکه آنها به دنبال متهم کردن ایران و معرفی کشور ما به عنوان بازیگر گریز از مرکز هستند. به همین دلیل آنها وارد پروسه متقاعد کردن آمانو برای اعلام عدم پایبندی ایران نمی‌شوند. بر اساس قوانین بازرسی که وجود دارد اگر هر کدام از قدرت‌های بزرگ نشانه و یا اطلاعاتی داشته باشند مبنی بر اینکه در سایت‌های نظامی ایران فعالیت غیرنظامی و در حوزه هسته‌ای شکل می‌گیرد در آن شرایط می‌توانند درخواست بازرسی را به آژانس ارائه دهند و آژانس نیز آن را به ایران منتقل کند. اما از آنجایی که ایران چنین پرونده‌ای را دنبال نمی‌کند از این رو، این گزینه ترامپ و نیکی هیلی نمی‌تواند مطلوبیت لازم را

برای مقابله و محدودسازی ایران به وجود آورد اما می‌تواند زمینه‌ای را ایجاد کند که محدودیت‌های دیگری در رابطه با ایران به وجود آید که به حوزه‌های موشکی و قابلیت‌های راهبردی ایران مربوط می‌شود.

**ما باید مطابق آنچه در برجام آمده به تعهدات مان عمل کنیم که تا امروز نیز آژانس این موضوع را تایید کرده اما اگر آنها بخواهند خارج از برجام مسائلی را ذکر کنند مانند سایت‌های اعلام نشده و آزمایشات موشکی چه سرانجامی در انتظار برجام خواهد بود؟ همچنین در رابطه با بازدید از سایت‌ها، آقای عراقچی اعلام کردند که اگر طرف مقابل اسناد و مدارک کافی ارائه دهد، در صورت طی مراحل قانونی می‌تواند از سایت مورد نظر بازدید کند؛ پس مشکل کجاست؟**

▲ **خرم:** مساله بازدید از سایت‌ها در توافقی هسته‌ای، اساسنامه آژانس، پروتکل ۲۰۱۴ که با آژانس امضا کردیم و در پروتکل الحاقی یکسان است و بر این مبناست که اگر آژانس به اطلاعاتی رسید که در یکی از سایت‌های ایران اعم از نظامی و غیرنظامی، فعالیت مشکوکی وجود دارد، آژانس باید بتواند از آنجا بازدید کند. اما مشکلی که در کشور ما وجود دارد برخی اظهارنظرهاست. بعضاً شاهد برخی صحبت‌ها هستیم که در پی آن از سوی دیگر کشورها این گمانه تقویت می‌شود که انگار در سایت‌های ایران بعضی فعالیت‌های مشکوک صورت می‌گیرد.

این صحبت آقای عراقچی که شما نیز بدان اشاره کردید خیلی بجای و منطقی است و با این گفته آژانس را خلع سلاح کرده است اما اگر گارد بگیریم و از ابتدا اعلام کنیم که اجازه بازدید از هیچ سایتی در هیچ صورتی داده نمی‌شود این سیگنال به طرف مقابل مخابره می‌شود که شاید واقعا در ایران اتفاقاتی در حال رخ دادن است در حالی که این چنین نیست و این می‌تواند به نفع ترامپ باشد. بنابراین اگر ما بتوانیم تبلیغات و موضع‌گیری‌هایمان را مدیریت کنیم به گونه‌ای که هیچ بهانه‌ای دست ترامپ ندهیم، نه تنها می‌توانیم برجام را حفظ کنیم بلکه حتی می‌توانیم آزمایش‌های موشکی مان را نیز با هدف ارتقای صنعت دفاعی مان گسترش دهیم.

▲ **متقی:** ببینید طرفین مقابل ایران می‌توانند به برخی از قابلیت‌های موشکی ایران استناد کرده و آن را تفسیر کنند و همچنین بعضی از موارد مربوط به برجام را نیز می‌توانند به این مساله مرتبط کنند؛ مباحثی مانند اینکه ایران باید حسن نیت داشته باشد، اقدامات صلح‌آمیز انجام دهد و اقدامی انجام نگیرد که صلح بین‌الملل به خطر بیفتد؛ آنها از طریق این مسائل و ادعاها می‌توانند آن را به حوزه موشکی ارتباط دهند. بنابراین در متن برجام چنین مسائلی ذکر نشده اما آنها می‌توانند استنتاج داشته باشند.

درواقع در رابطه با برجام، گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر پایبندی ایران به تعهداتش وجود دارد؛ یعنی ایران نه ذخیره اورانیوم و نه غنی‌سازی بالایی دارد و اورانیوم‌های غنی‌شده نیز اکسید می‌شوند. همچنین تمامی تاسیسات ایران نیز در وضعیت غیرفعال هستند. درواقع در حوزه هسته‌ای بخشی از راستی آزمایی‌هایی که آژانس انجام می‌دهد در قالب مانیتورینگ آنلاین است که نشان می‌دهد ایران هیچ‌گونه تخلفی نداشته و تمام قواعد آژانس و پروتکل الحاقی را مورد پذیرش قرار داده است.

در چنین شرایطی مساله ترامپ را باید در قالب قانون احتمالات و همچنین ریسک‌پذیری ارزیابی کرد. طبیعی است که ریسک‌پذیری آمریکا در دوره ترامپ با واکنش ایران روبه‌رو خواهد شد. اگر ایران مبادرت به آزمایش



## جملات مهم

این سناریو که ترامپ توافقی را نقض کند و از آن خارج نشود، دور از تصور است. زیرا تازمانی که ایران به تعهداتش پایبند باشد توافقی پیرجاست حال چه آمریکا در توافقی باشد چه نباشد

ترامپ امروز با یک دست در حال دنبال کردن چندین ستارو است؛ او از یک طرف می‌خواهد اجماع پشت سر ایران را بشکند و از سوی دیگر می‌خواهد اعلام عدم پایبندی ایران از زبان یوکیا آمانو اعلام شود

رئیس‌جمهور آمریکا اگر هیچ‌راه دیگری را پیش روی خود نبیند، اعلام خواهد کرد که توافقی هسته‌ای خیلی مطابق با منافع و امنیت ملی آمریکا نیست

اگر ما بتوانیم تبلیغات و موضع‌گیری‌هایمان را مدیریت کنیم به گونه‌ای که هیچ بهانه‌ای دست ترامپ ندهیم، نه تنها می‌توانیم برجام را حفظ کنیم بلکه حتی می‌توانیم آزمایش‌های موشکی مان را نیز با هدف ارتقای صنعت دفاعی مان گسترش دهیم



و بیان می‌شود که به نفع منافع ملی کشور باشد و دست‌اندرکاران زحمتکش بتوانند منافع ملی مان را تامین کنند. ما امروز به آرامش و حمایت ۵ عضو دائم نیاز داریم و بهانه‌ای نباید به دست رئیس‌جمهور آمریکا که موشکافانه در حال رصد ایران برای یافتن بهانه است بدهیم. ما اگر فرصتی در اختیار ترامپ قرار دهیم که بتواند اجماع علیه ایران حاصل کند، تردید نداشته باشیم که عدم پایبندی ایران در توافق هسته‌ای را به هر صورتی اعلام خواهند کرد و تحریم‌هایی را که در زمان باراک اوباما لغو شده بود، دوباره برقرار خواهند کرد. بنابراین در این مقطع ما باید با سیاست و کیاست جلو برویم و مسائل را با در نظر داشتن تمام جزئیات مدیریت کنیم. در حال حاضر آمریکا به هر مدعیایی همچون برنامه موشکی ایران، حمایت از تروریسم، حقوق بشر و... متوسل می‌شود تا بتواند از آن علیه ایران و برجام استفاده کند. در این شرایط ایران که به یک توافق خوب دست یافته باید کاملاً هوشیار باشد تا آمریکا نتواند علیه کشور ما بهانه‌تراشی کند.

▲ **متقی:** من با کلیات بحث دکتر خرم موافق هستم مبنی بر اینکه ادبیات راهبردی ما نباید ماهیت شعاری داشته باشد بلکه باید مبتنی بر یک منطق راهبردی باشد. نکته دیگر اینکه ادبیات و حرف‌های شعاری ممکن است که از سوی بازیگران بین‌المللی به عنوان استناد واقعی مورد استفاده قرار گیرد.

البته باید توجه داشته باشیم که ما یا هر کشور دیگری اگر آزمایش موشکی انجام دهیم و اعلام نکنیم، ماهواره‌های بین‌المللی، نوع موشک، ساعت شلیک، مبدأ و مقصد حرکت آن را کاملاً مانیتورینگ خواهند کرد. یعنی امروز فضا از قابلیت راهبردی برخوردار است و ماهواره‌ها در فضا، کنترل همه‌جانبه کشورها و سوژه‌های مورد نظرشان را انجام می‌دهند. اما من با این موضوع موافق هستم صحبت‌هایی که از سوی مقامات ایرانی ایراد می‌شود باید ماهیت حقوقی داشته باشد و با قواعد بین‌المللی هماهنگ باشد تا بتوانیم استدلال، استنتاج و تبیین حقوقی از اهداف راهبردی داشته باشیم. مهم‌ترین مساله برای من معلم در کلاس درس، برای یک دیپلمات در مذاکرات و برای فردی که مصاحبه انجام می‌دهد، تبیین است. تبیین یک امر جهت‌دار است ولی این امر جهت‌دار باید براساس قواعد و به کارگیری متغیرهای دقیق انجام بگیرد. اینکه خواسته باشیم آزمایش موشکی

ایران را ناسازگار خوانده است. بنابراین در این شرایط اکثر کشورهای ثابت شورای امنیت نظرشان در خصوص آزمایش موشکی ایران این طور بوده است. از میان اعضای ثابت، روسیه و چین باقی می‌مانند که آنها نیز در گذشته نشان داده‌اند که در مواقع حساس راضی و همسو با دیگر اعضا تصمیم می‌گیرند. در این میان آزمایشات موشکی کره شمالی که مجهز به بمب هسته‌ای نیز است باعث شده که اغلب کشورها به ویژه آمریکا مساله کره شمالی را با مساله ایران مقایسه کنند در حالی که اصلاً قابل مقایسه نیست. در این رابطه دونالد ترامپ نیز در تویییتی گفت که «ببینید ایران و کره شمالی در حال همکاری با یکدیگر هستند؛ به چه توافقی دست یافتیم!!» بنابراین او تلاش دارد نشان دهد که ایران و کره شمالی یک رویکرد و هدف دارند پس هر برخوردی که جامعه جهانی با کره شمالی می‌کند باید با ایران نیز داشته باشد، یعنی اگر با کره شمالی درگیر شد باید با ایران نیز درگیر شود.

مساله‌ای که در این رابطه باید بدان توجه کرد این است که نباید اقدامات مان را در این حوزه‌ها خیلی در بوق و کرنا کنیم و راجع به آن خیلی صحبت کنیم. چرا که ایران فعلاً در وضعیت خاصی قرار دارد و باید به گونه‌ای عمل کند که بتواند توافق هسته‌ای را حفظ کند. من معتقدم که ما باید در راستای افزایش توان مان تلاش کنیم اما نباید خیلی روی آن مانور بدهیم یا تبلیغ کنیم. چرا که حتی اگر ایران به تعهداتش به‌طور کامل پایبند باشد اما اگر ما بهانه‌ای دست آنها بدهیم که پنج عضو دائم شورای امنیت اعلام کنند ایران پایبند نبوده، این مساله می‌تواند ملاک شورای امنیت قرار بگیرد.

البته تمام این مسائل از این جهت اهمیت دارد

موشکی کرده، می‌خواهد به ترامپ نشان دهد که از آمادگی لازم برای بالا بردن هزینه‌های ریسک آمریکا برخوردار است. به بیان دیگر اقدام مربوط به آزمایش موشکی، گامی تلقی می‌شود برای هشدار دادن به آمریکا و اروپا مبنی بر اینکه ما از آمادگی لازم برای ریسک متقابل برخوردار هستیم. برخی از مواقع، کشورها در شرایط امنیتی شده قرار ندارند اما ما امروز در شرایط امنیتی قرار داریم و به هیچ وجه فضای ایران در دوره برجام در وضعیت نرمالیزه قرار نگرفته است. یعنی دو رویکردی که تیم دیپلماسی هسته‌ای روی آن تاکید می‌کنند شامل وضعیت مربوط به غیرامنیتی شدن ایران و نرمالیزه شدن ایران در فضای سیاست بین‌الملل؛ واقعیت این است که هیچ کدام از این مشخصه‌ها با نشانه‌های سیاست بین‌الملل همخوانی و هماهنگی لازم را ندارد. بنابراین ایران در معرض محدودیت قرار دارد و در این فضای امنیتی و محدودیت احساس می‌کند که نیاز به اقدام متقابل دارد. اینکه این اقدام چه واکنشی را از طرف کشورهای غربی ایجاد کند، طبیعی است که واکنش آنها را تشدید می‌کند. در واقع نشانه‌هایی از تصاعد بحران را به وجود می‌آورد. در حال حاضر هنوز مشخص نیست که آیا ما قابلیت لازم را داریم که اگر بحران شدت، سرعت و بازگرازی بیشتری پیدا کند، بتوانیم به نتیجه مطلوب نائل شویم یا خیر.

▲ **خرم:** باید توجه داشت یکی از مسائلی که باعث شده امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در این برهه از ایران فاصله بگیرد و در کنار ترامپ قرار گیرد، آزمایش موشکی اخیر ایران بود. درواقع این آزمایش موشکی باعث ایجاد فاصله بین تهران و پاریس شد و فرانسه صراحتاً اعلام کرد که آزمایش موشکی نقض قطعنامه ۲۲۳۱ است. در قطعنامه ۲۲۳۱ ذکر شده که از ایران می‌خواهند اخلاقاً آزمایش‌های موشکی‌اش را بیش از این ادامه ندهد و به تعویق بیندازد. بر این اساس ماکرون تلقی‌اش این است که آزمایش موشکی ایران نقض برجام محسوب می‌شود. حال شاید این آزمایش‌ها در واقع نقض برجام نباشد اما آنچه فعلاً اهمیت دارد این است که برداشت ۵ عضو دائم شورای امنیت از یک مساله به جهانیان اعلام می‌کند که این امر نقض است یا خیر. در حال حاضر آمریکا و فرانسه اعلام کرده‌اند آزمایش موشکی ایران نقض برجام است و انگلیس نیز

اگر فرصتی در اختیار ترامپ قرار دهیم که بتواند اجماع علیه ایران حاصل کند، تردید نداشته باشیم که عدم پایبندی ایران در توافق هسته‌ای را به هر صورتی اعلام خواهند کرد و تحریم‌هایی را که در زمان باراک اوباما لغو شده بود، دوباره برقرار خواهند کرد. بنابراین در این مقطع ما باید با سیاست و کیاست جلو برویم

انجام ندهیم به این معناست که خودمان در ارتباط با حقوق راهبردی خودمان ابهام ایجاد می‌کنیم. این سوال را که آیا می‌توانیم آزمایش موشکی انجام دهیم یا خیر را باید دیپلمات‌ها و کسانی که برجام را تنظیم و تصویب کردند و بر اساس آن تعهداتی برای کشورمان ایجاد شد، پاسخ دهند. دیپلمات‌ها می‌گویند مذاکرات صرفاً مربوط به حوزه هسته‌ای بوده ولی تحلیل من این گونه نیست یعنی موضوعات راهبردی از قانون ظرو ف مرتبط بهر ه می‌گیرند. قدرت‌های بزرگ امروز ابتکار عمل لازم را دارند و شاهد هستیم که ۱۱ تن هگزافلوراید اورانیوم در مقیاس ۲۰ درصد از کشور منتقل شده است. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران نیز اخیراً به این بحث توجه داشتند اما ایشان باید این مساله را قبل از توافق و امضای واگذاری مورد توجه قرار می‌دادند و نه زمانی که قابلیت‌های هسته‌ای مان در وضعیت ناکارگ ردی قرار گرفته و با نشانه‌هایی از اضمحلال روبه‌رو شده است.

آنچه که اروپایی‌ها در خصوص آزمایش موشکی روی آن تاکید دارند، به قطعنامه ۲۲۳۱ مربوط می‌دانند و در بسیاری از موارد به متن برجام اشاره دارند. در حالی که واقعیت این است که اگر خواسته باشیم بر اساس انگاره آمریکا و اروپا مساله آزمایش موشکی را تحلیل کنیم ممکن است با روح برجام مغایرت داشته باشد. چرا که در بندهای مختلف برجام، موضوعاتی همانند حسن نیت، تلاش برای حفظ وضع موجود، عدم به کارگیری سازوکارهایی که منجر به اقدام متقابل شود، مورد تاکید قرار گرفته است.

**باتوجه به مشکلاتی که اکنون با آن مواجه شده‌ایم می‌توان گفت که در نگارش برجام اشتباهاتی وجود دارد یا اینکه فضای فعلی این گونه برداشتی را به ذهن متبادر می‌کند؟**

▲ **خرم:** وقتی یک توافق چندجانبه صورت

می‌گیرد، طرفین همه حرف‌هایشان را روی کاغذ می‌آورند و سپس آن را مرور می‌کنند؛ اگر مخالفی داشته باشد، شکل حرف‌ها را تغییر خواهند داد و اگر موافق باشند که آن مسائل تایید می‌شود. توافق هسته‌ای برجام نیز به همین صورت تهیه شد؛ یعنی در ابتدا نظرات ایران، آمریکا، روسیه، چین، آلمان، فرانسه و انگلیس روز کاغذ ذکر شده و چندین بار این نظرات خوانده شده و از آن Clean Text تهیه کردند و در نهایت به این توافق دست یافتند. باید توجه داشته‌باشند که تمام مسئولان ایران هم در جریان آن پیش‌نویس اولیه بوده و هم آن متن نهایی. من گمان نمی‌کنم که اشتباهی عمدی یا سهوی در این رابطه انجام شده باشد. به عنوان مثال عهدنامه مرز دولتی و حسن همجواری ۱۹۷۵ ایران و عراق با عنوان عهدنامه الجزایر در سال ۱۳۵۳ شکل گرفت و طرفین نیز آن را اجرا کردند. اما به محض شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران، صدام حسین در رابطه با امتیازاتی که داده بود دبه درآورد و گفت این عهدنامه به نفع عراق نیست در آن اشتباهاتی صورت گرفته و باید جبران شود. این مسائل، بهانه‌ای شد برای تهاجم عراق علیه ایران. زمانی که عهدنامه ۱۹۷۵ امضا می‌شد هیچ یک از طرفین ایران و عراق قصد نداشتند آن را برهم زنند اما به دنبال انقلاب ایران، صدام حسین در جهت فسخ قرارداد اقدام کرد. در رابطه به برجام نیز باراک اوباما زمانی که این عهدنامه را با کمک دیگر طرفین با ایران امضا کرد، فکر نمی‌کرد بعد از او کسی روی کار بیاید که بخواند زیر و زیر توافق را برهم ریزد. ایران نیز پیش‌بینی نکرده بود که شخصی چون ترامپ روی کار بیاید. بنابراین در مسیر توافق هسته‌ای، امروز ما با شخصی به نام دونالد ترامپ مواجه هستیم که برجام را با مشکلاتی مواجه ساخته است. پس نباید این گونه برداشت کنیم که در زمان مذاکرات بی‌توجهی

شده بلکه تمام نکاتی که باید مدنظر قرار گیرد، لحاظ شده است اما از بد حادثه ترامپ سر کار آمد. اگر شخصی چون هیلاری کلینتون بعد از اوباما وارد کاخ سفید می‌شد با چنین شرایطی روبه‌رو نبودیم و او توافق برجام را همچون اوباما ادامه می‌داد. در واقع وقتی با یک حادثه‌ای مواجه می‌شویم نباید روند را زیر سوال ببریم زیرا روند برجام به درستی طی شده است و هیچ ایرادی به آن نمی‌توان گرفت. حتی این مساله که قطعنامه‌ای به نام ۲۲۳۱ در پشتیبانی از برجام صادر شده است، ایده جان کری، وزیر خارجه سابق آمریکا بود. آنها از آنجایی که تا حدودی پیش‌بینی می‌کردند شاید بعد از اوباما شخص ناجوری روی کار بیاید که بخواند توافق را برهم بزند این قطعنامه را آماده کردند. اگر این قطعنامه صادر نشده بود، ترامپ به راحتی توافق برجام را لغو می‌کرد و از آن خارج می‌شد.

▲ **متقی:** در این رابطه باید توجه داشت که آیا مسائل سیاست بین‌الملل را فردی نگاه می‌کنیم یا ساختاری. تحلیل من این است که ترامپ و هیلاری کلینتون به لحاظ اداره امور عمومی کشور دارای تفاوت‌های زیادی هستند و به لحاظ شخصیتی نگاه متفاوتی دارند اما نمی‌توان گفت به خاطر این تفاوت‌ها اگر هیلاری رئیس‌جمهور آمریکا می‌شد دیگر محدودیت‌های راهبردی علیه ایران وجود نداشت. نباید فراموش کنیم در دسامبر ۲۰۱۶ که باراک اوباما هنوز در کاخ سفید حضور داشت، قانون ایسا تصویب شد.

بنابراین ما در نگاه‌مان در رابطه با آمریکا باید به این نکته توجه داشته‌باشیم که تصمیم‌گیری در این کشور مبتنی بر ساختار موازنه و کنترل است. یعنی اینکه رئیس‌جمهور، کنگره، مطبوعات، حوزه‌های راهبردی به ویژه پنتاگون، هر کدام می‌توانند نقش مربوط به خود را ایفا کنند. در این فضا مساله اصلی ترامپ این است که فشارهای مربوط به تحریم‌ها را از طریق وزارت خزانه‌داری آمریکا و همچنین کنگره در رابطه با ایران گسترش دهد تا بتواند مطالبات جدیدی مطرح کند. آنها به این موضوع توجه و تاکید دارند که در دوره قبل یعنی فضای مذاکرات برجام، فشار ناشی از تحریم‌های اقتصادی منجر به این شد که ایران در ارتباط با اهداف قبلی‌اش تجدیدنظر کند. در رابطه با برخی اشتباهات برجام نیز من معتقدم آنچه که دیپلمات‌هایمان می‌گویند مبتنی بر این است که قابلیت هسته‌ای با قابلیت موشکی دو امر مجزا هستند و معتقدند بند مربوط به قطعنامه ۲۲۳۱ در رابطه با ممنوعیت آزمایش موشک‌هایی که قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای را دارند در خصوص ایران متغی است. چرا که ایران کلاهک هسته‌ای و چاشنی انفجاری ندارد. اما کسانی که این مساله را در متن گنجانده‌اند با این هدف بوده که در مرحله دوم بتوانند منازعه را از یک جایی آغاز کنند. همان زمان که برجام تصویب شد این مساله باید مطرح می‌شد که برجام چه مطلوبیت‌هایی برای جمهوری اسلامی دارد و چه چالش‌هایی را به وجود خواهد آورد. در آن مقطع زمانی این مساله مطرح شد که یکی از چالش‌هایی که برجام در آینده برای ایران ایجاد می‌کند این است که طرف‌های مقابل وارد عرصه موشکی خواهند شد. بنابراین دیپلمات‌های آن دوران به دلیل غفلتی که انجام دادند و حداقل در چارچوب آنچه که خودشان به مردم گفتند باید پاسخگوی پیامدهای وضعیت موجود نیز باشند. یعنی استاد آمریکا و کشورهای اروپایی به بسیاری از مفاد برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ خواهد بود. در این شرایط طبیعی است که یک جبهه جدید علیه ایران باز خواهد شد.

**ب‌ا در نظر گرفتن محتمل‌ترین سناریوها برای برجام از سوی آمریکا، سیاست ایران باید به چه صورت باشد تا منافع‌مان تامین شود؟**

▲ **خرم:** باتوجه به برخی مشکلاتی که امروز بر



## جملات مهم

▲ مساله اصلی ترامپ این است که فشارهای مربوط به تحریم‌ها را از طریق وزارت خزانه داری آمریکا و همچنین کنگره در رابطه با ایران گسترش دهد تا بتواند مطالبات جدیدی مطرح کند

▲ به عقیده من ترامپ از برجام خارج نمی‌شود. بلکه گزینه‌ای که آمریکایی‌ها روی آن تاکید دارند این است که اعلام کنند ایران روح و متن برجام را نقض کرده است

▲ ایران اکنون در مدار دیپلماسی قرار گرفته و خروج از فضای دیپلماسی هزینه‌های جدیدی را برای دولت در ایران ایجاد می‌کند

▲ در حال حاضر دیپلماسی مبتنی بر سازش یا دیپلماسی مبتنی بر رویارویی نمی‌تواند نتیجه بخش باشد بلکه ایران باید دیپلماسی عملگرایانه راهگشا را دنبال کند

▲ از آنجایی که سیاست آمریکا مبتنی بر دیپلماسی اجبار است آنها از طریق لغو تمدید تعلیق تحریم‌ها می‌خواهند به تهران فشار وارد آورند تا امتیازات بیشتری بگیرند



راهبردی متحد قرار دارند سیاست عمومی شان یکسان است اما ادبیات و تاکتیک‌هایشان با هم متفاوت است. آنچه که آمریکا بدان توجه دارد با صراحت پیگیری می‌کند. به خصوص نگاه دونالد ترامپ کاملاً مبتنی بر صراحت است در حالی که رویکرد اروپایی‌ها در قالب نهادهای بین‌المللی، حقوق بین‌الملل، سازمان‌ها و رژیم‌های بین‌المللی شکل گرفته و معنا پیدا می‌کند.

کشورهای اروپایی از این مساله که ایران دیگر قابلیت‌های هسته‌ای ندارد، خشنود هستند و همچنین از قرار گرفتن ایران در مسیر دیپلماسی نیز خوشحال هستند. اما مطالبات آنها در این حد باقی نمی‌ماند. چرا که کشورهای اروپایی دغدغه‌های دفاعی و امنیتی مبتنی بر بازدارندگی ایران را درک نمی‌کنند و اعتقادی به آن ندارند. در نتیجه راهی که آمریکا برای دیپلماسی اجبار در برخورد با ایران آغاز کند، کشورهای اروپایی آن راه را ادامه خواهند داد و با آمریکا همراهی خواهند کرد.

البته آمریکا در این دوره موفق نمی‌شود کشورهای اروپایی را با خود همراه کند اما این احتمال که ترامپ بعد از گزارش نوامبر و دسامبر ۲۰۱۷ آمانو، دیگر اعضا را با خود هماهنگ کند، زیاد است.

در این میان احتمالاً آمانو نیز گزارش خواهد داد که ایران در حوزه هسته‌ای راستی‌آزمایی لازم را انجام داده ولی آمریکا و کشورهای اروپایی مساله هسته‌ای را با موضوع موشکی مرتبط خواهند کرد. در چنین شرایطی، آمریکا می‌تواند تعلیق تحریم‌ها را انجام دهد و یا ندهد. در توافق برجام در هیچ کجا ذکر نشده که بعد از آنکه مدیرکل آژانس راستی‌آزمایی ایران را تایید کرد کشورهای اروپایی و آمریکا نیز ملزم به اجرای تعلیق باشند. بنابراین غرب در ماه‌های آینده در وضعیت تمديد یا عدم تمديد تعلیق تحریم‌های ایران قرار خواهد گرفت. در این میان نگاه مبتنی بر حسن نیت می‌گوید که آنها باید تحریم‌ها را باز هم تعلیق کنند اما نگاه آمریکا معطوف به کاهش قدرت ایران نشان می‌دهد که آنها تمایلی برای تعلیق نخواهند داشت. نکته آخر در این ارتباط اینکه آمریکا به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر کشورهای اروپایی به ویژه فرانسه، آلمان و انگلیس را با خود هماهنگ خواهد کرد و این در زمره سناریوهایی است که می‌تواند در ارتباط با چگونگی اتصال مساله هسته‌ای و برجام به حوزه موشکی خود را منعکس کند. ▶

برسد. البته واقعیت این است که ایران امروز در وضعیت کم‌دفاع قرار دارد. وقتی کشوری در وضعیت بی‌دفاع یا کم‌دفاع قرار می‌گیرد به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر فشارهای بین‌المللی علیه آن کشور بیشتر خواهد شد. بنابراین ایران چاره‌ای ندارد جز اینکه قابلیت‌های موشکی خود را در قالب کنوانسیون‌های توسعه سلاح‌های موشکی متعارف ارتقا دهد، قابلیت موشکی‌اش را در قالب ابزارهای بازدارنده و تدافعی تعریف کند و نکته سوم اینکه نشان دهد قابلیت‌های این موشک‌ها با آنچه که در قطعنامه ۲۲۳۱ بدان اشاره شده، متفاوت است. بنابراین اقدام ایران ماهیت دیپلماتیک راهگشا پیدا می‌کند. یعنی دیپلماسی مبتنی بر سازش یا دیپلماسی مبتنی بر رویارویی نمی‌تواند نتیجه‌بخش باشد بلکه ایران باید دیپلماسی عملگرایانه راهگشا را دنبال کند. درواقع تهران باید یک نقطه تعادلی را نشانه‌گیری کند.

**یکی از مباحث و سوال‌های اساسی در خصوص شرایط امروز برجام این است که تا چه میزان می‌توان روی اروپا حساب باز کرد و تا کجا ایران و برجام را همراهی خواهد کرد؟**

▶ **خرم:** کشورهای اروپایی تا به امروز در کنار ایران و برجام بودند و در رابطه با مسائل بی‌ربطی که ترامپ بیان می‌کند در برابر او موضع می‌گیرند. اما باید توجه داشت که این همراهی تا جایی ادامه خواهد داشت که آنها نیز منافع خود را در خطر نبینند یا فشارها از سوی آمریکا روی اروپایی‌ها زیاد نشود. اگر به برخی بهانه‌ها که بدان اشاره شد و تا به حال نیز با واکنش منفی انگلیس و فرانسه روبه‌رو شده، کشورهای اروپایی از ایران فاصله بگیرند، ایران اجماع جهانی را در پشت خود از دست خواهد داد.

▶ **متقی:** آمریکا و اروپا از آنجایی که در یک فضای

سر راه برجام به وجود آمده ایران باید چند مساله را مدنظر داشته باشد؛ مهم‌ترین نکته اینکه باید اجماعی که فعلاً در کنار ایران به وجود آمده را حفظ کنیم و اجازه ندهیم کشورهای اروپایی از ایران فاصله بگیرند. در حال حاضر فدریکا موگرینی، رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا در کنار ایران است و ما باید این چنین افرادی را حفظ کنیم. زیرا این اجماع می‌تواند سدی در برابر خواسته‌های ترامپ باشد. بنابراین ما باید گام در مسیری بگذاریم که بتوانیم با مدیریت درست برجام را حفظ کنیم و نه اینکه به دنبال اشتباهات و ایرادات برجام باشیم.

ایران باید به تعهداتش در چارچوب توافق هسته‌ای به‌طور کامل عمل کند و نباید هیچ تردیدی به خود راه دهد. همچنین ایران باید به جوسازی‌هایی توجه باشد. یکی از مهم‌ترین اقدامات ایران در این برهه باید حفظ همراهی اروپایی‌ها با تهران در قالب رفت و آمد هیات‌های دیپلماتیک باشد و باید دیپلماسی و اقدامات مان به گونه‌ای باشد که کشورهای اروپایی به خصوص اعضای دائم شورای امنیت پشت ایران را خالی نکنند.

▶ **متقی:** ایران دو اقدام را به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر باید انجام دهد؛ نخست اینکه اقدامش را مستند کند و بر اساس حقوق بین‌الملل و در چارچوب برنامه جامع اقدام مشترک تبیین کند. اقدام دیگر اینکه در فضای تبلیغاتی‌اش، ادبیاتی به کار گرفته شود که افکار عمومی بین‌المللی احساس کنش تهاجمی از سوی ایران نداشته باشند بلکه به عنوان مثال آزمایش موشکی را مبتنی بر یک اقدام تدافعی تلقی کنند و موشک‌های میانبرد را در قالب سلاح‌های متعارف تحلیل کنند و بر این اساس نشان دهند که ارتقای قابلیت‌های ابزاری متعارف با هدف ارتقای توان دفاعی و بازدارندگی حق هر کشوری در سیاست بین‌الملل است. همچنین ایران اکنون در مدار دیپلماسی قرار گرفته و خروج از فضای دیپلماسی هزینه‌های جدیدی را برای دولت در ایران ایجاد می‌کند که اصلی‌ترین آن، افزایش شکاف میان مسئولان و مدیران اجرایی است. طبعاً ایران از طریق فضای دیپلماتیکش باید درصد این باشد که نشان دهد قابلیت موشکی کشور یک امر دفاعی و بازدارنده است و تهاجمی نیست. نکته دیگر اینکه ایران باید در وضعیت همکاری‌های بین‌المللی که با اتحادیه اروپا به انجام می‌رساند در خصوص این مساله به یک نقطه نظر مشترک

**تصمیم‌گیری بر اساس یک سناریو حاصل نمی‌شود بلکه یک سناریوی اصلی وجود دارد و چندین سناریوی فرعی. سناریوی اصلی آمریکا و اروپایی‌ها این است که ایران را در مدار دومیونی برجام قرار دهند. یعنی از حوزه هسته‌ای وارد عرصه موشکی کنند**



## انزوای واشنگتن

طیف مخالفان تحریم‌های آژانس علیه ایران گسترده‌تر شده است

سید محمد مرندی

دانشیار دانشگاه تهران



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پرحاشیه ایالات متحده آمریکا از زمان رقابت‌های انتخاباتی آمریکا، توافقنامه برجام را زیر سوال برده و خواهان خروج کشورش از این توافق است. اگرچه عمده کارشناسان امنیت ملی آمریکا خواهان پایبند ماندن این کشور به برجام هستند، اما برخی از چهره‌های دولت آمریکا آشکارا به دنبال برهم زدن این توافق هستند. همچنین به‌رغم پایبندی ایران به برجام، مقامات آمریکایی در مقابل گزارش‌های مداوم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که پایبندی کامل ایران به تعهداتش در قبال برجام را تایید می‌کنند، مدعی شدند که گرچه ایران از نظر فنی از برجام تبعیت می‌کند اما روح برجام را نقض می‌کند. با این حال، دولت ترامپ در دو گزارش خود با اکراه، پایبندی ایران به برجام را تایید کرده اما شنیده‌ها حاکی از این است که رئیس‌جمهور آمریکا در سومین گزارش خود از اجرای برجام که قرار است اواسط اکتبر ارائه شود، قصد ندارد مانند دو گزارش پیشین عمل کند. بنابراین بر آن هستیم تا سناریوهای محتمل از جانب آمریکا در قبال برجام را بررسی کنیم. در ابتدا باید گفت که یکی از ویژگی‌های دونالد ترامپ، قابل پیش‌بینی نبودن اقداماتش است. ضمن اینکه این عملکرد وی عمدی بوده و در واقع منش او به‌عنوان یک تاجر قدیمی به این صورت است که وی از یک موضع حداکثری شروع می‌کند و به این واسطه می‌تواند امتیازاتی را کسب کند. اگرچه راه و روش ترامپ در تجارت موفقیت‌آمیز است اما برای مدیریت کشوری مانند آمریکا و اصولاً حکومتداری مناسب نیست و می‌تواند ضربه‌های زیادی به کشور وارد آورد. بنابراین باتوجه به مطالب گفته‌شده می‌توان چهار سناریو را در قبال برجام از جانب ایالات متحده در نظر گرفت؛ این امکان وجود دارد که کاخ سفید پایبندی ایران به تعهداتش را تایید نکند و از برجام خارج شود، که احتمال وقوع این سناریو خیلی کم است؛ همچنین احتمال کمتری وجود دارد که واشنگتن

برجام را تایید کند و اقدام دیگری انجام ندهد؛ اما احتمال قوی‌تر این است که ترامپ برجام را تایید نکند و رسیدگی به این موضوع را به عهده مجلس سنا و کنگره بگذارد؛ یا اینکه برجام را تایید کند اما تحریم‌های جدید و اقدامات ضدایرانی دیگری را هم زمان اعلام کند.

حال این سوال به وجود می‌آید که اگر ترامپ موانعی را در مورد پایبندی ایران به تعهداتش در برجام به وجود آورد و به گونه‌ای بخواهد ایران را تحت فشار قرار دهد تا چه اندازه می‌تواند آژانس و به‌طور مشخص آمانو را با خود همراه کند؟

همان گونه که می‌دانیم یوکیا آمانو مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با حمایت ایالات متحده در این منصب گماشته شد، در همین راستا در اسناد ویکی‌لیکس نیز شاهد تعهد آمانو به آمریکا در رابطه با ایران هستیم که اگر بخواهد تایید آمریکا را جلب کند، در ارتباط با ایران باید همواره از مواضع آمریکا حمایت کند. ولیکن شرایط امروز اندکی متفاوت است؛ از یک سو به واسطه تنش‌هایی که ترامپ با روسای کشورهای دیگر از جمله اتحادیه اروپا و چین پیدا کرده، قدرت اجماع‌سازی‌اش کم شده است، از طرف دیگر رابطه واشنگتن با روسیه به دلیل تحریم‌های جدید کنگره به سردی گراییده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که طیف مخالفان تحریم‌های جدید علیه ایران و نقض برجام وسیع‌تر شده است، در واقع اتحادیه اروپا که در گذشته از اوپاما در بسیاری از موارد تبعیت می‌کردند، اکنون به دلیل اختلافات گوناگون با ترامپ مقاومت بیشتری را در قبال تصمیمات واشنگتن و در اینجا به‌طور خاص پرونده برجام نشان می‌دهند. از سوی دیگر روسیه و چین به ایران نزدیک‌تر شده و مشکلاتشان با کاخ سفید رو به افزایش است. بنابراین به علت عملکرد ترامپ، طیف مخالفان تحریم‌های آژانس علیه ایران گسترده‌تر شده و آمریکا نیز منزوی‌تر شده است. به همین خاطر اجماع بیشتری بین اتحادیه اروپا، چین و روسیه به وجود آمده و فشار بیشتری به آمانو در جهت باقی ماندن برجام وارد می‌آورند. بدین صورت ایالات متحده با مشکلات بیشتری برای قانع کردن آمانو در جهت منافعشان مواجه است.

بنابراین ایران تا حدودی می‌تواند روی حمایت‌های طرفین دیگر توافقنامه برجام و دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا حساب باز کند. اما باید گفت که ایران در این زمینه به روسیه و چین بیشتر از اروپا می‌تواند اتکا کند. زیرا اروپا هم نزدیکی بیشتری با آمریکا دارد، هم اینکه در حال حاضر اروپا دارای بحران داخلی است و از اقتدار لازم برخوردار نیست. ولیکن اتحادیه اروپا بیش از پیش به ایران نیاز دارد، زیرا به دلیل سیل عظیم پناهندگان از سوریه و عراق به اروپا، بخشی از بحران‌های داخلی اروپا ایجاد شده است و احزاب راست افراطی قدرت بیشتری گرفتند. از این جهت اروپا در راستای سیاست‌های خودش بیشتر از گذشته به دنبال آرامش در منطقه است. از طرف دیگر اتحادیه اروپا روی توافقنامه برجام سرمایه‌گذاری زیادی کرده است زیرا اگر برجام شکست بخورد، هم تنش‌های جدیدی را ایجاد می‌کند هم ایران باید برنامه هسته‌ای را با سرعت حداکثری پیش ببرد. بنابراین اروپاییان در مورد برجام و در مقابل مخالفان این توافق مقاومت می‌کنند اما نباید به این موضوع بیش از حد تکیه کرد.

لازم به ذکر است ایران هر زمان که به ایالات متحده و حتی اروپا اعتماد کرد، لطمه خورد. در این راستا اگر هر گونه اقدامی مخالف تعهدات برجام از سوی آنها سرزند، ایران باید متقابلاً در همان اندازه واکنش نشان دهد و این گونه نباشد که ایران از پیش نسبت به بدعهدی‌ها اخطار دهد و هنگامی که با آن مواجه شد هیچ اقدامی انجام ندهد زیرا آمریکا و متحدانش هرگاه ضعف یا حرف بی‌پشتوانه‌ای را از جانب ایران احساس کردند، از شرایط پیش آمده علیه ایران سوءاستفاده کردند. چنان که در طول مذاکرات برجام نیز شاهد این موضوع بودیم. درواقع برجام به‌عنوان یک توافق دارای نقاط قوت و ضعف است، اما شاید اشتباهی که در این زمینه صورت گرفته است، به مطرح کردن مساله خالی بودن خزانه و تحت فشار قرار دادن محمدجواد ظریف برای تسریع انجام مذاکرات مربوط باشد زیرا این تصور را برای طرف مقابل به وجود می‌آورد که ایران به این توافق نیاز داشته و در موضع ضعف قرار دارد، به همین خاطر آنها خواهان امتیازات بیشتری بودند. از طرف دیگر رسانه‌هایی که به این موضوع اشتباهات ضعف ایران دامن می‌زدند، قدرت چانه‌زنی آقای ظریف را کم و نقاط ضعف برجام برای ایران را بیشتر کردند. بنابراین ایران دیگر نباید اجازه دهد که چنین شرایطی برای واشنگتن فراهم شود تا از آن علیه ایران بهره برد. ▶

بین‌المللی مطرح است. از طرف دیگر مقاصد اصلی اروپایی‌ها هم با اجرای تعهدات دوجانبه و چندجانبه قابل حصول بوده و تأثیرات تعهدات نیز کاملاً مشخص و قابل راستی‌آزمایی است.

برجام از آن دسته تعهدات چندجانبه‌ای است که توانسته پرستیژ دیپلماسی موفق را به نمایش بگذارد. عکس‌العمل سرد و منفعل کشورهای اروپایی بلکه تمام کشورهای حامی صلح و امنیت به سخنانی ترامپ نشان از این موضوع داشت که هیچ کشوری با جنگ موافق نیست. از دید جهانیان حتی حذف کره شمالی نیز به نوعی دعوت به جنگ بوده و در دیپلماتیک امروز جایگاهی ندارد. برجام نه تنها یک توافق چندجانبه بین‌المللی است بلکه یک الگو برای مذاکره و دور میز نشستن با هدف قدم در مسیر آشتی و تحمل همدیگر است. ترامپ و عملکرد او، بر خلاف مسیر رودخانه است و از این رو باید انتظار داشت که اروپایی‌ها وی را به دو دلیل در این مسیر همراهی نکنند:

۱. آمریکا و تصمیم‌گیران تهاجمی آن هنوز نتوانسته‌اند دو جنگ پرهزینه افغانستان و عراق را برای مردم خود قابل توجیه کنند؛ علاوه بر این مسأله عوارضی که بعد از تمام شدن جنگ عاید آن ملت می‌شود بسیار مخرب‌تر از خود جنگ است.

۲. تصمیم‌گیران اقتصادی آمریکا در حال حاضر درگیر آثار مخرب شش ایالت توفان زده خود هستند که در توفان‌های موسمی درگیر شده‌اند. هر چند اقتصاد آمریکا رشد خوبی داشته است ولی تصمیم‌گیران اقتصادی حرکت آرام و غیرمحسوس غول‌های اقتصادی شرق آسیا و غیره را رصد می‌کنند و نگران تصمیم‌گیری‌های هیجانی و غیرعقلانی ترامپ هستند. بنابراین مجلس سنا سعی خواهد کرد آمریکا را وادار به پرداخت هزینه دیگری نکند.

#### آینده پژوهی

ایران اگر بتواند پرستیژ دیپلماتیک خود را حفظ کند، خواهد توانست بار دیگر از راستی‌آزمایی موفق بیرون آمده و به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای دارای قدرت برتر باشد. سخنرانی روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل توانست بار دیگر اعتماد بازیگران بین‌المللی را به ایران جلب کند. ایران در شطرنج بازی بین‌المللی باید بازی خود را بر اساس شرایط خود انجام دهد و مهمترین استراتژی این است که در زمین بازی دیگری فقط نظاره‌گر باشد تا بازیگر. چین سالیان سال است که از این استراتژی استفاده می‌کند و فقط در زمین بازی خود آن هم با حفظ منافع و پرستیژ بازی می‌کند. روسیه از دور حامی ایران است و این می‌تواند از دور خوب باشد و ایران هم باید بداند روس‌ها همواره بازباز بزرگان منافع محوری هستند که آستانه همراهی‌شان با همپیمانان، لبه توافقی با رقیبان خواهد بود و از این رو چرخش در سیاست‌های این کشور به مجرد تأمین سیاست‌های روسیه در «خارج نزدیک» خود روی خواهد داد. آستانه مقاومت اروپا در برجام هم مسلماً با خواسته‌های این اتحادیه از آمریکا نسبت معکوس دارد. تقاضای سهم بیشتر در منافع و شانه خالی کردن از تعهدات مالی و اجرایی اختلاف، دو موضوعی هستند که آستانه پشتیبانی اتحادیه اروپا از جایگاه ایران در برجام را محک خواهند زد. مهمترین عنصری که راه را در مطالبات جهانی بین کشورهای، از جمله بین ایران و آمریکا هموار می‌کند رفع کدورت و ایجاد اعتماد است که متأسفانه به خصوص با رویکرد ترامپ بسیار دور از دسترس است. با این حال مسئولیت‌پذیری و گام برداشتن متناسب از سوی سیاستمداران و طرف مبنای اساسی رفع تنش است و از این منظر ایران باید جدا از هر گونه اقدام تحریک‌آمیز، که کشورهای اروپایی را در پشت ترامپ متحد کند، بپرهیزد.

## مسیر متفاوت

### اروپا، ترامپ را در اهداف برجامی اش همراهی نمی‌کند

ناظر بر عملکردش می‌داند و از نظر ذهنی او باماهنوز رقیبش محسوب می‌شود. بیمه بهداشتی او باماهنوز مثالی دیگری از موضع‌گیری‌های ترامپ بود که توانست آن را حذف کند و یک امتیاز از نظر ذهنی برای خود قائل شود. برجام نیز در ضمیر ناخودآگاه ترامپ یکی دیگر از برنامه‌های موفق او باماهنوز تیم دیپلماسی او بود و با قلمداد کردن عنوان شرمساری برای آمریکا در مورد برجام سعی کرد به طور غیرمستقیم ارزش جهانی او باماهنوز را کم کند.

در روانشناختی اجتماعی نیز به نوعی عمل وی بر اساس قول انتخاباتی اش مبنی بر پاره کردن برجام موضوع دیگری است که در ذهن خود برای آن تلاش می‌کند تا رضایت این طبقه بعد از پیروزی را هم به همراه داشته باشد؛ چون شعار پاره کردن برجام یکی از ایتیم‌های مورد قبول این قشر برای دادن رای به او بود.

در لایه قانونگذاری، کار کمی سخت‌تر می‌شود؛ چون می‌دانیم که سیاست خارجی آمریکا تقریباً ثابت است، با تغییر رئیس جمهورها زیاد تغییر نمی‌کند و ترامپ با توجه به این اصل سعی دارد با قانع کردن سنا با مفاهیمی همچون نقض روح برجام و یا ادعای حمایت از تروریسم، بتواند رای موافق سنا را برای خروج از برجام بگیرد.

در لایه فراملی و بین‌المللی، نیست ترامپ متفاوت و بیشتر جلب نگاه اروپایی‌ها و کسب رضایت اسرائیل و در پیوسته داخلی رضایت لابی‌های یهودی تأثیر گذار در سنا می‌کند. در سخنرانی اخیر نیز در مجمع عمومی سازمان ملل سعی کرد با قرار دادن ایران کنار کره شمالی، درجه و پرستیژ ایران را مخدوش کرده و آن را به عنوان کشوری که باعث بی‌ثباتی در منطقه شده معرفی کند و این کشور را همسطح و برابر با کره شمالی که به هیچ تعهدی پایبند نیست و یک خطر جهانی محسوب می‌شود، قرار دهد. او تلاش داشت این دید را به مخاطبین خود در مجمع سازمان ملل نیز القا کند. از جمله نیت مخفی ترامپ نیز این بود که سازمان ملل را به عنوان یک متحد حرف‌گوش کن نشان دهد تا بتواند ایران را از آن طریق تحت فشار قرار داده و برجام را با همکاری دیگر امضاکنندگان حذف کند. این دیدگاه ترامپ نیز از آنجاست که می‌شود که آمریکا بیشترین بودجه سازمان ملل را می‌پردازد.

در قدرت نرم‌تاتیو اتحادیه اروپا برای هر موضوعی سه خط بررسی قرار می‌دهند: اهداف، مقاصد، تأثیرات (aims-goals-impacts)

در بررسی عکس‌العمل اروپایی‌ها، اهداف اتحادیه اروپا در کنار سازمان ملل در حفظ و اجرای صلح و امنیت

سیده مسعوده میرمسعودی

سر دبیر مجله ایرانی روابط بین‌الملل

در پی سخنان غیردیپلماتیک و کاملاً به دور از عرف دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا آن هم در یک مجمع بین‌المللی، جهان این پیام را دریافت که ترامپ در حال آماده‌سازی زمینه خروج از برجام در اکتبر ۲۰۱۷ است. او کوشید تا نشان دهد موضوع ایران برای آن کشور کلیدی است. اما پرسش اینجاست که آیا وی خواهد توانست تصمیم خروج را به واقعیت تبدیل کند یا این حرکت صرفاً تاکتیکی جهت جلب نظر مخاطبین اروپایی و اسرائیلی است؟ آیا سنا آمریکا با او در این تصمیم همراهی خواهد کرد؟ در این نوشته سعی شده سخنرانی اخیر ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل با تحلیل لایه به لایه مورد بررسی قرار گیرد و در آخر یک آینده‌پژوهی کوتاه‌مدت برای برجام ارائه شود.

مجمع عمومی یکی از شش نهاد سازمان ملل است که از ۱۹۳ کشور با حق رای برابر و با شعار یک کشور و یک رای شکل گرفته است. ترامپ با سخنرانی خشن و بسیار ابتدایی و به دور از دیپلماسی برای مخاطبان، تعجب همه اعضای سازمان ملل را برانگیخت. او ۸۰ درصد سخنرانی اش را به موضوع ایران و کره شمالی اختصاص داد؛ او نه تنها به برجام بلکه نسبت به عملکرد ایران نیز واکنش تند داشت. به نظر تحلیلگران او حتی بیش از جورج بوش در سخنرانی قبل از جنگ عراق که ایران را محور شرارت خوانده بود، گام برداشت و ایران را یک کشور جنایتکار نامید.

در این نوشته سعی شده در تحلیل لایه به لایه، اول عملکرد ترامپ از نظر روانشناختی فردی مورد آنالیز قرار گیرد و در انتها رفتار، اهداف و تأثیر او را در سطح نظام بین‌الملل بررسی کنیم.

در روانشناختی فردی ارائه این مطالب و کلا نگاه خشمگین ترامپ به ایران در سخنرانی مجمع عمومی سازمان ملل را باید در ضمیر ناخودآگاه او جست‌وجو کرد. مخاطب ترامپ در مخالفت شدید با برجام، شخص باراک اوباما بود و درواقع تلاش ترامپ در مخالفت با عملکرد اوباما و به نوعی حذف برنامه‌های تصویب‌شده توسط اوباما است. از نظر روانشناختی ترامپ به نوعی اوباما را



## دیپلماسی ته‌اجمی

اقدامات دیپلماتیک اروپا برای تغییر نظر ترامپ چگونه‌اند

دکتر امیر هوشنگ میرکوش

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد

مساله هسته‌ای ایران طی سال‌های اخیر به عنوان بحرانی کم نظیر در صحنه دیپلماسی و روابط بین‌الملل دنبال شده است؛ چرا که این مساله هم‌زمان ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مهم‌تر از همه، امنیتی را در برمی‌گیرد. بحرانی تماماً بین‌المللی که در مواقعی حتی توانست قدرت‌های متخاصم غرب و شرق را با یکدیگر متحد کند و قطعنامه‌های متعددی علیه ایران به تصویب برسد. می‌توان گفت اگر بحران هسته‌ای ایران در تاریخ نظام جمهوری اسلامی ایران، چالشی وسیع‌تر از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نباشد، به دلیل ابعاد وسیع‌تر و پیچیدگی‌های بیشتر، دست کم در ردیف آن قرار می‌گیرد. موضوعی که در عرصه روابط بین‌الملل در کنار گزینه دیپلماسی، گزینه‌ای به‌عنوان حمله نظامی همواره از سوی طرف‌های مقابل ایران مطرح می‌شده، بدون شک دارای ابعاد امنیتی قابل تاملی بوده است.

دونالد ترامپ در سخنرانی اخیر خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ضمن تهدید به حمله به ونزوئلا و شروع جنگ هسته‌ای با کره شمالی، قصد خود را مبنی بر عدم تأیید انطباق ایران با برنامه جامع اقدام مشترک اعلام کرد. ترامپ تا کنون دو بار تأیید کرده است که ایران از متن برنامه انحراف نداشته، اما وعده داده است که از انجام این کار در آینده اجتناب خواهد کرد. در صورت عدم تأیید برنامه از سوی ترامپ، پرونده به‌کنگره ارسال خواهد شد که در آن رهبران جمهوریخواه کنگره می‌توانند تحریم‌های قانونی

همکاری‌های آینده این دورا در مسائل مشابه به خط اندازد. براساس آنچه که مقامات غربی مدعی شده‌اند، تصمیم ایران برای مذاکره جدی در مورد برنامه هسته‌ای پس از آن بود که دولت اوباما با ایجاد یک ائتلاف بین‌المللی با هدف فشار بر ایران در مورد برنامه هسته‌ای اقدام کرد. با این وجود بعید به نظر می‌رسد که دولت ترامپ بتواند در چنین شرایطی از حمایت بین‌المللی بهره‌مند شود. دولت ترامپ در حال حاضر با چین و اتحادیه اروپا اختلافات زیادی دارد و بعید به نظر می‌رسد که آنها از هر گونه ابتکار ایالات متحده برای خروج از مذاکرات هسته‌ای ایران و یا مذاکره مجدد آن حمایت کنند. حتی در ایالات متحده، بسیاری از مقامات و نیز آژانس مرکزی اطلاعات این کشور، نگرانی‌های خود را در مورد امکان رها کردن برنامه اعلام کردند. ایالات متحده با کنار گذاشتن برنامه، معاهده‌ای که تصویب شورای امنیت سازمان ملل متحد را دارد، ریسک می‌کند. این امر می‌تواند بر تصویر ایالات متحده در صحنه بین‌المللی و مهم‌تر از آن، در مورد رژیم عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، تأثیر منفی بر جای گذارد. البته ایران بارها اعلام کرده که در پی دستیابی به سلاح هسته‌ای نیست و اگر نگرانی‌ای هم باشد بر این مناسبت که دیگر کشورها شاید به مذاکرات با قدرت‌های بزرگ دیگر اعتمادی نداشته باشند.

می‌توان انتظار داشت که اگر ایالات متحده تصمیم بگیرد به‌طور یکجانبه از برنامه خارج شود و فشار بر ایران را افزایش دهد، دولت ایران به احتمال زیاد با نزدیک شدن به اتحادیه اروپا و چین واکنش نشان دهد. ایران می‌تواند بارها کردن برخی از تعهدات خود تحت موافقت‌نامه برنامه پاسخ دهد، که به نوبه خود توسط اقدامات متقابل ایالات متحده پاسخ داده می‌شود و این می‌تواند با ایجاد شیبه لغزنده منجر به فروپاشی سریع برنامه شود.

سناریوی دوم؛ مجبور کردن ایران به نقض برنامه

یکی دیگر از سناریوهای بالقوه این است که ایالات متحده فشار را بر ایران افزایش دهد و در نتیجه باعث شود

ایالات متحده را که طبق برنامه لغو شده است، مجدداً اعمال کنند. البته نیکی هیلی نماینده آمریکا در سازمان ملل اعلام کرد که اظهارات ترامپ درباره توافق هسته‌ای با ایران به‌طور صریح بیانگر این نیست که وی در نظر دارد از این توافق خارج شود بلکه این سخنان به معنای آن است که او از این توافق خرسند نیست. اکنون این پرسش‌ها مطرح است که پروژه ترامپ برای برنامه چیست؟ نقش اروپا در تقویت برنامه چیست؟ و ایران در مقابله با سناریوهای احتمالی ترامپ چه واکنشی باید داشته باشد؟ برای پاسخ به سئوالات طرح‌شده ابتدا سناریوهای احتمالی در مورد آینده برنامه را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهیم.

سناریوی اول؛ لغو / مذاکره مجدد

با در نظر گرفتن سیاست‌های غیر واقعی و غیر قابل پیش‌بینی ترامپ، احتمال دارد که او با توجه به وعده انتخاباتی خود تصمیم به خروج از توافق‌نامه برنامه و یا اعمال فشار جهت مذاکره مجدد بگیرد. با این وجود، خروج یکجانبه، به منافع ایالات متحده آسیب می‌رساند و حتی می‌تواند منجر به بحران بین‌المللی شود. ایران احتمال مذاکره مجدد را رد کرده که از سوی اتحادیه اروپا نیز حمایت می‌شود. ایران پیش‌تر درباره پیامدهای خروج یکجانبه از موافقت‌نامه هسته‌ای هشدار داده است. در آخرین مورد، وزیر خارجه ایران اظهار داشت که اگر واشنگتن تصمیم به خروج از این موافقت‌نامه را داشته باشد، ایران می‌تواند برنامه هسته‌ای خود را به نحوی جدید و به سرعت از سرگیرد.

بنابراین اگر دولت ترامپ تصمیم بگیرد به‌طور یکجانبه از برنامه خارج شود، این احتمال وجود دارد که اتحادیه اروپا در مقابل ایالات متحده قرار گیرد و

حال، اروپایی‌ها باید سه اقدام اضافی برای حفظ و تقویت  
برجام انجام دهند:

۱- اروپایی‌ها باید دوباره برای ایجاد یک کانال امن با  
هدف معاملات با ایران تلاش کنند. این حرکت می‌تواند  
مزایای دوجانه‌ای را برای تشویق تجارت با ایران داشته  
باشد که تاکنون آن را تسریع کرده است.

۲- برای اروپایی‌ها مناسب است که از موقعیت و نفوذ  
خود جهت اطمینان از پایداری برجام استفاده کنند. این  
توافق بهترین مکانیسم برای اروپایی‌ها و ایالات متحده  
با هدف اطمینان از ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای  
ایران است (بر اساس آنچه که ادعا می‌کنند ایران در پی  
ساخت سلاح اتمی بوده و ایران بارها آن را رد کرده است)  
و نیز می‌تواند الگوی مناسبی برای خلع سلاح هسته‌ای  
باشد. باتوجه به علاقه اتحادیه اروپا به این موضوع، باید  
رویکردی فعالانه و تهاجمی را برای نجات توافق نامه و ملزم  
کردن ایالات متحده به احترام به آن اتخاذ کند.

۳- اتحادیه اروپا باید به دنبال یک راه حل بلندمدت  
برای مساله هسته‌ای ایران و عدم گسترش تنش‌های  
منطقه‌ای باشد. بنابراین اتحادیه اروپا می‌تواند در  
کوتاه مدت با برگزاری گفت‌وگوهای دوجانبه و چندجانبه  
از طریق گفت‌وگوی جامعه مدنی در مورد مسائل مربوط  
به امنیت، از جمله موضوع هسته‌ای و مسائل امنیتی  
گسترده تر منطقه‌ای، این هدف را دنبال کند.

#### نقش ایران در حفظ و تقویت برجام

دو سال بعد از امضای موافقت‌نامه برجام که یکی از  
مهمترین منازعات بین‌المللی در تاریخ اخیر بوده است،  
بدون تردید، این توافق بین ایران و گروه ۵+۱ می‌تواند  
باعث تقویت نهادهای بین‌المللی و نیز تقویت روابط  
اقتصادی ایران با شرکای برجام شود.

برجام بر اساس اصول برابری و احترام متقابل شکل  
گرفته است. برجام می‌تواند اعتبار روش‌های سیاسی و  
دیپلماتیک را تقویت کند و نقش مهمی را در جست‌وجوی  
راه حل صلح‌آمیز برای محاصرات بین‌المللی بین کشورها  
ایفا کند. این توافقنامه از دیدگاه عدم گسترش سلاح‌های  
هسته‌ای نیز بسیار مهم است و می‌تواند به عنوان الگویی  
برای مذاکرات خلع سلاح هسته‌ای به کار رود. برجام  
اگر موفقیت‌آمیز باشد می‌تواند در خدمت منافع و امنیت  
ملی ایران، کشورهای شرکت‌کننده در مذاکرات، جامعه  
بین‌المللی و خاورمیانه باشد. عدم گسترش سلاح‌های  
هسته‌ای باعث حفظ یکپارچگی ان بی تی و سازمان ملل  
متحد می‌شود.

دولت ایالات متحده آمریکا همچنان می‌خواهد  
اهرم تحریم‌ها را علیه ایران حفظ کند. ایران باید با منطق  
قوی و تصمیمات عقلایی و در عین حال قاطع و بر اساس  
اصول و متن برجام عمل کرده و از اجماع مجدد علیه  
ایران که خواسته جمهوریخواهان آمریکا و همچنین  
کشورهای مخالف برجام است جلوگیری کند. پاسخ ایران  
باید هوشمندانه و متناسب با اقدامات آمریکا باشد. ایران  
نباید بهانه به دست طرف مقابل دهد. ایران می‌تواند  
به دنبال این باشد که تعارض تحریم‌های آمریکا با متن و  
روح برجام را در مجامع بین‌المللی مطرح کند. در مذاکرت  
با ۵+۱ تنها یک طرف آن آمریکا بود، ایران باید پنج کشور  
دیگر را برای حفظ برجام در کنار خود داشته باشد. مسئول  
سیاست خارجی اروپا گفته برجام قابل نقض و مذاکره مجدد  
نیست. باید تلاش کنیم فشارهای موجود و بعدی را با اتکا  
به مردم خنثی کرده و لازم است از سیاسی شدن برجام و  
استفاده از آن در بازی‌های سیاسی و جناحی اجتناب کنیم.  
زیر سوال بردن برجام از طرف خودمان در حقیقت بازی  
کردن در زمین آمریکاست که می‌تواند منافع و امنیت ملی  
کشور را با مخاطراتی روبه‌رو سازد. ▶

فروپاشی کامل این موافقت‌نامه کم است. با این حال،  
باتوجه به سیاست‌های غیر قابل پیش‌بینی ترامپ هر چیزی  
ممکن است.

#### نقش اتحادیه اروپا در حفظ و تقویت برجام

اتحادیه اروپا در حفظ و اجرای برجام متعهد است و  
با تکیه بر آن می‌تواند برای حل و فصل مسائل حل نشده  
و دیگر تنش‌ها و مناقشات منطقه‌ای اقدام کند. فدریکا  
مورگینی به عنوان هماهنگ‌کننده کمیسیون مشترک  
برجام به شدت در نظارت بر اجرای توافقنامه مشارکت  
دارد. مورگینی تأیید کرده است که وظیفه وی به عنوان  
هماهنگ‌کننده آن است که از اجرای کامل برجام توسط  
همه طرف‌ها اطمینان حاصل کند. مورگینی خاطر نشان  
کرده که این توافقنامه یک پیشرفت تاریخی برای امنیت  
منطقه و جهان است و موقعیتی برای دیپلماسی چندجانبه  
به شمار می‌رود. در بیانیه مورگینی تأکید شده برجام که  
مورد تأیید شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز هست  
توافقنامه‌ای متعلق به جامعه بین‌الملل است که «انتظار  
دارد همه طرف‌ها به تعهدات خود همانند دو سال گذشته  
ادامه دهند.»

از میان کشورهای که در مذاکرات ۵+۱ حضور  
داشتند، مطمئناً سه کشور اروپایی بریتانیا، فرانسه و  
آلمان از نتایج این توافق راضی هستند. این کشورها در  
سال ۲۰۰۳ مذاکراتی با ایران را با هدف متوقف کردن  
برنامه هسته‌ای آن شروع کردند و در عین حال با به  
رسمیت شناختن حق ایران برای توسعه برنامه صلح‌آمیز  
انرژی هسته‌ای تحت NPT، با آنچه که در طول مذاکرات  
به دست آمده است، راضی هستند. از طرف دیگر، این  
موضوع بر کسی پوشیده نیست که قصد ایالات متحده  
از آغاز نقش خود در گروه، نه تنها متوقف کردن برنامه  
هسته‌ای ایران بلکه تقریباً تمام اجزای اصلی آن بود و  
به همین دلیل، رویکردی تهاجمی در طول مذاکرات  
اتخاذ کرد.

آمریکا و ایران هر دو در حوزه منافع استراتژیک اروپا  
هستند. کشورهای اروپایی از اوایل سال ۲۰۰۰ تاکنون  
توافق صلح‌آمیز و قابل اطمینانی را در مورد مساله هسته‌ای  
ایران دنبال کرده‌اند. تا به امروز، اروپایی‌ها نیز بیشترین  
حمایت را از این موافقت‌نامه کرده‌اند. کشورهای اروپایی  
تحریم‌هایی را که مورد نیاز برجام است، لغو کرده و در  
همکاری‌های هسته‌ای مدنی با ایران در مورد مسائلی  
مانند امنیت هسته‌ای مشارکت دارند. شرکت‌های اروپایی  
قراردادهای اقتصادی متنوعی را با ایران امضا کرده‌اند از  
جمله قرارداد ویژه‌ای بین شرکت فرانسوی توتال و شرکت  
ملی نفت ایران برای توسعه مرحله‌ای از میدان نفتی  
پارس جنوبی.

کشورهای اروپایی نشان دادند که آنها مایل به تحریم  
اقتصادی برای دستیابی به توافق در مورد آن هستند. آنها  
همچنین به جبهه دیپلماتیک برای دستیابی و حفظ برجام  
پیوسته و به همین علت، کشورهای اروپایی اقدامات  
دیپلماتیک و عمومی را آغاز کرده‌اند تا ایالات متحده را  
متقاعد سازند که از توافقنامه عقب‌نشینی نکند. با این

که ایران توافقنامه هسته‌ای را رها کند. این امر به واشنگتن  
این امکان را می‌دهد که تهران را به خاطر نقض برجام  
سرنش کند و راه را برای تحریم‌های بیشتر باز کند. با این  
حال، همانطور که قبلاً ذکر شد، فروپاشی برجام به راحتی  
می‌تواند به یک بحران بین‌المللی تبدیل شود، که منافع  
ایالات متحده را به خطر می‌اندازد.

با توجه به شواهد، بعید به نظر می‌رسد که ایران در  
شرایط کنونی تصمیم بگیرد که تعهدات خود را رها کند. با  
این حال، به علت تحلیل و محاسبه هزینه-فایده، اگر ایران  
تحت فشار قابل توجهی قرار گیرد، ممکن است تصمیم  
بگیرد که فعالیت‌های هسته‌ای قبلی خود را از سر بگیرد.  
دولت ایران پس از تجدید قانون تحریم ایران (ISA) توسط  
کنگره آمریکا قول داد واکنش نشان دهد. حسن روحانی  
رئیس‌جمهور ایران در آن مقطع به رئیس‌آژانس اتمی ایران  
دستور داد تا به «برنامه ریزی» برای طراحی و ساخت  
سیستم‌های نیروی هسته‌ای برای کشتی‌های دریایی  
پاسخ داده شود.

#### سناریوی سوم؛ ادامه اجرای موافقت‌نامه برجام

با توجه به حمایت بین‌المللی از موافقت‌نامه  
هسته‌ای، این احتمال وجود دارد که سناریوی سوم اجرا  
شود؛ یعنی برجام همچنان دقیق‌تر و سخت‌گیرانه‌تر اجرا  
شود. ممکن است دولت ترامپ تصمیم به ادامه اجرای  
این معاهده بگیرد، اما با فشار و ایجاد محدودیت منفی  
را که ایران از توافقنامه به دست می‌آورد، محدود می‌کند.  
به عنوان مثال، برخلاف دولت قبلی، که به طور فعال  
بانک‌ها را تشویق کرد تا با ایران ارتباط برقرار کنند، دولت  
ترامپ ممکن است تصمیم به محدود کردن معاملات  
بانکی با ایران بگیرد.

باید در نظر داشته باشیم که ابتکار دیپلماسی با امید به  
دست آوردن منافع حاصل می‌شود؛ با این حال، اگر اهداف  
برآورده نشوند، ممکن است تلاش برای تغییر وضعیت  
موجود صورت پذیرد تا زیان‌های متصور به حداقل برسد.  
ایران در مذاکرات جدی با امید بهبود اقتصاد خود درگیر  
شد. بنابراین اگر ایران میوه‌های موافقت‌نامه هسته‌ای را  
نچیند، ممکن است تصمیم بگیرد فعالیت‌های هسته‌ای  
خود را از سر بگیرد تا زیان‌های خود را به حداقل برساند.  
علاوه بر این، تصمیم واشنگتن برای حرکت به جلو با  
اجرای مناسب برجام می‌تواند به طور قابل توجهی بر  
انتخابات ریاست‌جمهوری بعدی ایران و در نتیجه، نگرش  
کشور نسبت به جهان خارج تأثیر بگذارد.

یکی دیگر از مسائل مربوط به آینده مساله هسته‌ای و  
روابط ایالات متحده و ایران به معنای وسیع‌تر، تفاوت‌های  
شدید در میان نظرات دولتمردان آمریکا است؛ به عنوان  
مثال مشاور امنیت ملی سابق آمریکا، مایکل فلین و وزیر  
امور خارجه جدید رکزس تیلرسون، معتقدند که ایالات  
متحده باید به شدت برجام را اجرا کند. بنابراین ممکن است  
این اختلاف نظر در برخورد با ایران منجر به سردرگمی و عدم  
استراتژی منسجم از سوی دولت ترامپ شود. سیاست‌های  
خصمانه واشنگتن، فقط موقعیت مخالفان برجام در تهران  
را تقویت می‌کند که به طور قطعی هرگونه همکاری با غرب  
را رد می‌کنند.

ترامپ هنوز اقدام جدی علیه معاهده هسته‌ای ایران  
انجام نداده است؛ با این حال، نگرانی‌های عمده در مورد  
آینده این توافق وجود دارد. سرنوشت برجام تا حد زیادی  
بر آینده هرگونه همکاری میان ایالات متحده و ایران و به  
تبع آن آینده مناسبات ایالات متحده و ایران تأثیر خواهد  
گذاشت. لغو این معاهده نه تنها دیگر هیچ جایی برای  
همکاری‌های احتمالی دو کشور در موضوعات دیگر باقی  
نمی‌گذارد، بلکه می‌تواند منجر به بحران بین‌المللی شود.  
باتوجه به حمایت گسترده بین‌المللی از برجام، احتمال

این احتمال وجود دارد که دونالد ترامپ،  
رئیس‌جمهور آمریکا تصمیم به ادامه  
اجرای این معاهده بگیرد و برجام را  
همچنان دقیق‌تر و سخت‌گیرانه‌تر  
اجرا کند، اما با فشار و ایجاد محدودیت  
منافی را که ایران از توافقنامه به دست  
می‌آورد، محدود می‌کند

## خروج از برجام تبعات بسیاری برای آمریکا دارد روزهای سرنوشت‌ساز

امیرعلی ابوالفتح

کارشناس مسائل آمریکا



**۵** روزهای سرنوشت‌ساز برجام فرارسیده است! کمتر از یک ماه دیگر به سررسید مهلت ۹۰ روزه اعلام نظر دولت آمریکا در قبال پایبندی جمهوری اسلامی ایران به توافق هسته‌ای موسوم به برجام باقی مانده است. دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا تاکنون دوبار در نامه‌ای رسمی از سوی رکز تیلرسون، وزیر امور خارجه خطاب به پل رایان، رئیس مجلس نمایندگان، رسماً پایبندی جمهوری اسلامی ایران به توافق برجام و مطابقت این سند با امنیت ملی و ایالات متحده آمریکا را اعلام کرده است، با این حال اکنون مشخص نیست که آیا دولت دونالد ترامپ برای سومین بار چنین نامه‌ای را به کنگره ارسال دارد یا اینکه به گفته رئیس‌جمهوری آمریکا، «بدترین توافق تاریخ ایالات متحده» را کنار بگذارد.

برای پاسخ به این سوال که دولت آمریکا به ریاست دونالد ترامپ چه سیاستی را در قبال برجام در پیش خواهد گرفت، نیاز است تا تاریخ ۱۵ اکتبر و مدت زمان ۹۰ روزه برای ارائه گزارش مجدد دولت آمریکا به کنگره در خصوص پایبندی ایران به برجام سپری شود. تا آن زمان همان طور که مقامات دولت آمریکا نیز تاکید دارند، تصمیمات درباره برجام اعلام نخواهد شد.

البته آن چنان که رکز تیلرسون، وزیر خارجه آمریکا و شخص رئیس‌جمهور اعلام کرده‌اند، ترامپ تصمیم خود را گرفته، ولی هنوز آن را با کسی مطرح نکرده است و در زمان مقرر این تصمیم اعلام خواهد شد.

اما براساس حدس و گمان و با توجه به مجموعه اظهارنظرهایی که مقامات ارشد دولت آمریکا از شخص ترامپ گرفته تا رکز تیلرسون و نیکی هیلی سفیر آمریکا در سازمان ملل مطرح کرده‌اند، به نظر می‌رسد

که ایالات متحده آمریکا در نهایت خروج خود را از برجام اعلام نکند. زیرا این خروج، تبعات بسیار زیادی دارد که در مورد آن بحث شده است اما بزرگترین دغدغه و ادعای آمریکا این است که در نبود برجام، ایران در آستانه تولید سلاح اتمی قرار بگیرد. حتی منتقدان برجام هم عقیده دارند که از طریق برجام راه دسترسی ایران به سلاح اتمی مسدود شده اما یک راه گریز برای آن وجود دارد، بنابراین برای اینکه اطمینان خاطر پیدا کنند می‌گویند که برجام باید مورد مذاکره مجدد قرار گیرد. البته این مساله را باید مدنظر داشت که جمهوری اسلامی ایران بارها اعلام کرده که قصد ساخت سلاح هسته‌ای ندارد ولی از منظر آمریکا یا از عینکی که دولت ترامپ به موضوع نگاه می‌کند، ایران چنین قصدی دارد و تنها از طریق اعمال محدودیت‌های شدید می‌توان مانع آن شد. بنابراین این ترس که بدون برجام، ایران به سمت ساخت سلاح اتمی حرکت کند، اصلی‌ترین دلیلی است که آمریکا نمی‌خواهد در منطقه غرب آسیا فرآیندی را در پیش بگیرد که به ادعای آنها نقطه نهایی اش دسترسی ایران به سلاح اتمی باشد. اما در عین حال با توجه به اینکه برجام توسط دولت قبلی آمریکا به تایید رسیده و مورد تایید دولت کنونی نیست، آمریکایی‌ها سیاستی را پیش گرفته‌اند مبنی بر اینکه در گام اول، برجام را در حالت تعلیق قرار دهند. یعنی همزمان با آنکه پایبندی ایران به برجام را تایید نمی‌کنند، از برجام نیز خارج نشوند تا موضوع از کاخ سفید به کنگره ارجاع داده شود. در این صورت تصمیم‌گیری در مورد اعمال مجدد تحریم‌های هسته‌ای یا تمدید مجدد تعلیق تحریم‌ها برعهده کنگره قرار خواهد گرفت. در این فضای غبارآلود و مبهم، شاید از دید آمریکایی‌ها این اتفاق بیفتد که ایران تن به مذاکره مجدد بدهد و میزان بهره‌برداری تهران از مزایای برجام به خصوص در رابطه با همکاری‌های اقتصادی خارجی دچار تردید شود. در نتیجه آمریکا در نظر دارد بدون آنکه از برجام خارج شود به زعم خود، عملاً کارایی آن را کاهش دهد. از این جهت می‌توان گفت که محتمل‌ترین سناریو این چنین خواهد بود اما اینکه این رفتار کارآمد باشد یا خیر

بستگی به میزان پایبندی دیگر کشورها به ویژه کشورهای اروپایی نسبت به برجام دارد. این پرسش مطرح است که اگر آمریکا برجام را به حالت تعلیق درآورد، آیا کشورهای اروپایی به همکاری‌های اقتصادی خود با ایران ادامه خواهند داد یا خیر؟ براساس صحبت‌هایی که بعد از سخنرانی دونالد ترامپ انجام گرفت به نظر می‌رسد که اروپایی‌ها عزم خود را جزم کرده‌اند که به همکاری‌های خود ادامه دهند اما خیلی نمی‌توان با اطمینان روی این مساله حساب کرد. چرا که میزان آسیب‌پذیری اتحادیه اروپا در قبال آمریکا و فرصت‌های بسیار گسترده تجاری در روابط فراآتلانتیکی، مقامات اروپایی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و آنها اگر قرار باشد به خاطر همکاری با ایران، بازارهای آمریکا را از دست بدهند دچار تردید خواهند. بنابراین در خصوص اروپا نمی‌توان خیلی با صراحت گفت که آیا در صورت خروج آمریکا از برجام با ایران همکاری می‌کنند یا خیر. اما اگر ایالات متحده آمریکا از طریق سیاست تعلیق برجام به اروپایی‌ها لطمه وارد کند و آنها به وعده‌های خود عمل نکنند، احتمال ادامه حیات برجام بسیار دشوار خواهد بود.

در نهایت اگر آمریکا از برجام خارج شود، دیگر کشورها نیز به واسطه تحریم‌های آن کشور از آن تبعیت کنند و همکاری‌های اقتصادی با ایران را قطع کنند، ایران نیز دیگر منفعتی از برجام نخواهد داشت. بنابراین در این شرایط ایران باید تعهداتی که در قالب برجام برعهده داشت را کنار بگذارد، به محدودیت‌ها پایان دهد، غنی‌سازی اورانیوم را به لحاظ کمی و کیفی از سر بگیرد و سانتریفیوژها، درصد و ذخایر اورانیوم غنی شده‌اش را نیز افزایش دهد. البته باید به دو نکته توجه داشت نخست اینکه احتمال رسیدن به چنین شرایطی بسیار بعید است و دیگر اینکه همان طور که آقای روحانی در نیویورک و در پاسخ به یک خبرنگار توضیح دادند ایران به لحاظ کمی و کیفی تولید اورانیوم را در صورت لغو برجام ادامه خواهد داد اما به سمت ساخت بمب هسته‌ای حرکت نخواهد کرد. ▶



سناریو دوم این است که ترامپ تصمیم‌گیری درباره برجام را به کنگره واگذار کند. در این صورت باتوجه به حمایت دموکرات‌ها از توافق هسته‌ای به نظر می‌رسد بخشی از جمهوریخواهان کنگره نیز با آگاهی از پیامدهای منفی نقض توافق توسط آمریکا برای این کشور از حفظ توافق حمایت کنند.

سناریو سوم این است که آمریکا به صورت یکجانبه از توافق هسته‌ای خارج شود به این امید که ایران نیز اقدام مشابه انجام دهد. زیرا اگرچه خروج آمریکا از توافق سبب می‌شود متحدین اروپایی آن در مراحل اولیه آمریکا را مقصر معرفی کنند اما زمانی که ایران نیز از برجام خارج شد و فعالیت‌های هسته‌ای خود را از سر بگیرد، کشورهای اروپایی احساس تهدید می‌کنند و بار دیگر در کنار آمریکا برای اعمال فشار به ایران قرار می‌گیرند. در این مرحله تعیین اینکه مقصر اولیه آمریکا است کمی به اروپا نمی‌کند و آنچه برای آنها اهمیت دارد جلوگیری از زسرگیری فعالیت‌های اتمی ایران است. این تحلیل مبنای تصمیم‌گیری دولت ترامپ است. باید توجه داشت که دونالد ترامپ با تهدید مبنی بر اینکه قصد دارد از برجام خارج شود، صرفاً دنبال یک چیز است و آن موضع‌گیری مقامات ایران است مبنی بر اینکه اگر آمریکا از برجام خارج شود، جمهوری اسلامی ایران نیز از برجام خارج خواهد شد. طی چند روزی که آقای روحانی در آمریکا بودند، رسانه‌های مختلف این سوال را از ایشان می‌پرسیدند که اگر ایالات متحده از برجام خارج شود، جمهوری اسلامی ایران به شکل صریح چه اقدامی انجام خواهد داد. ایشان با هوشمندی پاسخ صحیح و دقیقی به این سوال ندادند. چرا که اعلام این موضوع که اگر آمریکا از برجام خارج شود، ما نیز از برجام خارج خواهیم شد، همان چیزی است که ترامپ دنبال آن است. زیرا اگر ایران از برجام خارج شود در آن صورت اگرچه واشنگتن در ابتدا به دلیل خروج اولیه از برجام محکوم می‌شود ولی در گام‌های بعدی این جمهوری اسلامی ایران است که محکوم خواهد شد.

دو دلیل برای این موضوع می‌توان ذکر کرد: نخست اینکه برجام صرفاً معاهده‌ای میان ایران و آمریکا نبوده است و در صورت خروج ایران از برجام، تهران ملاحظه دیگر کشورهای امضاکننده برجام را نکرده است، دیگر اینکه شرایط به دوران پیش از برجام بازمی‌گردد و ایالات متحده می‌تواند با امنیتی کردن ایران اینگونه وانمود کند که جمهوری اسلامی ایران در پی دستیابی به سلاح اتمی است. چنین ادعایی سبب خواهد شد که کشورهای اروپایی و حتی روسیه و چین نگران شوند و بار دیگر اجماع احتمالی علیه ایران شکل بگیرد. بنابراین این مساله که دولت ایران تاکنون هیچ موضع صریحی نگرفته که در صورت خروج آمریکا از برجام آیا ایران نیز از این توافق خارج خواهد شد یا خیر، خود گام بسیار مهمی در جهت تضعیف سیاست آمریکا مبنی بر خروج از برجام است.

سناریو چهارم واگذار کردن سرنوشت برجام به بعد از بحران هسته‌ای کره شمالی است. بر مبنای این منطق، اگر آمریکا موفق شود با گزینه نظامی فعالیت‌های اتمی کره شمالی را از بین ببرد در آن صورت به زعم آنها نه تنها ایران از سرنوشت کره شمالی درس خواهد گرفت بلکه همچنین دیگران نیز قانع خواهند شد که آمریکا هرجا ضرورت احساس کند به اقدامات یکجانبه برای مقاصد خود متوسل می‌شود. طبق این سناریو، آمریکا پایبند برجام خواهد ماند تا زمانی که تکلیف کره شمالی روشن شود. عدم حل بحران کره شمالی به نفع آمریکا سبب تردید آنها درباره خروج یا نقض برجام خواهد شد. ▶

## سناریوهای ۴ گانه

### آینده توافق هسته‌ای در گرو جدال طیف‌های موافق و مخالف در آمریکا



تهدیدات مختلفی که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا علیه توافق هسته‌ای برجام مطرح می‌کند، آینده این توافق را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است. ترامپ از ابتدا و حتی پیش از ورود به کاخ سفید از جمله مخالفان سرسخت برجام بود و ضمن آنکه این توافق را بدترین توافق تاریخ خوانده، تهدیداتی نظیر پاره کردن برجام در اولین روز ورود به کاخ سفید، تهدید به لغو و خروج، تهدید به بازنگری، تهدید به عدم تأیید اجرای توافق توسط ایران و ارائه گزارش آن به کنگره و در نهایت تهدید به خروج آمریکا از آن را تاکنون پیگیری کرده است.

از دیگر سو ترامپ بار دیگر در مجمع عمومی سازمان ملل، کینه و بغض خود را نسبت به برجام و ایران آشکار کرد. این در حالی است که مجمع عمومی سازمان ملل، مهمترین و عالی‌ترین تجمعی است که در آن سران کشورهای مختلف این فرصت را پیدا می‌کنند که به شکل مستقیم با مردم دنیا و با دیگر رهبران کشورها صحبت کنند. در واقع مجمع عمومی سازمان ملل، تنها تریبونی است که در آن سیاستمداران و رهبران کشورها می‌توانند افکار عمومی دنیا را مخاطب سخنان خود قرار دهند. از این رو رهبران کشورها تلاش می‌کنند که از پیش یک متن سخنرانی را حاضر کنند تا بر مبنای آن نه تنها تصویر مثبت و مطلوبی از داخل کشور خود به دنیای بیرون عرضه کنند، بلکه از سیاست خارجی خود در سطوح مختلف دفاع کنند.

به همین خاطر است که شاهد هستیم در سخنرانی سران در مجمع عمومی سازمان ملل، همه کشورها به نوعی از سیاست‌های خود تعریف و دفاع می‌کنند و دیگران را مسبب مسائل و مشکلات موجود می‌دانند. بر مبنای اهمیتی که مجمع عمومی سازمان ملل دارد، روسای جمهور آمریکا همواره تلاش کرده‌اند که از پیش بر مبنای یک متن نوشته شده که کاملاً روی کلمات و جملات آن دقت و تأمل صورت گرفته و توسط شورای امنیت ملی آمریکا طراحی شده و وزرا و کابینه دولت بر آن اظهار نظر کرده‌اند، نشان دهند که آمریکا همچنان یک قدرت بزرگ است و نسبت به مسائل بین‌المللی برای خود مسئولیت قائل است و به حفظ نظم متعهد است. اما سخنرانی دونالد ترامپ نشان داد که این اولین بار است رئیس‌جمهور آمریکا به ایراد سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل می‌پردازد بدون اینکه از نوشته‌ای استفاده کند. درواقع سخنرانی ایشان نشان داد آنچه ترامپ به زبان آورد سخنانی نیست که مورد تأیید نخبگان سیاسی آمریکا قرار گرفته و روی آن تأمل شده باشد، بلکه صرفاً نظرات شخصی ترامپ است.

متن سخنرانی ترامپ نشان داد که او هیچ فهمی از مسائل بین‌المللی و جهانی ندارد؛ این متن نشان داد که او حتی هیچ سواد و دانشی درباره منشور سازمان ملل متحد نیز ندارد. چرا که منشور در مورد حفظ صلح، امنیت و مقابله با جنگ صحبت کرده است. اینکه ایشان در تریبون سازمان ملل یک کشور را تهدید به نابودی و کشور دیگر را تهدید به جنگ می‌کند، نشان از عدم ثبات و درک او از منشور ملل متحد دارد.

این در حالی است که پیش‌تر سخنرانی روسای جمهور آمریکا همواره عمیق‌ترین و تأثیرگذارترین متن سخنرانی در سازمان ملل بوده است. به گونه‌ای که هر بار رئیس‌جمهور آمریکا در این سخنرانی می‌توانست مفهوم و ایده جدیدی را برای جهانیان مطرح کند. بنابراین من معتقدم که سخنرانی ترامپ، نه سخنرانی نهادها و سازمان‌های مختلف در آمریکا بلکه سخنرانی شخصی او بوده است. به همین خاطر صحبت‌های ایشان چندان نمی‌تواند حاکی از شکل‌گیری یک سیاست و راهبرد جدید در مقابل جمهوری اسلامی ایران باشد. زیرا در ایالات متحده آمریکا، با وجود تأثیرگذاری فرد، این نهادها هستند که حکومت می‌کنند.

در این میان، فراتر از سیاست اعلامی آنچه طی هشت ماه گذشته از ریاست جمهوری ترامپ مشاهده شده است در عرصه عمل شاهد تأیید پایبندی ایران به برجام و نیز اجرای برجام توسط آمریکا بوده‌ایم. روند تحولات هشت ماه گذشته نشان از این دارد که میان عمل و گفتار ترامپ تفاوت وجود دارد. در آخرین موضع‌گیری، دونالد ترامپ اعلام کرد که در گزارش ماه اکتبر (۲۳ مهر) پایبندی ایران به مفاد برجام را تأیید نمی‌کند و تصمیم‌گیری درباره آینده برجام را به کنگره محول می‌کند. همچنین در موضع‌گیری‌های حاشیه نشست اسمال مجمع عمومی سازمان ملل، نمایندگان دولت آمریکا اعلام کردند در صورتی که مفاد توافق هسته‌ای مورد بازنگری قرار نگیرد، آمریکا به آن پایبند نخواهد ماند. هرچند مقامات آمریکا تاکنون نشان داده‌اند که برخلاف تهدیدات پایبند برجام بوده‌اند اما این بدان معنی نیست که الزاماً در آینده نیز این گونه خواهند بود. افرادی مانند مشاور امنیت ملی، وزیر دفاع، وزیر خارجه و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی خواهان حفظ برجام هستند چون جایگزین بهتری برای آن سراغ ندارند. در مقابل دونالد ترامپ، نماینده او در سازمان ملل و نیز اسرائیل و برخی دولت‌های عرب منطقه خواهان بازنگری در توافق هسته‌ای هستند. پس در آمریکا دو جبهه در ارتباط با توافق هسته‌ای وجود دارد: جبهه اول با محوریت نهادهای سیاسی و نظامی آمریکا که پیرو نظرات کارشناسی در بدنه خود هستند و از تجربه پیشینی در ارتباط با این موضوع برخوردار هستند، طرفدار حفظ برجام هستند. جبهه مقابل با محوریت ترامپ و نیکی هیلی که تازه واردشدگان به عرصه سیاست هستند و متأثر از فشارهای اسرائیل و اعراب منطقه خواهان بازنگری یا لغو توافق هستند. جدال و تقابل میان این دو طیف و اینکه کدام یک موفق خواهد شد دیدگاه خود را غالب و حاکم کند تعیین‌کننده آینده توافق هسته‌ای است. اگر طیف حامی برجام موفق شود روشن است که برجام ادامه پیدا می‌کند و مساله‌ای وجود ندارد. مساله زمانی است که طیف مخالف برجام به خاطر وجود شخص رئیس‌جمهور موفق شود دیدگاه خود را غالب کند و افراد مخالف نقض توافق را از کابینه خود خارج و افراد دنباله‌رو را وارد دولت کند. در این صورت است که سوال از آینده برجام مطرح می‌شود. در این ارتباط می‌توان چند سناریو مطرح کرد:

سناریو اول این است که دولت ترامپ موفق به حذف کامل موافقین برجام در دولت خود نشود و بنابراین موافقین نیز با هدف همراه کردن رئیس‌جمهور برای حفظ توافق، مایل به اعمال فشار به ایران برای اجرای دقیق برجام و اعمال فشار در دیگر حوزه‌ها شوند.

## نشانه قدرت

رونمایی از موشک خرمشهر، منجر به آشفتگی و وحشت سران رژیم صهیونیستی شده است. در حالی که سران رژیم صهیونیستی مشغول رصد نتایج سفر نتانیا هو به نیویورک و دیدار وی با ترامپ و دیگر مقامات غربی در راستای اعمال فشار بیشتر علیه ایران بودند، انتشار اخبار مربوط به رونمایی از موشک خرمشهر، شوک سختی به آنها وارد ساخت.

تیتریک



## موشکی که خواب غرب را آشفته کرد

رونمایی سپاه از موشک خرمشهر چه بازتابی داشت؟

با قدرت ادامه می دهند. «وزیر دفاع گفت: «تا زمانی که سخن سرائی برخی با زبان تهدید است، تقویت بنیه دفاعی کشور ادامه خواهد داشت و ایران برای تولید انواع تسلیحات موشکی، زمینی، دریایی و پدافندی از هیچ کشوری اجازه نمی گیرد.» وی با اشاره به اینکه سیاست دفاعی ما بازدارندگی است و ایران اسلامی تحت تاثیر هیچ تهدید، تحریم و فشاری قرار نمی گیرد، تصریح کرد: «طراحی ها، تاکتیک ها و تکنیک های دفاعی ما متناسب با انواع تهدیدات پیش رو و شرایط ژئوپلیتیکی کشور است.» وزیر دفاع با بیان اینکه جغرافیای ایران اسلامی جغرافیایی پیچیده و شگفت انگیز است، تاکید کرد: «وزارت دفاع تولید تسلیحات خود را باتوجه به فکر دشمن طراحی می کند.»

روایت رسانه های غربی  
از آزمایش موشکی خرمشهر

در حالی که حدود دو سال از امضای برجام می گذرد، مسئولان دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان صراحتاً به این نتیجه رسیده اند که مذاکره با ایالات متحده آمریکا به علت عهدشکنی این کشور در نظام بین الملل، فایده ای ندارد. در چنین شرایطی، مشخص می شود که اصرار بر تقویت و گسترش توان موشکی ایران برای صیانت از کیان کشورمان تصمیمی درست بوده و باید در آینده نیز

حمله کند. جنگ های اعتقادی علیه کشور ما از مصادیقی است که مردم را هدف گرفته است. ما یادمان نرفته که مردم در زمان جنگ فریاد می زدند موشک جواب موشک و همچنین یادمان نرفته حمله های وحشیانه دشمن به شهرهای ما باعث به وجود آمدن روزهای سختی برای ما شد، بنابراین باید کاری بکنیم تا بتوانیم در روزهای سختی جواب خواسته های مردم را بدهیم تا خجل نشویم. توسعه موشکی کشور بعد از تهدید دشمن چند برابر شتاب گرفته با این تفاوت که امروز حمایت همه اقشار را داریم و تنها نیستیم. امروز توان موشکی کشور ما از ایده تا محصول کاملاً داخلی است و در این بخش ها هیچ موردی نداریم که بومی نباشد. همچنین در حوزه های پدافندی نیز پیشرفت های خوبی حاصل شده و در حوزه های بمب های هوشمند و پهپادها نیز در سطح جهانی هستیم و باز هم اعلام می کنیم در حوزه های مهندسی، راهسازی و سایر حوزه ها آمادگی کمک به بخش های دولتی را داریم و پیشنهاد می کنیم که آنها حداقل یک بار این موضوع را امتحان کنند.» امیر سرتیپ امیر حاتمی، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح نیز در آغاز هفته دفاع مقدس با بیان اینکه افتخار می کنیم صنعت دفاعی کشور ما کاملاً بومی است، افزود: «انواع موشک ها و تجهیزات رزم زمینی، پدافند هوایی و سامانه های رزم دریایی کاملاً ایرانی است و متخصصان پا در رکاب ما این راه را همچنان

جدیدترین موشک بالستیک ایران، در مراسم رژه نیروهای مسلح در تهران با حضور مقامات عالی رتبه نظامی رونمایی شد. رونمایی از این موشک، درست در زمانی صورت گرفت که دونالد ترامپ جریان نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ضمن بیان اظهاراتی موهن علیه ملت و نظام، دست به لابی های گسترده ای علیه جمهوری اسلامی ایران زده بود.

سردار حاجی زاده، فرمانده نیروی هوایی سپاه با اشاره به رونمایی از موشک بالستیک خرمشهر اظهار داشت: «این موشک دارای طول ۱۳ متر و سر جنگی به وزن ۱۸۰۰ کیلوگرم با قابلیت هدفگیری چندین هدف است.» سردار حاجی زاده در این خصوص تاکید کرده است: «امروز آنچه ما را تهدید می کند جنگ نیست، چرا که هم توان دفاعی خوبی داریم و هم اوضاع دشمن را رصد می کنیم. چند روز پیش شنیدیم ناو هواپیمابر آمریکایی به پهپاد ما هشدار می دهد و ما دیدیم که پهپادی در آسمان نداریم و این نشان از آن دارد که دشمن واقعا ترسیده و توهم او را فرا گرفته است. زمانی که آمریکایی ها از خلیج فارس عبور می کنند، ترس همه وجود آنها را می گیرد و بی جهت مرتب هشدار می دهند. دژ مستحکم کشور ما مانند مثلی است که قاعده آن مردم هستند و ضلع دوم آن رهبری و ضلع سوم آن نیروهای مسلح هستند. حال دشمن برای اینکه به این دژ آسیب بزند کاری می کند تا بتواند به این مثلث



**برای فعالیت‌های موشکی خود از کسی اجازه نخواهیم گرفت**  
گفت‌وگوی مثلث با حشمت‌الله فلاحت‌پیشه



**گارد بسته اروپا در مقابل توان موشکی ایران**  
بازتاب رونمایی از موشک «خرمشهر» در غرب

#### آشفتگی آمریکا و انگلیس

رئیس‌جمهور آمریکا در تویییتی تازه به آزمایش موشک بالستیک «خرمشهر» توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، واکنش نشان داد. «دونالد ترامپ» در واکنش به آزمایش موشک بالستیک «خرمشهر» توسط سپاه پاسداران، در حساب کاربری خود در توییتر نوشت: «ایران به تازگی یک موشک بالستیک با توانایی رسیدن به اسرائیل را آزمایش کرد. آنها همچنین در حال همکاری با کره شمالی هستند. توافق زیادی بین ما نیست.» به نظر می‌رسد اشاره ترامپ از توافق، همان توافق هسته‌ای با ایران است که وی از زمان کارزار انتخاباتی، بارها از آن انتقاد کرده و آن را «بدترین توافق» خوانده است.

«یوریس جانسون»، وزیر خارجه انگلیس نیز به آزمایش موفقیت‌آمیز موشک بالستیک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی واکنش نشان داد. «جانسون» در توییتر نوشت: «از گزارش‌ها درباره آزمایش موشکی ایران که با قطعه‌نامه ۲۳۳۱ سازمان ملل مغایرت دارد، به شدت نگرانیم. از ایران می‌خواهیم اقدامات تحریک‌آمیز را متوقف کند.» وزارت امور خارجه فرانسه نیز با ابراز نگرانی نسبت به آزمایش موشکی جدید ایران از دبیرکل سازمان ملل خواست تا یک بررسی کامل درباره این اقدام ایران انجام دهد. سخنگوی وزارت امور خارجه فرانسه گفت که پاریس به شدت نسبت به آزمایش موشکی بالستیک ایران نگران است و از آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل می‌خواهد تا پرتاب این موشک را به طور کامل مورد بررسی قرار دهد. وی در ادامه با تکیه بر ادعاهای بی‌اساس غرب و آمریکا علیه سیاست‌های منطقه‌ای کشورمان افزود: «فرانسه از ایران می‌خواهد تا تمام فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده در منطقه را متوقف کند. فرانسه به همراه متحدانش به ویژه اروپایی‌ها ابزارهایی را بررسی می‌کند که منجر شود ایران دست از فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده بالستیکی بردارد.» شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعه‌نامه شماره ۲۳۳۱ را برای تأیید توافق هسته‌ای میان ایران و گروه کشورهای ۵+۱ به تصویب رسانده است. این قطعه‌نامه از ایران می‌خواهد که «از هر فعالیت مرتبط با موشک‌های بالستیک که با قابلیت حمل سلاح اتمی طراحی شده‌اند، از جمله پرتاب موشک‌هایی که با استفاده از تکنولوژی موشک‌های بالستیک ساخته شده‌اند خودداری کند.» جمهوری اسلامی ایران تأکید کرده است هیچ یک از موشک‌های ایران برای حمل سلاح هسته‌ای طراحی نشده‌اند و در حوزه دفاع مشروع ایران و خارج از این قطعه‌نامه قرار دارد. بر همین اساس، آزمایش‌های موشکی ایران نقض قطعه‌نامه شورای امنیت محسوب نمی‌شوند.

#### غو غادر آشیانه صهیونیست‌ها

رونمایی از موشک خرمشهر، منجر به آشفتگی و وحشت سران رژیم صهیونیستی شده است. در حالی که سران رژیم صهیونیستی مشغول رصد نتایج سفر نتانیاهاو به نیویورک و دیدار وی با ترامپ و دیگر مقامات غربی در راستای اعمال فشار بیشتر علیه ایران بودند، انتشار اخبار مربوط به رونمایی از موشک خرمشهر، شوک سختی به آنها وارد ساخت.

«نقثالی بنت» وزیر آموزش رژیم صهیونیستی تهدید

ادامه پیدا کند. وحشت دشمنان امنیت جمهوری اسلامی ایران از توان موشکی کشورمان به هیچ عنوان قابل کتمان نیست. هر روز که سپری می‌شود، توان موشکی ایران در مواجهه با هر گونه تهدیدی از سوی دشمنان بیشتر می‌شود. اخیراً آزمایش موشک بالستیک دوربرد خرمشهر با موفقیت انجام شد. این سومین موشک ایران با برد دوهزار کیلومتر است. این آزمایش موشکی درست در حالی صورت می‌گیرد که طی سال‌های اخیر، فشار زیادی از سوی ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی و مقامات اروپایی برای محدود ساختن توان موشکی کشورمان صورت گرفته است. با این حال جمهوری اسلامی ایران بدون توجه نسبت به فشارهایی که در این خصوص وارد می‌شود، به توانمندسازی خود در حوزه فعالیت‌های موشکی ادامه می‌دهد. آزمایش موشک بالستیک دوربرد خرمشهر، بار دیگر پرده از توان بالای دانشمندان و نیروهای مسلح کشورمان در دفاع از کيان علمی و نظامی کشور برداشت. در این خصوص نکاتی وجود دارد که لازم است نسبت به آنها توجه داشته باشیم: نخست اینکه آزمایش موشکی ایران درست در شرایطی صورت گرفته است که مقامات آمریکایی خواستار گنجانده شدن موضوع توان موشکی ایران در برجام شده‌اند! حتی چندی پیش مقامات فرانسوی اعلام کردند که برای سال ۲۰۲۵ به بعد، می‌توان برجام را با توافق بر سر توان موشکی ایران تکمیل کرد.

این در حالی است که در جریان سلسله مذاکرات هسته‌ای میان ایران و اعضای ۵+۱، تلاش زیادی از سوی اعضای ۵+۱ و خصوصاً واشنگتن و تروپیکای اروپایی برای گنجانیدن بحث توان موشکی در برجام صورت گرفت. این تلاش‌ها در نهایت نتیجه‌ای نداد. اصرار قاطعانه جمهوری اسلامی ایران بر مواضع خود سبب شد تا در نهایت، بحثی از توان موشکی ایران در سند برجام نباشد. هر چند در قطعه‌نامه ۲۳۳۱ اشاره‌هایی به این موضوع شده است. در هر حال، هر گونه آزمایش موشکی از سوی جمهوری اسلامی ایران، به هیچ عنوان نقض برجام محسوب نمی‌شود.

رسانه آمریکایی رونمایی ایران از موشک بالستیک خرمشهر را سیلی ایران به صورت رئیس‌جمهور آمریکا و رژیم صهیونیستی توصیف کرده است. مجله نیوزویک در تحلیلی روز جمعه، رونمایی ایران از موشک بالستیک «خرمشهر» را «سیلی» این کشور به صورت «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا و رژیم صهیونیستی توصیف کرده است. سردار «امیرعلی حاجی زاده» فرمانده نیروی هوافضای سپاه در حاشیه رژه ۳۱ شهریور نیروهای مسلح و در جمع خبرنگاران با اشاره به رونمایی از موشک جدید برد بلند خرمشهر گفت: «این دستورالعمل توسط وزارت دفاع طراحی و تولید شده و ۲ هزار کیلومتر برد دارد.» نیوزویک در تیتیر خود نوشت: «ایران با نمایش موشک جدید خود به صورت ترامپ و اسرائیل سیلی زد.»

رابرت آبنهون، مشاور امور تسلیحاتی و منع اشاعه در دولت سابق آمریکا گفت: «رونمایی ایران از این موشک و اظهارات روحانی تا اندازه زیادی پاسخ ایران به هدف اعلام‌شده دولت ترامپ برای اعمال فشار بر این کشور جهت پذیرش محدودیت‌هایی در زمینه برنامه موشک بالستیک بود.»

کرد در صورت عدم موفقیت جامعه بین‌المللی در متوقف کردن روند هسته‌ای شدن ایران، اسرائیل باید خودش اقدام کند. بنت طی مصاحبه با روزنامه «جرزال پست» از برگزاری نشست کابینه امنیتی رژیم صهیونیستی، یک روز پس از انتشار تصاویر آزمایش موشک بالستیک «خرمشهر» در ایران، خبر داد. وی گفت: «در این نشست که به ریاست «بنیامین نتانیاهاو» نخست‌وزیر برگزار شد، اعضای کابینه امنیتی اسرائیل با سخنرانی وی در اجلاس عمومی سازمان ملل مبنی بر لزوم لغو یا تغییر توافق هسته‌ای ایران، همراهی کردند.»

این وزیر صهیونیست افزود: «ابتدا ما باید آمریکا را هرچه سریعتر به اعمال تحریم‌های فلج‌کننده در سطح بالاتر مجاب کنیم. ایران باید مجبور شود بین راه هسته‌ای و اقتصاد پویایی را انتخاب کند. از زمان توافق هسته‌ای، چنین دوراهی پیش‌روی آنها گذاشته نشده است.»

بنت هشدار داد: «در همین زمان، اسرائیل باید برای این احتمال آماده شود که در صورت قانع نشدن آمریکا و جهان (برای مقابله با ایران)، خودمان از خودمان دفاع کنیم.» وی تأکید کرد: «اسرائیل خودش باید در مسیر تحریم‌ها اعمال نفوذ کرده و ایران را از سیستم بانکداری «سوئیفت» حذف کند، زیرا با این کار، شرکت‌های بزرگ تجاری مجبور می‌شوند بین معامله با ایران یا آمریکا، یکی را انتخاب کنند. وزیر آموزش رژیم صهیونیستی ادعا کرد: «توافق هسته‌ای به ایران این توانایی را داد که هرچیز لازم برای سریعتر هسته‌ای شدن را تولید کند. این توافق به ایران اجازه داد سانترفیوژهای سریعتر تولید کرده و فناوری آن را ارتقا دهد. آنها (ایران) از توافق برای رسیدن به بمب اتمی استفاده می‌کنند.» این اظهارات وزیر آموزش رژیم صهیونیستی نشان‌دهنده اوج آشفتگی و وحشت مقامات این رژیم اشغالگر در قبال موشک خرمشهر است. رونمایی از موشک خرمشهر، پاسخی عملی، قاطع و دندان‌شکن به لفاظی‌های گستاخانه آمریکایی‌ها و تهدیدات پوشالی رئیس‌جمهور این کشور است. همچنین رونمایی از این موشک، پیام قاطعانه‌ای را به مقامات رژیم اشغالگر قدس مخابره کرده است. بدون شک قدرت و توان موشکی کشور که موجب عجب و شگفتی دشمنان و رژیم صهیونیستی شده عامل تعیین‌کننده در دگرگونی نظامی و راهبرد بازدارندگی کشور است. بدون شک، نه تنها جمهوری اسلامی ایران اجازه تعدی دشمن به توان موشکی خود را نخواهد داد، بلکه با تقویت توان موشکی خود در مقابل تهدیدات بالقوه و بالفعلی که در مقابل کشور وجود دارد ایستادگی خواهد کرد. در این معادله، ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی بازندگانی مطلق خواهند بود.

در این میان، تلاش واشنگتن و تل آویو برای اعمال محدودیت علیه برنامه موشکی کشورمان راه به جایی نخواهد برد. فعالیت‌های گسترده آمریکایی‌ها برای ایجاد فشار جهت مذاکره بر سر محدود کردن برنامه موشکی کشور، امری محال و غیرممکن است و افرادی مانند دونالد ترامپ رئیس‌جمهور فعلی آمریکا و بنیامین نتانیاهاو نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس، در آینده‌ای نزدیک با نمونه‌های بیشتری از تقویت توان موشکی ایران مواجه می‌شوند؛ مساله‌ای که منجر به آشفتگی بیشتر مقامات آمریکایی و صهیونیستی خواهد شد. ▶

بازتاب رونمایی از موشک «خرمشهر» در غرب

## گارد بسته اروپا در مقابل توان موشکی ایران

سعید سبحانی

روزنامه نگار

**۲** تروییکای اروپایی، همگام با ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی، رونمایی ایران از موشک خرمشهر را محکوم کرده و آن را ناقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد دانستند. این نخستین بار نیست که مقامات اروپایی در تقابل با توان موشکی کشورمان صف آرایی می کنند فارغ از اینکه استدلال مقامات اروپایی در خصوص نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد توسط ایران صحت ندارد، سوال اصلی اینجاست که چرا مقامات اروپایی در رویکردی دوگانه، به جای مهار ایالات متحده آمریکا در دوران پسابرجام، در صدد تحمیل محدودیت های موشکی علیه کشورمان هستند؟ این موضوع، بار دیگر موبد بازی تروییکای اروپایی در زمین ایالات متحده آمریکاست.

مقامات سه کشور اروپایی مدعی هستند که رونمایی ایران از موشک خرمشهر و به طور کلی هرگونه آزمایش موشکی ایران، منجر به بروز بی ثباتی در منطقه می شود. فارغ از مخدوش بودن کلیت این ادعا، ابراز نگرانی آمریکا سه کشور اروپایی مذکور در خصوص بروز ناامنی در منطقه به طنزی تلخ شبیه است! بحران امنیتی که امروز در منطقه غرب آسیا وجود دارد، معلول سیاست ها، رفتارها و راهبرد پردازی کلان آمریکا و شرکای اروپایی آن برای تزریق بحران امنیت در داخل منطقه است. اساسا شکل دهی داعش و جبهه النصره نیز در همین راستا صورت گرفته است. دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در جریان رقابت های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶، به صورت صریح از حمایت اوباما و هیلاری کلینتون از داعش سخن به میان آورد. هر چند ترامپ پس از فشارهای پشت پرده ای که از سوی لابی های قدرت در آمریکا به وی وارد شد، مجبور شد اظهارات خود را پس گیرد، اما این اعتراف به صورت یک سند تاریخی باقی ماند. هم اکنون ترامپ نیز پس از حضور در قدرت همان مسیر اوباما را در حمایت از گروه های تروریستی و تکفیری طی می کند. یکی از استراتژی های کلان ایالات متحده آمریکا و شرکای اروپایی آن، تمرکز بحران امنیت در منطقه

و جلوگیری از ایجاد امنیت و ثبات در غرب آسیاست. در چنین شرایطی ابراز نگرانی آمریکا و سه کشور انگلیس، آلمان و فرانسه در خصوص امنیت منطقه چیزی جز یک دروغ پردازی آشکار نیست. بدون شک، مقامات اروپایی نیز دقیقا به مانند ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی حق اظهار نظر در خصوص امنیت در منطقه غرب آسیا ندارند و به جای آن، باید پاسخگوی عملکرد خود در راستای ترویج ناامنی در منطقه و حمایت از گروه های تروریستی و تکفیری باشند. نکته دیگر اینکه هر گاه جمهوری اسلامی ایران آزمایشی موشکی صورت می دهد یا از یکی از موشک های خود رونمایی می کند، شاهد فوریت اقدام تروییکای اروپایی در همراهی با دولت ترامپ در موضع گیری علیه تهران هستیم. چندی پیش، آمریکا و سه کشور اروپایی آزمایش موشک ماهواره بر توسط ایران را مصداق نقض قطعنامه ۲۲۳۱ دانسته و آن را محکوم کردند. این بار نیز بوریس جانسون وزیر امور خارجه انگلیس، رونمایی از موشک خرمشهر را مغایر با این قطعنامه دانسته و آن را محکوم کرده است. سوال اصلی اینجاست که سه کشور اروپایی تاکنون در برابر نقض عینی برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد توسط ایالات متحده آمریکا چه اقدامی صورت داده اند؟ آیا در دوران ریاست جمهوری اوباما که قانون آپسا تمدید شد، یا صدور ویزا برای کسانی که به ایران سفر می کنند محدود شد، تروییکای اروپایی اقدام به صدور بیانیه کردند؟ آیا در دوران ریاست جمهوری ترامپ که برجام رسماً از سوی سنای آمریکا و کاخ سفید نقض شده است، تروییکای اروپایی اقدام به محکوم کردن اقدامات کاخ سفید و کنگره کرده است؟ آیا سه کشور اروپایی که خود در جریان مذاکرات هسته ای با ایران بوده و در امضای برجام نقش داشته اند، در جریان اقدامات مخرب آمریکا برای جلوگیری از مراودات بانکی و تجاری با ایران نیستند؟ آیا عدم عادی سازی روابط بانکی ایران و کشورهای دنیا (که متأثر از اقدامات آمریکاست) و جریمه شدن شرکت های تجاری توسط وزارت خزانه داری آمریکا که ناقض بند ۲۹ برجام است، ارزش صدور بیانیه ای از سوی تروییکای اروپایی را نداشته است؟

همگان متفق القول هستند که انتقادات سه کشور اروپایی از ایران بابت رونمایی از موشک خرمشهر و

آزمایش های موشکی کشورمان، جنبه ای حقوقی نداشته و صرفاً بر اساس اغراض سیاسی آنها صورت گرفته است. در قطعنامه ۲۲۳۱ صرفاً در قالب توصیه ای به بحث توان موشکی ایران اشاره شده و هیچگونه الزام و اجباری در آن قید نشده است؛ در این قطعنامه ضمن اعمال محدودیت ۸ ساله برای ورود و خروج مواد و ابزار مرتبط با ساخت موشک به ایران، به مسئولان کشورمان توصیه شده که از توسعه برنامه موشکی بااستیک با قابلیت حمل کلاهک هسته ای، اجتناب کنند؛ به عبارت دیگر، لحن قطعنامه ۲۲۳۱ در رابطه با برنامه موشکی ایران غیر الزام آور است و ضمانت اجرایی درباره آن وجود ندارد.

از سوی دیگر، سه کشور اروپایی انگلیس، آلمان و فرانسه به مانند ایالات متحده آمریکا در آزمون صیانت از توافق هسته ای و قطعنامه ۲۲۳۱ مردود شده اند. در چنین شرایطی بهتر است سه کشور انگلیس، آلمان و فرانسه به جای ابراز نگرانی در خصوص نقض قطعنامه ۲۲۳۱ (که بر اساس موارد ادعایی و غیر واقعی صورت گرفته است)، به فکر نقض رسمی و عینی برجام از سوی ایالات متحده آمریکا و دولت ترامپ باشند. سیاست یک بام و دو هوای تروییکای اروپایی در قبال برجام کاملاً قابل پیش بینی بود. در جریان سلسله مذاکرات هسته ای، خصوصاً مذاکراتی که از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ در ژنو، لوزان و وین صورت گرفت، مقامات سه کشور اروپایی بارها مواضع خود را در جریان مذاکرات هسته ای تحت تاثیر لابی گری های ایالات متحده آمریکا و معاملات پشت پرده دیپلماتیک و سیاسی با واشنگتن تغییر دادند. بدون شک اگر منافع اقتصادی دو کشور آلمان و فرانسه در دوران پسابرجام نبود، عهدشکنی های آنها در قبال توافق هسته ای از وضعیت فعلی نیز پررنگ تر بود.

بدیهی است که نباید نسبت به اعتراضات اتحادیه اروپا در این خصوص وقعی نهاد. شرایط منطقه و تهدیداتی از جمله وجود رژیم اشغالگر قدس در منطقه و حمایت غرب از جریان های تکفیری ایجاب می کند که توان نظامی و موشکی ایران تقویت شود. بدون شک، ایران اسلامی در این خصوص از هیچ کشوری اجازه نخواهد گرفت. ►



## از کسی اجازه نخواهیم گرفت

گفت‌وگوی مثلث با حشمت‌الله فلاحت‌پیشه

شاهد اعمال فشارهای آشکاری از سوی ایالات متحده آمریکا بر کشورهای اروپایی در خصوص توافق هسته‌ای با ایران بودیم. این رویکرد دولت ترامپ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

▲ در جریان برگزاری نشست اخیر شورای آتلانتیک، شاهد دفاع مقامات اروپایی از توافق هسته‌ای با ایران بودیم. این موضوع در جریان برگزاری نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز از سوی سران اروپایی مورد تأکید قرار گرفت. مقامات اروپایی خطاب به مقامات آمریکایی اعلام کرده‌اند که برجام موضوعی تمام شده است و دیگر نباید حول آن بحث کرد. حتی اعتراض برخی مقامات اروپایی در خصوص آزمایش موشکی ایران نیز به معنای نقض توافق هسته‌ای از سوی ایران نیست. مقامات اروپایی خود نیز اذعان کرده‌اند که آزمایش‌های موشکی ایران نقض توافق هسته‌ای محسوب نمی‌شود. حتی مقامات اروپایی از ترامپ خواسته‌اند تا گزارش جدید خود که در ماه اکتبر منتشر می‌شود، پایبندی جمهوری اسلامی ایران نسبت به توافق هسته‌ای را اعلام کند.

همچنین ما اخیراً شاهد سخنان وقیحانه ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد علیه کشورمان بودیم. سخنان وقیحانه ترامپ، حقانیت نظام جمهوری اسلامی ایران و دروغ‌گویی نظام استکباری آمریکا را به دنیا اثبات کرد. این اظهارات وقیحانه ترامپ موجب وحدت بیش از پیش ایرانیان شده و این وحدت براساس یک حقانیت تاریخی است زیرا برخی در ایران موضوع دشمنی آمریکا با ایران را توهم توطئه می‌دانند. واقعیت این است که ترامپ نشان داد آمریکایی‌ها مدام در حال توطئه علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران هستند و نظام استکباری آمریکا از هر امکانات و توانی برای برهم زدن توسعه، ثبات و آرامش ایران استفاده می‌کند.

اظهارات اخیر ترامپ انگیزه و روح مقاومت را بین ایرانی‌ها برای مقابله با نظام استکبار جهانی بیش از پیش افزایش داد. آمریکایی‌ها برای تعاملات بین‌المللی خود احترام و حرمت قائل نیستند و این را در برجام نیز نشان دادند اما ملت ایران نشان داد که برای عمل به تکالیف بین‌المللی بیش از تعهدات خود در برجام عمل کرده‌اما ما می‌بینیم آمریکایی‌ها همواره دروغ می‌گویند و عهدشکنانه عمل می‌کنند. ►

۳ طی روزهای اخیر، شاهد مواضع ایالات متحده آمریکا علیه فعالیت‌های موشکی جمهوری اسلامی ایران هستیم. از سوی دیگر، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا طی ماه‌های اخیر سعی کرده با طرح مساله مذاکره مجدد در خصوص برجام، موضوع توان موشکی ایران را در ذیل توافق هسته‌ای بگنجانند. موضوعی که بارها با مخالفت صریح و قاطعانه جمهوری اسلامی ایران همراه شده است. در این خصوص گفت‌وگوی با دکتر حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی صورت داده‌ایم که از نظراتان می‌گذرد.

### موشکی ایران را در برجام بگنجانند؟

▲ در این خصوص لازم است به نکاتی توجه داشته باشیم. نخست اینکه مطابق سند برجام، جمهوری اسلامی ایران معنی در برابر به‌روز رسانی برنامه موشکی خود مطابق با فناوری‌های نوین ندارد. با این حال، ایالات متحده آمریکا در صدد است برای حفظ فشارها علیه جمهوری اسلامی ایران از یک سو و ممانعت از پیشرفت برنامه موشکی ایران همگام با تکنولوژی روز، علیه فعالیت‌های موشکی کشورمان جوسازی کند. اما همان گونه که اشاره شد، جمهوری اسلامی ایران به این مسیر ادامه خواهد داد و در این خصوص از هیچ کشوری اجازه نخواهد گرفت.

ایران از سال ۲۰۰۱ میلادی، پروژه ساخت موشک شهاب ۴ را متوقف کرد. ایران اعلام کرد که برد موشک‌های ساخته شده توسط کشورمان از ۲۰۰۰ کیلومتر فراتر نخواهد رفت و در این حد باقی خواهد ماند. در هر حال، مقررات بین‌المللی معنی را در زمینه تهیه سوخت و افزایش دقت و سرعت موشک‌ها ایجاد نکرده است. در این خصوص، چشم‌انداز و رویکرد ما کاملاً دفاعی است. در این باره ما حق داریم که از فناوری روز دنیا بهره‌مند شویم.

طی هفته‌های اخیر و خصوصاً در جریان برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک،

رونمایی از موشک دوربرد خرمشهر، واکنش‌هایی را میان مقامات غربی برانگیخته است. کلیت این اقدام را چگونه تحلیل و ارزیابی می‌کنید؟

▲ آنچه مسلم است اینکه تقویت توان دفاعی، یک اصل مهم محسوب می‌شود. این قاعده در خصوص کشور ما نیز صادق است. ما در مجلس شورای اسلامی نیز همواره بودجه لازم را برای تقویت بنیه دفاعی خود به تصویب رسانده‌ایم. در طول دوران جنگ تحمیلی، ۳۶ کشور وابسته به دو بلوک غرب و شرق، با بهره‌گیری از پول و تجهیزات نظامی و سرباز در صف حمایت از صدام قرار گرفتند. اما در آن دوران، هیچ کشوری به ایران کمک نکرد. در آن زمان، مسئولان نظامی و سیاسی کشور، برای دریافت چند عدد موشک اسکاد و کروز، ناچار بودند هر دو هفته یکبار به لیبی و کره شمالی سفر کنند. الان آن موشک‌هایی که ما برای دفاع از کشورمان و به سختی تهیه می‌کردیم، در داخل کشورمان تبدیل به موشک‌هایی آزمایشگاهی شده‌اند. هم‌اکنون در زمینه تولید موشک زمین به هوا، هوا به زمین و زمین به زمین ما به پیشرفت‌های بسیار زیادی دست پیدا کرده‌ایم.

بدیهی است که در چنین شرایطی لازم است توان موشکی ما در راستای دفاع از کيان کشور تقویت شود. این حق مسلم ماست که از فناوری‌های روز در عرصه دفاعی و موشکی بهره‌مند باشیم. بدون شک، در این خصوص ما از هیچ کشوری اجازه نخواهیم گرفت. همان گونه که اشاره شد، تقویت توان موشکی و دفاعی ما لازم است، خصوصاً در شرایطی که دشمنان ما هر گونه اقدامی را برای تضعیف موقعیت منطقه‌ای ما صورت می‌دهند. تنها در یک صورت می‌توان فعالیت‌های موشکی را متوقف کرد و آن تحقق منطقه‌ای عاری از تسلیحات است. بدون شک این یک نقطه آرمانی است. اما ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی اساساً اجازه تحقق این موضوع را نمی‌دهند. پس جمهوری اسلامی ایران نیز باید در راستای مقابله با تهدیدات موجود، توان موشکی و دفاعی خود را گسترش داده و به‌روز کند.

هدف ایالات متحده آمریکا و متحدان این کشور از طرح مکرر موضوع توان موشکی ایران چیست؟ چرا دونالد ترامپ سعی دارد توان

این نگرانی از سوی عده‌ای مطرح شده است که استفاده از فاینانس‌ها به افزایش تعهدات خارجی دولت منجر می‌شود و ناتوانی احتمالی در بازپرداخت این تعهدات اثرات اقتصادی و حتی سیاسی سوئی برای کشور به دنبال خواهد داشت. این نگرانی زمانی تشدید می‌شود که بدانیم بخشی از پروژه‌هایی که از فاینانس استفاده می‌کنند، سال‌هاست نیمه‌تمام مانده و با پیشرفت فیزیکی کند به پیش رفته است.

تیتراول

## یونانیزه شدن؟

فاینانس چه هزینه‌هایی برای اقتصاد ایران خواهد داشت



برای فعالان اقتصادی ایرانی است، اما بهای تمام شده واردات از اروپا بیش از واردات از آسیاست، به همین دلیل واردات از این اتحادیه برای فعالان اقتصادی صرفه اقتصادی چندانی ندارد. در این روش، بانک ایرانی در اروپا با طرف اروپایی تسویه نقدی کرده و در مدت یک سال با نرخ سود بسیار پایین با واردکننده ایرانی تسویه می‌کند. البته طبق سیاست گذاری انجام شده، طرف واردکننده باید یک تولیدکننده باشد و کالای واسطه‌ای برای تولید را وارد کند.

یکی دیگر از روش‌ها، تبدیل پول نفت به ضمانت فاینانس خارجی است. اقدام ایران برای انعقاد قرارداد در قالب فاینانس ۲۲ میلیارد دلاری اروپا، ۱۰ میلیارد دلاری چین و ۸ میلیارد دلاری کره به این روش بوده است. طبق پیگیری‌ها قرارداد فاینانس ۲۲ میلیارد دلاری اروپا که عمدتاً از طریق بانک اتریشی انجام می‌شود، دقیقاً معادل

برخورد شدید آمریکایی‌ها با مسئولان آن و خط و نشانی که برای آن بانک کشیده شد، ارتباط مالی با ایران را متوقف کرد. در دویی هم در چارچوب مقررات خزانه‌داری آمریکا و به بهانه مقابله با پولشویی، چند ماهی است امکان حواله ارزی ایران از این کشور وجود ندارد، اما بیش از ۵۵ درصد مصارف و نقل و انتقالات ارزی ایران از دویی انجام می‌شود و حتی واردات از اروپا، از مسیر دویی انجام می‌شود. ایران پس از برجام، حجم صادرات نفت خود به اروپا را به شدت افزایش داد و با توجه به وجود کانال هالک بانک و دویی، مشکلی برای انتقال و استفاده از درآمد نفت نداشت اما پس از بروز مشکل برای این دو کانال ارزی حجم زیادی از منابع نفت ایران در اروپا دپو شد.

بنابراین ایران باید روش‌های دیگری برای انتقال و استفاده از درآمد نفت پیدا می‌کرد. یکی از این روش‌ها واردات از اروپا و استفاده از منابع ارزی در قالب ریفاینانس

این روزها اخبار متعددی از انعقاد قراردادهای تامین مالی خارجی منتشر می‌شود. قراردادهای فاینانس در سطح ۱۰ میلیارد با چین، ۸ میلیارد یورو با کره و ۲۲ میلیارد دلار با چند کشور اروپایی، اما نتیجه بررسی و پیگیری‌ها از منابع مختلف نشان می‌دهد این قراردادها با آنچه که مسئولان از مزایا و ویژگی‌های آن صحبت می‌کنند، فاصله دارد. در واقع فاینانس‌های اخیر که به گفته رئیس کل بانک مرکزی، کشورها برای انعقاد آن با ایران صف بسته‌اند، روشی برای استفاده از درآمدهای نفتی کشور است. فاینانس‌ها با اصل پول نفت ایران است و یا اینکه در قبال آن معادل درآمد نفت، به عنوان ضمانت نزد کشور فاینانس کننده قرار می‌گیرد. برای علت روی آوردن بانک مرکزی به این روش، توضیحات زیر ضروری است.

تا پیش از این گفته می‌شد کانال‌های استفاده از منابع ارزی، هالک بانک ترکیه و دویی بود. هالک بانک به دلیل

**جذب سرمایه خارجی خوب است  
به شرط ها و شروط  
مهدی پازوکی در گفت و گو با «مثلث»**



**یونان دوم  
چرا باید از آنچه بر اقتصاد می گذرد  
نگران باشیم؟**



**روایت یک ویرانگی  
اقتصاد یونان چگونه  
بحرانی شد؟**

همان میزان از مانده مطالبات درآمد نفت ایران است و در همین قالب قرارداد فاینانس ۱۰ میلیارد دلاری چین منعقد شده است.

نکته بسیار حائز اهمیت در این قراردادها مطابقت شکل عمومی قراردادها با قرارداد فاینانس ۴۰ میلیارد دلاری چین در سال ۹۱ است. شکل عمومی این قراردادها در سفر سال ۹۰ علی لاریجانی به چین تدوین و به تایید طرفین رسید. در این شرایط راه حل همان راهکاری است که هم اکنون بانک مرکزی دنبال می کند؛ راهکاری که در سال ۹۱ هم در قالب فاینانس ۴۰ میلیارد دلاری چین دنبال و عملیاتی شد. هر چند که معمولاً در کشورها، همه متن قرارداد منتشر نمی شود اما دولت یا بانک مرکزی در قالب فکت شیت جزئیات را تا حدود زیادی روشن می کند ولی این قراردادها همانند قراردادهای چند سال اخیر، مبهم و بدون مطرح شدن هیچ یک از جزئیات، منعقد و اجرایی می شود. نکته جالب توجه در این قراردادها محل مصارف آن است. طبق آنچه که تاکنون مطرح شده، فاینانس ها برای طرح های مشخص عمرانی و زیست محیطی اجرایی می شود، بنابراین در نهایت این فاینانس ها به دولت می رسد و بخش خصوصی هیچ سهمی از فاینانس ها ندارد. البته در صورتی هم که در متن قرارداد سهمی برای بخش خصوصی و یا پروژه های بخش خصوصی در نظر گرفته می شد، این سهم بلا استفاده باقی می ماند، زیرا هزینه این فاینانس ها، به ویژه فاینانس چین و کره برای بخش خصوصی بسیار بالاست. هم اکنون حداقل هزینه بیمه فاینانس کره و چین برای ایران ۸ درصد و حداکثر ۱۲ درصد است و با توجه به نرخ لایبور درصد، هزینه تامین مالی خارجی حداقل ۱۱ درصد و حداکثر ۱۵ درصد می شود.

این هزینه برای بخش خصوصی، منهای هزینه کارمزدهای بانک عامل ایرانی است. بنابراین بخش خصوصی هیچ گاه، منابع ارزی داخلی (صندوق توسعه ملی) را که با نرخ های ۴-۵ درصد قابل دریافت است را با فاینانس های خارجی معاوضه نمی کند. پیگیری بانک مرکزی برای وصول درآمدهای نفتی، به هر شکل ممکن، قابل تقدیر و بسیار حائز اهمیت است اما اینکه دولت از قتل این قراردادها پروپا گاندای رسانه ای راه انداخته و آن را نتیجه اجرای برجام و دستاورد آن اعلام کند، گزاره ای خلاف واقع است که تنها افکار عمومی را از واقعیات نتایج برجام دور می کند.

**آیا ما قهرمان هستیم؟**

با کاهش قیمت و به تبع آن درآمد نفتی در کنار نا کارآمدی نظام مالیاتی، حالا دولت در مرحله گذار از خام فروشی نفت به آینده فروشی با وام خارجی قرار گرفته و در این بین نگاه قهرمانانه به فاینانس خارجی دارد.

طبق قانون برنامه ششم توسعه برای تحقق اهداف مورد نظر منابع مالی سالانه سرمایه گذاری به تفکیک روش های مختلف تامین این منابع مشخص شده است.

یکی از روش ها، تامین منابع مالی و سرمایه گذاری خارجی است که سهم ۲۵/۳ درصدی نسبت به سایر روش های تامین منابع دارد. برای امسال طبق جدول زمان بندی باید حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان و در سال ۱۴۰۰ این رقم به ۱۵۷ هزار میلیارد تومان برسد.

مستولان سازمان سرمایه گذاری و کمک های فنی اقتصادی اعلام کرده اند، در برنامه ششم متوسط سالانه

به ۳۰ میلیارد دلار منابع خارجی نیاز است که ۱۵ میلیارد دلار از طریق جذب سرمایه های خارجی (FDI) و ۲۰ میلیارد دلار دیگر آن طبق ترتیبات قراردادی و مشارکتی تامین خواهد شد.

طبق اخبار و اطلاعات، در دو سال اخیر بیش از ۴۴ میلیارد دلار فاینانس با بانک ها و موسسات مالی و اعتباری کشورهای مختلف منعقد شده و برخی قراردادها نیز در شرف نهایی شدن است. اخیراً نیز ۱/۵ میلیارد یورو با کشورهای اتریش و دانمارک منعقد شده که باید به این رقم افزود. این قراردادها فی نفسه عمل خوبی تلقی شده و منطقاً با سیاست های اقتصاد مقاومتی و برنامه ششم توسعه است. باید توجه داشت که رقم فاینانس گوی سبقت را از جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی نر باید و نگاه ها تنها به این بخش معطوف نشود. البته پیش تر مرکز پژوهش های مجلس با توجه به بالا بودن ریسک کشوری ایران شامل ریسک اقتصادی، مالی، تجاری، ریسک ناشی از محیط کسب و کار نامساعد و مهم تر از همه ریسک سیاسی کشور و فراهم نبودن بستر حقوقی سرمایه گذاری خارجی در ایران، تحقق این سهم را بعید دانسته بود. نکته دیگر نگاه اقتصاددانان به تامین مالی خارجی یا فاینانس است که نگاه کارشناسی آن را نقد می کنند. در همین باره فرشاد مومنی استاد اقتصاد دانشگاه علامه به سیاست های اقتصادی اشاره کرده و می گوید، هشدار داده بودم که از نقطه عطف برنامه تعدیل ساختاری تا امروز رفتارهای مالی دولت حکایت از گذاری خطرناک از دولت خام فروش به دولت آینده فروش دارد.

منظور از دولت آینده فروش این است که هر روز بیش از گذشته برای اداره امور جاری خود نیازمند وام گیری داخلی (چاپ پول) و وام خارجی (فاینانس) شده است و این پدیده بسیار خطرناکی است. مومنی وام گرفتن دولت را طنز تلخ می داند و معتقد است این مناسبات که از طریق فاینانس مطرح می شود، در این فضای سیاست زده شکل و شمایل قهرمانانه به خود گرفته که این دستکاری واقعی است. این اقتصاددان با تردید به آینده سوالی ابهام برانگیز مطرح و ادامه داده است، باید نهیبی به خود بزیم که آیا این مناسبات با منافع گروه های منفعت جو هم راستایی دارد و یا با منافع عمومی هم سازگاری دارد. سخنان ما این است که چنین رفتارهایی با منافع عده ای سازگاری دارد، ولی با منافع عمومی ناسازگار است و اکنون از سوری برخی از مسئولان به عنوان هنر محسوب می شود. از زاویه دیگر این گونه می توان تفسیر کرد که دولت در حال گذار از مرحله خام فروشی نفت به آینده فروشی است، در این سیاست دولت بدون تعدیل ساختار و توجه عملی به عوامل بنیادین در اقتصاد عمل کرده و همچنان نیم نگاه به نفت دارد.

اکنون پاسخگو نبودن درآمدهای نفتی و عدم تحقق درآمدهای بودجه و به تبع آن رفع نشدن نیازها و مطالبات از یک سو و کاهش درآمدهای مالیاتی که از رویکرد سنتی و نا کارآمد رنج می برد منجر شده تا دولت برای اجرای سیاست ها و پاسخ مناسب به اهداف برنامه ششم و رفع نیازهای توسعه ای و هزینه های جاری به آینده فروشی از نوع وام گیری روی آورد. تامین منابع مالی یا فاینانس که نام اصلی آن قرض است شیوه کنونی دولت برای تحقق برنامه ها و دستورکار قرار گرفته است و با هیاو و هیجان خاصی دنبال می شود و حتی پوششی برای دست نیافتن به

جذب سرمایه های مستقیم خارجی (FDI) است. کاهش قیمت نفت دیگر تکافوی خرج دولت در بودجه را نمی دهد، طبق آمارها در سال جاری نیز با عدم تحقق چندین هزار میلیارد تومانی روبه رو است. درآمدهای مالیاتی نیز شرایط مشابهی دارد. در این سال صاحبان و دارندگان اطلاعات بانکی، هویتی، اقتصادی، ملکی به انحای مختلف این اطلاعات را در اختیار حاکمیت و مجری وصول درآمدهای دولت قرار نمی دهند تا بتوان اقتصاد شفاف، سالم، پویا، پایدار و با کمترین فعالیت زیرزمینی دنبال کرد.

**همه قراردادهای ایران بعد از برجام**

ایران آنگونه که انتظار داشت، بعد از اجرای برجام شاهد سیل ورود سرمایه گذاران خارجی نبوده، اما میلیاردها دلار دارایی که بعد از لغو تحریم ها آزاد شده، احتمالاً به این کشور کمک خواهد کرد تا تأثیرات ناشی از هرگونه تخطی احتمالی آمریکا از برجام را تقلیل دهد. از سال گذشته یعنی زمانی که تحریم ها علیه ایران لغو شد، فضای حاکم بر بازار ایران تغییر کرد و علاقمندی سرمایه گذاران خارجی برای حضور در این کشور بیشتر شد. اکنون با وضع تحریم های جدید از سوی دونالد ترامپ علیه ایران و گلايه های گاه و بیگاه او از عدم پایبندی ایران به روح برجام، سوالی که مطرح است اینجاست که آیا توافق برجام خواهد توانست به حیات خود ادامه دهد یا نه. آنچه در این میان حائز اهمیت است، حمایت سایر طرف های برجام (چین، روسیه، فرانسه، آلمان و انگلیس) از برجام است که شرکت های آنها تاکنون مسئول بخش عمده ای از پول سرمایه گذاری شده در ایران بعد از برجام بوده اند.

در اینجا بد نیست اشاره ای داشته باشیم به برخی از قراردادهای نهایی و اولیه ای که طی این ماه های گذشته بین شرکت های خارجی و ایرانی منعقد شده است:

**انرژی و برق**

- قرارداد توتال و سی ان پی سی چین به ارزش ۵ میلیارد دلار برای توسعه فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی.  
- موافقتنامه اولیه شرکت اس کی ای اند سی کره جنوبی به ارزش ۱/۶ میلیارد یورو با شرکت مهندسی و عمران نفت ایران جهت ارتقای ظرفیت پالایشگاه تبریز.  
- قرارداد شرکت یونیت اینترنشنال ترکیه با وزارت



**نکته بسیار حائز اهمیت در این  
قراردادها مطابقت شکل عمومی  
قراردادها با قرارداد فاینانس  
۴۰ میلیارد دلاری چین در سال  
۹۱ است**

نیروی ایران به ارزش ۴/۲ میلیارد دلار برای ساخت ۷ نیروگاه گازی.

- توافق ۱/۲ میلیارد دلاری شرکت سینوپک چین با شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران برای توسعه فاز یک پالایشگاه آبادان در استان خوزستان.

- موافقتنامه رویال داچ شل برای ارزیابی سه میدان بزرگ نفتی و گازی ایران از جمله آزادگان و یادآوران در نزدیکی مرز با عراق

- موافقتنامه گروه ام‌ای سی‌آی سوئیس با دولت ایران برای ساخت یک مجتمع تولید برق بادی ۷۵۰ میلیون یورویی در شمال ایران.

#### حمل و نقل

- قرارداد ۶۶۰ میلیون یورویی شرکت رنو با سازمان توسعه و نوسازی صنایع ایران و شرکت پرتونگین ناصح، واردکننده محصولات رنو جهت سرمایه‌گذاری مشترک و افزایش تولید خودرو در ایران.

- موافقتنامه شرکت فولکس واگن با ماموت خودروی ایران برای فروش دو مدل خودرو در ایران.

- قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک ۴۰۰ میلیون یورویی پژو سیترون و ایران خودرو برای ارتقای یک کارخانه خودروسازی. این شرکت فرانسوی همچنین موافقتنامه‌ای با شرکت سایپا برای سرمایه‌گذاری ۳۰۰ میلیون یورویی در زمینه تولید و تحقیق و توسعه امضا کرده است.

- شرکت بوئینگ و شرکت هواپیمایی آسمان یک قرارداد ۳ میلیارد دلاری برای فروش ۳۰ فروند هواپیمای ۷۳۷ مکس جت منعقد کرده‌اند. این شرکت آمریکایی همچنین یک قرارداد ۱۶/۶ میلیارد دلاری با شرکت ایران‌ایر برای فروش ۸۰ فروند هواپیمای منعقد کرده است.

- شرکت ای تی آر قراردادی برای فروش ۲۰ فروند هواپیمای توربوپراپ به ارزش ۵۳۶ میلیون دلار با ایران‌ایر منعقد کرده است.

- گروه ایرباس قراردادی برای فروش ۱۰۰ فروند هواپیمای به ارزش حدود ۱۹ میلیارد دلار به ایران منعقد کرده است.

- شرکت آلتستوم موافقتنامه اولیه‌ای برای ساخت قطار و واگن مترو در ایران منعقد کرده است.

- شرکت ترانس مش هولدینگ روسیه یک قرارداد سه میلیارد دلاری برای تولید مشترک واگن به امضای رسانده است.

- شرکت زمینس قراردادی به ارزش حداقل ۱/۵ میلیارد یورو برای ساخت واگن و ارتقای ریل‌های راه‌آهن در ایران منعقد کرده است.

#### صنایع

- شرکت سی‌آر‌ای سی چین موافقتنامه‌ای به ارزش ۲ میلیارد دلار با شرکت ایران آلومینیوم (ایرالکو) برای آغاز فعالیت یک واحد صنعتی در استان مرکزی منعقد کرده است.

#### مخابرات

- گروه ام‌تی‌ان آفریقای جنوبی توافق کرده که ۴۹ درصد از سهام یک سرویس دهنده اینترنتی در ایران را به ارزش ۵۴۰ میلیون رند (۴۰ میلیون دلار) خریداری کند. این شرکت همچنین به دنبال سرمایه‌گذاری ۷۵۰ میلیون دلار در یک پروژه فیبر نوری در ایران است.

#### آمار از سرمایه‌گذاری

بالاخره انتظارات به پایان رسید و گزارش رسمی سازمان کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل یا همان آنگتاد در خصوص وضعیت سرمایه‌گذاری خارجی منتشر

## آنگتاد اعلام کرد که در سال ۲۰۱۶ به عنوان نخستین سال اجرای برجام ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری جذب اقتصاد ایران شده که این رقم نسبت به سال ۲۰۱۲ به عنوان آخرین سال فعالیت دولت دهم یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار کمتر است

شد. گزارشی که حکایت از کاهش ۱/۳ میلیارد دلاری سرمایه‌گذاری خارجی در دوران پسابرجام نسبت به دوران اوج تحریم‌ها یعنی سال ۲۰۱۲ داشته و البته ابهامات زیادی در خصوص آن وجود دارد.

آنگتاد اعلام کرد که در سال ۲۰۱۶ به عنوان نخستین سال اجرای برجام ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری جذب اقتصاد ایران شده که این رقم نسبت به سال ۲۰۱۲ به عنوان آخرین سال فعالیت دولت دهم یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار کمتر است! طبق اعلام آنگتاد در سال ۲۰۱۲، حدود چهار میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار جذب اقتصاد کشور شده بود. اما اعلام گزارش‌هایی آنگتاد در خصوص وضعیت جذب سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۲۰۱۶ یک حسن دیگر هم داشت و آن این بود که حالا به‌طور دقیق می‌توان کارنامه چهار ساله دولت یازدهم در جذب سرمایه‌گذاری را با دولت دهم مقایسه کرد. مقایسه دقیق چهار سال فعالیت دولت تدبیر و امید در جذب سرمایه‌گذاری در مقایسه با دولت گذشته نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری خارجی در دولت حسن روحانی ۵ میلیارد دلار و چیزی در حدود ۴۷ درصد نسبت به دولت گذشته کاهش یافته است. دولت یازدهم در ۴ سال فعالیت خود (۹۲، ۹۳، ۹۴ و ۹۵) به ترتیب ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار، ۲ میلیارد و ۱۰۵ میلیون دلار، ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار و ۳ میلیارد و ۲۷۲ میلیون دلار سرمایه‌گذاری جذب اقتصاد ایران کرده که این رقم مجموعاً ۱۰ میلیارد و ۵۷۷ میلیون دلار می‌شود. این در حالی است که دولت دهم در ۴ سال فعالیت خود (۸۸، ۸۹، ۹۰ و ۹۱) به ترتیب ۲ میلیارد و ۹۸۳ میلیون دلار، ۳ میلیارد و ۶۴۹ میلیون دلار، ۴ میلیارد و ۲۷۷ میلیون دلار و ۴ میلیارد و ۶۶۲ میلیون دلار سرمایه‌گذاری جذب اقتصاد ایران کرده که این رقم در مجموع به ۱۵ میلیارد و ۵۷۱ میلیون دلار می‌رسد. بنابراین باید گفت در دولت حسن روحانی روند سرمایه‌گذاری خارجی در کشور با افت فاحش ۵ میلیارد دلاری و حدود ۴۷ درصدی رو به رو شده است.

#### دولت هر ایرانی را ۲ میلیون تومان بدهکار خارجی‌ها کرد

به نوشته رسانه‌های دولتی، ایران ۲۰ ماه پس از آغاز اجرای برجام توانسته نزدیک به ۴۵ میلیارد دلار قرارداد تامین مالی خارجی (فاینانس) با بانک‌های چین، کره جنوبی، هند و روسیه امضا کند و حدود ۱۰ میلیارد دلار دیگر نیز در حال نهایی شدن است.

رسانه‌های دولتی در حالی دریافت ۴۵ میلیارد دلار فاینانس (که قرار است به ۵۵ میلیارد دلار افزایش یابد) را موفقیت محض و دستاورد برجام جلوه می‌دهند که به آن سوی ماجرای دریافت فاینانس اشاره‌ای نمی‌کنند. دولتی‌ها به مردم نمی‌گویند که فاینانس به معنای جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیست، بلکه وام خارجی است. مسئولان دولتی به مردم نمی‌گویند که کشورمان باید این وام‌ها را به اضافه سودش به کشورهای پرداخت‌کننده، بازپرداخت کند. طبیعتاً از آنجا که دولت ایران برای دریافت این وام‌ها تضمین داده، این پول هنگفت باید از

منابع حاصل از اجرای پروژه‌ها یا خزانه دولت بازپرداخت شود. محاسبات نشان می‌دهد دولت دوازدهم با دریافت ۴۵ میلیارد دلار فاینانس از خارج، هر ایرانی را بیش از ۲/۱ میلیون تومان بدهکار کرده است. بر اساس مانورهای اخیر دولت دوازدهم، تاکنون قرارداد ۴۵ میلیارد دلار وام خارجی (فاینانس) به امضا رسیده که معادل ۱۷۱ هزار میلیارد تومان می‌شود. بدین ترتیب هر ایرانی بیش از ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان بابت این وام‌های خارجی بدهکار شده است. اگر همانطور که دولتی‌ها گفته‌اند این رقم به ۵۵ میلیارد دلار برسد، معادل ۲۰۹ هزار میلیارد تومان وام خارجی است و اگر سود بازپرداخت آن را هم لحاظ نکنیم، فقط برای اصل این وام‌ها سهم هر ایرانی بیش از ۲/۶ میلیون تومان بدهی خارجی خواهد بود. البته اگر سود این وام‌ها را هم محاسبه کنیم، میزان بدهی هر ایرانی، بیشتر هم می‌شود. هم‌اکنون حداقل هزینه بیمه فاینانس کره و چین برای ایران ۸ درصد و حداکثر ۱۲ درصد است و باتوجه به نرخ ۳ درصدی سود بانکی بین‌المللی (لایبور)، هزینه تامین مالی خارجی حداقل ۱۱ درصد و حداکثر ۱۵ درصد می‌شود. این هزینه‌های هزینه کارمزد بانک عامل ایرانی است. مسئولان دولتی بهتر است صادقانه با مردم سخن بگویند و اعلام کنند که مقصود از فاینانس، دریافت وام خارجی است؛ آن هم وامی که در اختیار تولیدکنندگان داخلی قرار نخواهد گرفت، بلکه به شرکت‌های طرف خارجی داده می‌شود تا در ایران، پروژه‌های اقتصادی اجرا کنند.

#### پاشنه آشیل فاینانس

تردیدی نیست که در شرایط فشارهای آمریکا برای بی‌خاصیت کردن برجام، هرگونه تامین مالی خارجی، حرکتی خلاف سیاست ضدبرجامی سردمداران فعلی آمریکاست، با این حال بررسی چالش‌های احتمالی پیش روی تامین مالی، ضروری است. باتوجه به اینکه در روش فاینانس، دولت بازپرداخت وام‌ها را (حتی در مواردی که وام به پروژه‌های غیردولتی اختصاص می‌یابد) تضمین می‌کند، این نگرانی از سوی عده‌ای مطرح شده است که استفاده از فاینانس‌ها به افزایش تعهدات خارجی دولت منجر می‌شود و ناتوانی احتمالی در بازپرداخت این تعهدات اثرات اقتصادی و حتی سیاسی سوئی برای کشور به دنبال خواهد داشت. این نگرانی زمانی تشدید می‌شود که بدانیم بخشی از پروژه‌هایی که از فاینانس استفاده می‌کنند، سال‌هاست نیمه‌تمام مانده و با پیشرفت فیزیکی کند به پیش رفته است. در شرایطی که کشور با انبوه پروژه‌های عمرانی نیمه‌تمام مواجه است، استفاده از فاینانس برای مواریدی از پروژه‌های عمرانی که ممکن است تا زمان سررسید اقساط فاینانس، به اتمام نرسد به این معناست که دولت از منابع خود (و نه بازده طرح‌ها) باید اقساط را بپردازد و این مساله خطر اتکال بازپرداخت اقساط به بودجه دولت یا ناتوانی از پرداخت اقساط را ایجاد می‌کند. برای برون‌رفت از این دغدغه‌ها دو تدبیر مشخص باید مدنظر قرار گیرد؛ نخست اینکه حد مشخصی برای تامین مالی خارجی مشخص شود و استفاده از این روش، نامحدود نباشد. به صورت مشخص در هر اقتصادی، نسبت خاصی بین تامین مالی خارجی با تولید ناخالص داخلی تعریف می‌شود. به این ترتیب که رقم فاینانس‌ها باید نسبت مشخصی مثلاً ۵۱ درصد تولید ناخالص داخلی باشد. دوم، اینکه در استفاده از فاینانس، طرح‌هایی که پیشرفت فیزیکی بالاتر، اهمیت اقتصادی بیشتر و سوددهی فراتری دارد، در اولویت قرار گیرد تا خطر وابستگی به فاینانس و دغدغه دربارہ احتمال پرداخت نشدن اقساط فاینانس به حداقل برسد. ►

نکته را نیز بگوییم که من طرفدار سرمایه گذاری مستقیم خارجی هستم.

**سرمایه گذاری مستقیم خارجی چه امتیازی دارد و چطور به نفع اقتصاد ایران است؟**

▲ سرمایه گذاری مستقیم خارجی بهترین نوع سرمایه گذاری است که باعث انتقال تکنولوژی و دانش فنی به کشور می شود.

به این ترتیب سرمایه گذاری خارجی مستقیم خیلی خوب است و حتما به انتقال تکنولوژی، افزایش درآمد، ایجاد اشتغال و نهایتاً رشد اقتصاد کشور می شود.

▲ به شرط مدیریت صحیح.

**این مدیریت را چطور ارزیابی می کنید؟**

▲ اشکالی که در این بخش وجود دارد پیدای بی انضباطی اقتصادی است. این بی انضباطی نیز در دولت روحانی ایجاد نشده، بلکه از قبل بوده و متأسفانه ادامه پیدا کرده است.

**لطفاً توضیح دهید که منظور از بی انضباطی اقتصادی دقیقاً چیست؟**

▲ بی انضباطی اقتصادی شامل بی انضباطی پولی، مالی و اداری است. بی انضباطی پولی را در سطوح بانکی ملاحظه می کنید. بی انضباطی مالی را نیز در سند بودجه شاهد هستیم. مثلاً بر اساس بودجه دولت به نهادهای پول داده می شود که نباید پول بدهیم.

**بی انضباطی اداری چگونه مشکل ساز می شود؟**

▲ سیستم اداری ما به جای اینکه نخبه پرور باشد و نیروهای اندیشمند، فهیم و کاردان را جذب کند برعکس آنها دفع می کند. نیروی انسانی (در سطح کارمندی و کارشناسی) که طی ۱۰ سال گذشته وارد دولت شده، اکثراً فارغ التحصیل دانشگاه های درجه پنج و شش هستند. یعنی اکثر فارغ التحصیلان دانشگاه های درجه یک مثل دانشگاه شریف، پلی تکنیک، دانشگاه فنی تهران و... جذب اقتصاد کشورهای توسعه یافته می شوند. هیچ وقت از خودمان نمی پرسیم که چرا آمریکایی ها به فارغ التحصیل دانشگاه پیام نور بورس تحصیلی نمی دهند. ما نیز باید سعی کنیم از آنها یاد بگیریم. حداقل از ژاپن یاد بگیریم. این کشور بهترین فارغ التحصیلان خود را جذب دولت می کند. وقتی نیروهای خوب جذب می شوند حتماً سرمایه انسانی ارتقا پیدا می کند. بر اساس آخرین گزارش سرمایه انسانی که در سال ۲۰۱۷ منتشر شده، ما بین ۱۳۰ کشور رتبه ۱۰۴ را داریم. همه اینها ناشی از این است که در به کارگیری نیروی انسانی مشکلات بسیاری داریم. در خود نهاد ریاست جمهوری کلی بیکار داریم. منظوم کسانی است که بر اساس رابطه وارد بخش پرسنلی ریاست جمهوری یا سایر وزارتخانه ها شده اند. با وجود اینکه آرمان های انقلاب اسلامی و قانون اساسی بر عدم تبعیض تأکید دارد، شاهدیم که اکثر بستگان مقامات بدون داشتن دانش لازم و از طریق حاکمیت رابطه به جای ضابطه وارد خدمات دولتی می شوند. سازمان امور اداری باید جلوی این بی نظمی ها را بگیرد.

**اگر این بی نظمی ها رفع شود از طریق جذب سرمایه گذاری خارجی می توان مشکلات اقتصادی موجود را حل کرد؟**

▲ بله، جذب سرمایه خارجی با فزونی که گفتم بسیار مفید است اما اگر پول دریافتی صرف ریخت و پاش شده یا در بی نظمی های موجود هدر رود، سرمایه خارجی نیز مشکلی را حل نمی کند.

**گفتید این مشکلات در دولت فعلی ایجاد نشده است، اکنون دولت چطور می تواند این مشکلات را حل کند؟**

▲ به تنهایی نمی تواند. به نظر من مجموعه حکومت یعنی هر سه قوه مقننه، قضاییه و مجریه باید خواهان



## یونان نباید الگوی اقتصاد ما باشد

مهدی پازوکی در گفت و گو با «مثلت»

برخی از کارشناسان اقتصادی معتقد هستند که دولت روحانی با توجه پیش از حد به فاینانس به سمت یونانیزه شدن می رود. موافقید؟

▲ به نظر می رسد این سوال یک آیه می است و مخالفان دولت می خواهند که بحث فاینانس را به بدهی کشورهای آمریکای لاتین یا یونان ربط بدهند.

**به نظر شما فاینانس و سرمایه گذاری خارجی چقدر در شرایط فعلی اقتصاد ایرانی ضروری است؟**

▲ خوشبختانه در شرایط فعلی میزان بدهی ما نسبت به تولید ناخالص ملی رقم پایینی است. از طرفی دولت بر اساس برنامه ششم باید صد ها میلیارد سرمایه گذاری کند، بنابراین اقتصاد کشور برای آنکه نرخ رشد مداومی داشته باشد به این سرمایه گذاری نیاز دارد.

**سرمایه گذاری مورد تأکید در برنامه ششم حتماً باید خارجی باشد؟**

▲ ابتدا باید از سرمایه داخلی استفاده کنیم و در مرحله دوم به دنبال سرمایه گذاری خارجی برویم.

**شما با سرمایه گذاری خارجی تحت هر شرایطی موافق هستید؟**

▲ خیر، اگر ما یک دلار از خارجی پول بگیریم، این یک دلار را در اقتصاد سرمایه گذاری و تبدیل به سه دلار ارزش افزوده کنیم، با فرض اینکه نیم دلار نیز بهره آن را بپردازیم به اندازه یک و نیم دلار درآمد ایجاد کرده ایم. این بسیار کار خوب و بخردانه ای است. اما اگر یک دلار را از خارجی گرفته و سرمایه گذاری نادرست کنیم، حتماً موجب به هدر کردن کشور می شویم و خطا کرده ایم.

**سرمایه گذاری مناسب و بخردانه ای که بتواند ارزش افزوده و درآمد بیشتر به همراه داشته باشد، در کدام حوزه ها باید انجام شود؟**

▲ تکنولوژی ما حدود سی سال از دنیا عقب است. من طرفدار سرمایه گذاری هستیم و معتقدم که برای حل مشکل اشتغال تنها یک راه پیش رو داریم. آن راه افزایش سرمایه گذاری در بخش های مولد

۲ روحانی که در چهار سال نخست از ریاست جمهوری خود توانست از پس پیچیده ترین پرونده بین المللی کشور برآمده و با شش قدرت جهانی به توافق برسد، حالا در چهار سال دوم باید شاخ غول اقتصاد را بشکند. کارشناسان و تیم اقتصادی او بر این باورند که بهترین راه برای رسیدن به این هدف استفاده از ثمرات برجام یعنی تعامل با کشورهای خارجی و جذب سرمایه است. این راهکار اما مورد پسند همگان نیست و برخی گمان می کنند که اقتصاد کشور را «یونانیزه» می کند. مقصود این است که جذب سرمایه خارجی نتیجه ای غیر از بدهکاری بالا آوردن ندارد و ما را به سر منزل مقصود نخواهد رساند. این گروه از اقتصاددانان که چشم شان از تجربه تلخ یونان ترسیده است، می گویند جذب سرمایه خارجی موجب معطل ماندن سرمایه های داخلی شده و تیشه به ریشه اقتصاد می زند. موافقان جذب سرمایه خارجی این تحلیل را قبول نداشته و اشکال کار را نه در جذب سرمایه خارجی بلکه در ضعف های مدیریت اقتصادی می دانند. مهدی پازوکی یکی از اقتصاددانان موافق جذب سرمایه خارجی است که در گفت و گو با هفته نامه «مثلت» شرایط مفید واقع شدن استفاده از سرمایه خارجی را توضیح داد. او معتقد است که اگر سرمایه خارجی به صورت مستقیم جذب شده و در مسیر درست استفاده شود، حتماً موجب افزایش درآمد و ارزش افزوده خواهد شد، به شرط آنکه بی انضباطی های اقتصادی را مدیریت کنیم. آنچه در ادامه می خوانید مشروح این گفت و گو است:

اقتصاد ایران است. از این طریق می توان مشکل اشتغال را حل کرد. دقت کنید که وقتی از اشتغال صحبت می کنیم اعتقاد داریم که بخش عمده آن باید در بخش تکنولوژی اطلاعات باشد. امروز در جهان توسعه یافته هفتاد درصد از سرمایه گذاری ها در این بخش انجام و تنها حدود هفت درصد در بخش نفت سرمایه گذاری می شود. این

سلامت اقتصادی باشند و تلاش کنند که رابطه‌ی بازی را دور بریزند. اگر مدیری، وزیری یا... فردی از اقوام را وارد سیستم اداری دولتی کرد باید او را کنار بگذارند. مثالی بزنم. اخیرا برای دخترم درخواست وام ازدواج دادم. برای این وام چندین ضامن شامل فیش حقوقی، سفته و سند خانه گرفته‌اند. این روند بسیار مطلوب و مثبت است اما وجود بدهی بخش خصوصی به دولت و نبود ضمانت‌نامه‌های کافی نشان می‌دهد که رویه همیشه رعایت نمی‌شود و عده‌ای در بانک‌ها با برخی مسائل از آن چشم‌پوشی کرده‌اند. اگر شبکه اطلاعات به جای مسائل پیش پا افتاده در کشور به این موضوعات رسیدگی کند حتما به نتایج مثبتی مثل ارتقای فرهنگ جامعه و رفع مشکلات اقتصادی می‌رسیم.

می‌خواهم بگویم که ما کشور را گران اداره می‌کنیم. به نظر من به عنوان یک کمک کارشناس اقتصادی که سی سال درس خوانده است، می‌شود کشور را بهتر اداره کرد، به شرط آنکه با مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخورد کارشناسی و علمی کنیم.

**به مزیت سرمایه‌گذاری خارجی و آفت‌هایی که مانع می‌شود از ثمرات مثبت آن استفاده کنیم، اشاره کردید. سوالم در مورد یونانی‌به شدن است. شما گفتید که مخالفان دولت می‌خواهند شرایط موجود را با کشورهای آمریکای لاتین تشبیه کنند. لطفا در مورد تفاوت شرایط کنونی اقتصاد ایران و این کشورها توضیح دهید.**

▲ اشکال مخالفین دولت این است که دنیا را نمی‌شناسند و به تعامل با جهان اعتقاد ندارند. این در حالی است که ما به تعامل با دنیا نیاز داریم. ورود سرمایه خارجی به اقتصاد ایران برای کشور امنیت به همراه می‌آورد. مثال آن جذب سرمایه در پارس جنوبی است. من هیچ قراردادی را امضا نکرده‌ام اما از قرارداد شرکت ملی نفت و شرکت توتال فرانسه دفاع می‌کنم زیرا برای ما امنیت ایجاد می‌کند. اگر فاینانس باز باشد و شرکت‌های کوچک‌تر بتوانند از آن استفاده کنند فضای کسب و کار رونق می‌گیرد و امنیت اقتصادی در کشور بالا می‌رود. اکنون یکی از بزرگترین مشکلات ما برای جذب سرمایه خارجی نامناسب بودن فضای کسب و کار است. این را نیز بگویم که منظورم از دنیا آمریکا نیست زیرا به رغم دفاع سرسختانه از تعامل با جهان به شدت با ترامپ و تفکر دولت او مخالف هستم. ما می‌توانیم با اتحادیه اروپا خصوصا آلمان و فرانسه ارتباط اقتصادی گسترده‌ای داشته باشیم و این حتما به نفع ما است. با تغییراتی که در دولت فرانسه اتفاق افتاده است، بستر این تعامل و همکاری فراهم‌تر شده است. باید از این فرصت‌ها استفاده کرده و به جای تعامل با کشوری که نمی‌توان و ضعیف، تعامل اقتصادی خود را با کشورهای مثل آلمان، فرانسه، ژاپن، استرالیا و... افزایش دهیم که در نهایت به امنیت و ثبات اقتصادی می‌رسیم.

آدام اسمیت پدر علم اقتصاد می‌گوید که اگر نفع شخصی منتج به نفع جمعی می‌شود، یعنی اگر همه مردم به دنبال افزایش سرمایه‌گذاری و تولید باشند، در نتیجه تولید

ملی بالا می‌رود و کشور به سوی توسعه و پیشرفت می‌رود. امروز اگر مایل هستیم که فساد را ریشه کن کنیم باید سرمایه‌گذاری در اقتصاد بیشتر شود، البته به شرط برقراری انضباط اقتصادی. روشن است که اگر بی انضباطی‌ها ادامه یابد پول خارجی را گرفته و برای مردم بدهی بالا می‌آوریم. دفاع من از سرمایه‌گذاری در شرایطی است که پول وارد بخش خصوصی شود و این بخش ضمانت دهد که در بخش‌های مختلف اقتصاد تولید ملی را افزایش دهد.

**آیا کشورهایی مثل یونان که نتوانستند از فاینانس برای رفع مشکلات اقتصادی خود استفاده کنند، غیر از بی انضباطی اقتصادی مشکلات دیگری نیز داشتند یا خیر؟ منظورم این است که مشکلات موجود در این عرصه برای اینکه ما را به سرنوشتی شبیه یونان دچار کند، کافی است؟**

▲ من کارشناس اقتصاد یونان نیستم اما به عنوان یک کارشناس اقتصادی تاکید می‌کنم که کشورهای مثل یونان به هیچ وجه نباید الگوی اقتصادی ما باشند. ضروری است که کشورهایی مثل آلمان، ژاپن، فرانسه یا کشورهای اسکاندیناوی را الگوی اقتصادی خود قرار دهیم. در یونان بیشتر شعار داده شد و گروه‌های سیاسی چپ سعی کردند که با بیان شعارهایی مبنی بر افزایش حقوق بانزشتگان و مسائلی از این قبیل جورا منتشر کنند. ما باید مثل آلمان و خانم مرکل با مسائل به صورت کارشناسی، علمی و منطقی برخورد کنیم، در این صورت قطعاً موفق خواهیم بود. ►

## یونان دوم؟

چرا باید از آنچه بر اقتصاد می‌گذرد نگران باشیم

مهران فاطمی

کارشناس اقتصادی

۳ دولت‌ها در ایران با توجه به مشکل تحریم و سخت بودن استقراض خارجی، برای جبران کسری بودجه، ساده‌ترین راه، یعنی برداشت از صندوق ذخیره ارزی را انتخاب می‌کنند. تبدیل این دلارها به ریال منجر به افزایش نقدینگی می‌شود که آن به نوبه خود با تأثیر بر روند عرضه و تقاضا منجر به تورم می‌گردد. البته باید خاطر نشان کرد استفاده از منابع نفتی توسط دولت و همچنین انتشار پول بدون پشتوانه مالی توسط بانک مرکزی از عوامل دیگر تورم است که ناشی از کسری بودجه دولت است.

منتها پس از به فرجام رسیدن برجام! تفکر اقتصادی استقراض خارجی پرنرنگتر گردید، به گونه‌ای که دولت در بودجه ۹۵ تقاضای استقراض خارجی تا مبلغ ۵۰ میلیارد دلار را کرد، همه اینها به اضافه مجوزهای استقراض خارجی است که در سال‌های قبل به دولت‌ها داده شده؛ ولی از آن استفاده نگردید. تا قبل از سال ۹۴ مجوز استقراض خارجی بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار به دولت‌ها داده شده بود که مجموعاً دولت در سال ۹۵ اجازه حدود ۲۰۰ میلیارد استقراض را خواهد داشت.

دلیل اصلی دولت برای این اقدام، کاهش شدید بودجه نفتی است که راحل آن را در استقراض خارجی می‌بینند و این گونه استدلال می‌نمایند که بدهی‌های خارجی کمی داریم؛ پس استقراض خارجی بلا مانع است. در این زمینه چند نکته وجود دارد:

الف. مسیری که این تفکر می‌پیماید، دقیقاً همان مسیری است که یونان پیموده و به فلاکت اقتصادی دچار شده است. این استقراض‌هایی که انجام می‌شود، علاوه بر بازپرداخت مبلغ اولیه، نرخ سود نیز به آن اضافه می‌شود که جمع این دو رقم زیادی است و برای نسل‌های بعدی تعهد ایجاد می‌کند.

ب. متأسفانه، عمده شرکت‌هایی که از این استقراض جهانی استفاده می‌کنند، دولتی هستند و تجربه چند ساله دولت نشان داده است که قدرت کسب درآمد بالایی ندارند؛ بنابراین قدرت بازپرداخت اصل و سود این وام‌ها را نخواهند داشت و به همین جهت در سال‌های آینده باید در انتظار جریمه‌هایی برای تأخیر در بازپرداخت این وام‌ها بود که خسارت‌های ناشی از دیرکرد پرداخت روز به روز افزایش می‌یابد.

ج. تجربه تعاملات خارجی کشورهای کمتر توسعه یافته نشان می‌دهد، بدهی‌های خارجی از عوامل اصلی فشار سیاسی قدرت‌های جهان است. یعنی کشورهای وام‌دهنده برای تمدید بدهی کشور وام‌گیرنده، معمولاً مطالبات سیاسی دارند و اگر این مطالبات تأمین نشود یا کشوری نخواهد آن مطالبات را انجام دهد، این موضوع به مشکلات جدی تبدیل خواهد شد و نیز احتمال طرح دعوا در محاکم بین‌المللی علیه آن کشور وجود دارد.

د. از سوی دیگر در شرایطی که اقراض خارجی تأکید می‌شود که منابع هفتگت سرمایه‌ای در داخل معطل و بلااستفاده مانده است. شبکه بانکی که حدود ۸۰۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی در اختیار دارد، آن را به بخش تولید اختصاص نمی‌دهد؛ دولت به جای اینکه نظام و شبکه بانکی را اصلاح کند، راه آسان‌تری را ترجیح داده و آن

استقراض خارجی است که نتیجه آن بدهکار کردن کل کشور مردم است. به عنوان مثال در دو سفری که مقامات کشورمان به فرانسه و ایتالیا داشتند، حدود ۵۰ میلیارد دلار قرارداد بسته شد؛ با فرض اینکه همه اینها استقراض خارجی باشد، یعنی هر ایرانی ۲/۵ میلیون تومان بدهکار شده است بدون اینکه هیچ سودی برای توده مردم داشته باشد یا رفاه خاصی برای همه مردم فراهم شده باشد. البته برای کسانی که سفر خارجی می‌روند یا کسانی که بعدها خودروهای گران قیمت پژو را سوار می‌شوند، احتمالاً رفاه ایجاد شده است؛ اما توده مردمی که بدهکار شدند چیزی به دست نیاوردند. ذکر این نکته لازم است که در طول چند دهه اخیر همه کشورهای که پیشرفت‌شان را به استقراض‌های خارجی گره زدند، با بحران‌های سنگین مالی و اقتصادی مواجه شدند. از جمله آن کشورهای اروپای شرقی است که یکی از مهم‌ترین مثال‌ها یونان است که با اقتصاد ورشکسته و ویران مواجه است.

تفکر اقتصادی که به جای تأکید بر منابع داخلی بر استقراض خارجی اصرار می‌ورزد از دو مساله ناشی می‌شود:

اولاً، تمایلی برای اصلاح سیستم‌های داخلی و بانکی وجود ندارد که نه تنها به تولید کمک نمی‌کند، بلکه سیستم آن فسادخیز است.

ثانیاً، این تفکر همچنان چشم‌امیدش به غربی‌هاست که اقتصاد کشورمان را توسعه دهد که این نگاه به غرب از یک مدل خودباختگی و بی‌اعتمادی به ظرفیت‌های دورنی ناشی می‌شود.

بنابراین به نظر می‌رسد اگر ستاد راهبردی اقتصاد مقاومتی، مسئولان و مردم، هوشیار نباشند ممکن است با ادامه و تشدید این روند، خدای ناکرده، ایران ظرف چندسال آینده به یونان دوم تبدیل شود. امیدواریم در سایه همدلی، هم‌بانی، تلاش و مدیریت جهادی مسئولان اقتصادی کشور اعم از مجلس، دولت، قوه قضاییه و همراهی مردم شریف هر چه سریع‌تر به اقتصاد مقاوم، درون‌زا و برون‌گرا دست یابیم. ان‌شاءالله ►

# روایت یک ویرانگی

## اقتصاد یونان چگونه بحرانی شد؟

**۴** نگاهی به آنچه بر اقتصاد یونان گذشته نشان می‌دهد جهش بی‌سابقه در نرخ نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی در یونان از ۱۲۰ درصد در سال ۲۰۰۷ به ۱۷۵ درصد در سال ۲۰۱۴، این کشور را در صدر کشورهای ورشکسته حوزه یورو جای داد. در اواخر سال ۲۰۰۹، هراس سرمایه‌گذاران از بحران بدهی‌ها دولت یونان و توانایی دولت در بازپرداخت این بدهی‌ها افزایش یافت. این هراس‌ها به سرعت با سقوط ارزش اوراق بهادار شرکت‌های سرمایه‌گذار در یونان و افزایش بی‌اعتمادی نسبت به توانایی دولت در تضمین «مبادله اقول اعتبارها» در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی به ویژه آلمان شد. در سال ۲۰۱۰، موسسه غیرانتفاعی «آژانس سنجش اعتبار» با انتشار گزارشی از وضعیت افزایش نسبت بدهی‌های دولتی به تولید ناخالص داخلی در میان سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ از ۱۲۷ درصد به ۱۴۶ درصد، رتبه این کشور را زیر حد نصاب سرمایه‌گذاری اعلام کرد. برای کمک به این کشور در می ۲۰۱۰، سه نهاد کمیسیون اروپایی، بانک مرکزی اروپا و صندوق بین‌المللی پول که به ترویج شهرت دارند، در توافق با دولت یونان، نخستین بسته کمک‌های مالی را به ارزش ۱۱۰ میلیارد یورو، تحت عنوان وام برای نجات یونان، اختصاص دادند که طبق همان توافق، نحوه استفاده از این وام تحت نظارت ترویکا و ذیل سیاست‌های اقتصادی ریاضتی صندوق بین‌المللی پول باید انجام می‌گرفت. با اعلام این خبر از سوی دولت یونان، در مارس ۲۰۱۰، تظاهرات ضد ریاضتی در یونان برپا شد. از دیدگاه ترویکا، شرط نخستین بسته کمک‌های مالی، اصلاحات مالی و خصوصی سازی دارایی‌های دولتی بود که باید تا سال ۲۰۱۳ ادامه می‌یافت. در سال ۲۰۱۱ با تعمیق بحران مالی همزمان با تاخیر اجرای سیاست‌های توافق شده دولت یونان و نهادهای اروپایی، دومین بسته از وام‌ها را به ارزش ۱۳۰ میلیارد یورو به یونان پرداخت کردند. در دسامبر ۲۰۱۲ و ادامه این بحران در یونان، به منظور بازپرداخت بدهی‌ها، ترویکا متعهد شد که آخرین دور از وام‌های نجات یونان را به ارزش ۸/۲ میلیارد یورو طی دوره ژانویه ۲۰۱۵ و مارس ۲۰۱۶ به دولت یونان اعطا کند. با تمهیدات موقتی از سال ۲۰۱۴ رشد اقتصادی یونان به طور شگفتانده از سر گرفته شد و با کاهش نرخ بیکاری، یونان فرصت یافت تا با فروش اوراق قرضه به بدهکاران خصوصی مقداری از کسری بودجه را جبران کند. متاثر از بحران مالی و ناتوانی دولت در کنترل و بهبود شرایط، آنتونی ساماراس رئیس دولت سابق یونان، پارلمان این کشور را منحل کرد و انتخابات مجدد در ۱۵ ژانویه ۲۰۱۵ برگزار شد. در این انتخابات حزب چپ‌گرای سیریزا پیش‌تاز شد و با کسب ۲۶/۹ درصد کل آرا، دولت ائتلافی جدید در یونان تشکیل شد. سیریزا بلافاصله پس از موفقیت در انتخابات اعلام کرد که توافقات گذشته مربوط به بسته‌های نجات مالی را لغو نخواهد کرد هر چند خواهد کوشید ضرب‌العجل بازپرداخت بدهی‌ها را از ۲۸ فوریه به ۱۳ می ۲۰۱۵ به تعویق اندازد. دولت جدید یونان به رهبری الکسیس سیراس از «گروه یورو» می‌خواهد که در ساختار بسته‌های نجات مالی تعدیل ایجاد کند و ترویکا را به پایان دادن دیکته سیاست‌های ریاضتی متقاعد سازد. میزان بدهی‌های یونان ۳۲۱ میلیارد یورو معادل ۱۷۵ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور برآورد شده است. حدود ۷۰ درصد بستانکاران این کشور

نهادهای بین‌المللی یا کشورهای حوزه پولی یورو هستند. صندوق بین‌المللی پول ۳۲ میلیارد یورو، بانک مرکزی اروپا ۲۷ میلیارد یورو، دولت‌های منطقه پولی یورو جمعاً ۵۳ میلیارد یورو و مکانیسم ثبات مالی اروپایی ۱۴۱ میلیارد و ۸۰۰ میلیون یورو از یونان طلب دارند. در کوتاه‌مدت یعنی از سال ۲۰۱۵ تا پایان سال ۲۰۱۷ یونان باید حدود ۴۰ میلیارد یورو از بدهی‌هایش را به بانک مرکزی اروپا، صندوق بین‌المللی پول و بانک‌های این کشور پرداخت کند. خطری که این کشور را تهدید می‌کند خالی شدن صندوق دولت و کاهش شدید نقدینگی آن است. با وجود این نخست‌وزیر یونان توقف دریافت کمک‌های مالی بین‌المللی را در دستور کار دولت قرار داده است. در نشست ۲۱ فوریه ۲۰۱۵ بروکسل، وزرای دارایی منطقه یورو و یونان به توافق رسیدند تا کمک مالی به این کشور را تا چهار ماه دیگر تمدید کنند. این توافق هر چند، موقتاً مانع از خروج این کشور از حوزه یورو خواهد شد؛ با این حال سایه بحران همچنان بر فراز اروپایی حوزه یورو باقی خواهد ماند. با تشدید بحران مالی یونان، رهبران حوزه یورو بدون کمترین اتلاف وقت، سازمان و قوانین مالی و پولی یونان را عامل اصلی آن معرفی کردند. به گفته این رهبران، دولت یونان باید با در پیش گرفتن اصلاحات اقتصادی از ظرفیت تورم‌زایی آن کاسته و از رشد اقتصادی حمایت کند. این دیدگاه این موضوع را که یونان پیش از پیوستن به حوزه یورو از رشد اقتصادی شتابانی بهره‌مند بود را در نظر نمی‌گیرد و همچنین می‌کوشد این مساله را نادیده بگیرد که نابرابری در زیرساخت‌های اقتصادی و مالی کشورهای حوزه یورو پیش از وقوع بحران از سوی بسیاری از اقتصاددانان هشدار داده شده بود.

دیدگاهی دیگر، ریشه‌های بحران مالی را در ساختار اقتصاد و مالی بین‌المللی و تناقضات درون آن جست‌وجو می‌کند. گسترش دموکراسی در سرتاسر جهان که به همه‌گیر شدن مفاهیمی مانند عدالت، حق تعیین سرنوشت و برابری دامن زده است، آشکارا با سیاست‌های مالی افسارگسیخته سرمایه‌داری مبیانت ندارد. این می‌تواند در وجهی به معنای ظهور جنبش‌های اجتماعی جدید ضد نظام سرمایه‌داری باشد که به دنبال خواست عدالت و برابری، عملکرد دولت‌ها و بازیگران خصوصی بازار را درون کشور «ملت پایه» به چالش بگیرد. این چالش دموکراتیک می‌تواند متضمن بازخیزی ناسیونالیسم اقتصادی در برخی کشورها و بازخیزی جنبش‌های چپ‌گرا در برخی دیگر باشد؛ به هر حال این استدلال را که دموکراسی و سرمایه‌داری یکدیگر را تقویت می‌کنند، به چالش می‌گیرد. نواقص سیستم سرمایه‌داری در اتحادیه اروپایی در ترکیب با ساختار ضعیف مالی یورو، علت اصلی بحران مالی یورو را تشکیل

**بحران انباشت بدهی برای جلا دادن به یک رشد اقتصادی کاذب و در جریان نگاه داشتن سرمایه‌های تزریق شده چه میان خانواده‌ها و چه در میان شرکت‌ها به بدهکارتر شدن تولیدکنندگان محلی و مصرف‌کنندگان دامن زد. این تعمیقی بود که طی ۱۰ سال گذشته آلمان را در راس اتحادیه پولی ثروتمندتر و کشورهای پیرامونی مانند یونان را فقیرتر می‌کرد**

داده است. در رابطه با این ساختار ضعیف، بحران بدهی عمومی در لایه‌های عمیق‌تر نتیجه نابرابری در مالی کردن اقتصادهای بلوغ‌یافته کشورهای شمالی و ناکامی کشورهای پیرامونی در این توسعه به موقع ساختاری بود. در سه دهه گذشته، کشورهای بلوغ‌یافته موفق شدند وزن گردش مالی را به نسبت تولید افزایش دهند. به این ترتیب، شرکت‌های بزرگ در حالی که بیشتر از گذشته درگیر بازارهای مالی بودند، کمتر و کمتر به بانک‌ها وابسته شدند. خانواده‌ها نیز از راه بیمه‌های بازنشستگی، بیمه و رهن درگیر سیستم مالی شدند. به دنبال این تغییرات مالی که نقش سابق بانک‌ها را ای‌اثر می‌کرد، بانک‌ها ناگزیر مسیر تغییر را در پیش گرفتند و به دنبال کسب سود از راه‌های تازه‌تری مانند دستمزدها، کمیسیون‌ها و برعهده گرفتن نقش‌های تجاری برآمدند و مهم‌تر از همه از طریق تمرکز فعالیت‌ها بر خانواده‌ها به جای شرکت‌ها، فعالیت‌های خود را توازن بخشیدند. در مجموع این تغییرات سودآور مالی بخش مهمی از جریان سود در اقتصادهای بلوغ‌یافته را در برمی‌گرفت. به این ترتیب سیاست مالی کردن سیستم اقتصادی از طرق مختلفی در کشورهای بلوغ‌یافته به اجرا درآمد و توصیه‌های اقتصادی آلمان با وجود فشار برای افزایش دستمزد کارگران و شرایط آنها، به صورت میانه‌ادامه پیدا کرد. این اصلاحات اقتصادی در آلمان منجر به تداوم منبع اصلی رشد اقتصادی آلمان شد یعنی رشد ارزش افزوده ناشی از مبادلات تجاری درون حوزه یورو. این ارزش افزوده که ناشی از پایین نگه داشتن دستمزدها بود به نوبه خود از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم و وام‌دهی بانک‌های آلمانی به کشورهای پیرامونی در یک چرخه بی‌پایان در خدمت رشد اقتصادی آلمان درآمد. در حالی که اقتصاد کشورهای پیرامونی دیرتر از کشورهای بلوغ‌یافته آغاز شد و در همان آغاز نیز در چارچوب‌های اتحادیه پولی و زیر سایه سنگین آلمان قرار گرفت. مالی شدن اقتصاد کشورهای پیرامونی به شکلی کاملاً متفاوت انجام شد که به رشد کاذب ناشی از افزایش مصرفی که به واسطه انباشت بدهی خانواده‌ها و یا حباب سرمایه‌گذاری از طریق سفته‌بازی حمایت می‌شد، سرعت داد. به این ترتیب، بحران انباشت بدهی برای جلا دادن به یک رشد اقتصادی کاذب و در جریان نگاه داشتن سرمایه‌های تزریق شده چه میان خانواده‌ها و چه در میان شرکت‌ها به بدهکارتر شدن تولیدکنندگان محلی و مصرف‌کنندگان دامن زد. این تعمیقی بود که طی ۱۰ سال گذشته آلمان را در راس اتحادیه پولی ثروتمندتر و کشورهای پیرامونی مانند یونان را فقیرتر می‌کرد. تمام نهادهایی که درگیر این روند فقرایی بودند مانند کمیسیون اروپا و بانک مرکزی اروپایی با تمرکز بر سیاست‌های ضد تورمی که با ثابت نگه داشتن حجم نقدینگی، توجهی به این رشد حباب گونه بدهی‌ها نداشتند، شریک تصمیمات شمرده می‌شدند. در این بین، رقابت‌پذیری آلمان که تا حدی مرهون وابستگی اعتباری یورو به اقتصاد آن بود، نسبت به گذشته افزایش چشمگیری داشت. در نتیجه آن همزمان که مازاد تجاری آلمان در مسیر صعودی قرار می‌گرفت، کشورهای پیرامونی بیش از گذشته گرفتار کسری تجاری می‌شدند. طبق شاخص‌هایی مانند تولیدات، سرمایه‌گذاری، مصرف و بازده اقتصادی، آلمان موفق به برقراری تعادل شد. برای مقابله با رقابت‌پذیری بی‌رحمانه آلمان، کشورهای پیرامونی به استراتژی‌های رشدی دست بردند که اغلب انعکاسی از تاریخ، اوضاع سیاسی و ساختار اجتماعی هر کدام از آنها بود. یونان و پرتغال، کوشیدند با بالا نگه داشتن میزان مصرف به این هدف دست یابند؛ در حالی که گروهی دیگر از کشورها از جمله ایرلند و اسپانیا از طریق سرمایه‌گذاری بر املاک و مستغلات همان هدف را تعقیب می‌کردند. طی بحران ۲۰۰۹ روشن شد که این استراتژی مالی، قادر به ایجاد رشد اقتصادی بلندمدت نیست. ▶

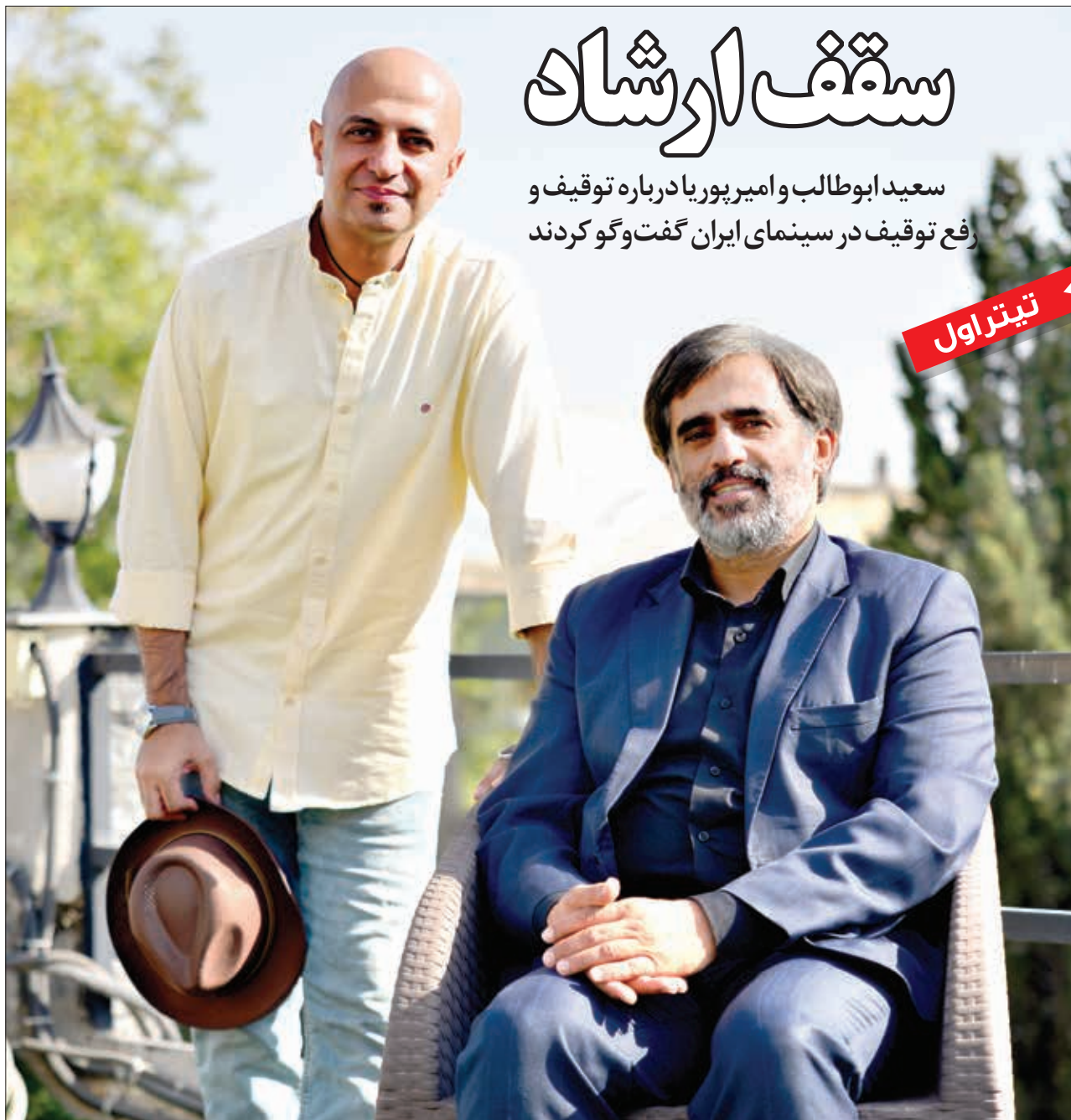
## ارتفاع توقیف!

توقیف و رفع توقیف آثار سینمایی یکی از موضوعاتی است که دغدغه همیشگی اصحاب و اهالی سینما و منتقدین بوده است. این بار اما رفع توقیف پنج فیلم سینمایی بحث‌های پردامنه‌ای را در میان اهالی فرهنگ به وجود آورده است. به همین بهانه به ماجرای این پنج فیلم و مساله ممیزی و توقیف نگاهی داشته‌ایم.

## سقف ارشاد

سعید ابوطالب و امیرپور یار در باره توقیف و رفع توقیف در سینمای ایران گفت‌وگو کردند

تیتراول



نقیسه رحمانی

خبرنگار

صدور مجوز اکران برای پنج فیلم توقیف‌شده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بهانه‌ای شد برای اینکه مروری بر ساختار ممیزی یا سانسور در کشورمان داشته باشیم. به عنوان نخستین سوال می‌خواهم مروری بر ساختارشناسی مفاهیم ممیزی و سانسور - از حیث ضعف و قوت - در سینمای ایران داشته باشیم.

▲ **ابوطالب:** اجازه دهید که من قبل از پاسخ دادن به سوال شما، دو مفهوم ممیزی و سانسور را از هم تفکیک کنم. معنای این دو حتماً یکی نیست ممیزی معنایی غیر از سانسور دارد؛ مفهومی که ممکن است قبل از تولید اثری از سوی مراجع مربوطه اعلام شود ولی سانسور به این معناست که بدون رضایت یا اجازه یک هنرمند، اثر را دچار تغییر کنیم.

مبتنی بر این تعریف؛ من حتماً با ممیزی موافق و با سانسور مخالفم معتقدم ممیزی را باید در یک چارچوب تعریف کرد و هنرمند، سفارش دهنده و مدیر فرهنگی و خالق

اثر را از این چارچوب آگاه کرد، هر جرح و تعدیل محتوایی بعد از این برای اثر هنری معنای سانسور به خود می‌گیرد. اعمال قدرت در تولید آثار هنری در واقع معنای سانسور می‌گیرد. اما اگر جمعی از هنرمندان و سازندگان آثار هنری، طبق رسمی که در همه جای دنیا وجود دارد، پس از تولید یک اثر در کنار هم، به تماشای آن نشستند و درباره آن اثر به جمع‌بندی خاصی رسیدند یا در جمعی از منتقدین، اثر به اکران خصوصی گذاشته شد و درباره آن تصمیم‌گیری شد، در این مرحله نیز سانسور رخ نداده است. سانسور در جایی حادث می‌شود که کار از سوی

## بازگشت به پرده نقره‌ای چه فیلم‌های رفع توقیف شدند؟



## برباد رفته‌ها نگاهی به آثار سینمایی که پس از نمایش، توقیف شدند



## چالش ممیزی نگاهی به تاریخچه سانسور در آثار سینمایی ایران

هنرمند تمام شده انگاشته می‌شود. من با این فضا ممیزی را می‌پذیرم و آن را لازم می‌دانم، اما با سانسور آثار هنری مخالفم.

▲ پوریا: من معتقدم هر دوی این مفاهیم را در سینمای ایران داریم نظارت کلمه دیگری است که به لحاظ اداری هر دوی این مفاهیم-ممیزی و سانسور- را در برمی‌گیرد و می‌تواند هر دو شکل این نظارت را در خود داشته باشد. اما آنچه در این میان مهم است، تعیین حدی از ممیزی است که منجر به رضایت یا عدم رضایت هنرمند از اثر نهایی است این یک پدیده نسبی است. دلیل آن هم گردش جاری سرمایه در سینما است. سینما به نسبت دیگر محصولات هنری و فرهنگی، گردش سرمایه بیشتری را در درون خود دارد و شاید فقط تلویزیون است که گاهی شانه به سینما می‌زند. در نتیجه نگرانی صاحبان اثر از ادامه کار، تهیه کنندگانی که باید برای آثار دیگر خود بیابند... منجر به این می‌شود که هنرمند با ممیزی کنار بیاید. او با رضایت خود ممیزی را اعمال کرده، به این دلیل که می‌خواهد چرخه ساخت و نمایش آثارش ادامه داشته باشد.

مبتنی بر این فضا می‌خواهم به نکته‌ای اشاره کنم که کمتر مورد توجه بوده است. فصل افتراق آنچه آقای ابوطالب به آن اشاره کردند، این است که چرا شوراها و ارزشیابی تجسم کاملی از فیلم نهایی ندارند؟! درست به همین دلیل است که ما مشکلات زیادی در حوزه صدور پروانه نمایش داریم و شاهد این مشکلات در صدور پروانه ساخت فیلم‌ها نیستیم. این در حالی است که اکثر آثار فاصله زیادی با طرحی که مبتنی بر آن اجازه ساخت دریافت کرده‌اند، ندارند. این شاید نشان از ضعف در قوه تخیل یا حتی کارناپذیری این افراد است؛ مثلاً به اندازه کافی با لحن آشنا نیست. لحن هجوآمیز را با مطالعه فیلمنامه متوجه نشده و زمانی که فیلم ساخته می‌شود، این هجو به چشم او عیان می‌شود. مثلاً صحنه‌هایی از فیلم نان، عشق و موتور هزار که بچه‌ها دیالوگ‌هایی را در لوکیشن کوچه، با صدای بلند بیان می‌کنند. این لحن هجوآمیز است.

در نتیجه به نظر من بیشتر از اینکه نوع این ارزشیابی ایدئولوژیک یا جناحی باشد، هنری یا کارشناسانه است افرادی که مربوط به قوه تخیل ناظر شده و او را از درک و تصور درست فضای طرحی که به دستش رسیده، باز می‌دارد.

به نظر من اگر میزان اطمینان فیلمسازان را از پروانه ساخت و اتصال آن به شوراها و نظارت بر نمایش افزایش دهیم، شاهد وضعیت بهتری در دیگر ابعاد سینما و فیلم‌های ساخته شده هستیم. وضعیتی که در آن همه ملزم به این هستند که با یک فیلمنامه کامل اقدام به دریافت پروانه ساخت کنند، نه اینکه با فیلمنامه‌های ۲۰ یا ۳۰ درصدی به صحنه فیلمبرداری بروند و یا انبوهی از ابهامات مواجه باشند.

به این صورت هم تجسم کاملی از فیلم برای شورا و ارزشیابی به وجود می‌آید و هم اطمینان فیلمساز از پروانه نمایش بالا می‌رود.

**مثلاً: آقای ابوطالب از تقدیم و تاخیر ممیزی و سانسور در سینما سخن گفتند و جناب پوریا هم از نوع انتخاب و چینش مهره‌هایی که مسئولیت ممیزی را به عهده دارند. این ترکیب در نهایت آن چیزی است که امروز ما را دچار این وضعیت کرده از سویی شاهد سانسور و توقیف هستیم**

▲ صدور پروانه نمایش برای پنج فیلم توقیف شده خانه پدری، خانه دختر، اشغال‌های دوست‌داشتنی، پارادایس و عصبانی نیستم بهانه‌ای شد تا ما در گروه فرهنگی مثلث، پرونده این هفته‌مان را به این موضوع اختصاص دهیم. سخن گفتن و شنیدن از فیلم و نقد آثار سینمایی، پیش از آنکه روی پرده سینماها روند، همیشه و همه جا جذاب بوده است. پس سعی کردیم در این نشست پس از آنکه آسیب‌شناسی ساختار ارزشیابی از نظارت در سینمای ایران را ترتیب دادیم، سخنی از این آثار توقیف‌شده نیز به میان آوریم. امیر پوریا؛ مدرس و منتقد سینما و سعید ابوطالب؛ مستندساز و روزنامه‌نگار، میهمانان همراه مادر این نشست بودند. آنچه پیش روی شماست، شرحی از گپ و گفت دو ساعته ما در این باره است.

**و از سوی دیگر شاهد رفع توقیف؛ وضعیتی که نه برای مخاطبان و نه برای صاحبان اثر مطلوب است. خلاء اصلی در این ساختار کجاست که منجر به این چینی نادرست شده است؟**

▲ ابوطالب: من معتقدم قوای ممیزی باید پیش از دیدن آثار تعیین و به فیلمسازان اعلام شده باشد. وقتی اثر توسط شورا و نظارت مشاهده و پروانه ساخت آن صادر شد، به این معنا باشد که این اثر مجوز اکران را نیز دارد. این طبیعی است که دامنه قدرت و حاکمیت تا جایی ادامه دارد که برای آثار فرهنگی و هنری نیز قواعد و حدودی قائل شود. اما در حیطه فرهنگ نمی‌توان حد و حدود را بر آثار به صورت عیان جاری کرد. به این دلیل که جنس هنر با این نوع از دستور معایر است.

کارگردان طرحی از یک فیلمنامه را با خود دارد. طرحی که تنها با فیلمنامه نهایی نشده است. میزاسن، دکوپاژ، دیالوگ‌نویسی، بازیگر و... در نهایت شدن یک اثر نقش فراوان دارند. شما می‌توانید با کم و زیاد کردن یک دیالوگ -نه یک پلان یا یک پلاتو- فیلم را به یک اثر منتقدانه یا هجوآمیز تبدیل کنید. این نشان از قدرت عوامل موثر در ساخت فیلم دارد. عواملی که باید در جریان ساخت و صدور پروانه ساخت به درستی به آن توجه کرد تا بعد از صدور پروانه ساخت، شورای نظارت و فیلمساز را درگیر بازیابی مجدد و صدور پروانه نمایش نکند.

حرف فیلمساز این است؛ شورای نظارت و ارزشیابی بایسته‌های و نبایسته‌ها را به من گفته است. من هم در این چارچوب طرحی از فیلم و فیلمنامه را برای این مرجع آورده‌ام. پس باید مبتنی بر همین طرح اثر ارزشیابی کند و حدود خلاقیت را از فیلمساز نگیرد در واقع اعضای شورای ارزشیابی باید قادر به تصویری از فیلم باشند و بر مبنای همان تصور تصمیم نهایی را بگیرند.

مضافاً اینکه باید تنوع برداشت‌ها را نیز در نظر داشت. ممکن است یک مخاطب مارمولک را هجو روحانیت بداند و دیگری بر آن باشد که این فیلم حرف‌های خوبی درباره روحانیت داشته است.

بنابراین ما نباید و نمی‌توانیم خوانش‌های فیلمسازان و مخاطبان از چارچوب ممیزی و ساخت فیلم را به سوی یک مدل واحد سوق دهیم. سانسور یا ممیزی پس از ساخت باید تنها در حوزه امور فنی صورت داده شود.

همچنین از سوی دیگر اشاره به این نکته نیز لازم است که مرجع و جنس افرادی که در جریان صدور پروانه ساخت

یا نمایش درگیر هستند، از جنس سینما باشد؛ مراجعی مثل سازمان سینمایی یا خانه سینما یا... افرادی از این دست که اتفاقاً منتخب فعالین همین حوزه هستند. افرادی که پست و منصبی در بدنه حاکمیت ندارند و در نتیجه متحمل فشاری نمی‌شوند.

این چنین است که این افراد می‌توانند روند کار نظارت و ارزشیابی را هم به نفع حاکمیت و هم به نفع فیلمسازان، تسریع نمایند.

▲ پوریا: نظر من هم در این باره به آقای ابوطالب نزدیک است. اینکه پروانه ساخت و نمایش در واقع باید یکسان تلقی شود و تمام ممیزی‌های مورد نظر پیش از ساخت و اتمام فیلم، بر فیلمنامه اطلاق شود. اما درباره نکته‌ای که آقای ابوطالب درخصوص تأثیر یک دیالوگ از زبان یک بازیگر، یا یک پلان در یک صحنه خاص یا... باید بگویم که درست همین تأثیر است که به وجود شورای نظارت و ارزشیابی پس از ساخت فیلم، مشروعیت می‌دهد! عضو شورای نظارت به درستی در اینجا می‌گوید که من نمی‌دانم در جریان ساخت فیلم چه اتفاقی رخ می‌دهد و فیلم چه فاصله‌ای با طرح خواهد داشت؟! ممکن است کارگردان از بازیگری استفاده کند که نماد خاطرات سینمای پیش از انقلاب است و این مساله در فیلمنامه برای ناظرین مشخص نیست.

نکته دیگری که درباره اعلام ممیزی پیش از ساخت آثار به آن اشاره کردید، من را به یاد دفترچه راهنمای سیاستگذاری معاونت سینمایی در دهه ۶۰ انداخت. نبود این دفترچه، نتیجه چالش‌های سینماگرانی بود که معتقد بودند این دفترچه شبیه یک دستورالعمل است و مبتنی بر آن امکان تولید اثر وجود ندارد. این همان طرحی است که مرحوم سیف‌الله داد نیز درباره آن اقداماتی انجام داده بود و تا جایی نیز پیش رفته بود.

مهم‌ترین نکته‌ای که در این باره باید به آن اشاره کرد این است که وجود چنین راهنمایی دامنه خلاقیت را محدود می‌کند. از هنرمند خواسته می‌شود که اسب



**نبود دفترچه راهنمای سیاستگذاری معاونت سینمایی در دهه ۶۰، نتیجه چالش‌های سینماگرانی بود که معتقد بودند این دفترچه شبیه یک دستورالعمل است و مبتنی بر آن امکان تولید اثر وجود ندارد. این همان طرحی است که مرحوم سیف‌الله داد نیز درباره آن اقداماتی انجام داده بود و تا جایی نیز پیش رفته بود**

خیال را به پرواز درآورد و در عین حال به او می‌گویند که اجازه پرواز تو تا این سقف است. سابقه و تجربه ما طی این سال‌ها حکایت از مرزها و حدود مشخصی برای ما دارد. محدوده نانوشتن‌های ترسیم شده که برای همه هنرمندان گویاست؛ چه هنرمندانی که در حوزه صنفی از آثار دیگران دفاع می‌کنند و چه هنرمندانی که در صدد ساخت آثار جدید هستند. همه اینها اذعان دارند که به محدوده نانوخته آگاه هستند و آن را طی دهه‌ها شناخته‌اند، چه در مقام مخاطب و چه در مقام سازنده!

اما اینکه قرار بر تعیین دوباره این ضوابط باشد، تا چه میزان اثربخش است؟!

باز گذاشتن دست هنرمند از یک سو و تعیین نکردن سقف برای خلاقیت و سازندگی او از سوی دیگر، نمی‌تواند منجر به ترسیم یک فضای واقعی و عملی در حوزه سینما شود فضایی که به میزان کافی برای هنرمند ناظر روشن باشد و در هر حال بایسته‌های مختلف در آن لحاظ شده باشد.

از این حیث شاید بتوان ترسیم بایسته‌ها را مفیدتر از ترسیم چارچوب بایسته‌ها به حساب آورد. ما - یعنی نهادهای ناظر حاکمیتی - از هنرمند نمی‌خواهیم که چه اثری بسازد، بلکه از او می‌خواهیم که این ناپیدها را در اثر خود رعایت کند و در واقع چه آثاری نسازد.

▲ **ابوطالب:** من معتقدم تدوین یک منشور کلی، که از قضا هرچه کلی‌تر باشد، بهتر نیز خواهد بود، می‌تواند در این فضا مفید باشد. این منشور باید به دست سینماگر برسد و او را از این بایسته‌ها آگاه کند.

هر کارگردانی بایسته‌ها را دانسته و با این علم درصدد تولید یک اثر سینمایی برآمده است. در نتیجه وقتی مجوز ساخت را دریافت کرد و فیلم را ساخت، تن به بازیابی پس از ساخت نیز می‌دهد. اما حرف او این است؛ حرف آخر را اول بزن! اگر می‌گویی فلان بازیگر در فیلمت حضور نداشته

باشد، من این گفته تو را می‌پذیرم، اگر می‌گویی درباره روابط فلان کشور خارجی با ایران، باید این بایسته‌ها را بپذیری و به آنها عمل کنی!

فیلمسازی که این چارچوب را نپذیرفته، می‌تواند مستقل باشد. به کشورهای دیگری برود و فیلمش را بسازد. اما اگر می‌خواهد در ایران فیلم بسازد، باید قوانین را بپذیرد. من بعید می‌دانم هنرمندی نتواند با این قواعد فیلم بسازد. سینما یک مقوله فرهنگی و اجتماعی است. اگر اثری از یک فیلمساز با مخالفت عده‌ای مواجه شد، نباید مانع ابراز این مخالفت‌ها شد. نباید فیلم را توقیف کرد و از پرده سینماها، پایین آورد. تجربه نشان داده که اتفاقاً این رویکرد منجر به فروش بیشتر فیلم و توجه بیشتر به آن می‌شود. این از آدم برفی تا گشت ارشاد تکرار شده است.

من معتقدم که نظارت پسینی نباید به این صورت وجود داشته باشد و اگر قرار است که موجود باشد در اختیار اهالی این صنف قرار داده شود. چطور ممکن است که اهالی سینما به درستی بایسته‌ها و نبایسته‌ها را متوجه نباشند و از آنها درخواست فیلمسازی برای سینمای این کشور داشت. ▲ **پوریا:** به نظر من تنها تصمیم‌گیر این حوزه ارشاد نیست. قواعد و قوانین و مراجع نانوخته‌ای وجود دارد که حتی ارشاد نیز باید به آن توجه داشته باشد. نکته دیگر درباره صحبت شما و فروش بیشتر فیلم‌هایی که از سد ممیزی و توقیف عبور کرده‌اند، این است که بسیاری از این فیلم‌ها وقتی اکران می‌شوند، هیچ اتفاقی در سینما و جامعه مخاطبان آن رخ نمی‌دهد. حتی هیچ فردی نمی‌گوید که چطور به این فیلم مجوز داده‌اند.

بخش عمده این مساله مربوط به دغدغه افرادی است که در این پست‌ها مشغول فعالیت هستند. آنها درصددند مانع اتفاقاتی شوند که به مذاق برخی خوش نمی‌آید. در نتیجه رئیس نظارت و ارزشیابی در این فکر فرو می‌رود که مانع چه اتفاقاتی شود. او به انجام دادن اموری که مثبت

است فکر نکرده، بلکه به نامطلب‌ها فکر کرده است. شاهد این ادعا هم دورانی از مسئولیت مرحوم داد است که در آن دوران بهرام بیضایی اجازه ساخت اثر پیدا کرد. در جشن خانه سینما، وقتی بهرام بیضایی برای دریافت جایزه روی سن آمد، افتخارش را ن گرفت این جایزه از دست مرحوم داد دانست. این همان رویکرد ایجابی در مدیریت است که برای اهالی این حوزه مهم است.

نگرانی یک رئیس ارزشیابی در فضای امروز این است که چه اتفاقی در دوران مسئولیت او رخ ندهد. در واقع فردیت این افراد با هم تفاوت چندانی ندارد، با وجود اینکه ما شناخت خوبی از خاستگاه این افراد داریم، اما خروجی دوران مسئولیت آنها تفاوت چندانی ندارد. چنان که در دوره مسئولیت محمود اربابی و جواد شمقدری تمایز جدی

نداشت. من همیشه در این باره گفته‌ام که صندلی معاونت ارزشیابی، هویتش را به صاحب آن منتقل می‌کند.

▲ **مثبت:** فکر می‌کنم پرداخت به چگونگی تقویت استقلال وزارت ارشاد و معاونت ارزشیابی می‌تواند در این راستا مفید باشد.

▲ **ابوطالب:** این نسبت مستقیمی با قدرت فرد انتخاب شده برای این منصب دارد. او فردی است که برای دفاع از مجموعه سینما در عین حال نظارت به این حوزه وارد شده است. فیلمی در یک دوره توقیف می‌شود و در دوره دیگری پروانه نمایش دریافت می‌کند. این اتفاق ناصوابی است؛ از این حیث که نشان‌دهنده وجود یک بی‌معیاری در این فضا است!

اما برای پرهیز از این اتفاق، نمی‌توان یک نظام نظارتی را از ابتدا چید. نمی‌توان از ورود هنرمندان جدید به این حوزه جلوگیری کرد و همه داشت. راه‌حل این است که این کار را به دست اهالی سینما سپرد. اینکه مجوز ساخت را صادر کردیم و بعد از آن نمی‌توانیم مجوز نمایش را صادر کنیم، نشان از ضعفی دارد که در جریان رساندن این مجوز به اکران در ساختار ارزشیابی وجود دارد!

همچنین پذیرش انحراف ۲۰ درصدی فیلم ساخته شده از فیلمنامه‌ای که به ارزشیابی تحویل شده امری طبیعی و قابل‌پذیرش است. نباید از این مساله ترسید. نباید از اعتراض‌ها واهمه داشت. حتی اگر مراجع صدور مجوز، تهیه‌کنندگان و... هم به این فیلم اعتراض داشته باشند، باید فیلمساز تمام این ریسک‌ها را بپذیرد و با توجه به همه اینها، تصمیمش را در جریان ساخت فیلم بگیرد. اگر می‌خواهد فیلمش را بسازد و تمام این فرصت‌ها را از دست بدهد، اجازه چنین ریسکی به او داده شود. حتی مراجع ذی‌صلاح می‌توانند پس از آن، مجوز ساخت فیلم را به این هنرمند ندهند، اما این ریسکی است که او پذیرفته و در نتیجه باید هزینه‌اش را نیز پرداخت کند. اینها همه جزو ذات سینماست.

برخی از این اعتراضات ممکن است بجا باشد، اما باید رسمیت مجوز نیز به استقلال شناخته شود. نمی‌توان به سادگی این مجوز را زیر سوال برد. باید به سمتی برویم که اگر بنا بر این است که مجوز ساختی به نمایش نرسد، در حداقل موارد شاهد این مساله باشیم.

برای تصمیم‌گیری درباره این حداقل‌ها هم اصناف مختلفی باید مجوز نمایش را به شورا بگذارند. نتیجه این شورا و ایرادات به تهیه‌کننده و کارگردان اعلام شود و از آنان خواسته شود که این موارد اصلاح شود. من اعتقاد دارم که بیش از ۶۰ درصد این قابل اصلاح است! حتی با اصلاح یک دیالوگ، چه بسا که ممکن است برخی از این ایرادات در جریان انتقال معنادار اشکال شده باشد و منظور فیلمساز، از سوی مخاطب به درستی دریافت نشده باشد. مثل موج مرده آقای حاتمی کیا! وقتی که این فیلم اکران شد، عده‌ای گفتند که برداشت آنها از فیلم به سود آمریکا



## جملات مهم

◀ **فیلم به رنگ ارغوان در زمان دولت اصلاحات مجوز اکران دریافت نمی‌کرد. من در آن زمان نماینده مجلس بودم و در جلسه‌ای خصوصی رئیس جمهور وقت را دیدم. ایشان به من گفتند که خواسته‌ای از من نداری؟! من ماجرای فیلم آقای حاتمی کیا را به خاطر علاقه‌ای که به ایشان داشتم بازگو کردم**

◀ **این طبیعی است که دلمنه قدرت و حاکمیت تا جایی ادامه دارد که برای آثار فرهنگی و هنری نیز قواعد و حدودی قائل شود. اما در حیطه فرهنگ نمی‌توان حد و حدود را بر آثار به صورت عیان جاری کرد. به این دلیل که جنس هنر با این نوع دستور مغایر است**

معترضین باید توانایی اعتراض و نقد را داشته باشند و آزادانه در این مسیر قدم بردارند.

▲ پوریا: همین گفتن‌ها و نوشتن‌ها و شنیدن‌هاست که گاسپ را برای ما مسجل می‌کند! نباید به این شنیده‌ها اکتفا کرد، باید فقط و فقط فیلم را دید و بعد درباره آن موضع‌گیری کرد.

مثلاً: اما این مساله روی دیگری هم دارد. از درجه دید یک معترض به جریان نگاه کنید. او در صدد است که اعتراضش منتج به نتیجه‌ای شود، نتیجه‌ای مثل توقف روند اکران یا عدم صدور پروانه نمایش. در صورتی که این سبک از اعتراض که آقای ابوطالب ترسیم کردند، در نهایت نتیجه‌ای نخواهد داشت.

▲ ابوطالب: این اعتراض در واقع نباید مرز اعمال فشار از سوی گروه‌های فشار شود. مراجع تصمیم‌گیری نباید تحت تأثیر این گروه‌های فشار واقع شوند. حتی می‌توانند ابراز تأثر و تاسف از صدور پروانه نمایش برای آن شوند!

▲ پوریا: در واقع این مراجع غیررسمی نباید مانع از صدور مجوز یا مانع از نمایش فیلم‌های دارای مجوز شوند. وزارت فرهنگ و ارشاد باید اقتدارش را از طریق ایستادن بر مجوزهایی که صادر کرده است، حفظ کند. همچنین در پی بخت و اقبال نباشد. منتظر نباشد تا فیلم امسال فلان کارگردان خوب باشد تا توافقی در این باره به دست بیاید.

همچنین یکی دیگر از مواردی که منجر به تنش‌های بیهوده در حوالی جشنواره می‌شود، تقسیم‌بندی است! اینکه یک جریان را جایزه‌بردار فلان فیلم ناراحت است و این ناراحتی را به سطح روزنامه‌ها و رسانه‌ها می‌کشاند و بحث را به سمت باید‌ها و نباید‌هایی می‌برد که در اصل از جایی دیگر ناشی می‌شود. قطعیت در ضوابط و معیارها و قدرت پروانه‌ای که برای یک اثر صادر می‌شود، منجر به قانونمندی خواهد شد. ▶

این فیلم به‌خاطر یک سری از ظواهر و شواهد، متعلق به یک جریان سیاسی و جناحی می‌شود. روزنامه‌های این جریان نیز تا حدی در این مورد حساس می‌شوند که اصلاً نمی‌توان انتقادی از این اثر صورت داد.

این واکنش‌ها در حوزه‌ای از ژورنالیسم رخ داده که به نوعی از گاسپ انجامیده است. در واقع متعلقین این جریان انتقام فیلم جریان مقابل را به این صورت می‌گیرند. ▲ ابوطالب: همه این جریان‌ها رسانه دارند و در رسانه‌شان صحبت از این موارد به میان می‌آورند. ما باید حق اعمال حاکمیت را به رسمیت بشناسیم و از قواعد آن پیروی کنیم. قواعدی که گاهی مشخص هست و گاهی مشخص نیست. اما باز هم تأکید می‌کنم که اگر مجوزی صادر شد، باید به پای استقلال و رسمیت آن ایستاد. نباید از انتقادات و اعتراضات تأثیر گرفت، بلکه باید در برابر این اعتراضات و انتقادات دفاع کرد.

ژورنالیسم باید نخستین واکنش به هر اثری را از آن خود کند تا جریان انتقادات و پیشنهادات در آن باره را مبتنی بر همان ریل‌گذاری پیش ببرد.

زمانی مجموعه ساعت شنی از تلویزیون پخش شد. من در آن زمان نماینده مجلس بودم و در کمیسیون فرهنگی پذیرای رئیس وقت رسانه، آقای ضرغامی بودیم. همه منتقدین در آن جلسه جمع بودند و مواردی را به ایشان متذکر می‌شدند. من در آن جلسه از یکی از خانم‌ها سوال کردم که چند قسمت از این سریال را دیده‌اید؟! قطعاً گفتند که اصلاً این سریال را ندیده‌اند و درباره آن شنیده‌اند.

همین نمایندگان گزارش تحقیق و تفحصی را از جشنواره فجر تهیه کردند که مبنای آن گزارشی بود که درباره جشنواره تهیه شده بود. گزارشی که نویسنده آن یکی از دوستان نابینای ما بود. آیا امکان داشت که چنین فردی تمام فیلم‌های جشنواره فجر را دیده و به آنها واکنش نشان داده باشد؟! ▶

بوده است! این در حالیست که قصد آقای حاتمی کیا چیزی درست در برابر این برداشت بود.

بنابراین ممکن است آنچه در ایده اولیه فیلم بوده، به درستی در عمل اجرا نشده باشد. همین مساله را می‌توان با مشورت هنرمند حل کرد.

فیلم به رنگ ارغوان در زمان دولت اصلاحات مجوز اکران دریافت نمی‌کرد. من در آن زمان نماینده مجلس بودم و در جلسه‌ای خصوصی رئیس‌جمهور وقت را دیدم. ایشان به من گفتند که خواسته‌ای از من ندارید؟! من ماجرای فیلم آقای حاتمی کیا را به خاطر علاقه‌ای که به ایشان داشتم بازگو کردم. رئیس‌جمهور نیز از وزیر ارشاد وقت خواستند که به این مساله رسیدگی کنند. نتیجه این شد که سرمایه‌های اصل فیلم از آقای حاتمی کیا خریداری شد. پس از آن هم به کارگردان گفت که مایل به نمایش فیلم نیست!

دغدغه ما این بود که مالکیت معنوی این فیلم همچنان در اختیار آقای حاتمی کیاست. چند سال پس از این ماجرا و در دولت بعد، با تغییری جزئی، مجوز اکران گرفت و اتفاق خاصی هم در حاشیه آن رخ نداد.

▲ پوریا: به رنگ ارغوان حتی برخلاف نگرانی‌هایی که درباره آن وجود داشت، مردم را از وجوه دیگری از مأموران امنیتی آگاه می‌کرد. به این مساله می‌پرداخت که این افراد نیز در درجه اول یک انسان هستند و ممکن است دچار علائق شوند. ریتن این فیلم هم مثل موج مرده، برعکس بود. روندی که بعد از اکران مخاطبان را متوجه کرد که این فیلم اصلاً برخلاف مصالح و خطوط قرمز نبوده و اتفاقاً تصویر درست و نویی از این اقتدار برای مخاطبان بازگو کرده است.

مهم‌ترین نگرانی‌هایی که درباره فیلم‌هایی از این دست شاهد آنها هستیم، مبتنی بر حدس‌هایی است که مسئولان ذی‌ربط درباره آثار می‌زنند آنها همواره در صددند تا برخی از آثار را از ورود به جشنواره باز دارند تا بهانه‌ای برای اکران آن نداشته باشند. اگر رویه اقتدار در میان این نهادها به درستی جاری شود، از موضوعات معمول، خط قرمز ساخته نمی‌شود.

مثلاً: من فکر می‌کنم در این میان باید به تفاوت تابوها و خطوط قرمز واقعی نیز توجه کرد. زمانی فیلم ساختن درباره وزارت اطلاعات و نیروهای امنیتی یک تابوی نانوشته بود. اما با گذر زمان بیشتری از انقلاب، این موضوع تبدیل به یک سوژه معمولی‌تر میان هنرمندان شد. مثل فیلم عصبانی نیستم از رضا درمیشیان که در بستری از اتفاقات رخ داده در سال ۱۳۸۸ جریان دارد. بستری که هنوز یک تابوی سیاسی در کشور ماست. درست است که سخن اصلی فیلم درباره این حوادث نیست اما وجود چنین بستری برای توقیف این اثر کافی است.

▲ پوریا: فیلم عصبانی نیستم، نماینده سینمایی جناح مقابل قلاده‌های طلا یا پایان نامه، نام گرفته است. به همین دلیل هم ناگهان در وضعیتی قرار گرفت که میان هواداران این جریان سیاسی، دچار هاله‌ای تقدس شد! یعنی افرادی مثل من نمی‌توانستند انتقادات زیبایی‌شناختی و سینمایی مان به این فیلم را مطرح کنیم. دلیل این واکنش هم اینگونه بیان می‌شد که ما آب به آسیاب سانسور ریخته ایم.

عصبانی نیستم طرح عاشقی جوانی است که پدر دختر مورد علاقه او، شرایطش را غیرقابل اتکا می‌داند. اینکه در چنین وضعیتی پسر دست به قتل پدر دختر بزند، در کدام چارچوبی قابل باور است؟! اما نمی‌توان این انتقاد را مطرح کرد، چرا که در حاشیه این فیلم بحثی مطرح شده که امروز حتی شاهد آن نیستیم. آن هم بحث دانشجویان ستاره دار است.

## جملات مهم

◀ فیلم عصبانی نیستم، نماینده سینمایی جناح مقابل قلاده‌های طلا یا پایان نامه، نام گرفته است. به همین دلیل هم ناگهان در وضعیتی قرار گرفت که در میان هواداران این جریان سیاسی، دچار هاله‌ای از تقدس شد یعنی افرادی مثل من نمی‌توانستند انتقادات زیبایی‌شناختی و سینمایی مان را به این فیلم مطرح کنند. دلیل این واکنش هم اینگونه بیان می‌شد که ما آب به آسیاب سانسور ریخته ایم

◀ عضو شورای نظارت به درستی در اینجا می‌گوید که من نمی‌دانم در جریان ساخت فیلم چه اتفاقی رخ می‌دهد و فیلم چه فاصله‌ای با طرح خواهد داشت؟ ممکن است کارگردان از بازیگری استفاده کند که نصاد خاطرات سینمایی پیش از انقلاب است و این مساله در فیلمنامه برای ناظرین مشخص نیست





## بازگشت به پرده نقره‌ای

چه فیلم‌های رفع توقیف شدند؟

محبوبه شریف حسینی

خبر نگار

۲ روزهای آخر تابستان، حامل یک خبر ویژه برای اهالی سینمای ایران بود. پنج فیلم توقیفی با دستور وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مجوز نمایش دریافت کردند. این خبر هرچند دو وجه خوب و بد برای هر طیف از اهالی این حوزه داشت، اما در باطن خود خبر از مسائل دیگری داشت. فضایی که دغدغه آن تنها اکران یا جلوگیری از اکران یک فیلم نبود. نشانه‌ای از تفاوت زمین تا آسمان رویکردها و قول‌ها و فعل‌ها در مراجع ارزشیاب این آثار داشت. مراجعی که چند سال پیش از اکران برخی از این فیلم‌ها تا حدی ناراضی بودند که آنها را از روی پرده سینما پایین آوردند و چند سال بعد، با دست خود دوباره این آثار را روی پرده سینماها بردند!

از اکران تا توقیف و از توقیف تا اکران این آثار، شاید کمتر از چهار سال به طول انجامید. چهار سالی که شاید مهم‌ترین رهاورد آن، گذر ایام بود. گذر ایام و تداول دولت در میان دست‌ها!

به هر حال امروز شاهد اکران پنج فیلمی هستیم که روزی نمایندگان مردم در کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، با انتشار نامه‌ای به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، خواستار توقیف آنها شدند. این فیلم‌ها مجوز نمایش امروزشان را از دست کسانی گرفته‌اند که نه تنها دغدغه‌ای برای اکران دیگر همانند این آثار ندارند که بازی قدرت به صورتی دیگر در این میان رقم خورده است...

در این نوشتار، مروری مختصر بر محتوای این آثار و دلایل اصلی توقیف آنها داشته‌ایم. مجال کوتاه سخن،

فرصت نقد مفصل این آثار را از نگارنده می‌گیرد، اما مرور فضای کلی این آثار در کنار تماشای آنها، می‌تواند سرنخ‌هایی - هرچند کوچک - برای قضاوتی درست‌تر در اختیار مخاطبان قرار دهد.

### خانه پدری

خانه پدری فیلمی به کارگردانی و نویسندگی کیانوش عیاری و محصول سال ۱۳۸۹ است. تهیه‌کنندگی این فیلم را در ابتدای پروژه، ناجی فیلم وابسته به نیروی انتظامی بر عهده داشت که در ادامه به دلیل انتقادات پیرامون خشونت فراوان در فیلم از این تهیه‌کنندگی منصرف شد. داستان فیلم خوانشی به واقع خشن از یک سوژه است. قصه اتفاقاتی که در یک خانه قدیمی و در دوره قاجاریه رخ می‌دهد و تبعات آن تا امروز، نسل اندر نسل دامن افراد این خانواده را گرفته است. روایت داستان بازه زمانی از سال ۱۳۰۸ تا ۱۳۷۹ شمسی را در بر می‌گیرد. خانه پدری به ظاهر در پی آن است که مسائل و مشکلات زنان ایران را در هفتاد سال اخیر به تصویر بکشد. این در حالی است که فیلم خواسته یا ناخواسته، در دام موضع‌گیری خاص افتاده و در واقع به استفاده از المان‌های مذهبی، به روشنی ذهن مخاطب را به سوی یک فیلم غیرمذهبی می‌برد! نامگذاری شخصیت‌های مثبت و منفی، تعامل مردان خانواده‌های سنتی به عنوان نماد قشر مذهبی و... مواردی هستند که به روشنی نشان از فکری خاص در این زمینه دارد.

خانه پدری پس از ۳ سال توقیف در جشنواره فجر ۱۳۹۱ اکران شد. بسیاری از افراد آن را ستودند و بسیاری انتقادات زیادی به این فیلم روا داشتند.

نهایتاً فیلم در روزهای چهارم و پنجم دی ماه ۱۳۹۳ در

گروه هنر و تجربه در پردیس سینمایی کوروش به نمایش درآمد. اما پس از آن اکران فیلم متوقف شد.

به تصویر کشیدن فرزندکشی به شنیع‌ترین شکل ممکن، استفاده از خشونت و نشان دادن صحنه‌های خشونت‌آمیز، تأکید بر جریان ایدئولوژیک خاص در داستان آدم‌کشی‌های موجود در فیلم و... از جمله دلایل لزوم عدم اکران این فیلم دانسته شده است.

خانه پدری در نخستین اپیزود خود ماجرای قتل یک دختر جوان توسط پدر متشرعش را به تصویر می‌کشد؛ در این نما پدر نادان که در فیلم بی‌دلیل بر ایمانش تأکید می‌شود چنان با سنگ بر سر فرزندش می‌کوبد که انگار در حال شکستن قند است به دنبال این نما نیز تصویر زنده به گور کردن فرزند در زیرزمین خانه محل اقامت خانواده را شاهدیم.

این سرنخ از فضای سنت‌زده فیلم تا جایی ادامه می‌یابد که در یک صحنه پدر برای برطرف کردن شبهه یکی از اقوام درباره قتل فرزند، شمشیری را تا میانه در قبر فرو برده و سپس شمشیر خون‌آلود را به طرف خویشاوند خود می‌گیرد تا درستی عمل قبیحش را هویدا کند. آنچه در این بخش ابتدایی فیلم می‌گذرد آن قدر وحشیانه است که حتی کارگردان فیلم نیز چنان که خود ادعا کرده به هنگام فیلمبرداری این نماها در کنار فیلمبردار حضور نداشته و صرفاً دکوپاژ را برای او روایت کرده و خود بیرون از لوکیشن منتظر فیلمبرداری نماها مانده است.

این چنین است که لزوم به تصویر کشیدن صحنه‌هایی با این درجه از خشونت برای القای پیامی که میزان سلامت و لزوم آن مورد تردید جدی است، هنوز برای بسیاری از منتقدین خانه پدری نامشخص است.

### آشغال‌های دوست‌داشتنی

آشغال‌های دوست‌داشتنی؛ اثری به کارگردانی، نویسندگی و تهیه‌کنندگی محسن امیربوسفی و محصول سال ۱۳۹۱ است. این فیلم که درباره اتفاقات بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸ است، هم محوریت داستان را از این

او به اطرافیان دارد؛ آنجا که به خانه آمده و دختر کوچکتر خود را با داماد دیده، می گوید: «تو نامحرمی، درست نیست با دختر تنها اینجا باشی، این دختر به اندازه کافی بزرگ شده.»

حاج مرتضی فکر می کند شاید دخترش کاری کرده است و شاید در محله اش آبروریزی شود، برای همین حتی خانه خود را با قیمتی پایین تر برای فروش می گذارد و تلاش دارد از محله خود به جای دیگری کوچ کند!

در بسیاری از صحنه های فیلم اشاره بر پاکدامنی و نجابت سمیرا می شود- مثلاً سرسایدار خانه، مدیر تالار عروسی، دوستان همکلاسی او و... بارها بر این مساله تاکید می ورزند پس چرا در نهایت او دست به خودکشی می زند؟ آیا واقعا سمیرا با آنچه دیگران از او می گویند تفاوت دارد یا اتفاقی در برهه ای از زندگی نجابت وی را خدشه دار کرده است؟ آیا مثلاً این امکان وجود دارد که در گذشته دختر مورد تعرض واقع شده باشد؟ آیا ممکن است در دوران کودکی آسیبی به او رسیده باشد؟ آیا ممکن است کسی از نزدیکان پدر و یا فامیلی نزدیک به او تجاوز کرده باشد پدر به همان علت نمی خواهد صدای مساله درآید؟

این شاید مهم ترین نقطه عطفی است که خانه دختر را با سوال مواجه ساخته است، چنان که در فیلم شاهدیم و در تحلیل های این فیلم نیز به این مورد اشاره شده؛ حتی این امکان وجود دارد که انتخاب نام خانه دختر نشانه ای باشد بر این مساله که اتفاقی در همان خانه محل زندگی برای دختر روی داده است و در واقع همان خانه است که منشا نگون بخشی او بوده است؛ خانه ای که حتی خواهر کوچکتر سمیرا نیز در آن با خیال آسوده زندگی نمی کند و ترسی همیشگی در رفتار و نوع نگاهش موج می زند!

#### ❖ پارادایس

پارادایس؛ اثری به کارگردانی و تهیه کنندگی علی عطشانی و نویسندگی مهدی علی میرزایی، محصول سال ۱۳۹۴ سینمای ایران است. داستان از این قرار است که دو طلبه جوان می خواهند برای شرکت در سمیناری دانشگاهی پیرامون ادیان به آلمان بروند. یکی از طلبه ها در فیس بوک با یک دختر آلمانی آشنا شده و از این طریق قصد سفر به آلمان را کرده است. رئیس حوزه علمیه آن دو طلبه که حاج آقا فراسی نام دارد، راه سفر را بر آنها می بندد. طلبه های جوان با اغفال حاج آقا فراسی، ویزای هم برای او می گیرند و او را با خود به آلمان می برند.

داستان روایی روی طلبه های جوان با افراد مختلف در آلمان و جریان صحبت ها و تبادل نظرات آنان در فیلمنامه یادآور برخی از فضاهای انتهایی در مارمولک برای مخاطبان است.

عطشانی در مصاحبه هایی که درباره پارادایس داشته، همواره بر این نکته تاکید کرده که فیلم او یک فیلم دینی است. عطشانی در این باره می گوید: «این فیلم در نقد مذهب های دروغین همچون داعش و وهابیت است که به اسلام ناب محمدی ضربه می زنند. به دلیل حساسیت موضوع «پارادایس»، افرادی که در راس امور سیاسی و فرهنگی هستند به تماشای فیلم نشستند و نظرات مثبت و موافقی نسبت به آن داشتند. زیرا این فیلم هم سو با سیاست های نظام و در تبلیغ تشیع است.»

او در اثبات این اظهارات خود به تجربیات تیم سازنده حین حضور در لوکیشن های خارجی فیلم اشاره داشته و می گوید: «۷۰ درصد از این فیلم در آلمان و اسپانیا فیلم برداری شده و جالب است که بگویم در یکی از سکانس ها حدود ۷۰ نفر از هنروران خارجی حضور داشتند و هنگام بیان دیالوگ های مذهبی بازیگران، حتی آنها نیز تحت تاثیر قرار گرفتند و در فکر فرو رفتند.» ❖

کشمکش به قتل وی منتهی می شود. یک داستان نامنظم باریتمی غیرطبیعی است که فرجام آن ارتباط چندانی با روند مورد انتظار و البته منطقی داستان ندارد.

نکته مهمی که درباره عصبانی نیستم باید به آن اشاره کرد اینکه بستر وقوع این حوادث و ماجراها، جریان اتفاقات سال ۱۳۸۸ در ایران و تهران است. بازیگران این فیلم در صحنه های زیادی نمادهایی همراه خود دارند که نشان از وابستگی سیاسی آنان به یک جریان خاص دارد و در کنار این نکته ستاره دار بودن نوید، به عنوان یک دانشجوی کرد، یکی از نکات قابل بحث در این فیلمنامه است. بستری که اگر از فیلم گرفته شود، نمی توان هیچ ایراد محتوایی یا جناحی و سیاسی به آن وارد کرد. در واقع عصبانی نیستم بیشتر از آنکه برای دیده شدن انتکایی به متن داشته باشد، به حاشیه ها اتکا کرده و از رهگذر همین حواشی است که در محاق توقیف گرفتار آمده است.

در واقع مخاطب نمی تواند ارتباط منطقی این نمادها و تاکید نویسنده و کارگردان بر استفاده از آنها را در نسبت با داستان اصلی نوید و ستاره دریابد چه از این رو که ماجرای اتفاقات ۱۳۸۸ در ایران، هنوز یک تابوی مهم سیاسی-امنیتی به حساب می رود و انگیزه کارگردان از نزدیک شدن به این تابو و به چالش کشیدن آن بیشتر یک فانتزی سیاسی به نظر می رسد تا یک دغدغه اجتماعی، فانتزی که با فضا سازی رسانه های منتسب به هر دو جریان سیاسی غالب در کشور، داغ و داغ تر شده و دامان بیشتری به حاشیه سازی این اثر زده است.

عصبانی نیستم در کنار این موارد، حامل نخستین حضور سینمایی باران کوثری پس از دو سال ممنوع فعالیت است. این بازیگر که آخرین حضورش در فیلم سینمایی بغض- به کارگردانی درمیشیان- بود، برای دومین بار پس از بغض، در عصبانی نیستم مقابل دوربین درمیشیان رفته است.

کوثری از اواسط دولت دهم ممنوع فعالیت شده بود و اقوال سیاسی خاص او در کنار حضور فعال او در جریان اتفاقات ۱۳۸۸، حامل پیام مهمی در فیلمنامه درمیشیان است. به این معنا که شاید مخاطب با شنیدن این دیالوگ ها از دهان بازیگر دیگری که چنین تجربیاتی از خود در اذهان باقی نگذاشته، نمی تواند غلظت نگاه سیاست زدگی را تا این حد به مخاطبان القا کند.

عصبانی نیستم با وجود اعتراضات و حاشیه سازی های فراوان در جشنواره فجر سال ۱۳۹۲، قرارداد اکران خود را در شهریور ۱۳۹۳ در گروه سینما آفریقا به ثبت رساند. در مهر ماه همان سال اما کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی با ارسال نامه ای به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، خواستار عدم صدور مجوز برای این فیلم و ۷ فیلم دیگر شد. در آبان همان سال، وزیر ارشاد وقت ایران، از عدم اکران این فیلم تا زمان اعمال تغییرات جدید خبر داد و اعلام کرد که شخصا اقدام به مشاهده فیلم و میزان اعمال تغییرات روی آن خواهد کرد.

#### ❖ خانه دختر

خانه دختر به نویسندگی پرویز شهبازی و کارگردانی شهرام شاه حسینی، محصول سال ۱۳۹۳ است. سوزه اصلی داستان در مورد مساله بکارت و منز بودن دختران از دید شرع، قبل از ازدواج است. در ابتدای فیلم، انتهای داستان به مخاطب نشان داده شده است. مخاطب مرگ عروس را می فهمد، اما دوست دارد بداند که چگونه این اتفاق افتاده است.

پدر دختر پس از آنکه متوجه مرگ دخترش شده، از داماد خود می پرسد که آیا به او دست زده است؟! حاج مرتضی که نماد سنت و قشر مذهبی در این میان است، رفتارهایی از خود به نمایش می گذارد که نشان از شک

اتفاقات گرفته و هم بستر رخداد حوادث را از این اتفاقات برداشت کرده است. آشغال های دوست داشتنی در واپسین سال دولت دهم ساخته شد و موفق به دریافت مجوز نمایش نشد. این فیلم در دولت یازدهم نیز موفق به اخذ مجوز نشد تا اینکه در دولت دوازدهم چنین اتفاقی رخ داد.

فضای رسانه ها و اخبار شنیده، حاکی از آن است که داستان آشغال های دوست داشتنی در خانه یک پیرزن که با دختر میانسالش زندگی می کند، جریان دارد. در یکی از روزهای بعد از انتخابات که تجمع مخالفان نتایج انتخابات و معترضان در خیابان های تهران برقرار است، عده ای از تجمع کنندگان فراری وارد خانه پیرزن می شوند و در آنجا مخفی می شوند. بعد از خروج از خانه متوجه علامتی روی درب خانه پیرزن می شوند و طبق شایعاتی که آن روزها شنیده می شد، به پیرزن خبر می دهند که احتمالاً در روزهای آینده به خانه او مراجعه خواهند کرد و آنجا را تفتیش می کنند. پس به پیرزن هشدار می دهند که اگر در خانه اش چیز مشکوک و مساله سازی دارد، آن را از خانه خارج کند تا مشکلی برایش به وجود نیاید و داستان تازه از اینجا شروع می شود.

استفاده از نمادهای سیاسی و جناحی در داستان آشغال های دوست داشتنی به قدری مشخص و بارز است که مخاطب را به روشنی همراه فضای سیاسی فیلم می کند. در صحنه هایی از فیلم شاهدیم که بر دیوار اتاق خانه پیرزن، سه قاب عکس از سه مرد وجود دارد. مرد اول؛ پسر پیرزن است که در جنگ ایران و عراق شهید شده است. در صحنه های دیگر البته ماجراهایی از این شهید می بینیم که روایتی غیر معمول از او به عنوان یک شهید به مخاطبین ارائه می کند. شهیدی که نوارهای ترانه گوش می دهد و رفتاری معمول با جوانان دوران خود دارد!

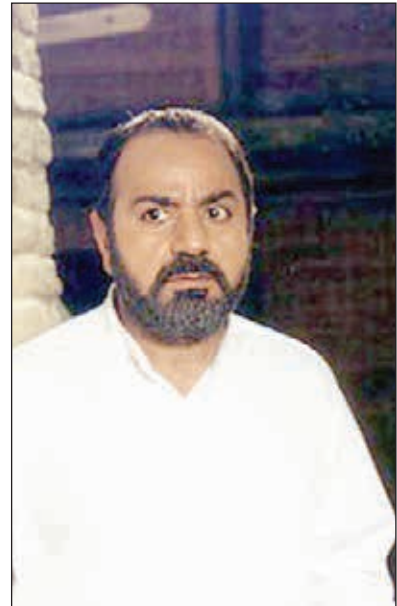
قاب عکس دوم اما متعلق به برادر پیرزن است. مردی که از اعضای سازمان مجاهدین خلق بوده و در جریان اتفاقات دهه شصت اعدام شده است. قاب عکس سوم هم متعلق به همسر پیرزن است که ظاهراً از طرفداران مصدق بوده است که در جریان کودتای ۲۸ مرداد برایش اتفاقی افتاده است.

جریان داستان به گفت و گو و خیالی این سه نفر با پیرزن در جریان شبی می گذرد که او خیال می کند ماموران امنیتی فردا به سراغ خانه اش خواهند آمد.

آشغال های دوست داشتنی در میان آثاری که در باب و بستر ماجرای ۸۸ ساخته شده، یکی از مهم ترین آثاری است که سخنی برای گفتن دارد. این سخن هرچند به گوش یا مذاق بسیاری از اهالی سیاست و رسانه خوش نمی آید و در واقع پیام درستی را به مخاطب عرضه نمی کند، اما یک فیلم به واقع سیاسی و ایدئولوژیک را ساخته و پیش روی مخاطب قرار داده است. نقش اتفاقات ۱۳۸۸ در آشغال های دوست داشتنی، درست در نقطه مقابل عصبانی نیستم قرار دارد. به این معنا که اگر جریان سال ۸۸ را از این فیلمنامه بیرون بکشیم و بعد به داستان آن نگاه کنیم، شاهد یک داستان ناقص و نامفهوم هستیم. این چیزی است که در فیلم عصبانی نیستم قطع به یقین شاهد آن نخواهیم بود.

#### ❖ عصبانی نیستم

فیلم عصبانی نیستم؛ محصول سال ۱۳۹۲ سینمای ایران، به نویسندگی و کارگردانی رضا درمیشیان است. داستان فیلم از این قرار است که نوید- با نقش آفرینی نوید محمدزاده- دانشجوی ستاره دار و اخراجی دانشگاه تهران است که در تلاش است تا دختر مورد علاقه اش ستاره- با بازی باران کوثری- را به دست بیاورد. در این میان پدر ستاره، به دلیل عدم توانایی نوید در فراهم کردن شرایط اولیه زندگی، با این ازدواج مخالف است و در نهایت این



## بربادرفته‌ها

نگاهی به آثار سینمایی که پس از نمایش، توقیف شدند

احمد رضا کلاتری

خبرنگار

۳ تولید و انتشار آثار مختلف فرهنگی و هنری، در هر کشور و دیاری، مستلزم رعایت یکسری از وجوهای سلبی و ایجابی است.

وجوهای که البته در بعد سلبی، الزام به رعایت آنها، مورد تاکید بیشتری قرار می‌گیرد. در واقع عدم وجود یکسری از موارد منفی یا ناخواسته‌ای از سوی هیات‌ها یا افرادی که مسئولیت نظارت بر آثار را بر عهده دارند، یکی از مهم‌ترین مواردی است که باید در فاصله تولید تا انتشار یک فیلم یا اثر فرهنگی و هنری به آن توجه کرد. تنها در صورت رعایت این موارد است که فیلمی از فیلترهای نظارت عبور کرده و می‌تواند مجوز نمایش روی پرده‌های سینما را دریافت کند. این یک ترتیب عقلانی و منطقی است که البته نه تنها در ایران، بلکه در کشورهای دیگر نیز بنا به مقتضیات حال، رعایت می‌شود. اما در برخی از موارد شاهد جریانی خلاف این روند منطقی هستیم. جریانی که بررسی باید‌ها و نبایدها را در دوران پیش از نمایش به درستی صورت نداده و در هنگام نمایش فیلم‌ها، به یکباره تصمیم می‌گیرد این مسیر را در جهتی خلاف، شنا کند.

تجربه صدور دستور توقیف فیلم‌های سینمایی در ایران، تجربه‌ای شنیدنی و تکرارشده است. همه ما حداقل دو یا سه مورد از فیلم‌هایی را به یاد داریم که پس از گذشت یک یا دو هفته از نمایش آنها، با اعتراض مواجه شده‌اند و طی چند روز بساط اکران آنها از سالن‌های سینما برچیده شده است. اقدامی که اگر با دقتی بیشتر به آن نگریسته شود، نه تنها از ابعاد منفی اکران و فروش این آثار نکاسته، بلکه کمک شایانی به برجسته‌سازی این آثار چه در وجه مالی و چه در وجه معنوی و اثرگذاری شده است. تجربه‌ای ناخوشایند که نه تنها اعتماد و آرامش روانی مخاطب در حوزه عمومی را خدشه دار کرده، بلکه منجر به موضع‌گیری ناخودآگاهی در میان مخاطبان شده که آنها

را به سوی زیر پا گذاشتن قانون کپی رایت و... نیز سوق داده است.

در این نوشتار برآنیم که مروری بر آثاری داشته باشیم که در سال‌های اخیر، پس از صدور مجوز نمایش و اکران در سالن‌های سینما، با دستور توقیف روبه‌رو شده و از روی پرده‌ها جمع‌آوری شده‌اند.

### مارمولک

در زمان اکران مارمولک، کمتر ذهنی در پی این بود که ۱۰ سال بعد برای این فیلم چه اتفاقی خواهد افتاد؟ فیلمی که در سال‌های ابتدایی دهه هشتاد، سروصدای زیادی در حاشیه سینمای ایران به پا کرد و نظرات بسیاری را به سوی خود کشاند، امروز در کنار معمولی‌ترین آثاری قرار دارد که شاهد پخش آنها از تریبون‌های گوناگون هستیم. صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مارمولک را بارها و بارها در اعیاد و مناسبت‌ها پخش کرد و مردم نیز بارها به تماشای این درام کمدی نشستند.

مارمولک فیلمی درام-کمدی به کارگردانی کمال تبریزی و با بازی پرویز پرستویی است. این فیلم محصول سال ۱۳۸۲ سینمای ایران است. مارمولک پس از تولید برای مدت یک ماه اکران شد و پس از آن توقیف شد و نهایتاً در اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ روی پرده سینماها رفت.

مارمولک یکی از آثاری است که هیچ‌گاه اجازه ورود به شبکه سینمای خانگی را دریافت نکرده است. منتقدان همواره مارمولک را در رده اثر دیگر تبریزی، به نام لیلی با من است قرار داده‌اند. لیلی با من است، به عنوان یک درام-کمدی که حول محور دافع مقدس می‌گردد، نگاه متفاوتی به مساله جنگ داشت. نگاهی که پس از آن نیز بارها در سریال‌ها و فیلم‌های دیگری نیز تکرار شد.

به همین میزان مارمولک نیز نگاهی متفاوت به مساله روحانیت دارد. نگاهی که توانست از پس حاشیه‌ها عبوری موفقیت‌آمیز داشته باشد و سرمنشاء تحولات زیادی در این حوزه باشد. یکی از مهم‌ترین انتقاداتی که درباره مارمولک بیان شده، گرته‌برداری فیلمنامه از یک اثر آمریکایی است.

در سال ۱۹۸۹ میلادی؛ یعنی ۱۵ سال قبل از ساخته شدن فیلم مارمولک، فیلمی با نام ما فرشته نیستیم در هالیوود ساخته شده بود. فیلمی با مضمونی کاملاً یکسان با مارمولک! در این داستان نیز ما شاهد ماجرای دو متهم هستیم که از زندان فرار کرده‌اند و در نتیجه مجبور می‌شوند برای عبور از مرز کشور خود، برای مدتی در یک شهر مرزی نقش کشیش را بازی کنند. این وانمودسازی در نهایت منجر به تحول این افراد می‌گردد و سرانجامی مثبت در انتظار این دو متهم است.

داستان مارمولک نیز از همین قرار است؛ رضا مارمولک دزد سابقه‌داری است که بارها دستگیر و زندانی شده، او در حادثه‌ای مجروح می‌شود و به بیمارستان خارج از زندان منتقل می‌شود. در آنجا لباس یک روحانی بیمار را می‌پارید و در لباس روحانیت موفق به فرار از بیمارستان می‌شود. ماجراها از جایی شروع می‌شود که رضا، لباس روحانیت را بر تن می‌کند.

در نهایت او نیز تحت تاثیر لباس و موقعیت جدید قرار گرفته و شخصیتش عوض می‌شود و به اعمال مثبت روی می‌آورد.

### نقاب

یکی از مهم‌ترین و شاید اولین حاشیه‌های فرهنگی و سینمایی که در دوران دولت نهم شاهد بروز آن بودیم، حواشی اکران نقاب است؛ فیلمی که نه تنها در مرحله اکران عمومی با چالش‌های زیادی مواجه شد، بلکه در جریان تولید هم با حاشیه‌هایی همچون تغییر کارگردان مواجه شده بود. چالش نهایی نقاب اما در زمانی بود که به صورت رسمی از فیلم رونمایی شد و داستان آن پیرامون اغفال زنان توسط دو جوان، موضوع اعتراضات منتقدین این اثر بود.

وزیر فرهنگ و ارشاد وقت به این فیلم اعتراض کرد و این چنین شد که فیلم با اصلاحیه‌های اندکی توانست به روی پرده‌های سینما راه یابد.

نقاب به مدت چهار هفته به صورت رسمی روی پرده



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به اکران عمومی درآمد. اما ساعاتی پس از آن در پی مخالفت با محتوای آن و به تصویر کشیدن چهره برخی از ائمه در جریان فیلم، رستاخیز از پرده سینماها به پایین کشیده شد. واکنش‌ها و کنش‌های زیادی از سوی عوامل تهیه‌کننده فیلم و مخالفان آن به جریان نمایش این فیلم صورت گرفت. حتی سانسور برخی از چهره‌ها و اصلاح فیلم نیز در دستورکار قرار گرفت که هیچ‌یک از اینها در نهایت منجر به اکران عمومی فیلم در سینماها نشد.

#### ❖ آداب نمی‌کنیم

در میان فیلم‌های حاضر در جشنواره سی و چهارم فجر اکران شد. داستان فیلم هرچند با چالش جدی مواجه نبود، اما به این دلیل که درست در بحران تشکیل پرونده قضایی برای فیلم‌هایی که تبلیغ ماهواره‌ای دارند، فیلمشان به اکران رسید و همزمان چند تیزرشان روی آنتن یکی از شبکه‌های ماهواره‌ای هم رفت! همین مساله کافی بود تا دادستانی به نمایندگی از قوه قضاییه به پرونده ورود کند و حکم توقیف فیلم در کمتر از یک هفته از آغاز اکران صادر شود. آداب نمی‌کنیم چهار روز روی پرده سینماها اکران شد و پس از آن برای مدتی توقیف شد. چندی بعد نیز در شبکه نمایش خانگی پخش شد. ▶



**زندگی خصوصی پس از شش روز اکران به دلیل مخالفت‌ها، متوقف شد. پس از مدتی مدیر نظارت و ارزشیابی وزارت ارشاد وقت، از اکران محدود این فیلم خبر داد. اما نهایتاً زندگی خصوصی برای همیشه متوقف شد**



خانواده‌ها رخ داد، سبب بر ملا شدن بسیاری از رازهای زندگی آدم‌های قصه می‌شود. این فیلم از سوی مخالفان با اعتراضات شدیدی روبه‌رو شد. مخالفان خواستار لغو مجوز این فیلم و سه فیلم دیگر - من همسرش هستم، پل چوبی و برف روی کاج‌ها - شدند. نمایش عمومی فیلم منجر به اعتراضات دو سوبه از جانب مخالفان و موافقان فیلم شد. تجمع اعتراضی در ۱۱ آذر منجر به رویارویی این دو طیف در تهران، مشهد، تبریز و... شد. به دنبال طرح شکایت از سوی مخالفین، فریدون جیرانی، غلامرضا موسوی و جواد شمقدری به دادسرا احضار شدند.

در نهایت تصمیم بر آن شد که انتهای فیلم و موضع‌گیری آن اصلاح شود، اما به هر حال روند اکران فیلم متوقف شد و از روی پرده‌ها پایین آورده شد.

#### ❖ زندگی خصوصی

فیلم؛ روایت فردی به نام ابراهیم است که در ابتدا فردی تندرو بوده و پس از اخراج از مقام‌های دولتی خود به عنوان اپوزیسیون در روزنامه‌اش آغاز به انتشار مطالب جنجالی می‌کند و شیوه زندگی‌اش به‌طور کامل عوض می‌گردد. در جریان داستان شاهد حضور ابراهیم در صحنه‌های تظاهرات‌هایی علیه بدحجابی و فیلم‌فارسی‌های اوایل انقلاب هستیم. صحنه‌هایی که اطلاعات خاصی بر جریانات سیاسی و مذهبی در جریان انقلاب و پس از انقلاب داشت.

زندگی خصوصی پس از شش روز اکران به دلیل مخالفت‌ها، متوقف شد. پس از مدتی اما علیرضا سجادی‌پور؛ مدیر نظارت و ارزشیابی وزارت ارشاد وقت، از اکران محدود این فیلم خبر داد. ولی پس از مدتی شورای نمایش از لغو کلی مجوز این فیلم خبر داد و زندگی خصوصی برای همیشه متوقف شد.

#### ❖ رستاخیز

روایتی از قیام کربلا، به کارگردانی احمدرضا درویش است. رستاخیز در جشنواره فیلم فجر ۱۳۹۱، نامزد دریافت یازده جایزه و در نهایت برنده جایزه بهترین کارگردانی و فیلم شد. این فیلم در دی ماه ۱۳۹۲، در سینما فرهنگ با حضور برخی اعضای دولت اکران خصوصی شد و بهمن ماه نیز در کاخ جشنواره به اکران درآمد.

فیلم رستاخیز در روز ۲۴ تیر ۱۳۹۴ با مجوز قانونی



سینماها بود. اما در همین زمان و در حین اکران عمومی بود که وزارت ارشاد بیانیه‌ای برای عذرخواهی از اکران این فیلم صادر کرد. در نتیجه نقاب پس از یک ماه توقیف شد و بعدها نسخه اصلاح‌نشده‌اش راهی بازار زیرزمینی فیلم‌های غیر مجاز شد.

#### ❖ گشت ارشاد

اثری از سعید سهیلی در ژانر کمدی-اجتماعی است. فیلمی که در سال ۱۳۹۰ ساخته شده و حمید فرخ‌نژاد، پولاد کیمیایی، ساعد سهیلی، جمشید هاشم‌پور، نبوشا ضیغمی و سحر قریشی در آن بازی کرده‌اند.

گشت ارشاد ماجرای سه جوان جنوب‌شهری با نام‌های عطا، حسن و عباس است که برای به دست آوردن پول و گذراندن زندگی دست به کارهای خلاف می‌زنند. آنها با نام گشت ارشاد، در معابر عمومی و پارک‌ها و... به گشت‌زنی می‌پردازند و از دختران و پسران جوان رشوه دریافت می‌کنند و از این راه زندگی خود را می‌گذرانند.

داستان ساده گشت ارشاد اما در روزهای نخستین اکران به دلیل حضور گشت ارشاد در خیابان‌ها، به فضایی سیاسی کشانده شد و همین فضا بود که منجر به توقیف این فیلم شد.

توقیف گشت ارشاد، همزمان با توقیف زندگی خصوصی بود. پس از گذشت ۶ روز از اکران، گشت ارشاد توقیف شد. مدیر نظارت و ارزشیابی وزارت ارشاد، در همان زمان بود که از اکران محدود این فیلم خبر داد، اما پس از همین اظهارات اکران فیلم در شهرستان‌ها متوقف و پس از یک هفته در تهران نیز توقیف شد.

گشت ارشاد در شهریور ۱۳۹۱، وارد شبکه نمایش خانگی شد. تغییر عنوان از گشت ارشاد به گشت؟! و حذف برخی از صحنه از جمله تغییرات بود. این اصلاحات هرچند مورد اعتراض کارگردان قرار گرفت اما در نهایت اعمال شد و از سوی دیگر نیز مخالفان را راضی نکرد!

جمعی از مخالفان به طرح شکایت از موضوع توزیع این فیلم در شبکه نمایش خانگی پرداختند و در نهایت گشت ارشاد از شبکه نمایش خانگی نیز جمع‌آوری شد.

#### ❖ من مادر هستم

من مادر هستم به کارگردانی فریدون جیرانی، درباره زندگی دو خانواده مرفه است که در حال فروپاشی است. در این میان حوادث ناشایستی که برای دختر یکی از

## چالش ممیزی

نگاهی به تاریخچه سانسور در آثار سینمایی ایران

محمد امیر خوش صحبتان

دبیر گروه فرهنگ

**۴** مرور و تحلیل آثار سینمایی در ایران، مستلزم نگاه به یکسری از مفاهیم است که باید بطن آنها را به درستی بررسی کرد. یکی از مهم‌ترین این مفاهیم، سانسور یا ممیزی است. مفهومی که هرچند در لفظ و روی زبان بسیاری از اهالی فرهنگ و ادب، تا حدود زیادی امری نامطلوب به حساب می‌رود، اما نمی‌توان بایستگی وجود آن را در فضای هنر به کلی منکر شد. چه از این رو که انتقال پیام و معنا در هر رسانه و ابزاری، خصوصاً سینما، یکی از مهم‌ترین رسالت‌هایی است که طبعاً باید در چارچوبی مشخص انجام شود. از همین روست که در این نوشتار به بررسی تاریخچه ممیزی در آثار سینمایی ایران پرداخته‌ایم.

کشوری که به ادعای برخی از فعالین این حوزه، یکی از سخت‌گیرترین و پایبندترین‌ها به این مفهوم حاشیه‌ای در حوزه سینماست! سانسورهایی که شاید در برخی از موارد نتوان مرجعی درست برای تعیین حد و مرز آنها شناسایی کرد. مرجعی که در غالب موارد به سلیقه بازگشته است.

پیش‌ساز سانسور؟!

به گواهی تاریخ سینمای ایران، نخستین شکل سانسور فیلم در ایران با تحریف زیرنویس آثار وارداتی اولیه آغاز می‌شود. به این معنا که در دوران پیشادوبله، بسیاری از دیالوگ‌ها در زیرنویس فارسی خود دچار دگرگونی می‌شدند! شکلی بسیار ساده از سانسور که در زمان خود حتی مشکلی در میان مخاطبان خود به وجود نمی‌آورد. چیزی همچون صحنه‌ای از فیلم سینما پارادیزو که در آن کشیش محله با تماشای مستقیم فیلم، دستور قیچی کردن صحنه‌های مختلف را می‌دهد.

نظارت و سانسور سینما در ایران از سال ۱۲۸۳ شمسی، با شروع نمایش عمومی فیلم در تهران توسط بانی آن میرزا ابراهیم صحاف‌باشی، آغاز شد.

چند دهه بعد لایحه نمایش‌ها و سینماها را بلدیة تهران تهیه و تنظیم می‌نماید. چند سال بعد وزارت داخله طبق آیین‌نامه و موادی مسئولیت رسیدگی به امور تولید و صدور پروانه نمایش فیلم‌ها را به اداره کل شهرتانی می‌دهد. سه سال بعد از این تفویض مسئولیت وزارت کشور - داخله سابق - دایره‌ای ویژه به اسم اداره نمایشات را تأسیس می‌کند تا ناظر سینمای ایران باشد.

در دوره رضاشاه اما این سبک از سانسور با تحولاتی مواجه شد. ممیزی و نظارت فیلم‌ها بر عهده شهرداری و اداره سیاسی وزارت کشور بود و جریان نظارت بر محتوای فیلم‌ها از این دوران بود که به صورت رسمی به دست دولتی‌ها واگذار شد.

پس از گذر دوره کوتاهی این مسئولیت بر عهده اداره تبلیغات وزارت کار می‌افتد که با مخالفت وزارت کشور مواجه شده دوباره مجلس شورای ملی رسیدگی به امور فیلم و نمایش را به وزارت کشور می‌دهد و به پیرو آن اداره نمایش وزارت داخله شروع به کار می‌کند.

در اوایل دهه چهل با موافقت وزارت کشور و وزارت فرهنگ و هنر، اختیارات اداره نمایش وزارت کشور، به وزارت فرهنگ و هنر تفویض می‌شود و با نام اداره کل

نظارت و نمایش فعالیت خود را شروع می‌کند.

ظاهراً اولین قانون مدون نظارت آثار سینمایی در ایران به سال ۱۳۰۹ و لایحه نمایش‌ها و سینماها بازمی‌گردد:

«هر سینما مکلف است مدیر مسئول تعیین و کتابا به شعبه معارف بلدیة معرفی کند... هر قسمت از فیلم را که بلدیة منافی اخلاق و عفت بداند قطع کرده، با حضور مدیر سینما در قوطی گذارده، لاک و مهر کرده، در مقابل رسید کتبی تحویل و تسلیم مشارالیه خواهد شد.»

در سال ۱۳۲۹ شمسی بود که آیین‌نامه مفصلی برای سینماها و موسسات نمایشی ارائه می‌شود. ماده ۵۵ این آیین‌نامه ۱۵ مورد مشخص موارد ممنوعه در فیلم‌ها را اعلام می‌کند.

در سال ۱۳۴۷ قاعده جدیدی با عنوان آیین‌نامه نظارت بر نمایش فیلم و اسلاید تدوین می‌شود که شورایی مرکب از کارشناسان سیاسی و هنری بر آن نظارت می‌کنند. برخی موارد این آیین‌نامه به این ممنوعیت‌ها اشاره دارد: اهانت به توحید پروردگار و ادیان و کتب آسمانی و پیغمبران و مقدسان و مقدسات و ائمه اطهار، اهانت به دین مبین اسلام و کیش شیعه اثنی‌عشری، هتک حرمت و اهانت به مذهب و معتقدات اقلیت‌های مذهبی، اسائه ادب نسبت به مقام شامخ سلطنت و خاندان جلیل او، اهانت نسبت به مقام‌های دولتی اعم از کشوری و لشکری، صحنه‌هایی که حاکی از سوء قصد علیه رئیس و اعضای یک دولت بوده و قصد تحریک در آن آشکار باشد، صحنه‌هایی که حاکی از شورش علیه نیروهای انتظامی و امنیتی و دفاعی باشد، تبلیغ برای هرگونه مراسم و مسلکی که به موجب قوانین و مقررات کشور ایران غیرقانونی باشد، ارائه مناظر جزئیات روابط جنسی، به کار بردن

عبارات و اصطلاحات و اصوات وقیح و رکیک، نشان دادن مناظر مخروبه و افراد پاره‌پوش به منظور تخفیف حیثیت ایران، صحنه‌هایی که در آن جزئیات یک قتل نشان داده شود...

جنگ با ممیزی!

پس از پیروزی انقلاب اما فضای ممیزی همچنان در حوزه سینما باقی بود. با تصویب موارد جدید در جریان این سانسورها، به صورت طبیعی بسیاری از آثار مطرح آن روزگار از گردونه نمایش خارج شد. برخی دیگر از فیلم‌ها نیز با حذف و اصلاحات زیاد به نمایش درآمدند؛ رگبار و غریبه و مه (بهرام بیضایی)، گاو و آقای هالو و پستیچی (دارپوش مهرجویی)، گوزن‌ها (مسعود کیمیایی)، شازده احتجاب (بهمن فرمان‌آرا) و...

برخی دیگر از این فیلم‌ها نیز همچنان در توقیف باقی ماندند و برخی از آنان نیز چندی بعد اکران عمومی شدند. برخی از این آثار نیز که در دوران نزدیک به انقلاب، اکران شدند در همین دسته قرار دارند. دایره مینا مهرجویی یکی از مهم‌ترین این آثار است که چند سال در توقیف باقی می‌ماند و در سال ۱۳۵۶ با بازتر شدن فضای سیاسی، با حذف و ممیزی زیاد اجازه اکران می‌یابد.

سال‌های حد فاصل پیروزی انقلاب تا آغاز دهه شصت، را شاید بتوان سال‌های شکل‌گیری نظام فرهنگی پس از پیروزی انقلاب دانست. سال‌هایی که با پیروزی انقلاب و آغاز یکباره دفاع مقدس، درگیر شده و در نتیجه در دهه ۱۳۶۰ کم‌کم نظام فرهنگی جمهوری اسلامی شکل می‌گیرد. سینما و فیلمسازی جایگاه ویژه‌ای می‌یابد و مدیران فرهنگی تأکید ویژه‌ای بر آن می‌گذارند. پس قواعد و چارچوب‌های تازه شکل می‌گیرد. در آغاز،



نمایش می گیرد، اما در برخورد با حساسیت های وزارت اطلاعات و قوه قضائیه و نیروهای امنیتی کشور از نمایش در جشنواره فجر و نمایش عمومی انصراف می دهد.

مارمولک اثر جنجال آفرین کمال تبریزی، پس از کش و قوس فراوان و برخی اصلاحات و تعویق زمان نمایش عمومی، در اردیبهشت ۸۳ اکران می شود. در هنگامه اکران آن، هیاهو و جنجال فراوانی حول آن به راه می افتد و اعتراض های خشم آلودی به آن می شود، که این همه باعث رونق بیشتر آن و استقبال بی نظیر تماشاگران می شود. در نهایت فیلم پس از سه هفته، در اوج استقبال از پرده پایین کشیده می شود.

از دیگر آثار به نمایش درنیامده این دوران می شود به ده عباس کیارستمی، جزیره آهنگی محمد رسول اف، ابجد ابوالفضل جلیلی، رای باز مهدی نوربخش و آبادان مانی حقیقی اشاره کرد.

#### برای اکران

اعتراض به محتوای فیلم های سینمایی روندی طبیعی در تقابل گروه های مختلف و ناقد سینما است. این مخالفت به دلیل این تصور از سوی معترضان است که فیلم های سینمایی برداشت و دیدگاه درستی را درباره شخصیت های حقیقی و ارزش های اجتماعی- فرهنگی ارائه نمی دهند. تصویری که در بسیاری از موارد شاید در بعد معنا درست باشد، اما در بعد مصداقی دچار اشکالات زیادی است و اطلاق آن بر مواردی که امروزه شاهد آن هستیم، چندان درست نیست.

در واقع وقتی هر سخنان و رفتاری در عرصه های سیاسی و اجتماعی با بازخوردی مواخذه گرانه از سوی برخی افراد روبه رو می شود نمی توان به سرنوشت آثار سینمایی که در نقد چنین رویه ای ساخته شده است به ویژه باتوجه به جریان های سال های اخیر چندان خوشبین بود. این مواخذه هرچند در نفس خود با اشکالی روبه رو نیست، اما باید درباره محل آن تصمیم گیری دوباره داشت و به درستی آن را اعمال کرد.

وضعیت برخی آثار سینمایی چند سال اخیر که با برخی نگاه های گاه سطحی، هیچانی و تا حدودی غیرمنطقی مخالفان دچار محاق شده اند یا از ادامه پخش محروم و بخش هایی تأثیرگذار از سکانس ها و دیالوگ هایشان جرح و تعدیل شده است گواهی بر این ادعاست.

از سوی دیگر تأخیر چندساله در اکران یک فیلم سینمایی یا اکران نشدن و توقیف آن و ورودش به شبکه قاچاق به لحاظ وسعت ضرر مالی و معنوی که به سینمای ایران وارد می کند قابل چشم پوشی نیست و چه بسیار فیلم هایی که با یک سوء تفاهم از حق اکران محروم شده اند. بدیهی است محرومیت از حق اکران سبب شکل گیری زنجیره ای ناقص از گردش مالی در حوزه سینما می شود. این زنجیره ناقص همان سینمای پیاده رو یا شبکه قاچاق فیلم های سینمایی است که معمولاً هنگام توقیف آثار سینمایی با تحلیل درستی که از تب جامعه برای دیدن آن اثر دارند مبادرت به سرقت آن فیلم و توزیع در شبکه قاچاق می کنند.

مهم ترین فیلم سینمایی که از این طریق به دست مردم ایران رسید «سنتوری» ساخته «داریوش مهرجویی» است که بی اغراق در صورت اکران رکورد تعداد تماشاگر را در سال اکران خود جابه جا می کرد. البته در این باره باید به این نکته توجه داشت که اگر این فیلم و یا فیلم هایی از این دست اجازه اکران داشته باشند، شاید هیچ گاه شاهد چنین رقمی از تلاش برای دریافت و مشاهده آن از مجاری غیررسمی را شاهد نباشیم. ▶

**مرور و تحلیل آثار سینمایی در ایران، مستلزم نگاه به یکسری از مفاهیم است که باید بطن آنها را به درستی بررسی کرد. یکی از مهم ترین این مفاهیم، سانسور یا ممیزی است. مفهومی که هرچند در لفظ و روی زبان بسیاری از اهالی فرهنگ و ادب، تا حدود زیادی امری نامطلوب به حساب می رود، اما نمی توان بایستگی وجود آن را در فضای هنر به کلی منکر شد**

نوشتار ممکن نیست. پس به صورت گذار به برخی از این موارد اشاره خواهیم کرد:

آدم برفی داود میرباقری و دیدار محمدرضا هنرمند از ساخته های مشهوری هستند که در این دوره چند سالی در محاق توقیف می مانند. از طرفی آثار ابراهیم حاتمی کیا و رسول ملاقلی پور و کمال تبریزی و ابوالفضل جلیلی نیز محملی برای اعتراض و هیاهو است.

در این دوران ساختارهای اعتراضی مدنی و البته غیررسمی کم کم یا به عرصه می گذارد و از سوی دیگر نیز نوعی ساختارشکنی در جریان فیلمسازی در سینمای ایران به وجود می آید.

در این دوران گرچه فضا کمی بازتر و مدارای مدیران بیشتر می شود، اما آثاری ساخته می شود که انگار قصد مقابله با قوانین مدون و نامدوین ممیزی و فرارفتن از مرزهای ممنوعه را دارند. این می شود که در این دوران شاید تعداد آثار توقیف شده و ممنوعه از تمام دوره های دیگر حکومت اسلامی ایران بیشتر باشد.

دو فیلم جعفر پناهی، دایره و طلای سرخ با وجود مضمون صریح اجتماعی آن توقیف می شود. دایره حتی پروانه نمایش می گیرد، اما با دستور مستقیم سیف الله داد، اولین معاون سینمایی وزارت ارشاد و در بازترین دوره سینمایی پس از انقلاب، جزو آثار ممنوعه می رود.

همچنین به رنگ ارغوان ابراهیم حاتمی کیا مجوز

این قوانین مدون چیزی نیست جز شکلی تغییر یافته از آیین نامه های ایام ماضی. اما گام به گام این قوانین نو می شوند و بیان و لحن آن حکایت از تشکیل نظام فرهنگی نوینی را می دهد.

در خرداد سال ۱۳۶۷، شرایط تصویب فیلمنامه برای ساختن فیلم حذف می شود. اما موارد ممنوعه برای نمایش در فیلم ها به صورت مشخص وجود دارد. هتک حرمت مقدسین و مقدسات اسلامی و سایر ادیان شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نفی برابری انسان ها از هر رنگ و نژاد و زبان و قوم و انکار ملاک برتری که تقوا است و تحریک اختلاف نژادی و قومی یا استهزاء و تمسخر آنها، نفی یا مخدوش کردن ارزش والای انسان، اشاعه اعمال رذیله و فساد و فحشا... تشویق و ترغیب و یا آموزش اعتیادهای مضر و خطرناک و راه های کسب درآمد نامشروع... بیان و یا عنوان هرگونه مطلبی که مغایر با منافع و مصالح کشور بوده و مورد سوء استفاده بیگانگان قرار گیرد، نشان دادن صحنه هایی از جزئیات قتل، شکنجه، جنایت و آزار که موجب ناراحتی و بدآموزی گردد، بیان مخدوش حقایق تاریخی و جغرافیایی... نشان دادن تصاویر و اصوات ناهنجار، اعم از نقص فنی و یا غیر آن... و نمایش فیلم های نازل تکنیکی و هنری و یا آثاری که ذوق و سلیقه تماشاگر را به انحطاط و ابتذال بکشاند، از مهم ترین این موارد بودند.

#### بالاتر از...؟!

دهه ۷۰ اما یکی از مهم ترین نقاط عطف در بررسی جریان ممیزی در سینمای ایران است. این دهه که در اصطلاح سینماگران؛ هنگامه عیان شدن اختلافات جناح های گوناگون درون حاکمیت است، به ورطه سینما نیز کشیده می شود. اوج تلاطم این امواج تا پیش از دولت اصلاحات در عرصه فرهنگی، در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی است. مخملباف، محمدرضا هنرمند، داود میرباقری، بهروز افخمی، کمال تبریزی و... از جمله افرادی هستند که در این جریان درگیر هستند و از آنان باید نام برد. اما اشاره به تمامی این تلاطم ها در این



به نظر می‌رسد مدیران استقلال مدل دیگری را هم در ذهن خود دارند. اینکه تا نیم فصل با یک مربی ایرانی کار را ادامه بدهند تا در پایان نیم فصل تصمیم بگیرند که آیا کار را با مربی ایرانی باید ادامه داد یا قطع همکاری گزینه‌ای منطقی است. اما از سویی دیگر وزارت ورزش روی گزینه خارجی اصرار دارد. هر چند جذب مربی خارجی هم بررسی‌های خاص خودش را دارد که بعید است در استقلال کنونی این بررسی‌ها دقیق و موشفافانه انجام شود.

تیتریک

## سراب

فاتح‌تریم  
به ایران نمی‌آید



فوتبال و نمایندگان AFC در ایران، مدارک مورد نظر کنفدراسیون فوتبال آسیا به فدراسیون تحویل شد که مورد تایید نمایندگان AFC هم قرار گرفت.

مدیرعامل استقلال در ادامه به روند سروسامان دادن به نیمکت آبی‌ها اشاره کرد و افزود: «مذاکره با مربیان داخلی و خارجی مراحل پایانی خود را طی می‌کند و ان شاء الله تا دو، سه روز آینده کادر فنی استقلال متشکل از سرمربی خارجی و کادر داخلی و خارجی معرفی خواهند شد.»

با این تفاسیر می‌توان گفت اگر سرمربی خارجی انتخاب شود نه تنها یک دستیار ایرانی در کنار او قرار خواهد گرفت؛ بلکه میک درموت نیز همچنان به همکاری خود بر اساس قراردادی که با باشگاه استقلال دارد ادامه خواهد داد.

اما به نظر می‌رسد استقلالی‌ها برای انتخاب مربی جانشین منصوریان همسو نیستند. کمیته فنی باشگاه درباره استخدام یک مربی ایرانی به جای منصوریان رای و نظر مثبت دارد و البته برخی اعضای هیات مدیره اساساً ادامه همکاری با مربی ایرانی را به صلاح استقلال نمی‌دانند. این موضوع باعث شده تا هر روز نام‌های تازه‌ای در رسانه‌ها مطرح شود. هفته گذشته اما یک نام بیش از سایر نام‌ها

از طولانی‌ترین نشست خبری لیگ برتر و حالا اعضای کمیته فنی باشگاه استقلال هر روز خبر تازه‌ای را درباره سرمربی بعدی استقلال مطرح می‌کنند. محرومیت باشگاه پرسپولیس اما شرایط را برای استقلال هم سخت کرده است. آنها هم بدهکاری‌های خاص خودشان را دارند. به همین دلیل شایعه حذف استقلال از رقابت‌های آسیایی هفته گذشته در رسانه‌ها مطرح شد تا در پی اوج‌گیری این شایعه، مدیران باشگاه این اخبار را تکذیب کنند. در روزهای بحرانی باشگاه استقلال خبرهایی نقل محافل شد مبنی بر اینکه با اتمام ضرب الاجل کنفدراسیون آسیا برای تسویه حساب بدهی‌ها مجوز حضور آبی‌های پایتخت از رقابت‌های آسیا لغو خواهد شد. خبری که جنجال‌های بسیار زیادی در فضای مجازی و رسانه‌ها به راه انداخت تا واکنش باشگاه را در پی داشته باشد.

سیدرضا افتخاری، مدیرعامل باشگاه با تکذیب این اخبار گفت: «این روزها عده‌ای با انتشار اخبار کذب و شایعات درصدد هستند روحیه تیم استقلال را تخریب نمایند. خبر محرومیت تیم استقلال از طرف AFC کاملاً نادرست است. مدارک مورد نیاز AFC تحویل فدراسیون فوتبال شد و هیچ گونه محرومیتی باشگاه استقلال را تهدید نمی‌کند. در جلسه‌ای با حضور اینجانب و رئیس فدراسیون

هشت بازی، هشت امتیاز و جایگاهی که هواداران استقلال دوست ندارند باورشان کنند؛ نزدیکی‌های قعر جدول! این همه آن چیزی است که از استقلال این فصل ارائه شده است؛ نمایشی خیره‌کننده از علیرضا منصوریان که بالاخره به نقطه پایان رسید. او قبل از اینکه به پایان دوره کوتاه مدت خود در استقلال برسد حتی سعی کرد با کنار زدن مجتبی جباری، مهدی رحمتی و البته دوست صمیمی‌اش یعنی علی‌چینی فشار را از روی دوش خود بردارد اما همه ترفندهایش باز هم نتوانست او را نگه دارد. استقلال حالا سخت‌ترین و حساس‌ترین روزهای خود را سپری می‌کند. روزهایی که پرسپولیس هم آن را دو فصل پیش تجربه کرد و حتی به پایین جدول هم سقوط کرد اما برانکو شرایط را تغییر داد. هر چند همین پرسپولیس که خیلی‌ها در اوج بودنش را یادآور می‌شوند هم با توجه به محرومیت از دو پنجره آبی نقل و انتقالات هیچ بعید نیست که به روزهای سیاه گذشته برگردد؛ آنجا که طارمی، طاهری و دوستان شاهکاری تاریخی برای این تیم رقم زده‌اند و حالا این تیم هم روزهای سختی را در پیش خواهد داشت. با این حال استقلال به دلیل نتایج ضعیفی که تا کنون در رقابت‌های لیگ برتر کسب کرده، به شدت مورد انتقاد است. منصوریان از استقلال کنار رفته. آن هم بعد

**کمیته فنی دانش فنی بالایی ندارد**  
استقلال باید تا نیم فصل به یک مربی ایرانی فرصت بدهد



**وضعیت قرمز در باشگاه پرسپولیس**  
شاهکار محرومیت چگونه خلق شد؟



**پرسپولیس پس از رسوایی**  
خبری از استعفا یا عذرخواهی نیست

برای هدایت نیمکت استقلال مطرح شد؛ فاتح تریم. قرار بود نماینده باشگاه استقلال و فاتح تریم آخرین مذاکرات را انجام دهند و نتیجه به اطلاع افکار عمومی برسد. دیدار نماینده استقلال در منزل فاتح تریم اتفاق افتاد و البته تریم ابراز تمایل کرد در صورتی که مبلغ مورد پیشنهادش یعنی همان ۵ میلیون دلار برای دو سال تامین شود به استقلال می آید. در نهایت نماینده باشگاه استقلال در تماسی که با هیات مدیره باشگاه استقلال داشته این طور پاسخ می گیرد که مدیران استقلال برای اوکی گرفتن از وزارت ورزش و تامین هزینه درخواستی فاتح تریم، از سرمربی ترک تبار دو روز وقت بگیرند. در این میان نام فرانک رایکارد از زبان محمد نوری، عضو جدید کمیته فنی استقلال و مدافع این تیم در دهه ۷۰ شنیده شد. فرانک رایکارد از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ سرمربی تیم ملی هلند، از ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲ سرمربی اسپارتا تروردام، از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ بارسلونا، از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ گالاتاسرای و از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ سرمربی تیم ملی عربستان بوده است. البته از سال ۲۰۱۳ هم تیمی نداشته و بیکار بوده است. البته از سال ۲۰۱۳ در یک آکادمی فوتبال در آمریکا کار کرده است. جالب اینجاست که رایکارد در دسامبر ۲۰۱۶ اعلام کرده که دیگر پیشنهاد هیچ تیمی را برای سرمربیگری نمی پذیرد و این در حالی است که محمد نوری اعلام کرده بود یک نفر گفته می خواهد رایکارد را با قیمتی مناسب به تهران بیاورد! اما به نظر می رسد که استقلال هال روی نام فاتح تریم تمرکز کرده اند. آنها علاقه مندند این مربی را به تهران بیاورند تا هواداران استقلال را راضی نگه دارند. بنابراین از طریق واسطه هایشان با فاتح تریم در حال مذاکره هستند.

هنوز به طور قطعی مشخص نشده که این مربی ترک تبار به تهران می آید یا خیر اما مذاکرات فعلا ادامه دارد و قرار است به زودی همه چیز مشخص شود. نماینده باشگاه استقلال همه موارد مدنظر فاتح تریم را پذیرفته اما مبلغ قرارداد هنوز چالش بین استقلال و فاتح تریم است. نکته جالب این است که فاتح تریم تمایل زیادی برای سرمربیگری استقلال اما با شرایط خودش دارد. او برای دو سال ۵ میلیون دلار می خواهد. تریم قرار است در صورت پذیرش سرمربیگری استقلال، تنها یک دستیار به ایران بیاورد.

در واقع تریم در دو سالی که می خواهد با استقلال کار کند، هر سال ۱۰ میلیارد تومان می خواهد. پیشنهاد فاتح باعث شده که مدیران استقلال جلسات اضطراری داشته باشند و تصمیم بگیرند که آیا می توانند هزینه های تریم را متحمل شوند یا نه. واسطه ایرانی تنها با مدیر برنامه تریم صحبت کرده و البته دقایقی کوتاه فاتح را در فرودگاه استانبول دیده است. تریم هفته گذشته به فرانسه رفته بود اما در بازگشت به ترکیه مذاکراتی جدی با نماینده باشگاه استقلال داشت. با این حال برخی اعضای کمیته فنی موافق استخدام مربی خارجی و برخی نیز مخالفت خود را تا حدودی آشکار کرده اند. بیژن طاهری، عضو کمیته فنی باشگاه استقلال گفت: «امیدوارم که بهترین تصمیم در مورد انتخاب سرمربی جدید گرفته شود.»

بیژن طاهری در خصوص روند انتخاب سرمربی استقلال به خبرگزاری تسنیم می گوید: نظر وزارت ورزش و هیات مدیره استقلال روی گزینه خارجی است. طبیعتا هواداران هم انتظار دارند که یک مربی خوب به استقلال بیاورد و مطمئنا باشگاه نهایت تلاش خودش را به خرج

خواهد داد تا یک گزینه مناسب برای هدایت استقلال انتخاب شود. اگر مربی ایرانی انتخاب شود، طبیعتا هواداران موضع منفی می گیرند، اما آنها مقابل گزینه خارجی سکوت می کنند. برانکو هم زمانی که به پرسپولیس آمد این تیم در پایین جدول قرار داشت و در نهایت در کارش موفق شد و هواداران پرسپولیس هم از او حمایت کردند. این عضو کمیته فنی باشگاه استقلال در مورد اینکه آیا احتمال دارد استقلال با فاتح تریم به توافق برسد، می گوید: «قیمت پیشنهادی این مربی بالاست و از طرفی او به امکانات باشگاه و برخی مسائل دیگر ایراد گرفته است. فعلا چیزی مشخص نیست، اما شانس حضور او در استقلال بسیار کم است. طبیعتا باشگاه گزینه های دیگری را مدنظر قرار داده و به زودی سرمربی انتخاب خواهد شد. اما امیدوارم در نهایت فردی انتخاب شود که حداقل با فوتبال ایران آشنا باشد. مربی خارجی استقلال باید بداند که فوتبال ما بی نظم است و به عنوان مثال اگر در یک مسابقه باران بیاید آب روی زمین چمن باقی می ماند. این خیلی خوب است که مربی استقلال با مشکلات فوتبال ایران آگاه باشد.»

اما آخرین روند مذاکرات تریم با استقلال حاکی از آن است که تریم خواسته های خود را مطرح کرده و افتخاری در حال مشورت با کمیته فنی است. باشگاه استقلال برای توافق با فاتح تریم، مربی مشهور ترکیه ای امیر سلطانی را به عنوان نماینده رسمی خود راهی استانبول کرد و او نیز در نشست با تریم، پیشنهاد سرمربیگری آبی پوشان را به وی ارائه کرد. سلطانی که در استانبول به سر می برد درباره روند مذاکرات باشگاه استقلال با تریم گفته است: در نشست دوساعتی که در منزل تریم با وی داشتم صحبت های خیلی خوبی بین ما ردوبدل شد و او از شنیدن پیشنهاد استقلال خوشحال شد و آن را افتخاری برای خود دانست. تریم بدون تردید بهترین مربی مسلمان جهان و در کشور ترکیه بسیار مشهور است و وقتی صحبت از حضور او در استقلال شد این موضوع بازتاب زیادی در رسانه های ترکیه داشت.

وی با تاکید بر اینکه تریم احترام زیادی برای مردم ایران و هواداران استقلال قائل است، یادآور شده است: حضور مربی بزرگی چون تریم در فوتبال ایران مطمئنا چه از نظر فنی و چه اقتصادی بسیار سودمند خواهد بود و خوشبختانه رضا افتخاری، مدیرعامل باشگاه استقلال به خوبی از این مساله آگاهی دارد. باتوجه به این مساله باشگاه استقلال شاید مجبور شود مبلغ زیادی برای جذب تریم متحمل شود اما حداقل برابر دستمزد تریم را از کارهای تبلیغاتی، بازی های دوستانه با تیم های ترکیه ای از جمله گالاتاسرای درآمزیایی خواهد کرد. او بعد از جدایی از تیم ملی ترکیه به پیشنهادهای زیادی از سوی تیم های ترکیه ای و حتی دیگر کشورها مواجه شد و در حال حاضر هم در خبرهای خواننده که باشگاه تراپوزان به طور جدی به دنبال استخدام اوست اما با توجه به اینکه تریم ۱۴ سال سرمربی گالاتاسرای بوده چندان تمایل ندارد در تیم های دیگری در این کشور مربیگری کند. او از پیشنهاد استقلال و کار در ایران استقبال کرده اما طبیعی است که خواسته هایی هم داشته باشد. به عنوان نماینده باشگاه استقلال در استانبول، افتخاری را در جریان کامل مذاکرات قرار داده ام و او هم برای تصمیم گیری وقت خواسته و اعلام کرده این موضوع را در کمیته فنی باشگاه استقلال مطرح خواهد کرد تا بتواند

بهترین تصمیم را بگیرند. در همین حال حسن روشن نیز اعلام کرده که ظرف همین هفته سرمربی استقلال معرفی خواهد شد. در پایان جلسه اعضای کمیته فنی باشگاه استقلال، حسن روشن پیرامون تشکیل این کمیته گفت: ما با برنامه می خواهیم عضو کمیته فنی شویم و اگر با برنامه هایمان موافقت کنند، کمیته فنی کشک نخواهد بود. قطعا تشکیل کمیته فنی اتفاق خوبی برای باشگاه استقلال است و من خوشحالم که باشگاه استقلال به اینجا رسیده که کمیته فنی درباره مسائل فنی تصمیم بگیرد. البته ما هنوز عضو کمیته نیستیم و امروز هم به عنوان پیشکسوت دور هم جمع شدیم. اگر قرار به حضور در کمیته فنی باشد، قرارداد ۳ ساله می بندیم و با حکم نمی آیم.

روشن تاکید می کند که مربیان بزرگی مدنظر کمیته فنی باشگاه استقلال است و ظرف همین هفته گزینه ایده آل را به عنوان جانشین منصوبان معرفی می کنیم؛ «چند مربی خارجی که یکی از آنها فاتح تریم است هم رزومه و برنامه های خود را ارائه کردند. برای این کار باید از همه پیشکسوتان باشگاه کمک بگیریم تا تصمیم خوبی گرفته شود.» اما این عضو پرنفوذ کمیته فنی ضمنا مخالفت خود با جذب مربی خارجی را این گونه ابراز کرده است: «هنوز تصمیمی درباره سرمربی اتخاذ نشده؛ اما نظر شخصی من این است که مربی استقلال ایرانی نباید باشد. از سوی دیگر در این شرایط گزینه خارجی نمی توان آورد. به نظر من استقلال نیاز به یک مربی خارجی بسیار خوب و گران دارد که با قراردادی ۳، ۴ ساله بیاورد و کار کند. الان اما شرایط برای این کار مهیا نیست. تریم در گذشته مربی بزرگی بوده و افتخارات زیادی دارد، اما باید شرایط حال حاضر او را بسنجیم. من و علی جباری هم در گذشته برای خودمان کسی بودیم، اما باید دید الان کجا هستیم.» به نظر می رسد مدیران استقلال مدل دیگری را هم در ذهن خود دارند. اینکه تا نیم فصل با یک مربی ایرانی کار را ادامه بدهند تا در پایان نیم فصل تصمیم بگیرند که آیا کار را با مربی ایرانی باید ادامه داد یا قطع همکاری گزینه ای منطقی است. اما از سویی دیگر وزارت ورزش روی گزینه خارجی اصرار دارد. هر چند جذب مربی خارجی هم بررسی های خاص خودش را دارد که بعید است در استقلال کنونی این بررسی ها دقیق و موثکافانه انجام شود. آخرین خبر اما از فاصله زیاد پیشنهاد تریم با توان مالی استقلال حکایت دارد. گویا تریم سربازی بیش نبوده است. ▶



**جالب اینجاست که رایکارد در دسامبر ۲۰۱۶ اعلام کرده که دیگر پیشنهاد هیچ تیمی را برای سرمربیگری نمی پذیرد و این در حالی است که محمد نوری اعلام کرده بود یک نفر گفته می خواهد رایکارد را با قیمتی مناسب به تهران بیاورد!**

# کمیته فنی دانش فنی بالایی ندارد

## استقلال باید تا نیم فصل به یک مربی ایرانی فرصت بدهد

مسعود اقبالی

کارشناس فوتبال



۲ اجازه بدهید قبل از اینکه درباره شرایط استقلال صحبت کنیم ابتدا درباره شرایط یک باشگاه حرفه‌ای صحبت کنیم. به هر حال تعریف یک باشگاه حرفه‌ای مشخص است. باشگاهی که از نظر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری همه چیز دارد و به‌طور کلی استانداردهای لازم را برخوردار است. باشگاه حرفه‌ای یعنی جایی که سرمایه‌گذاری به‌طور هدفمند در آن صورت می‌گیرد و قطعا سرمایه‌ای که در باشگاه هزینه می‌شود بهره‌وری مناسب به همراه خواهد داشت. استقلال و پرسپولیس هنوز زمین تمرین مناسب ندارند. دفتر باشگاه استقلال اساسا فضایی حرفه‌ای را به ذهن متبادر نمی‌کند. برای همه ما مسجل شده است که باشگاه استقلال اساسا سازماندهی مناسبی ندارد. از نظر تشکیلاتی که اصلا حرفش را نزنید. به هیچ وجه مدیریت مناسبی در این باشگاه دیده نمی‌شود. سال‌های سال است که ما سعی می‌کنیم این نقد جدی را به گوش مسئولان رده‌بالای مملکت برسانیم که مدیران باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس نباید سیاسی باشند. اگر قرار است فوتبال را به صورت دولتی اداره کنیم حرفی نیست.

بنابراین دولت موظف است که هزینه‌های سنگین این دو باشگاه را پرداخت کند. نمی‌تواند با شیوه کمابیش این باشگاه‌ها را اداره کند. در کشورهایی که به‌طور سوسیالیستی اداره می‌شدند یا شاید هنوز هم اداره می‌شوند این شیوه وجود داشته که دولت هزینه‌های باشگاه‌های خود را پرداخت می‌کند. مثال روشن آن روسیه است. با این شیوه یک دوره‌هایی هم موفق بودند. مدال هم گرفتند. موفق هم شدند. برخی دیگر از کشورها به خصوص کشورهای اروپایی هم نگرش متفاوتی دارند. فوتبال شان مبتنی بر سرمایه‌داری است. نمونه بارز این نوع نگاه هم بایرن مونیخ، رئال مادرید و بارسلونا است. باشگاه‌های بزرگی که با سرمایه‌های هنگفت اداره می‌شوند. تیم‌هایی هستند که اگر از نزدیک امکاناتشان را ببینیم باورمان نمی‌شود که چگونه به خودمان اجازه داده‌ایم اسم فوتبال خودمان را فوتبال حرفه‌ای بگذاریم. اما با این مقدمه



می‌دانم منصوریان که یکی از شاگردان من بوده است ظرفیت بالایی دارد و انتقاد منطقی را می‌پذیرد. اما باید بپذیریم که باتوجه به برخی مناسبات شرایط برای سرمربیگری منصوریان در لیگ برتر فراهم شد

می‌خواهم راجع به استقلال صحبت کنم. استقلال در درجه اول باید یک کمیته فنی درست و حسابی داشته باشد. کمیته‌ای متشکل از اعضای که شناخته شده هستند و با فوت و فن فوتبال و به خصوص باشگاه استقلال کاملا آشنایی دارند. از این گذشته دانش علمی باید داشته باشند که بتوانند فوتبال روز دنیا را به خوبی رصد کنند. بتوانند تشخیص دهند که اگر منصوریان در استقلال نتیجه گرفت چه دلایلی داشت؟ چه ایرادهای فنی در کارش وجود داشت؟ فهم این موضوع بسیار اهمیت دارد. تنها در این صورت است که می‌توانیم به انتخاب‌شان احترام بگذاریم. چون اگر بر علم روز فوتبال و مسائل فنی روز دنیا مسلط نباشند بدون تردید انتخاب‌شان هم کارشناسانه نخواهد بود. استقلال متأسفانه صاحب کمیته فنی با دانش و مسلط به علم روز فوتبال نیست. از طرفی دیگر وقتی یک مربی را گزینش می‌کنیم باید مری مد نظر ما باید شاخصه‌های قرار گرفتن روی نیمکت تیمی مثل استقلال را داشته باشد. نمی‌توانید هر مربی را انتخاب کنید. متأسفانه در فوتبال ما بدعت غلطی باب شده است. این اتفاق وقتی با توصیه یک سری از دوستان در دهه گذشته در فوتبال ما نهادینه شد هیچ کس فکرش را نمی‌کرد که تا چه حد می‌تواند به فوتبال ما آسیب بزند. ماجرا از این قرار بود که طی دهه گذشته شرایطی در فوتبال ما رخ داد که همه ما به سمت استعفا در مربیان جوان رفتیم. پیش خودمان گفتیم بازیکنان خوب و باکیفیت و باهوش دهه‌های ۶۰ و ۷۰ تیم ملی باید به چرخه مربیگری اضافه شوند و مربیانی که با سابقه‌تر هستند باید رفته رفته جای خودشان را به این مربیان جوان بدهند. در حالی که این کار به نظرم اشتباه بود. می‌دانید چرا؟ چون خیلی از این سرمایه‌ها سوختند. آنها عجله داشتند که سرمربی بشوند. اقبال عمومی هم باعث شد تا بعضی از این نفرت مثل علیرضا منصوریان سرمربی شدن را خیلی زود تجربه کنند. در حالی که این کار اشتباه بود. همه آنها به نوعی مقدمات این وضعیت در فوتبال ایران را فراهم کردند به نوعی احساسی تصمیم گرفتند. مربیگری شغل سختی است. شاید به این جمله اصلا فکر هم نکردند و همه هوش و حواس شان به این سمت و سو رفت که قدیمی‌ها باید کنار بروند و جوانگرایی باید صورت بگیرد. غافل از اینکه اصلا قرار نیست فلان بازیکن که در دوره بازیگری اش اتفاقا بازیکن با کیفیتی هم بوده است لزوماً به مربی خوبی تبدیل شود. نه. ما اجرای مربیگری فرق می‌کند. همین امر در خصوص انتخاب منصوریان صدق می‌کرد. او خیلی زود لایسنس A گرفت و به جمع مربیان لیگ برتر اضافه شد.

در حالی که به عقیده من خیلی بیشتر از اینها باید برای رسیدن به نیمکت مربیگری استقلال صبر می‌کرد. البته این نقد من است و می‌دانم منصوریان که یکی از شاگردان من بوده است ظرفیت بالایی دارد و انتقاد منطقی را می‌پذیرد. اما باید بپذیریم که باتوجه به برخی مناسبات شرایط برای سرمربیگری منصوریان در لیگ برتر فراهم شد. دوره ۲۰ روزه که قرار نیست از ما مربی بسازد. یک مربی حداقل باید ۱۰ هزار ساعت آموزش ببیند و تجربه دستاری داشته باشد تا بتواند به عنوان سرمربی روی نیمکت یک تیم بنشیند آن هم تیمی مثل استقلال که ۲۰ میلیون هوادار دارد و نمی‌تواند تیمش را در قعر جدول لیگ برتر ببیند آن هم در حالی که رقیب دیرینه‌اش نه تنها در لیگ برتر موفق است بلکه در آسیا هم شانس قهرمانی دارد. اینها همه فشارهایی است که یک مربی باید بداند در دوران

مربیگری و قرار گرفتن روی نیمکت تیم‌هایی مثل استقلال با آنها دست به گریبان است. البته درباره بحران استقلال باید بگویم که تنها نباید علیرضا منصوریان را سرزنش کنیم. اساساً در موفقیت یا شکست یک تیم نباید سراغ یک نفر را بگیریم. مدیران باشگاه استقلال امروز پشت صحنه قرار گرفته‌اند. آنها منصوریان را کنار زدند تا اشتباهات و ضعف‌های مدیریتی خودشان در استقلال دیده نشود. این درست نیست. این سرمایه‌سوزی است. مشکلات عیدیه‌ای وجود داشت که باعث شد علیرضا منصوریان به نقطه پایان برسد. به نقطه‌ای که دیگر ناامید شد و میدان مبارزه را ترک کرد. چون مربیگری یک نوع مبارزه است. حالا منصوریان کارش سخت‌تر است. او باید ۴ سال از نظر روحی و روانی به خودش فرصت بدهد تا بتواند به همان جنگجوی سابق تبدیل شود. مشکل استقلال این است که مدیران آن اساساً فوتبال را نمی‌شناسند.

اساساً استقلال را نمی‌شناسند. بنابراین نمی‌توانند در مواقع بحرانی شرایط را آرام کنند. نتیجه این می‌شود که موضع‌گیری‌هایشان باعث بدتر شدن اوضاع می‌شود. اما اگر بخوایم راحت‌تر از این درباره بحران استقلال صحبت کنیم باید بگویم باتوجه به دولتی بودن فوتبال ما استقلال و مدیرانش باید چشم به کمک وزارت ورزش و دولت داشته باشند. اگر این کمک مالی صورت بگیرد شاید بتواند از این بحران با استخدام یک مربی طراز اول عبور کند و اگر نتواند دولت را مجاب کند که به این باشگاه کمک مالی قابل توجهی کند آن وقت شرایط از این هم بدتر خواهد شد. مساله اصلی در باشگاه استقلال و شاید بهتر بگویم در باشگاه‌های لیگ برتر ما این است که همه ورشکسته هستند. همه مشکلات و بدهکاری‌های عجیب و غریبی دارند که در صورت پیگیری این مطالبات شاهد محرومیت‌های بعدی برای فوتبال مان خواهیم بود. ما پرونده‌های زیادی داریم که قرارداد یک میلیاردی امضا شده است اما فقط ۱۰۰ میلیون آن پرداخت شده است. نمونه این قراردادها آن قدر زیاد است که لازم به توضیح اضافه نیست.

بنابراین مشکلات استقلال و بقیه باشگاه‌ها فقط مربیان نیستند. موضوعات مهم تری وجود دارد که اصلاً درباره اش صحبتی نمی‌شود. این روزها در مورد جذب مربی خارجی برای استقلال صحبت می‌کنند. من هم با جذب یک مربی خارجی خوب موافقم. همین فاتح تریم گزینه خیلی خوبی است اما آیا استقلال می‌تواند سال ۱۰ میلیارد تومان به این مربی بدهد. آن هم در شرایطی که ذخیره مالی کل این باشگاه شاید به ۲ میلیارد تومان هم نرسد. این یعنی انباشتن بدهی روی بدهی. بعدها چه کسی پاسخگوی این هزینه‌ها خواهد بود. بنابراین به عقیده من بهترین راه این است که تا نیم فصل به یک مربی ایرانی فرصت بدهند که با استقلال کار کند. اگر موفق شد با او ادامه بدهند و اگر موفق نشد مدیران این باشگاه تا نیم فصل فرصت دارند که درباره گزینه‌های خوب خارجی فکر کنند. معتقدم در شرایط فعلی پرویز مظلومی گزینه خوبی برای استقلال است. او در مقطعی در استقلال موفق بوده و در مقطعی هم ناکام بوده است اما فکر می‌کنم در صورتی که بار دیگر به این مربی اعتماد کنند حداقل تا نیم فصل می‌توانند عملکردش را مورد بررسی قرار بدهند. امیدوارم شرایط به گونه‌ای پیش برود که استقلال بتواند روزهای بهتری را تجربه کند. جایگاه استقلال چیزی نیست که الان می‌بینیم.

شک ندارم که این تیم به بالای جدول می‌آید اما اینکه بتواند قهرمان شود امری دور از ذهن است. واقعیت این است که تیم‌های دیگر بیکار نمی‌نشینند که استقلال خیلی ساده خود را از قعر جدول رها کند. بنابراین استقلال‌ها باید شرایط حساس و دشوار فعلی را درک کنند و برای رسیدن به بالای جدول با همه وجود مبارزه کنند. ▶



## وضعیت قرمز در باشگاه پرسپولیس

شاهکار محرومیت چگونه خلق شد؟

تا جایی ادامه پیدا کرد که حکم قطعی اعلام شده را هم تکذیب کردند تا فرار رو به جلویی داشته باشند اما رئیس کمیته تعیین وضعیت بازیکنان و مربیان فدراسیون فوتبال آب پاکی را روی دستشان ریخت و تاکید کرد: «متأسفانه با رأیی که فیفا علیه پرسپولیس و طارمی صادر کرده، طارمی از تاریخ ابلاغ این نامه دیگر نمی تواند در هیچ بازی رسمی به میدان برود. همچنین باشگاه پرسپولیس از دو پنجره نقل و انتقالات داخلی و بین المللی محروم شده است.

همچنین طارمی و پرسپولیس متفقاً محکوم به جریمه ۷۸۹ هزار و ۵۰۰ یورو به عنوان غرامت شدند.» و ثوق احمدی در پاسخ به این سوال که اگر پرسپولیس تا یک ماه دیگر جریمه هایش را پرداخت نکنند با جریمه سنگین تری مواجه می شود؟ گفت: «آرای فیفا عموماً به این صورت است که ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ دادنامه، وقت دارد تا بدهی و مبلغ محکومیتش را پرداخت کند. در رای هم قید شده اگر تا ۳۰ روز بعد که از دیروز آغاز شده پرسپولیس جریمه را پرداخت نکند جریمه دیگری از سوی کمیته انضباطی فیفا اعمال می شود.» این تهدید در حالی جدی به نظر می رسد که پرسپولیس ها می توانند تا ۲۱ روز بعد از ابلاغ دادنامه به CAS اعتراض شان را ابلاغ کنند. اعتراض به CAS به معنای توقف محرومیت نیست مگر اینکه تقاضای دستور موقت شود و این دادگاه هم با آن موافقت کند تا زمانی که CAS به آن رسیدگی می کند محرومیت تعلیق شود که این در روزهای آینده اعلام می شود.

ماجرای آنجا شروع شد که مهدی طارمی فصل گذشته پس از کش و قوس های فراوان به ترکیه رفت تا برای ریزه اسپور بازی کند. او با این باشگاه قرارداد بست اما به دلایلی که هیچ گاه به طور شفاف مطرح نشد به پرسپولیس بازگشت. از همان موقع بحث هایی بابت فسخ غیرقانونی قرارداد این بازیکن با باشگاه ترکیه ای مطرح شد. اما در آن برهه چه از سوی خود طارمی و چه از سوی باشگاه پرسپولیس به شدت این موضوع رد می شد. آنها تاکید می کردند که این بازیکن به صورت قانونی قراردادش را فسخ کرده است و هیچ مشکلی در این زمینه وجود ندارد. اما همه چیز برای سرخ ها رنگ کابوس پیدا کرد. آنها که پس از ماه ها تلاش موفق شده بودند رقم مربوط به محکومیت در پرونده مانوئل ژوزه را تامین کنند، با یک حکم باورنکردنی دیگر مواجه شدند؛ فدراسیون جهانی فوتبال در پی شکایت باشگاه ریزه اسپور ترکیه، مهدی طارمی بهترین بازیکن و گلزن پرسپولیس را در پرونده قطع همکاری با تیم ترکیه ای ریزه اسپور، مقصر دانسته و او را چهارماه از فوتبال محروم کرده است.

سهل انگاری مدیران باشگاه پرسپولیس در حالی باعث خشم هواداران شده که ریزه اسپور پیش از این بارها تهدید کرده بود که با پیگیری این ماجرا، حکم سنگینی علیه طارمی و پرسپولیس خواهد گرفت. ماجرا وقتی دردناک تر می شود که بدانیم این حکم قطعی است و پرسپولیس در این پرونده نیز با جریمه سنگین مالی جدیدی مواجه خواهد شد.

البته خونسردی عجیب مسئولان باشگاه پرسپولیس

پاییز برای پرسپولیس با یک شوک آغاز شد؛ پرسپولیس نیز در دو پنجره نقل و انتقالات آتی از خرید بازیکن جدید محروم است و البته مهدی طارمی را به دلیل محرومیت تا ۴ ماه دیگر در اختیار نخواهد داشت. این در حالی است که محرومیت بدموقع پرسپولیس که خروجی سهل انگاری مدیران این باشگاه و مقامات بالادستی درباره لغو قرارداد طارمی با باشگاه ریزه اسپور ترکیه است هواداران را بیش از پیش نگران کرده است. انگار حاشیه های مهدی طارمی تمامی ندارد. او که اخیراً و بعد از بازی تاریخی برابر الاهلی در رقابت های لیگ برتر فرصت های زیادی را از دست می داد و از این حیث به فرم قبلی اش بازگشته این بار با فسخ قراردادش با باشگاه ترکیه ای، باشگاه پرسپولیس را در تنگنایی بزرگ گرفتار کرده است.

### چالش بزرگ ریزه اسپور

پرسپولیسی ها سرخوش از پیروزی مقتدرانه برابر الاهلی عربستان و راهیایی به نیمه نهایی لیگ قهرمانان آسیا بودند که شوک خوردند. شکایت ریزه اسپور ترکیه از مهدی طارمی نتیجه داد. در ایران اما این چالش که ریزه اسپور می تواند از پرسپولیس و طارمی به دلیل عدم رعایت اصول حرفه ای گری شکایت کند بارها توسط مسئولان این باشگاه رد می شد اما هفته گذشته حکم نهایی فیفا نشان داد که طارمی فصل گذشته در اقدام غیر حرفه ای قرارداد خود را با باشگاه ریزه اسپور فسخ کرده است.

## حاشیه‌های یک محرومیت

مهدی طارمی به شکلی عجیب به ریزه‌اسپور ترکیه می‌پیوندند و با این تیم طبق ادعای خودش «تفاهم‌نامه» نه قرارداد امضا می‌کند و هیچ‌وقت هم از باشگاه ریزه‌اسپور برای طارمی درخواست «آی‌تی‌سی» نمی‌شود. طارمی بعد از چند روز تمرین با تیم ریزه‌اسپور در تصمیمی احساسی به ایران برمی‌گردد. فضای بد تیم ریزه‌اسپور، کوچک بودن و بدون تماشاگر بودن این تیم، ضعف فنی و البته «کودتا»ی ترکیه بهانه‌هایی است که طارمی برای بازگشت به ایران دارد. طارمی وقتی این موضوع را با دوستانش در میان می‌گذارد با مخالفت آنها برای بازگشت روبه‌رو می‌شود اما اعلام می‌کند حتی اگر یک سال هم محروم شود برای او مهم نیست و می‌خواهد به ایران برگردد.

بعد از بازگشت طارمی به ایران او به مدیر برنامه‌هایش و وکیلش می‌گوید قراردادی با ریزه‌اسپور به صورت رسمی امضا نکرده است و تقاضای «آی‌تی‌سی» هم نشده، همین موضوع باعث امیدواری طارمی، وکیل، مدیر برنامه و حتی باشگاه پرسپولیس می‌شود. طارمی هم با عقد قراردادی به پرسپولیس می‌پیوندد و در فصل گذشته هم آقای گل می‌شود و هم به عنوان قهرمانی دست پیدا می‌کند.

## محرومیتی که به بحران ختم می‌شود

مهم‌تر از محرومیت فردی مهدی طارمی در این پرونده بی‌تردید محرومیت باشگاه پرسپولیس از ۲ پنجره نقل و انتقالاتی آینده است. مساله‌ای که به راحتی می‌تواند به پرسپولیس آمده چند فصل اخیر فوتبال ایران چنان ضربه‌ای بزند که تا مدت‌ها تبعات منفی آن ادامه یابد و بحرانی جدی نصیب پرسپولیس کند. در این پرونده و حکم فیفا محرومیت باشگاه پرسپولیس به خاطر «عدم صداقت» عنوان شده است و همین کلمه هم کلید ماجرا است.

داستان از این قرار است که بعد از اینکه مهدی طارمی دلش می‌خواهد! از ترکیه به ایران برگردد باشگاه پرسپولیس سریعاً دست به کار می‌شود تا دوباره طارمی را جذب کند، اما در این بین مشکلی وجود دارد و آن هم قرارداد طارمی با باشگاه ریزه‌اسپور ترکیه است. این قرارداد در تاریخ ۸ تیر ۱۳۹۵ منعقد شده بود. آن هم در شرایطی که طارمی بازیکن آزاد بود. پس از اینکه طارمی اعلام می‌کند قصد بازگشت به پرسپولیس را دارد، قراردادی «جدید» از طرف باشگاه پرسپولیس با مهدی طارمی رو می‌شود که تاریخ آن برای ۳۰ خرداد ۱۳۹۵ یعنی حدوداً ۱۰ روز قبل از امضای قرارداد طارمی با باشگاه ریزه‌اسپور است.

بعد از شکایت طرف ترکیه‌ای به فیفا باشگاه پرسپولیس اعلام می‌کند قبل از امضای قرارداد طارمی با ریزه‌اسپور، این بازیکن با باشگاه پرسپولیس قرارداد داشته است. با مطرح شدن این ادعا فیفا از باشگاه پرسپولیس می‌خواهد قرارداد ادعا شده را ترجمه کند و به همراه اصل قرارداد برای فیفا ارسال کند که این کار هم صورت می‌گیرد.

پس از اینکه قرارداد به فیفا می‌رسد داستان آغاز می‌شود. مسئولان فیفا به این قرارداد و رفتار باشگاه پرسپولیس شک می‌کنند و برایشان این سوال به وجود می‌آید که اگر طارمی با باشگاه پرسپولیس قرارداد داشته چطور بعد از پیوستنش به ریزه‌اسپور هیچ عکس العملی از طرف باشگاه ایرانی رخ نمی‌دهد و برای بازگشت این بازیکن به تیمش این باشگاه فعلیتی نمی‌کند. همین مساله کافی است تا فیفا به «اصل» بودن

قرارداد باشگاه پرسپولیس با طارمی شک کند و در نهایت هم باشگاه پرسپولیس را به اتهام «عدم صداقت» و وسوسه کردن طارمی در این پرونده از ۲ پنجره نقل و انتقالاتی محروم کند. به زبان ساده یعنی اینکه اگر مسئولان باشگاه پرسپولیس در اجرای طارمی و ریزه‌اسپور ورود نمی‌کردند و برای بستن قرارداد با این بازیکن دست به پرونده‌سازی نمی‌زدند، باشگاه پرسپولیس محروم نمی‌شد و نهایتاً خود مهدی طارمی باید محرومیت ۴ ماهه را پشت سر می‌گذاشت.

## عدم همکاری فدراسیون فوتبال

پرسپولیسی‌ها هفته گذشته پس از روبه‌رو شدن با خبر محرومیت بلافاصله دست به کار شدند تا با رایزنی‌هایی شرایط را تغییر دهند. آنها جلسه‌ای اضطراری با حضور مهدی تاج و چند فرد حقوقی در فدراسیون فوتبال تشکیل دادند تا راه‌های برون‌رفت باشگاه پرسپولیس از این پرونده مطرح و بررسی شود. در آن جلسه طاهری حکم ۱۵ صفحه‌ای فیفا را نشان می‌دهد اما پس از مطالعه حکم به او گفته می‌شود به خاطر تأکید فیفا روی «عدم صداقت» باشگاه پرسپولیس و طارمی هیچ شانس برای شکستن رای ندارند. در واقع مهدی طارمی و باشگاه پرسپولیس با رفتاری غیر حرفه‌ای باعث شدند فدراسیون جهانی فوتبال بدون هیچ ملاحظه‌ای چنین حکم سنگینی را صادر کند. شاید طارمی و مدیران باشگاه پرسپولیس خیال می‌کردند با «کندخدا منشی» و ریش سفیدی می‌شود با فیفا هم مدارا کرد اما فیفا نشان داد تا چه اندازه در پرونده‌هایی که مهر «عدم صداقت» بخورد، مدارا نخواهد کرد. هفته گذشته خبرگزاری ایسنا در گزارشی به طور مفصل به بحران محرومیت در پرسپولیس پرداخت؛ این روزها باشگاه پرسپولیس علاوه بر پرونده مانوئل ژوزه درگیر پرونده جدی بین المللی دیگری شده که به نظر می‌رسد حاصل هنرنمایی و سوء تدبیر مدیران حال حاضر این باشگاه است. علی اکبر طاهری در ۱۲ مرداد ۹۵ در یک نشست خبری اظهار کرد: «ما با طارمی و همین طور مدیر برنامه‌هایش در این زمینه توافق کرده‌ایم. ما پیش از این با طارمی قرارداد بسته بودیم و بعد از اینکه طارمی با باشگاه ترکیه‌ای قرارداد امضا کرد، در واقع قرارداد باشگاه ترکیه‌ای ثانویه شد.»

او گفت: «خود طارمی باید در مورد امضای این قرارداد پاسخگو باشد. باشگاه پرسپولیس متضرر نمی‌شود. البته ما هم در این زمینه به این بازیکن کمک می‌کنیم تا کمتر متضرر شود. کارهای حقوقی این موضوع در جریان است.» این اظهار نظر طاهری حدوداً ۲ هفته پس از بازگشت مهدی طارمی به تهران و انعقاد قرارداد با پرسپولیس مطرح شد. این موضوع وقتی جالب‌تر می‌شود که بدانید یک روز قبل از سفر رسمی مهدی طارمی برای مذاکره به ترکیه، او در محل باشگاه پرسپوس حاضر شده بود و پس از انجام مذاکراتی، سایت باشگاه در خبری روی خروجی اش رسماً اعلام می‌کند که «هیچ قراردادی میان طرفین به امضا نرسید» تا طارمی پس از بازگشت به ایران،

**طاهری: «طارمی باید در مورد امضای این قرارداد پاسخگو باشد. باشگاه پرسپولیس متضرر نمی‌شود. البته ما هم در این زمینه به این بازیکن کمک می‌کنیم تا کمتر متضرر شود. کارهای حقوقی این موضوع در جریان است.»**

این قرارداد را امضا کند. پس از این جلسه که خبرش روی سایت پرسپولیس قرار گرفت، مهدی طارمی به ترکیه رفت و با ریزه‌اسپور توافق و قرارداد رسمی امضا کرد.

حال سوال این است که اگر به گفته طاهری (مصاحبه با خبرنگاران در ۱۲ مرداد ۹۵) پرسپولیس با طارمی قرارداد امضا کرده و سپس او به ترکیه رفته است چرا سایت باشگاه پیش از ترک تهران از سوی طارمی، رسماً اعلام می‌کند توافقی حاصل نشده و قراردادی منعقد نشده است. این ماجرا دو حالت بیشتر ندارد، یا خبر باشگاه و اطلاع‌رسانی پرسپولیس دروغ بوده یا طاهری اظهارات نادرستی را پس از بازگشت طارمی درباره قرارداد باشگاه با او - پیش از سفر به ترکیه - مطرح کرده است.

اکنون به نظر می‌رسد باشگاه ترکیه‌ای هم دقیقاً روی همین موضوع دست گذاشته و شکایت خود را به فیفا برده است. فدراسیون جهانی فوتبال هم که روی تناقض و البته شاهکار باشگاه پرسپولیس را پیگیری کرده است. در نهایت فیفا هم به خاطر همین تخلف رای به محرومیت باشگاه پرسپولیس از دو پنجره نقل و انتقالات داده است. اگر باشگاه پرسپولیس دست به این ابتکار خلق الساعه نمی‌زد و با طارمی قراردادی با تاریخ پیش از رفتنش به ترکیه امضا نمی‌کرد، اکنون فیفا فقط مهدی طارمی که مرکب تخلف آشکار شده بود را محروم و جریمه می‌کرد نه باشگاه پرسپولیس را. اگر باشگاه تراکتورسازی تبریز و یا استقلال از پنجره نقل و انتقالات محروم شدند، به خاطر پرداخت نشدن مطالبات بازیکنان یا مربیان خارجی شان بود که این مساله هم حاصل ضعف منابع مالی این باشگاه‌ها بود اما حالا پرسپولیس به خاطر یک قرارداد عجیب با روش خارق‌العاده مدیرانش محروم شده است. در این میان مطمئناً هواداران پرسپولیس انتظار دارند وزارت ورزش و جوانان که متولی این باشگاه است، به این موضوع ورود کرده و با خاطیان این فاجعه بزرگ برخورد کند.

خبر آنالاین اما درباره راهکار تازه مدیران باشگاه پرسپولیس برای حل این بحران می‌نویسد: «پرسپولیسی‌ها قصد دارند با رای پرونده طارمی را به CAS ببرند و قرار موقت بگیرند تا این بازیکن بتواند فعلاً بازی کند. آنها امیدوارند بتوانند ریزه‌اسپور ترکیه را در این پرونده شکست دهند ولی مساله اینجاست اگر قرمزها مدرکی داشتند تاکنون ارائه می‌دادند. به نظر نمی‌رسد CAS هم تغییری در رای ایجاد کند و بدین ترتیب قرمزها باید پول اضافه به دادگاه هم بدهند. آنها البته با یک راه حل جدید هم روبه‌رو شده‌اند؛ اینکه جریمه مالی در نظر گرفته شده را مستقیماً به ترکیه‌ای‌ها بدهند و یک جورهای سیل شان را چرب کنند. در این صورت آنها هم بی‌خیال شکایت شان شوند و محرومیت‌ها بخشیده شود. قرمزها در حال بررسی این راه حل هستند و به نظر بهترین راه حل موجود به نظر می‌رسد. همه اتفاقات اخیر اما به نوعی فشار بر وزیر ورزش را دوچندان کرده است. مسعود سلطانی فر که از سویی به دلیل بحران استقلال تحت فشار انتقادها قرار گرفته است و خیلی‌ها تاکید دارند او به عنوان رئیس مجمع این باشگاه بحران آبی‌ها را حل کند این بار در پرسپولیس هم با وضعیت قرمز روبه‌رو است. شاید به همین دلیل است که در حاشیه آیین رونمایی از پادمان شهدای ورزشکار از پاسخگویی به مشکلات پرسپولیس طفره رفت و در پاسخ به این سوال که طاهری بارها اعلام کرده پرونده طارمی باشگاه را تهدید نمی‌کند اما حالا پرسپولیس از نقل و انتقالات محروم شده است، این گونه واکنش نشان داد: «اینجا آمده‌ایم تا درباره دفاع مقدس صحبت کنیم؛ پرسپولیس چگونه با محرومیت خود برخورد می‌کند؟ محرومیت از دو پنجره آتی در فصل نقل و انتقالات بحران کوچکی نیست. آنها پس از آرامش دوباره به توفان رسیده‌اند؟ ▶

# پرسپولیس پس از رسوایی

مهدی ربوشه

دبیر گروه ورزش



۲

**اول:** الهلال، الاهلی نبود. درست مثل پرسپولیس که از تیم رویایی دو هفته پیش فاصله زیادی داشت؛ تیمی که در بازی رفت برابر الاهلی دو بر صفر از حریف عقب افتاده بود اما بازگشتی خیره کننده داشت و با یک تساوی به بازی برگشت امیدوار شد. همین تیم زهردار بود که به بازی برگشت بیشتر امیدواران کرد و در نهایت با نتیجه سه بر یک الاهلی را مقتدرانه از لیگ قهرمانان آسیا کنار زد. یک ساعت بعد از اینکه بازیکنان پرسپولیس سر از پا نمی شناختند و آقای سرمربی را به هوا پرتاب می کردند، برانکو مهم ترین جمله ای که باید به زبان می آورد را مطرح کرد: «بازی تمام نشده. کار دشواری در پیش داریم.» این همان هشدار بود که در هلهله چندروزه سرخ ها کمتر شنیده شد. به هر حال این یک واقعیت است که مربیان حریف خود را بهتر از ما می شناسند و فرق الاهلی و الهلال را می دانند. دو تیمی که یکی مدام در نوسان بوده و دیگری خط سیر ثابتی را طی سال های اخیر طی کرده است. خطی که جز اقتدار چیز دیگری را به ذهن متبادر نمی کند. بنابراین الاهلی ابدالهلال نبود.

**دوم:** چرا پرسپولیس به الهلال باخت؟ آیا مقصر برانکو ایوانکوویچ است؟ آیا تعویض های او اشتباه بود؟ پرسپولیس در ابوظبی با اشتباهات فردی به اوج بحران رفت؟ حد پرسپولیس یا فوتبال ما همین است؟ حاشیه های تلخ قبل از بازی سرنوشت ساز پرسپولیس، این نماینده فوتبال ایران را در حساس ترین بازی فصلش زمین گیر کرد؟ اینها سوالاتی است که هواداران پرسپولیس و فوتبال ایران بعد از باخت ۴ بر صفر از خودشان می پرسند. شاید برای این سوال هر کسی پاسخ های مدنظر خود را ارائه کند اما به نظر مشکل اصلی پرسپولیس را نباید در باخت تحقیرآمیز جست و جو کرد. مشکل اصلی اینجاست که فوتبال ایران دچار یک آناشرشی است، یک به هم ریختگی محض، یک دور باطل که مدام تکرار می شود. موفقیت هایی هر چند موقتی و جود دارد اما ثباتی در کار نیست. بنابراین بد نیست مخالفان کارلوس کی روش دلیل محبوبیت این مربی را حالا بهتر دریافت کنند. آنجا که سرمربی تیم ملی در چنین اوضاع به هم ریخته ای تیمی ساخته که جدی ترین رقبای آسیایی امیدواری کمی به شکستش دارند. او با تیمی که صفر تا صدش را خودش چیده است، به خوبی می داند که از هر بازی چه می خواهد. در مقطعی رحمان احمدی را به نفر اول دروازه بان هایش تبدیل می کند و در مقطعی دیگر حقیقی و باز در مقطعی دیگر بیرانوند. در خطوط دیگر هم استراتژی های او همین قدر متفاوت است. در واقع ما با یک مربی رویه رو هستیم با نقشه های متعددی که راه پیروزی یا بهتر بگویم شکست ناپذیری را به خوبی می داند. این راه بگویم که قرار نیست برانکو شبیه به کی روش باشد. برانکو همان قدر اجازه دارد با کی روش متفاوت باشد که لیگ فوتبال ایران با تیم ملی ایران متفاوت است. یکی باید فلسفه مربیگری اش را با یک تورنمنت طولانی مدت تنظیم کند و دیگری باید بازی به بازی برای تیمش برنامه ریزی کند. پس، وقتی به بازی رفت پرسپولیس-الهلال بر می گردیم،

بیشتر این ضرورت را حس می کنیم که صرفا نباید برانکو یا بازیکنان را مقصر بدانیم. مقصر اصلی فوتبال ماست. اما چرا؟

**سوم:** اتفاقی که هفته گذشته در باشگاه پرسپولیس رخ داد، یک آبروریزی تمام عیار بود. با چنین نمونه هایی خیلی کم برخورد کرده ایم. ماجرا را با هم مرور کنیم؛ مهدی طارمی به ریزه اسپور ترکیه می رود و قرارداد می بندد. بعد از چند روز به او می گویند پول رضایت نامه مهیا شده و می توانی برگردی. پولی که اتفاقا از منبعی غیرمستول تهیه شده است اما برای آنهایی که نقشه بازگشت طارمی به پرسپولیس را طراحی می کردند این موضوع اصلا مهم نبود. همچنان که در فوتبال ایران غیرمستول بودن هرگز منعی برای دخالت افرادی نیست که جز به شهرت طلبی و مانورهای رسانه ای دلخوش نیستند. به ما چرا برگردیم. طارمی برمی گردد. مدیران باشگاه پرسپولیس دست به شاهکار بعدی می زنند. با طارمی قرارداد امضا می کنند و تاریخش را به عقب برمی گردانند. تاریخی قبل از تاریخ عقد قرارداد با ریزه اسپور، یک تقلب مبتدیانانه تخلفی ساده لوحانه. انگار چشم و گوشه در کار نیست که بعدها این تخلف را به رسوایی تبدیل کند. این قرارداد با تاریخی تنظیم می شود که سایت رسمی باشگاه پرسپولیس در همان تاریخ از بی نتیجه ماندن مذاکرات با طارمی خبر داده. ماجرا را که مرور می کنیم هم خنده مان می گیرد و هم غصه دار می شویم. این همه ساده اندیشی و در عین حال مقاومت از کجا می آید؟ ساده اندیشی به این دلیل که فیفا پرونده های به مراتب سنگین تری را رمز گشایی کرده است. پرونده تخلف باشگاه پرسپولیس که سنگین تر از فساد مالی بن همام نبوده. رفتار زشت آقایان پیچیده تر از پرونده سپ بلاتر نبوده است اما متأسفانه این ساده اندیشی با یک مقاومت همراه شده است. مقاومت برابر همه آنهایی که امروز به خاطر لطمه خوردن اعتبار باشگاه پرسپولیس خواهان برکناری مدیران این باشگاه هستند. آقای طاهری! شما و دوستان تان قطعا بعد از این آبروریزی بزرگ باید استعفا می دادید. اما استعفا ندادن شما همان اندازه تعجب برانگیز نیست که حل نشدن بسیاری از معضلات فوتبال ایران. پس، در چنین اوضاعی نباید هم

سوالات مان درباره ناکامی بزرگ در ابوظبی را به اشتباهات فردی بازیکنان پرسپولیس یا تعویض های برانکو محدود کنیم، چون اساسا قرار نیست فوتبال ما متحول شود. قرار به تغییر است. تغییری بسیار محدود و ناچیز برای آرام کردن هواداران. درست مثل شرایطی که در استقلال می بینیم. منصوریان کنار می رود تا انتخاب های بدوزارت ورزش که امروز خود را مدیران بحران باشگاه استقلال برمی شمردند، دیده نشود.

**چهارم:** مهدی تاج هفته گذشته از عزم وزارت ورزش برای واگذاری پرسپولیس و استقلال خبر داد؛ وعده ای تو خالی که بارها تکرار شده اما خبری از واگذاری نیست. نه این دولت که هر دولتی که در راس کار قرار بگیرد غیر ممکن است علاقه شدیدی به پرسپولیس و استقلال پیدا نکند. در واقع بهتر بگویم اگر بعد از رئیس شدن مهدی تاج سازمان اقتصادی که ایشان به طور مرتب وعده اش را می داد، تشکیل شد، وعده های دیگر هم محقق خواهد شد. سازمان اقتصادی که تاج از آن صحبت می کرد قرار بود بزرگترین مشکلات مالی فوتبال ایران و تیم ملی را حل کند. خبری نشد. خبری هم نیست. فوتبال ایران با افول ستاره هایی چون علی دایی، مهدی مهدوی کیا، علی کریمی، احمد رضا عابدزاده، جواد زرینچه، خداداد عزیزی و همه آنهایی که فوتبال را برای ما دیدنی می کردند، سال هاست که اوج خود را با فرود عوض کرده. پس، سه شنبه شب، وقتی با گل نماینده کم زورمان را بازنده بازی سرنوشت ساز دیدیم، به اندازه پاییز آن سال ها که فوتبال مان را فوتبال لیست های صادق تری می ساختند، دل مان نگرفت. از محرومیت طارمی دلگیر نشویم. یادمان نرود او در واکنش به تخلفی که او را ۴ ماه از پرسپولیس گرفت، جملات وحشتناکی به زبان آورد: «حتما خیریتی در کار بوده!» و باز فراموش نکنیم که مدیران باشگاه پرسپولیس بعد از آبروریزی و محرومیت نه استعفا داده اند و نه حتی یک عذرخواهی ساده به زبان می آورند. سکوت کرده اند تا هوادار بیشتر حرص بخورد.

**پنجم:** همه ما دوست داریم پرسپولیس در بازی برگشت با ۵ گل الهلال را شکست بدهد و به فینال آسیا راه یابد، نه؟ ▶





# درس‌ها و عبرت‌ها

نهیض حسینی در کلام رهبری



«عاشورا به غیر از درس، یک صحنه عبرت است. باید انسان در این صحنه نگاه کند تا عبرت بگیرد. یعنی چه عبرت بگیرد؟ یعنی خود را با آن وضعیت مقایسه کند، بفهمد در چه حال و وضعیتی است. چه چیز او را تهدید می‌کند و چه چیز برای او لازم است. این را عبرت می‌گویند. یعنی شما از جاده‌ای عبور کردید، یک اتومبیلی را دیدید که واژگون شده یا تصادف کرده و آسیب دیده است، مجال‌ها شده و سرنشینانش نابود شده‌اند، می‌ایستید و نگاه می‌کنید، برای اینکه عبرت بگیرید. معلوم شود که چه جور سرعت و حرکتی، چه جور رانندگی‌ای به این وضعیت منتهی می‌شود. این هم نوع دیگری درس است. اما درس از راه عبرت‌گیری.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب، قیام امام حسین (ع) و عاشورا را یک معیار برای عبرت توصیف می‌کنند، یعنی جایی برای قیاس، در کلام ایشان این حادثه از ابعاد و چشم‌اندازهای مختلفی از ریشه‌ها گرفته تا طریقه درست عزاداری برای سیدالشهدا مورد بررسی قرار گرفته است، بخشی از بیانات رهبری در این مورد را مرور می‌کنیم تا در این روزهای حماسه خون چراغ راه باشد.

## یک سرمشق

عاشورا یک حادثه تاریخی صرف نبود؛ عاشورا یک فرهنگ، یک جریان مستمر و یک سرمشق دائمی برای امت اسلام بود. حضرت ابی‌الله (ع) با این حرکت - که در زمان خود دارای توجیه عقلانی و منطقی کاملاً روشنی بود - یک سرمشق را برای امت اسلامی نوشت و گذاشت. این سرمشق فقط شهید شدن هم نیست؛ یک چیز مرکب و پیچیده و بسیار عمیق است. سه عنصر در حرکت حضرت ابی‌الله (ع) وجود دارد: عنصر منطق و عقل، عنصر حماسه و عزت، و عنصر عاطفه.

## ابعاد یک حادثه

بیان ماجرای عاشورا، فقط بیان یک خاطره نیست. بلکه بیان حادثه‌ای است که - همان‌طور که در آغاز سخن عرض شد - دارای ابعاد بی‌شمار است. پس، یادآوری این خاطره، در حقیقت مقوله‌ای است که می‌تواند به برکات فراوان و بی‌شماری منتهی شود. بنابراین شما ملاحظه می‌کنید که در زمان ائمه (ع)، قضیه گریستن و گریانیدن برای امام حسین (ع)، برای خود جایی دارد. مبدا کسی خیال کند که در زمینه فکر و منطق و استدلال، دیگر چه جایی برای گریه کردن و این بحث‌های قدیمی است! نه! این خیال باطل است. عاطفه به جای خود و منطق و استدلال هم به جای خود، هر یک سهمی در بنای شخصیت انسان دارد.

## یک حرکت در دو جبهه

ماجرای عاشورا عبارت از یک حرکت عظیم مجاهدت‌آمیزی در دو جبهه است. هم در جبهه مبارزه با

دشمن خارجی و بیرونی - که همان دستگاه خلافت فاسد و آن دنیاطلبانی بود که به این دستگاه قدرت چسبیده بودند و قدرتی را که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای نجات انسان‌ها آورده بود استخدام و استثمار کرده بودند و عکس مسیری که اسلام و بنی‌مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خواسته بودند و اراده کرده بودند حرکت می‌کردند - و هم در جبهه درونی که آن روز که جامعه به‌طور عموم به سمت همان فساد درونی حرکت کرده بود...

## خون مقدس

در روز عاشورا کسی نفهمید چه اتفاق افتاد. عظمت آن حادثه، عظمت جهاد جگرگوشه پیغمبر و یاران و نزدیکانش و همچنین عظمت فاجعه کشته شدن فرزندان و نوردیدگان پیغمبر بر کسی روشن نبود. اکثر کسانی که آنجا بودند هم نفهمیدند. آنهایی که در جبهه دشمن بودند، آن قدر مست و آن قدر غافل و آن قدر از خود بیگانه بودند که نفهمیدند چه اتفاقی افتاد! مستان عالم، مستان غرور و شهوت و غضب و مستان حیوانیت، نمی‌فهمند در عالم انسانیت چه دارد اتفاق می‌افتد؛ بله، زینب سلام‌الله‌علیها خوب فهمید، سکینه خوب فهمید، آن زن‌ها و دخترهای مظلوم خوب فهمیدند چه اتفاقی افتاد؛ این مال روز عاشورا است. اما هر روزی که از روز عاشورا جلوتر رفتیم - روز دوازدهم در کوفه، چند هفته بعد در شام، چند هفته بعد در مدینه و اندکی بعد در همه دنیای اسلام - این حادثه به سرعت برق، عظمت و اهمیت خودش را نشان داد. هنوز دو سال از این حادثه نگذشته بود که آن طفیانگر فرعون که عامل این حادثه بود، از روی زمین برافتاد و نابود شد و چند سالی بیش نگذشته بود که آن خانواده نابود شدند. خانواده دیگری از بنی‌امیه سر کار آمدند؛ چند دهه سالی نگذشت که آن خانواده هم مضمحل و نابود شدند. دنیای اسلام روز به روز به مکتب اهل بیت نزدیکتر، دل‌سترتر و مشتاق‌تر شد و این حادثه توانست پایه‌های عقیده اسلامی و مکتب اسلام را در طول تاریخ استوار کند. اگر حادثه کربلا نبود، ما امروز از مبانی و اصول اسلام هم چندان خبری نمی‌داشتیم و شاید فقط نامی از اسلام به گوش ما می‌خورد. این خون مقدس و این حادثه بزرگ، نه فقط کوچک نشد، کم‌رنگ

**مقاومت امام خمینی و مقاومت ملت ایران پیش از پیروزی انقلاب و بعد از پیروزی انقلاب توانست قدرت‌های استکباری را به زانو در بیاورد. معلم بزرگ این مقاومت آگاهانه حسین بن علی<sup>(ع)</sup> است. ما هر جا برسیم و هر چه بکنیم، در مقابل حسین<sup>(ع)</sup> و اصحاب‌اش احساس حقارت فوق‌العاده داریم**

نشد، ضعیف نشد، بلکه روز به روز قوی‌تر و برجسته‌تر و اثرگذارتر شد؛ این یک نمونه برجسته است.

## منطق عشق

«و انا من حسین»؛ یعنی دین پیامبر، زنده شده حسین بن علی است. آن روی قضیه، این بود؛ این روی سکه، حادثه عظیم و حماسه پُرشور و ماجرای عاشقانه عاشورا است که واقعا جز با منطق عشق و با چشم عاشقانه نمی‌شود قضایای کربلا را فهمید. باید با چشم عاشقانه نگاه کرد تا فهمید حسین بن علی در این تقریب یک شب و نصف روز، یا حدود یک شبانه‌روز - از عصر تا صبح عصر عاشورا - چه کرده و چه عظمتی آفریده است! لذا است که در دنیا باقی مانده و تا ابد هم خواهد ماند. خیلی تلاش کردند که حادثه عاشورا را به فراموشی بسپارند؛ اما نتوانستند.

## پاسدار اسلام

پس، تا قبل از شروع قیام امام حسین علیه‌السلام، خواص هم حاضر نبودند قدمی بردارند. اما بعد از قیام امام حسین علیه‌السلام، این روحیه زنده شد. این، آن درس بزرگی است که در ماجرای عاشورا، در کنار درس‌های دیگر باید بدانیم. عظمت این ماجرا این است. اینکه «الموعود بشهادته قبل استهلاله و ولادته»؛ اینکه از قبل از ولادت آن بزرگوار «بکته السماء و من فیها والارض و من علیها»؛ حسین بن علی علیه‌السلام را در این عزای بزرگ مورد توجه قرار دادند و عزای او را گرامی داشتند و به تعبیر این دعا یا زیارت، بر او گریه کردند، به این خاطر است. بنابراین شما امروز وقتی نگاه می‌کنید، اسلام را زنده شده حسین بن علی علیه‌السلام می‌دانید. او را پاسدار اسلام می‌دانید. تعبیر «پاسدار» تعبیر مناسبی است. پاسداری، آن وقتی است که دشمن وجود دارد. این دو دشمن - دشمن خارجی، و آفت اضمحلال درونی - امروز هم وجود دارد و شما پاسدارید. مبدا گمان شود که دشمن در خواب است! مبدا اگمان شود که دشمن از دشمنی منصرف است! چنین چیزی ممکن نیست.



در خلال روضه خوانی، سخنرانی، مداحی، شعرهای مصیبت، خواندن نوحه سینه زنی و در خلال سخنرانی های آموزنده، ماجرا و هدف امام حسین علیه الصلاه والسلام. یعنی همان هدفی که در کلمات خود آن بزرگوار هست که: «و انی لم اخرج اشرا و لا یطرا و لا ظالما و لا مفسدا، و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی»، بیان شود. این، یک سرفصل است. عباراتی از قبیل «ایها الناس، ان رسول الله، صلی الله علیه و آله وسلم، قال: من رای سلطانا جائرا، مستحلا لحرم الله، ناکثا لعهده الله... فلم یغیر علیه بفعل و لا قول، کان حقا علی الله ان یدخله مدخله» و «من کان باذلا فینا مهجته و موطنی علی لقاء الله نفسه فلیرحل معنا»، هر کدام یک درس و سرفصلند.

بحث لقاء الله و ملاقات با خداست. هدف آفرینش بشر و هدف «انک کادح الی ربک کدحا» - همه این تلاش ها و زحمات ها - همین است که «فملاقیه»: ملاقات کند. اگر کسی موطن در لقاء الله است و بر لقاء الله توطین نفس کرده است، «فلیرح معنا»: باید با حسین راه بیفتد. نمی شود توی خانه نشست. نمی شود به دنیا و تمتعات دنیا چسبید و از راه حسین غافل شد. باید راه بیفتیم. این راه افتادن از درون و از نفس ما، با تهذیب نفس شروع می شود و به سطح جامعه و جهان می کشد. اینها باید بیان شود. اینها هدف های امام حسین است. اینها خلاصه گیری ها و جمع بندی های نهضت حسینی است.

#### استقامت

اگر امام حسین علیه السلام می خواست در مقابل حوادث بسیار تلخ و دشواری مثل شهادت علی اصغر، اسارت زنان، تشنگی کودکان، کشته شدن همه جوانان و حوادث فراوان دیگری که در کربلا قابل احصاست، با دید یک متشرع معمولی نگاه کند و عظمت رسالت خود را به فراموشی بسپارد، قدم به قدم می توانست عقب نشینی کند و بگوید: «دیگر تکلیف نداریم. حال با یزید بیعت می کنیم، چاره چیست؟! الضرورات تبیح المحذورات»، اما امام حسین علیه السلام چنین نکرد. این، نشانگر استقامت آن حضرت است. استقامت یعنی این! استقامت، همه جا به معنای تحمل مشکلات نیست. تحمل مشکلات برای انسان بزرگ، آسانتر است تا تحمل مسائلی که بر حسب موازین - موازین شرعی، موازین عرفی، موازین عقلی ساده - ممکن است خلاف مصلحت به نظر آید. تحمل اینها، مشکلتر از سایر مشکلات است.

#### فرصت بزرگ تبلیغ

حادثه عاشورا، خشک و صفا استدلالی نیست، بلکه در آن عاطفه با عشق و محبت و ترحم و گریه همراه است. قدرت عاطفه، قدرت عظیمی است؛ بنابراین ما را امر می کنند به گریستن، گریاندن و حادثه را تشریح کردن. زینب کبری (سلام الله علیها) در کوفه و شام منطقی حرف می زند، اما مرثیه می خواند؛ امام سجاد روی منبر شام، با آن عزت و صلابت بر فرق حکومت اموی می کوبد، اما مرثیه می خواند. این مرثیه خوانی تا امروز ادامه دارد و باید تا ابد ادامه داشته باشد. تا عواطف متوجه بشود. در فضای عاطفی و در فضای شوق و محبت است که می توان خیلی از حقایق را فهمید، که در خارج از این فضاها نمی توان فهمید. این سه عنصر، سه عنصر اصلی تشکیل دهنده حرکت عاشورایی حسین بن علی (ارواحنا فداه) است که یک کتاب حرف است و گوشه ای از مسائل عاشورای حسینی است؛ اما همین یک گوشه برای ما درس های فراوانی دارد. ما مبلغان، زیر نام حسین بن علی تبلیغ می کنیم. این فرصت بزرگ را یاد این بزرگوار به مبلغان دین بخشیده است، که بتوانند تبلیغ دین را در سطوح مختلف انجام بدهند. ▶

با عظمتی! مگر چه وضعی بود که حسین بن علی (ع)، احساس کرد که اسلام فقط با فداکاری او زنده خواهد ماند، و الا از دست رفته است؟! عبرت اینجا است. روزگاری رهبر پیغمبر جامعه اسلامی، از همان مکه و مدینه پرچم ها را می بست، به دست مسلمان ها می داد و آنها تا اقصی نقاط جزیره العرب و تا مرزهای شام می رفتند؛ امپراتوری روم را تهدید می کردند؛ آنها از مقابلشان می گریختند و لشکریان اسلام پیروزمندانه برمی گشتند؛ که در این خصوص می توان به ماجرای «تبوک» اشاره کرد. روزگاری در مسجد و معبر جامعه اسلامی، صوت و تلاوت قرآن بلند بود و پیغمبر با آن لحن و آن نفس، آیات خدا را بر مردم می خواند و مردم را موعظه می کرد و آنها را در جاده هدایت با سرعت پیش می برد. ولی چه شد که همین جامعه، همین کشور و همین شهرها، کارشان به جایی رسید و آن قدر از اسلام دور شدند که کسی مثل یزید بر آنها حکومت می کرد؟! وضعی پیش آمد که کسی مثل حسین بن علی (ع)، دید که چاره ای جز این فداکاری عظیم ندارد! این فداکاری، در تاریخ بی نظیر است. چه شد که به چنین مرحله ای رسیدند؟ این، آن عبرت است. ما باید این را امروز مورد توجه دقیق قرار دهیم.

#### اهداف نهضت

عاشورا و ماجرای حسین بن علی باید در منبر، به شکل سنتی روضه خوانی شود؛ اما نه برای سنت گرایی، بلکه از طریق واقعه خوانی. یعنی اینکه، شب عاشورا این طور شد، روز عاشورا این طور شد، صبح عاشورا این طور شد. شما ببینید یک حادثه بزرگ، به مرور از بین می رود؛ اما حادثه عاشورا، به برکت همین خواندن ها، با جزئیاتش باقی مانده است. فلان کس این طوری آمد با امام حسین (ع) وداع کرد؛ این طوری رفت به میدان، این طوری جنگید؛ این طوری شهید شد و این کلمات را بر زبان جاری کرد. واقعه خوانی، تا حد ممکن، باید متقن باشد. مثلا در حدود «لوهوف» ابن طاووس و «ارشاد» مفید و امثال اینها - نه چیزهای من در آوردی - واقعه خوانی و روضه خوانی شود.

#### درس های عاشورا

عاشورا پیام ها و درس هایی دارد. عاشورا درس می دهد که برای حفظ دین، باید فداکاری کرد. درس می دهد که در راه قرآن، از همه چیز باید گذشت. درس می دهد که در میدان نبرد حق و باطل، کوچک و بزرگ، زن و مرد، پیر و جوان، شریف و ضعیف و امام و رعیت، با هم در یک صف قرار می گیرند. درس می دهد که جبهه دشمن با همه توانایی های ظاهری، بسیار آسیب پذیر است. همچنان که جبهه بنی امیه، به وسیله کاروان اسیران عاشورا، در کوفه آسیب دید، در شام آسیب دید، در مدینه آسیب دید، و بالاخره هم این ماجرا، به فتنای جبهه سفیانی منتهی شد. درس می دهد که در ماجرای دفاع از دین، از همه چیز بیشتر، برای انسان، بصیرت لازم است. بی بصیرت ها فریب می خورند. بی بصیرت ها در جبهه باطل قرار می گیرند؛ بدون اینکه خود بدانند. همچنان که در جبهه ابن زیاد، کسانی بودند که از فساد و فجار نبودند، ولی از بی بصیرت ها بودند. اینها درس های عاشورا است. البته همین درس ها کافی است که یک ملت را، از ذلت به عزت برساند. همین درس ها می تواند جبهه کفر و استکبار را شکست دهد. درس های زندگی سازی است.

#### عبرت اول

اولین عبرتی که در قصیه عاشورا ما را به خود متوجه می کند، این است که ببینیم چه شد که پنجاه سال بعد از درگذشت پیغمبر (صلوات الله وسلامه علیه) جامعه اسلامی به آن حدی رسید که کسی مثل امام حسین (ع) ناچار شد برای نجات جامعه اسلامی، چنین فداکاری ای بکند؟ این فداکاری حسین بن علی (ع)، یک وقت بعد از هزار سال از صدر اسلام است؛ یک وقت در قلب کشورها و ملت های مخالف و معاند با اسلام است؛ این یک حرفی است. اما حسین بن علی (ع)، در مرکز اسلام، در مدینه و مکه - مرکز وحی نبوی - وضعیتی دید که هر چه نگاه کرد چاره ای جز فداکاری نداشت؛ آن هم چنین فداکاری خونین

## بهای یک دفاع

از مستند مظلنه رونمایی شد

مستند «مظلنه» جدیدترین تولید مرکز فیلم و نمایش بسیج به کارگردانی سیدرضا حسینی است. این مستند براساس این سوال اساسی که «قیمت و مظلنه جنگ ما چه قدر است؟»، تلاش می‌کند تا به مصادیق دفاع مقدس نزدیک شده و در این راه با بسیاری از فعالان دفاع مقدس، مستندسازان جنگ، خانواده‌های شهید، آزادگان و... صحبت کند و پای درد دل آنها بنشیند. «مظلنه» روایتی بدیع و موثر از قیمت تمام شده جنگ تحمیلی است که در ۵۰ دقیقه به کارگردانی سیدرضا حسینی-مستندساز کهنه کار و از اعضای گروه ماندگار روایت فتح- و به همت مرکز مستندسوره به عنوان مجری طرح این مستند، آماده شده است.

### ◀ مراسم رونمایی

مراسم رونمایی از مستند «مظلنه» با حضور کارگردان اثر، سیدرضا حسینی، مرتضی سرهنگی، محمد خزاعی، پرویز شیخ طادی، دکتر علی اکبر میرابی، خانواده شهید صفاری و اصحاب رسانه در خبرگزاری تسنیم برگزار شد. در ابتدای این مراسم، مستند «مظلنه» اکران شد و پس از آن جلسه معرفی و گفت‌وگو با حضور میهمانان انجام گردید. در ابتدا سیدرضا حسینی صحبت کرد و گفت: «این موضوع را با عنوان قیمت تمام شده جنگ با آقای سرهنگی شروع کردیم، پس از صحبت هایی به این نتیجه رسیدیم که می‌توانیم کاری را با این موضوع تولید کنیم. در ابتدا می‌خواستیم سراغ چهره‌های سرشناس مثل آقای حاتمی کیا، آقای پورستویی و... برویم اما آسیب‌شناسی کردیم و دیدیم که شاید این تعبیر بشود که به جای اینکه با مردم صحبت کنیم، برای مردم صحبت می‌کنیم. به همین دلیل به سراغ قربانیان و خانواده‌های آسیب دیده جنگ رفتیم. این کار نتیجه بیست و چند سال تلاش و تحقیقات آقای سرهنگی و دوستان بود که در قالب فیلم تولید شد. متأسفانه در سال‌های اخیر اتفاقات خوبی در این حوزه رخ نمی‌داد به همین دلیل به ساخت کاری با این رویکرد مجاب شدم. تاکنون صحبت‌های زیادی از شجاعت رزمندگان شده بود. البته این را هم باید بگویم که شجاعت، ذات رزمنده دفاع مقدس است، همان‌طور که سفیدی ذات برف است. در مقابل تاکنون از مصائب خانواده‌های آسیب‌دیده از جنگ صحبت نشده بود و نیاز به این رویکرد داشتیم.»

حسینی در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت: «مستند «مظلنه» در بیان حقایق ابر است و در بیان واقعیات الکن. موضوع این قدر بزرگ است که سخت بشود کار کرد. به نظرم این مستند آینه‌ای



و فقط در پایان آن امید قرار دادند و به واسطه همین امید هم توانستند دوباره خود را پیدا کنند و کشورشان را بسازند. اکنون ۴۰ سال از جنگ ما گذشته است، می‌توان مقایسه‌ای کرد. آیا ما کاری کرده‌ایم؟ خاطرم هست که در سال ۶۲ در میان اسرای عراقی کسی پیش من آمد و به من گفت آیا شما می‌نویسید؟ می‌گفت که در جریان ورودمان به خرمشهر، فرمانده ما به جنازه شهیدها هم بی‌حرمتی می‌کرد. می‌خواهم بگویم که ما در مقابل چنین افرادی جنگیدیم. اینها کم از داعش و جنایت‌هایش نداشتند. ما اکنون هیتلر را بیشتر از صدام و حزب بعث می‌شناسیم و این بد است. این مستند فتح باب بود.»

رئیس دفتر ادبیات مقاومت حوزه هنری در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به واکنش مردم ایران در برابر تجاوز دشمن گفت: «ما ناگهان سرباز شدیم! تمام محاسباتی که دنیا کرده بود درست بود. نه ارتش داشتیم، نه سپاه، نه فرمانده و نه ساز و برگ نظامی. هیچ چیز نداشتیم. با همه اینها اما روی یک چیز حساب باز نکرد بودند و آن هم ناگهان سرباز شدن ما و مردم ما بود. مردم ما ناگهان سرباز شدند تا از آنچه دوست دارند دفاع کنند. حالا ما بدهکار این مردمی هستیم که ناگهان سرباز شدند و دفاع کردند. خدا رحمت کند شهید آوینی را! می‌گفت این مستندهای روایت فتح که پنج‌شنبه‌ها پخش می‌شود، قسط آن بدهی است که من به این بچه‌ها و رزمندگان دارم. اینجوری به قضیه نگاه می‌کرد. اینکه بدهکار این بچه‌ها بودیم. باید این قیمت تمام شده جنگ را در بیاوریم تا مردم متوجه شوند چه کسانی ایستادند و دفاع کردند. سرهنگی همچنین با اشاره به نقش زنان و مادران در جنگ گفت: «مقاومت مردان در میدان‌های نبرد، بستگی به استقامت زنان در پشت جبهه دارد. زنان اگر مانع شوند و رزمندگان را به زندگی فراخوانند، مردان باز خواهند گشت و خط مقدم را رها می‌کنند. ما در جنگ ۳۶ هزار شهید نوجوان زیر ۲۰ سال داریم. این سن یعنی سنین دانش‌آموزی! خب ساک‌های این شهدا را چه کسی بسته و راهی جبهه کرده است؟ مادرانشان! این مادر بوده است که اجازه داده و گذاشته است که این رزمنده به جبهه برود و گرنه پسر ۱۶، ۱۷ ساله چیزی نیست که یک مادر نتواند او را سر جایش بنشاند، ولی زنان و مادران ایرانی این کار را نکردند. این خصوصیت محدود به ما نبوده و در جنگ‌های دفاعی دنیا هم چنین نمونه‌هایی داریم. جنس جنگ ما دفاعی بود. به همین علت هم هست که ادبیات جنگ ما، ادبیات دفاعی است. ما ادبیات ضدجنگ نداریم! ادبیات متجاوز مغلوب نمی‌تواند ادبیات ضدجنگ داشته باشد.» ▶

است که بگویم ما با خودمان چندچندیم. نسبت‌مان با جانبازان و خانواده شهیدا چقدر است. خواهش می‌کنم یک دقیقه به جانبازان اعصاب و روان ما فکر کنید. در طول سال فقط نیم ساعت به دیدار اینها بروید و یادی از آنها نکنید.»

در ادامه علی اکبر میرابی، مدیر بیمارستان روانپزشکی صدر صحبت کرد و گفت: «من ۱۶ ساله بودم که به جبهه رفتم. برادر فرمانده گردان بود و طی عملیاتی به شهادت رسید. جنگ هنوز برای من تغییر نکرده و هنوز هم پشت خاکریز والفجر ۱ هستم، چرا که خاطرات و یاد جنگ برای یک جانباز هر روز در حال تکرار شدن است. یک جانباز باید در هر صحنه، هر صدا یا نمایی که یاد روزگار جنگ می‌افتد. ممکن است که بقیه این را نفهمند اما پیش زمینه او در اینجا جنگ است و صحنه‌های آن در ذهن او تکرار می‌شود. یکی از بیماری‌هایی که بچه‌های جانباز با آن درگیر هستند، اختلال پس از سانحه است. یک اتفاق ناگواری برای آنها در جبهه رخ داده است. مثلاً شاهد شهید شدن هم‌سنگر و دوستان بوده‌اند. اما این صحنه از ذهن آنها پاک نشده و تجربه مجدد آن برایشان اتفاق می‌افتد. این موضوع فقط یک اختلال نیست بلکه موضوعی ثبت شده در ذهن و روان آنها است. در تاریخ دیده‌اید که پس از گذشت ۳۰ سال از ماجرای کرل‌با، از امام سجاد (علیه السلام) می‌پرسند که چرا شما پس از ۳۰ سال هنوز هم با دیدن آب گریه می‌کنید؟ پاسخ آن همین موضوع است. یک جانباز با دیدن صحنه‌ای آن خاطره تلخ در ذهنش تکرار می‌شود.»

### ◀ از جنس دفاع

شاید یکی از مهم‌ترین قسمت‌های این رونمایی، حرف‌های مرتضی سرهنگی بود. او در بخش‌هایی از این مراسم با انتقاد از بی‌توجهی به سربازان جنگ گفت: «خوش حال هستم که این کار انجام شده است، با اینکه دنیای من تصویر و سینما نیست و بیشتر با کلمات سروکار دارم، اما از تولید این مستند بسیار خوشحال هستم. من در این سال‌ها متوجه شدم که در هیچ‌جای دنیا به سربازان زمان جنگ بی‌احترامی نمی‌کنند جز ایران! من یک سفر به روسیه رفتم. سر تا پای رئیس اتحادیه نویسندگان‌شان مدال بود! خودش نویسنده بود. وقتی تعجب ما را دید که بعد از نیم قرن و این همه سال هنوز به این سربازان احترام می‌گذارند، به ما گفت روسیه بدون ادبیات جنگ صرفاً یک خاک پهناور است. ببینید این کشور یکی از ابرقدرت‌های جهان است ولی هویتش را چنین چیزی تعریف کرده است. آلمانی‌ها در ادبیات جنگشان، قیمت مبارزه و جنگ خود را معلوم کردند

## یک به علاوه پنج

### خاطرات آزاده ۱۶ ساله ایرانی

کتاب خاطرات قاسم قناعتگر، آزاده مقاوم و هوشیار ایرانی با عنوان «یک به علاوه پنج» به اهتمام جلال توکلی به نگارش درآمده و توسط انتشارات پیام آزادگان منتشر شده است. قاسم قناعتگر وقتی هنوز نوجوانی بیش نبود از کلاس درس به مدرسه جبهه‌های جنگ پیوست. او در عملیات‌های مهمی چون عملیات والفجر ۸ مردانه جنگید و در بهمن سال ۱۳۶۴ و در حالی که تنها شانزده سال داشت در جزیره ام‌الرصاص به اسارت نیروهای بعثی درآمد و سال‌های سال در غربت با مقاومت زندگی کرد. این آزاده صبور یزدی نیز مانند دیگر آزادگان، لحظه‌های تلخ و شیرینی را در آن سوی دیوارهای سرد و سنگی اردوگاه سپری کرده که در این نوشتار به گوشه‌هایی از آن اشاره شده است. «شوق پرواز... پرواز»، «اندوه قفس... قفس»، «بستن راه آسمان»، «مرگ، پایان کیوتر نیست»، «پرواز...» اوج پرواز و «آلبوم خاطرات» عناوین پنج به علاوه یک فصلی است که نویسنده در آن به روایت خاطرات قاسم قناعتگر پرداخته است و رویدادهای زندگی، جنگ، اسارت و آزادی این آزاده صبور، شجاع و فعال یزدی را روایت می‌کند. آنچه در این کتاب حائز اهمیت است، دوراندیشی، هوشیاری و شجاعت آزاده‌ای است که با فعالیت‌های فرهنگی خود توانست از بوتله آزمایش اسارت نیز سر بلند بیرون بیاید. این کتاب که از زبان خود قاسم روایت می‌شود، از زمان اعزام او به جبهه شروع می‌شود، در ادامه ماجرای اسارت او را در برمی‌گیرد و با آزادی و بازگشت او به میهن و آغوش خانواده پایان می‌یابد. روایت سال‌های اسارت این آزاده مطالب این کتاب را در برمی‌گیرد که بیانگر گوشه‌ای از واقعیت‌هایی است که بر اسرای دربند نیروهای بعث عراق گذشته است که عمده این خاطرات بیانگر رنج این اسرا است و البته لحظه‌های شیرینی هم وجود دارد که گاه کام مخاطب را شیرین می‌کند.

## کوشک زلزله

### خاطرات یک کهنه سرباز از دفاع مقدس

خاطرات هشت سال دفاع مقدس جلیل عابدینی در کتاب «کوشک زلزله» به قلم اکبر صحرایی و مریم شیدای به رشته تحریر در آمده است و با حمایت اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان فارس، توسط انتشارات کتابستان معرفت تالیف و به چاپ رسیده است. کتاب، مروری بر زندگی یکی از قدیمی‌ترین بچه‌های جبهه و جنگ دارد. «جلیل عابدینی» کهنه سربازی است که از نخستین روزهای جنگ در میدان دفاع حق علیه باطل حضور داشت و اکنون در حالی که جراحات حاصل از ایام دفاع مقدس را تحمل می‌کند، خاطرات خویش را به رشته تحریر درآورده است. «کوشک زلزله» به زندگی جانباز شیمیایی شهر شیراز، جلیل عابدینی می‌پردازد که از دوران کودکی وی تا زمان جنگ پرداخته است و از آنجا که او در اغلب عملیات‌ها و قسمت‌های مختلف جبهه از جمله اطلاعات و عملیات حضور داشته، این کتاب به نحوی بیان تاریخچه عملیات‌های دفاع مقدس نیز محسوب می‌شود. همچنین موقعیت‌ها و بیان طنز آن فضای جنگ را برای مخاطب قابل تحمل و گاه شیرین می‌کند. کتاب «کوشک زلزله» ترکیبی از خاطره و روایت است که به شیوه‌ای هنرمندانه نوشته شده و از آنجا که جلیل عابدینی در بیان خاطراتش بسیار خوب و کامل عمل کرده است، نویسندگان این اثر در نوشتن متون محاوره‌ای و طنز موقعیت موفق بوده‌اند و این نویسندگان نیز همچنین با قلمی ساده اما دلنشین و روان به نگارش این کتاب پرداخته‌اند. کتاب در قالب یک رمان بلند و در ۵۹ بخش به روایت زندگی جلیل عابدینی از زبان خودش می‌پردازد که هر بخش یک مرحله از زندگی این جانباز را به خود اختصاص داده و روایت‌های بخش دفاع مقدس و عملیات‌هایی که عابدینی شرکت داشته، علاوه بر زندگی شخصی این جانباز به گونه‌ای بیان تاریخ جنگ نیز هست.

## یک ماه خون گرفته

### رونمایی از آخرین اثر غلامرضا رستگار

«یک ماه خون گرفته ۱۱» دربردارنده جدیدترین مراثی سازگار درباره محرم و صفر است که دفتر هنر و ادبیات هلال در آستانه ماه عزای حسینی منتشر کرده است. مراسم رونمایی از جدیدترین اثر غلامرضا سازگار، پیرغلام حسینی و شاعر آیینی ۲۷ شهریورماه با حضور تعدادی از شاعران و مداحان اهل بیت (ع) از جمله حیدر توکل، احمد بابایی، قاسم صرافان، وحید قاسمی، حسین شمسایی و حجت الاسلام والمسلمین فتحی مدیر دفتر هنر و ادبیات هلال، مصطفی خورشیدی مدیر خانه مداحان و غلامرضا سازگار در باشگاه خبرنگاران پویا برگزار شد.

احمد بابایی در این مراسم با اشاره به ارزش کار سازگار در حوزه شعر آیینی گفت: «نسل ما اگر پا در مسیر شعر علی‌الخصوص شعر آیینی گذاشت، مدیون زحمات استاد سازگار است، بیشترین سهم را در این رابطه سازگار برعهده داشت؛ بدون مداخله و مبالغه می‌گویم که پدر شعر آیینی سازگار است. هم‌زی نوکری و هم‌سبک زندگی او الگوست. گاه احساس می‌کنیم که شخصیت استاد از شعرهایش بهتر است و شعرش اسوه کامل برای نسل ماست.»



قاسم صرافان نیز در ادامه این مراسم با اشاره به محتوای غنی شعر سازگار گفت: «برخی فقط خوب شعر می‌گویند، برخی زیاد شعر می‌گویند و برخی نیز هم خوب و هم زیاد شعر می‌گویند. مقام شاعری یعنی اینکه روح و ذهن شاعر با مضمون شعرش گره بخورد. این مقامی نیست که به هر شاعری دست دهد. اینکه شاعر چقدر این مضامین را درونی کند، مهم است و سازگار صدق بارز این دسته از شاعران است. استاد سازگار مصداق بارز انوار اهل بیت (ع) است و این موضوع در کلام و چهره‌شان مشخص است. سازگار عشق، شعر و حب مجسم به اهل بیت (ع) هستند،

هم اهل تولی و هم اهل تبری.»

وحید قاسمی، از شاعران آیینی کشور، در این مراسم با بیان اینکه سازگار برای شاعران جوان آیینی، پدر مهربانی است، گفت: «نسل ما در آغاز کار مورد بی‌مهری بسیاری قرار گرفت، عده‌ای به جای نقد، شاعران جوان را ناسزا می‌گفتند یا شخصیت آنها را تخریب می‌کردند، اما در این مدت سازگار همانند پدر مهربانی بود. گاه برخی از شاعران تنها موضوع شعرشان درباره اهل بیت (ع) است، اما سازگار هم شعر و شعورش و هم متن و بطنش با اهل بیت (ع) است. او از شهرت و اسم و رسمش در دستگاه معصومین (ع) دکان نساخت. «غلامرضا سازگار آخرین سخنران این مراسم بود. او صحبت‌هایش را با توصیه‌هایی برای شاعران آیینی جوان شروع کرد: «به خود بی‌الید. در تمام دنیا هیچ شاعری ممدوحی مانند شما ندارد. شما برای امام حسین (ع) و امیرالمومنین (ع) شعر می‌گویید. شاعران غیر آیینی باید ممدوح خود را بالا بکشند تا شعر شکل بگیرد، اما شما باید شعر را ارتقا دهید تا به ممدوح برسد و این میسر نمی‌شود مگر با عنایت اهل بیت (ع).»

زهیر سازگار، از مداحان اهل بیت (ع) و فرزند غلامرضا سازگار، نیز در ادامه این مراسم در سخنان کوتاهی به ارزش شعری شاعر «یک ماه خون گرفته» اشاره کرد و گفت: «سازگار کسی است که مضمون را فدای سبک نکرد، بلکه سبک را فدای مضمون کرد.»

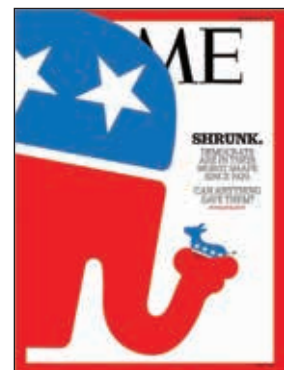
## پیشخوان جهانی



اکنون میست  
از کوربین  
به عنوان  
نخست‌وزیر  
بعدی انگلیس  
نام برد



پیمان تاریخی  
آلمان و فرانسه  
از نگاه لویوئن



تایم به  
ضعف مفرط  
دموکرات‌ها  
در آمریکا  
پرداخته است

دکتر ابراهیمی مدیرعامل بانک انصار:

## ورود هوشمندان به حوزه کسب و کار،

## پیام اساسی تحول بانک انصار



دکتر آیت الله ابراهیمی ورود هوشمندان به حوزه کسب و کار را پیام اساسی تحول بانک انصار دانست که بستر آن را توسعه زیرساخت‌های تکنولوژیک و ساختارهای مدیریتی-دانشی تشکیل می‌دهد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و تبلیغات، دکتر آیت الله ابراهیمی مدیرعامل بانک انصار در همایش سراسری مدیران این بانک، با تبیین راهبردهای اساسی بانک و تعهد آن در راستای اصلاح نظام بانکی کشور گفت: «کاهش نرخ سود سپرده‌ها، اصلاح ساختارهای درآمدی بانک‌ها را در پی دارد. دکتر ابراهیمی پیام مهم فاز ۲ طرح تحول بانک انصار را ورود هوشمندان به حوزه کسب و کار بانک توصیف کرد و افزود: «ما برای رسیدن به هوشمندی نیازمند زیرساخت‌های تکنولوژیک و ساختارهای مدیریتی-دانشی و اجرایی هستیم.»

مدیرعامل بانک انصار در ادامه با تبیین نقش اطلاعات و فناوری‌های نوین در هوشمندسازی حوزه کسب و کار و اهمیت اطلاعات به عنوان دستمایه اولیه این اقدام، بر لزوم به کارگیری حداکثر ظرفیت‌های موجود در راستای اشراف اطلاعاتی نسبت به مشتریان، بازار، رقبا و فضای کسب و کار تاکید کرد و گفت: «اشراف به مدل کسب و کار، اصلاح ساختارهای درآمدی، استفاده از ابزارهای مالی و تکمیل سبد درآمدی و ارتقای توانایی‌های تخصصی، نیازمند دانش فنی متکی به جریان اطلاعات حرفه‌ای است.»

مدیرعامل بانک انصار توجه جدی و دقیق به شناخت بازار، مشتریان، بانک، رقبا، حوزه‌های کسب و کار، تکنولوژی، میدان‌های بازی یا پلتفرم‌ها، نرم‌افزارها، اپ‌ها و استارت‌آپ‌ها را در فرآیند هوشمندسازی رهگشا و ضروری قلمداد کرد و گفت: «چشم انداز گسترده و هوش تجاری، همراه با نوآوری و خلاقیت امروز بیش از هر چیز دیگری مورد نیاز

فرآیندهای هوشمندسازی بانک است.»  
دکتر ابراهیمی همچنین پیرامون حوزه وام و تسهیلات بیان داشت: «بانک انصار به سمت پرداخت وام و تسهیلات خرد و توسعه بانکداری خرد ریل گذاری شده است.»  
مدیرعامل بانک انصار در پایان، طرح‌رضوان را که از طرح‌های پیشروی بانکی است؛ طرح دائمی و ماندگار در قالب عقود مبادله‌ای بانک نامید و از سپرده‌های امتیازی (طرح نافع) و طرح حاتم به عنوان اولویت‌های بانک در سال جاری یاد کرد.

## بیانیه بانک انصار به مناسبت هفته دفاع مقدس

این بیانیه راهبردها و سناریوهای نظام سلطه و استکبار در مصاف با انقلاب اسلامی را پیچیده و دارای ابعاد گوناگون فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دانسته و با اشاره به لزوم حفظ هوشمندی همه‌جانبه نسبت به آن و نیز اهمیت هوشیاری نسبت به رفتار حاکمان آمریکا، رژیم صهیونیستی و ارتجاع منطقه خاطر نشان کرده است: «تجربه تاریخی، بیانگر این واقعیت است که آمادگی دفاعی، ارتقای روحیه سلحشوری، مقاومت و حمایت معنوی از مظلومان در سراسر جهان، ضرورتی گریزناپذیر و مطالبه‌ای بحق است که همواره باید به صورتی هوشمندانه و حساب شده مورد توجه آحاد ملت و مسئولان کشور قرار گیرد.»

این بیانیه در پایان با پاسداشت یاد و خاطره حماسه‌سازان عاشورایی هشت سال دفاع مقدس و تجدید میثاق با امام شهیدان و بیعت با خلف صالح ایشان امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و دعوت از اقشار و آحاد ملت بزرگ و حماسه‌ساز ایران اسلامی برای گرامیداشت پرشور و گسترده هفته دفاع مقدس در سراسر کشور آورده است: «مدیران و کارکنان بانک انصار به عنوان بانکی ارزشی و پاینده به مبانی انقلاب اسلامی، همواره آمادگی خویش را برای خدمت به جامعه انقلابی حفظ کرده و وظیفه خود می‌دانند در فرصت‌های فراوان، همراه با ملت ایران به ارتقای جایگاه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران اهتمام ورزیده و با گرامیداشت این ایام خجسته، به ایفای نقش‌های خود در پایبندی به آرمان‌های بلند شهیدان و ایثارگران سرافراز و والامقام بپردازد.»



برتر منطقه‌ای و ایفای نقش بازیگری فرمانطقه‌ای را برای ایران رقم زده و قدرت‌های بین‌المللی را به آن معترف ساخته است، محصول مجاهدت‌های تاریخ‌ساز و روح مقاومت، جهاد و شهادت طلبی تربیت یافتگان مکتب ولایت و امامت در هشت سال دفاع مقدس و مقاطع پس از آن است.»

در ادامه این بیانیه فرهنگ و ارزش‌های دفاع مقدس نیاز همیشگی جامعه ایران، به ویژه نسل جوان قلمداد و با تاکید بر نقش آن در تداوم راه پر فروغ شهیدان و حماسه‌سازان انقلاب اسلامی تصریح شده است: «روحیه مقاومت و ایثارگری در جامعه، سرمایه‌ای فناپذیر به شمار می‌آید که انقلاب اسلامی را در مواجهه با چالش‌ها، بحران‌ها و مشکلات ناشی از سناریوهای جبهه معاندین، از جمله «تحریم»، «تهدید» و «توطئه‌های تروریستی» مصون می‌دارد.»

بانک انصار در بیانیه‌ای با گرامیداشت هفته دفاع مقدس و سی و هفتمین سالگرد آغاز ایام مقاومت و پایداری قهرمانانه ملت بزرگ ایران در جنگ تحمیلی هشت ساله؛ اقتدار دفاعی، قدرت بازدارندگی، نفوذ منطقه‌ای انقلاب اسلامی و نقش پیشستانانه و ممتاز امروز آن در دفاع از مظلومان را مرهون هدایت‌های راهبردی امام خمینی (ره) و جانشین فرزانه‌اش امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و حماسه‌های بی‌بدیل دفاع مقدس دانست.

در این بیانیه آمده است: «هفته دفاع مقدس یادآور طلیعه یکی از تابناک‌ترین مقاطع حیات طیبه ملت سلحشور ایران است که در آن ملتی رها شده از دیکتاتوری هزاران ساله، گرفتار تهاجم ددمنشانه رژیم خون‌خوار شد و فرصتی را به دست آورد تا ضمن دفع تهدید و شر صدام و رژیم بعثی عراق و مأیوس کردن حامیان استکباری‌اش، نسلی از جوانان با ایمان، ایثارگر و حماسه‌آفرین را به جهانیان معرفی کند و تاریخ مبارزات ضد استعماری در دوره معاصر را به گونه‌ای شگفت‌انگیز دگرگون سازد.»

این بیانیه می‌افزاید: «دفاع مقدس ملت شریف ایران و فرزندان غیور، شهادت طلب و شفیقه امام (ره)، آن چنان پژواکی در صحنه حیات مردم منطقه داشت که آثار آن به‌رغم سیاه‌نمایی‌های نظام‌های استکباری و جنایت‌گری و فتنه‌آفرینی‌های گروه‌های تکفیری و سلفی هر روز بیش از پیش نمایان می‌شود و بیداری روزافزون را برای امت اسلام و مردم تحت ستم جهان به ارمغان می‌آورد.»

این بیانیه خاطر نشان کرده است: «قدرت بازدارندگی دفاعی و بالندگی علمی امروز جمهوری اسلامی که جایگاه



## اثر بخشی فرآیندهای راهبردی در گرو مدیریت ریسک است

این مدیریت است. «مدیریت ریسک با ایجاد رویکردی منظم و سیستماتیک کمک می‌کند که برای دستیابی به اهداف تعیین شده، اثر بخشی فرآیندهای راهبری، ریسک‌ها را کنترل و آنها را ارزیابی کرده و بهبود بخشد.»

وی با تأکید بر مزایا و حسن مدیریت ریسک در ارکان اقتصادی کشور و به خصوص مجموعه‌های مالی تأکید کرد: «مدیریت ریسک جزء لاینفک ارکان اقتصادی کشور است. سنجش عملکرد و بازدهی اقتصادی با سطح ریسک فعالیت‌های اقتصادی سنجیده می‌شود، بنابراین جدای از اینکه مدیریت ریسک توسط چه واحد سازمانی صورت پذیرد، همه مجموعه‌های اقتصادی در فعالیت‌های خود اظهار نظر مدیریت ریسک را در تصمیم‌گیری‌های خود لحاظ می‌نمایند.»

مدیریت ریسک یکی از حوزه‌های کمتر شناخته‌شده در سیستم‌های مالی و بانکی است که بانک‌ها و موسسات اعتباری اهمیت آن را به خوبی دریافته‌اند و می‌دانند که فقدان این مدیریت در مجموعه می‌تواند باعث بروز رخداد‌های ناگواری در حیطه فعالیت‌های مالی شود.

به گزارش روابط عمومی موسسه اعتباری کوثر؛ سید محمد اکبر السادات مدیر ریسک با اشاره به مأموریت مدیریت ریسک در بانک‌ها، سازمان‌های مالی و سرمایه‌گذاری گفت: «ارائه خدمات اطمینان بخشی، مشاوره‌ای مستقل و بیطرفانه به اعضای هیات عامل و هیات مدیره، ایفای نقش بازوی اجرایی کمیته عالی مدیریت ریسک به منظور شناسایی، پایش و کنترل ریسک‌های موسسه در راستای ایجاد ارزش افزوده و بهبود عملیات آن همگام با کاهش ریسک‌های مخاطرات از جمله وظایف سازمانی



## اقدام کوثر در ترویج سنت پسندیده قرض الحسنه

### قابل تحسین است

نیز بسیار دشوار است و توجه ویژه کوثر به ترویج قرض الحسنه بابت حضور موثر و سالم شما در این عرصه بوده است.»

نماینده مردم قم تصریح کرد: «اینکه موسسه اعتباری کوثر علاوه بر فعالیت‌های روزمره اقتصادی و انجام وظیفه ذاتی خود به امور فرهنگی، ارزشی و حفظ ارزش‌های دفاع مقدس توجه ویژه دارد، بسیار مبارک و عملکرد خوب شما در گزارش‌هایی که دریافت می‌شود موبد این مطلب است.»

تا برای خدا و بانی خدمت در هر جایگاهی که هستیم کار کرده و گام برداریم. این رمز موفقیت است.

عضو هیات رئیسه مجلس با تأکید بر اهمیت فعالیت‌های پولی بانکی افزود: «از آنجایی که مردم با مشکلات فراوان و متعدد به شما مراجعه می‌کنند، دقت و حوصله شما در پاسخگویی به مشتریان همراه با رعایت قوانین و مباحث بانکی بسیار حائز اهمیت است و از طرفی باتوجه به فضای رقابتی بین بانک‌ها و نهادهای مالی، حضور اثرگذار و در عین حال سالم

احمد امیرآبادی فراهانی، نماینده مردم استان قم در مجلس شورای اسلامی و عضو هیات رئیسه مجلس از شعبه مرکزی و سرپرستی موسسه اعتباری کوثر در استان قم بازدید و در جلسه کارکنان حضور یافت.

به گزارش روابط عمومی موسسه اعتباری کوثر؛ احمد امیرآبادی فراهانی در این دیدار ضمن تسلیت ایام ماه محرم الحرام گفت: سیدالشهدا (ع) از تمام داشته‌های خود گذشت تا دین خدا را برجا بماند و این درس بزرگی است

## کلیدهای گفتن و شنیدن با کودکان و نوجوانان

نام مؤلف: آدل فابر، الین مازلیش / مترجم: زهرا جعفری

ناشر: مؤسسه انتشارات صابرین

تعداد صفحات: ۲۷۳



پیش از تألیف این کتاب، خانم فابر و خانم مازلیش در حوزه ارتباط میان بزرگسالان و کودکان، فعالیت‌های بسیاری داشته‌اند که ازجمله آن‌ها می‌توان به کارگاه‌هایی اشاره کرد که ویدئوهای آن‌ها هزاران مخاطب داشته است. طبیعتاً مخاطب برنامه‌های او، در درجه‌ی نخست، والدین و معلمان هستند که برقرار ساختن یک ارتباط سالم با کودکان و نوجوانان، بیش از هر چیز دیگر، برایشان از اهمیت برخوردار است. این کتاب، حاصل سال‌ها کار و تجربه حرفه‌ای این دو نویسنده است و می‌تواند در خصوص درگیری‌های والدین با فرزندانشان، برای آن‌ها بسیار راهگشا باشد. پدر و مادرهایی که در میان حجم انبوه اطلاعات در دنیای امروز، گاهی سردرگم می‌شوند؛ این کتاب از مجموعه کتاب‌های «کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان» است که مخاطب اصلی آن‌ها والدین هستند و سعی دارند تا یک سلسله راهبردهای عملیاتی را در اختیار پدر و مادرهای امروزی قرار دهد.

مؤسسه انتشارات صابرین کتاب حاضر را با عنوان «کلیدهای گفتن و شنیدن با کودکان و نوجوانان» به چاپ رسانیده؛ اما این کتاب، پیش‌ازاین هم با عنوان‌هایی مانند «به بچه‌ها گفتن، از بچه‌ها شنیدن» و «چگونه به کودکمان گوش کنیم و چگونه با او صحبت کنیم؟» توسط ناشران دیگری به چاپ رسیده بود.

این کتاب شامل هفت فصل است که در فصل اول، بحث کنار آمدن کودک با احساساتش مطرح می‌شود. در این فصل احساسات مختلف کودک، اعم از خشم، ترس و ... و نحوه‌ی مقابله‌ی با آن، بررسی می‌شود. از فصل دوم تا ششم، به ترتیب، مباحث مربوط به جلب همکاری، جایگزین‌های تنبیه، تشویق به استقلال، تحسین و تمجید، و آزاد کردن کودکان از نقش بازی کردن، طرح‌شده و به‌صورت بسیار کاربردی، با مثال‌ها و تمرین‌های متنوع، راهکارهایی در این زمینه‌ها ارائه می‌شود. درنهایت، در فصل هفتم، مؤلفان به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و بیان اهداف خود از این کتاب، می‌پردازند.

